



مرکز طبی کودکان



دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی تهران

37th International Congress on Pediatrics
سی و هفتمین همایش بیماری های کودکان

23rd Congress on Pediatric Nursing
بیست و سومین همایش پرستاری کودکان

کتابچه خلاصه مقالات بخش پرستاری

Abstracts Book

پیام رئیس همایش

اساتید ارجمند، همکاران گرامی، یاران گرانمایه

با افتخار، سی و هفتمین همایش سالانه بین‌المللی بیماری‌های کودکان در دانشگاه علوم پزشکی تهران، به عنوان کهن‌ترین و پیشروترین مرکز آموزشی طب کودکان در کشور، برگزار می‌شود. این همایش، همچون سال‌های گذشته، فرصتی بی‌نظیر برای گردهمایی متخصصان و فوق تخصص‌های اطفال، پزشکان عمومی، جراحان اطفال، رادیولوژیست‌ها، محققان علوم پایه (ژنتیک، بیوشیمی، ایمونولوژی، سلول‌های بنیادی و...) و فعالان حوزه پزشکی اجتماعی و سلامت کودک فراهم می‌آورد. تجربه موفق برگزاری ۳۶ دوره پیشین، این کنگره را به یکی از ارکان کلیدی ارتقاء علمی کشور در حوزه سلامت کودکان تبدیل کرده است.

تمرکز همایش در سال‌های اخیر بر محورهای مهمی همچون کاهش مرگ‌ومیر کودکان، کنترل بیماری‌های تنفسی و گوارشی، ارتقاء سلامت جامعه کودک و به‌ویژه توجه به چالش جوانی جمعیت بوده است.

در راستای تعامل بین‌رشته‌ای و باور به هم‌افزایی دانش، این رویداد به‌صورت دو بخش مجزای پزشکی و پرستاری برگزار می‌شود تا همکاران پرستار نیز از فرصت بازآموزی و تبادل تجربیات علمی با پزشکان بهره‌مند گردند.

همچنین برای شانزدهمین سال پیاپی، بخش ویژه‌ای به محققان جوان و دانشجویان علوم پزشکی اختصاص یافته است. این بخش با همکاری کانون استعدادهای درخشان و مرکز پژوهش‌های دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران، بستری ارزشمند برای ورود نسل جوان به حوزه پژوهش‌های بالینی و بنیادی در طب اطفال ایجاد کرده است. مقالات برگزیده این بخش، در قالب ارائه سخنرانی و پوستر علمی مورد تقدیر قرار خواهند گرفت.

در همایش امسال، توجه ویژه‌ای به نقش فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی، سلول‌درمانی و پزشکی دقیق در سلامت جنین، کودکان و نوجوانان معطوف شده است. این نگاه آینده‌نگر، نشان از تلاش کنگره برای پیوند میان علم روز، درمان مؤثر و ارتقاء سلامت جامعه دارد.

پیام دبیر علمی بیست و سومین همایش پرستاری کودکان



با سپاس از الطاف الهی و همراهی اندیشمندان، فرهیختگان و پرستاران فرزانه‌ای که جان و دل خویش را وقف سلامت نسل آینده کرده‌اند؛ مفتخریم که در همایش پرستاری کودکان ۱۴۰۴ با شما همراه هستیم.

پرستاری کودک، تنها مراقبت از جسم کوچک و آسیب‌پذیر نیست؛ بلکه مراقبت از نهاد جامعه، آینده بشریت و معنای انسان بودن است. در جهانی که مرزهای علم، فناوری، اخلاق و طبیعت به سرعت در حال دگرگونی است، پرستاری کودکان نیز نیازمند بازنگری، بازآفرینی و هوشمندسازی است.

با شعار الهام‌بخش "پرستاری در تراز آینده: هوشمندسازی مراقبت، سلامت پایدار کودک، خانواده و پرستار" بر آن شدیم تا بستری علمی، مشارکتی و آینده‌نگر فراهم آوریم؛ بستری که در آنچشم‌اندازهای نو در پرستاری کودک بررسی می‌شود، فلسفه‌های بنیادین مراقبت و نگاه‌های جامع و خانواده‌محور تقویت می‌شوند، تحول دیجیتال، هوش مصنوعی و اخلاق در مراقبت به بحث گذاشته خواهد شد، و از تاب‌آوری پرستار، توانبخشی کودک، تا سلامت روان خانواده‌ها سخن گفته خواهد شد.

امید است این همایش، نه تنها نقطه‌ای برای تبادل دانش، بلکه مجالی برای بازاندیشی در معنای مراقبت در قرن ۲۱ باشد؛ مراقبتی که هم‌زمان علمی، انسانی، فناورانه و عادلانه است.

از همه اندیشمندان، دانشجویان، پرستاران، مربیان و سیاست‌گذاران دعوت می‌کنیم تا با ما همراه شوند؛ با اندیشه، تجربه، و تعهد خود، افق‌های تازه‌ای در پرستاری کودک ترسیم کنند.

با احترام و آرزوی تندرستی و نیک‌روزی

دکتر فاطمه خوشنوی فومنی

دبیر علمی همایش پرستاری کودکان ۱۴۰۴



پیام دبیر اجرایی بیست و سومین همایش پرستاری کودکان

با قلبی سرشار از سپاسگزاری به درگاه خداوند متعال که توفیق برگزاری یکسال دیگر همایش پرستاری بیماریهای اطفال را به ما عطا فرمود با افتخار مسئولیت دبیر اجرایی این همایش را بر عهده دارم تا شاهد گردهمایی جمعی از برجسته ترین متخصصان و دلسوزان جامعه پرستاری در عرصه سلامت کودک باشیم و با تلاش همکاران بستری فراهم شود تا آخرین دستاوردهای علمی و بالینی برای جویندگان دانش تبادل و به اشتراک گذاشته شود.

از تمامی اساتید، همکاران و دانشجویان علاقه مند دعوت می نمایم با هنر ارزشمندشان به غنای علمی این رویداد بیفزایند. هر کودکی که میخندد یادآور این حقیقت است که جهان هنوز زیباست و وظیفه ما حفظ این زیبایی با علم و تعهد و عشق است. با احترام و آرزوی تندرستی و نیکروزی
ماهرخ گلدوست
مدیر پرستاری بیمارستان مرکز طبّی کودکان
دبیر اجرایی همایش پرستاری کودکان ۱۴۰۴

Table of Contents

Investigating the Level of Knowledge, Attitude and Performance Students Regarding the Applications of Artificial Intelligence in Nursing	13
Spiritual Interventions for Children in Crises and War: A Review Study.....	14
Enhance the self-efficacy of mothers of premature infants in NICU by Teach-back-based training	15
Moral Distress among Pediatric Intensive Care Unit Nurses: An Examination of Individual, Organizational, and Environmental Factors	16
The effect of continuous care program on parental care burden and emotional problems in children with phenylketonuria	17
“Examining the Factors Associated with Self-Efficacy in Diabetes Management: A Systematic Review”.....	18
"Mindful Journey" Exploring the Informational Behavior of Mothers of Children with Leukemia During the Care Transition to Home: A Qualitative Study	19
A Case Report of Successful Treatment Following Drug Hypersensitivity and Stevens-Johnson Syndrome	20
A Comparative Study on the Effect of Teaching Methods of Demonstration Activities, Storytelling and Common Activities on Physical and Motor Growth of Preschool Children in Boroojerd city in 1397.	21
A review of Challenges Associated with the Implementation of Family- Centered Care in the NICUs of Developing Countries: Challenges and Solutions.....	22
A review of the use of virtual reality in reducing pain and anxiety in children undergoing invasive treatments.....	23
A Review Study on Sensory Processing Sensitivity in Mothers of Children with Autism Spectrum Disorder	24
A Systematic Review of the Role of Nurses in Promoting the Psychological Well-being of Hospitalized Children	25
A Systematic Review: Pediatric Nursing at the Edge of Change—Disasters, Migration, and Climate Change.....	26
Advances in Family-Centered Care in the Neonatal Intensive Care Unit (NICU).....	27
Advancing Post-Discharge Care for Premature Infants: A Comprehensive Framework	28
An analysis of the research trend of artificial intelligence in nursing in Tehran children's hospitals	29
Application of Explainable AI Models for Real-Time Pediatric Nursing Assessment: Improving Clinical Accuracy and Family-Centered Care	30

Applications of Telenursing in the Management of Pediatric Type 1 Diabetes: A Systematic Review	31
Aromatherapy with rose water and peppermint in managing pain a in children after abdominal surgery: A supportive approach for family-centered care	32
Artificial Intelligence as an Effective Factor in Pediatric Emergency: A Review of the Application of Modern Algorithms in the Diagnosis and Management of Asthma	33
Artificial intelligence in pediatric nursing: A systematic review of opportunities, challenges, and management roles	34
Assessing the health status of Iranian children regarding World Health Organization (WHO) guidelines	35
Assessment of Nutritional Outcomes and maternal sense of competence in Preterm Infants Fed with Mother's Own Milk versus Donor Human Milk in Neonatal Intensive Care Unit: a cross-sectional study in Iran	36
Atraumatic Care During Invasive Procedures for Children: A review article.....	37
Causes of readmission of diabetic children within 1 month after discharge to Zahra Mardani Azari Children's Hospital, Tabriz	38
Challenges and Nursing Strategies in the Care of Infants with Cleft Lip and Palate: A Systematic Review and Evidence-Based Clinical Algorithm Design.....	39
Chemotherapy side effects in children and adolescents with leukemia and its relationship with maternal treatment information.....	40
Child abuse and its consequences on parents and family: A qualitative study.....	41
Children's health challenges in water scarcity: An analysis of the role of pediatric nursing in care and education	42
Communication challenges caused by wearing masks and strategies used by pediatric nurses during the COVID-19 pandemic: A qualitative study	43
Comparing Hematological Indices of People with Iron Deficiency Anemia, Thalassemia Minor and Major, and Healthy People.....	44
Comparing the effect of listening to music and watching cartoon on pain and physiological indices caused by venipuncture in children: A randomized controlled trial.....	45
Design and Effectiveness of a Smart Digital Parenting Program for Preventing Internet Addiction in Children: A Family-Centered Media Literacy Educational Approach	46
Digital Ethics in Care: Equity-Centered AI Frameworks in Pediatric and Family Nursing.....	47
Digital parenting and the role of nurses in promoting children's mental health in cyberspace	48
Digital storytelling in pediatric nursing care	49
Effect of a resilience-based educational program on the spiritual well-being of labor children: A randomized controlled trial	50

Effectiveness of an AI-Based Health Education Platform in Enhancing Family Health Literacy, Parental Caregiving Self-Efficacy, and Nurse-Family Interaction	51
Effectiveness of Corrective Exercise Programs on Musculoskeletal Function and Recovery in Hospitalized Pediatric Patients with Cerebral Palsy, Juvenile Idiopathic Arthritis, and Scoliosis: A Systematic Review	52
Effectiveness of Mindfulness Based Interventions on Stress Among Caregivers of Children with Chronic Illnesses: Systematic Review	53
Effectiveness of Play Therapy for pain and Anxiety Relief in Children Following Surgery: A Systematic Review	54
Effects of pinwheel blowing and stress ball squeezing on children's pain and anxiety during IV catheterization: a randomized controlled trial.....	55
Empowering Nurses in Providing Psychological Support and Enhancing Social Adaptation of Children and Families: An Innovative Interventional Approach.....	56
Enhancing Social Interactions in Children with Autism through a Play-Based Approach	57
Epidemiology of accidents in children aged 1-59 months in the pre-hospital emergency of Kermanshah-Iran during 2021 to 2023	58
Evaluating the performance of baby-friendly hospitals of Isfahan University of Medical Sciences in 2024	59
Evaluation of causes and outcomes of discharge with the personal consent of patients admitted to Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia, 2024.....	60
Explaining the challenges of caring for mothers with premature babies: A qualitative study	61
Factors Associated with Eating Disorders in Children with Type 1 Diabetes: A Cross-Sectional Study	62
Family at the Heart of Healing: A Systematic Review of the Transformative Power of Family-Centered Care in Child Health.....	63
Family Centered Nursing Education in Pediatric Type 1 Diabetes: A Narrative Review.....	64
Family-Centered Care in Pediatric Nursing: Outcomes and Future Considerations	65
Family-Centered Nursing Care and Parental Satisfaction: Insights from Nurses and Parents	66
Family-Centered Nursing Strategies for Reducing Child Vulnerability in Natural Disasters.....	67
Feeding Fortification in Preterm Infants.....	68
Generative Artificial Intelligence (GenAI) in Critical Care Nursing: A New Approach	69
Harnessing Machine Learning for Early Prediction of Neonatal Sepsis: An Integrative Review	70
Hypnosis-derived Communication in Pediatric Medical Procedures: A Scoping Review of Evidence, Applications, and Future Research Directions.....	71

Impact of Nursing-Led Immunonutrition Programs on Immune Reconstitution and Infection Reduction in Pediatric Hematopoietic Stem Cell Transplant Recipients	72
Impact of Structured Discharge Planning on Readmission Rates, Caregiver Preparedness, and Continuity of Care in Pediatric Nursing	73
Impact of Teach-Back-Based Training on Maternal Discharge Readiness and the Readmission of Preterm Infants to NICU: A Quasi-Experimental Study	74
Improving Children's Health with Corrective Exercises: A Solution for Text Neck Syndrome ..	75
Integrating Artificial Intelligence into Child and Family Health Care and Promotion: A Review of Applications, Implications, and Challenges	76
Integrating Cutting-Edge Biomechanical Technologies with Nursing Approaches: New Horizons in the Prevention and Rehabilitation of Musculoskeletal Injuries in Pediatric Athletes	77
Intraoperative Fluid Management Strategies in Pediatric Kidney Transplant Recipients and Their Impact on Graft Function: A Systematic Review	78
Investigating factors affecting pediatric obesity: A systematic review	79
Investigating the Causes of Discharge Against Medical Advice in the Emergency Department of Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia, 2024.....	80
Investigating the effect of combined training on the sleep habits of school-age children: A randomized controlled trial	81
Investigating the effect of self-care education based on the Orem self-care model on the quality of life of adolescents with diabetes type 1: A randomized clinical trial	82
Investigating the effect of self-management program implementation on the quality of life of adolescents with epilepsy referring to selected children's hospitals in Tehran.....	83
Investigating the effectiveness of interventions related to the quality of life of mothers with children with leukemia: A systematic review	84
Investigating the effectiveness of self-efficacy-based interventions for mothers of children with cancer: A systematic study.....	85
Investigating the Impact of the Pop It Game on Fear Associated with Venipuncture in Children Aged 3-6 Years Admitted to the Emergency Department of Ali Ibn Abi Talib Hospital, Rafsanjan, 2025.....	86
Investigating the Implementation of Corrective Preventive Measures for Pressure Ulcers Using the HFMEA Method in the Pediatric Intensive Care Unit.....	87
Investigating the level of nurses' attitude towards artificial intelligence applications in hospitals under the supervision of Abadan University of Medical Sciences in 2023	88
Investigating the psychometric properties of the Cybersecurity Behavior Questionnaire in Iranian children	89
Lived Experiences of Mothers in Neonatal Intensive Care about factors affecting sleep mothers: A Qualitative Directed Content Analysis	90

Lived experiences of mothers with children with hyperactivity.....	91
Long-Term Psychosocial Outcomes and Rehabilitation Strategies after Pediatric Burn Injuries: A Systematic Review.....	92
Management of Upper Limb Ischemic Wounds Due to Umbilical Cord Torsion in a Newborn: A Case Report Study.....	93
Meta-Analysis Review: Empowering Parents and Nurses in Facing Caregiving Challenges.....	94
Mortality status of children aged 1 to 59 months, Tehran University of Medical Sciences.....	95
Multidimensional Rehabilitation of Children and Families: From Crisis to Renewal with an Innovative Approach.....	96
Music Therapy, Play Therapy, and Virtual Reality as Nursing Led Anxiolytic Interventions During Pediatric Anesthesia Induction: A Systematic Review of Clinical Evidence	97
Novel Strategies for the Prevention of Intraoperative Hypothermia in Neonatal Surgery: A Systematic Review.....	98
Nurses' competencies in climate-aware care of children	99
Nursing Care for Pediatric Pneumonia in the Emergency Department: Innovative Nursing Approaches	100
Nursing Care in Pain management of Hospitalized Neonates	101
Nursing care of children in health tourism: A comprehensive approach.....	102
Nursing Care Strategies in Management of Neonatal Pertussis	103
Nursing Interventions for the Prevention and Management of Extravasation in Pediatric Patients: A Systematic Review	104
Nursing Interventions to Improve Sleep Quality in Hospitalized Children: A Systematic Review	105
Occupational therapy in educational schools: a systematic review	106
Optimizing Human Milk Nutrient Enrichment for Preterm Infants in the NICU.....	107
Oral Nutritional Challenges in Neonatal Intensive Care Unite	108
Oral Nutritional Challenges in Neonatal Intensive Care Unite	109
Parental Concerns Regarding Hospitalized Children	110
Parental Dimensions of Moral Outrage in Pediatric Nursing: Challenges, Consequences, and Opportunities for Support	111
Parental Involvement in the Mental Health Treatment of Hospitalized Children	112
Pediatric Nursing in the Smart Era: Integrating Artificial Intelligence and Family-Centered Care	113
Positive changes for mothers of children with leukemia: The correlation of social support with caregiving burden.....	114

Prevention of Sudden Infant Death Syndrome: A Review of Risk Factors and Key Strategies	115
Prevention Strategies for Catheter-Associated Urinary Tract Infections (CAUTI) in Pediatric Patients Following Major Urological Surgery: A Systematic Review	116
Psychological Support to Prevent Burnout in Pediatric Nurses.....	117
Remote Monitoring for Preterm Neonates: Healthcare Providers' Perceptions	118
Self-care in nurses working in pediatric intensive care units and strategies for its promotion: A systematic review	119
Short-term and Long-term Outcomes of Open versus Laparoscopic Surgery for Necrotizing Enterocolitis in Neonates: A Systematic Review	120
Smartphone Addiction and Suicidal Ideation in Adolescents: A Narrative Review of Recent Evidence.....	121
Systematic Review of Caring for Little Warriors: Care and Intervention Strategies for Childhood Diarrhea.....	122
Technological Innovations in Pediatric Critical Care Nursing: Emerging Approaches and Applications	123
the application of machine learning in the neonatal intensive care unit: an integrated review ..	124
the application of Mobile health in the neonatal intensive care unit: an integrated review.....	125
The challenge of providing care as an immigrant nurse	126
The Effect of Empathy Skill Training on Therapeutic Communication of Nursing Students in the Care of Hospitalized Children	127
The Effect of Family-Centered Empowerment Model Based on Multimedia Education on the Quality of Life of Children Aged 8-12 Years with Beta Thalassemia	128
The Effect of Home Visits on the Health of Low Birth Weight and Preterm Infants: A Narrative Review	129
The effect of scheduled virtual visits on perceived social support of families of premature infants admitted to the neonatal intensive care unit.....	130
The effect of skin-to-skin contact between father and premature infant on physiological indicators of premature infants	131
The effect of spiritual care on the resilience of mothers of infants with gender ambiguity (hermaphroditism).....	132
The Effective Interventions of Psychological Intervention on Fostering Resilience in Families of Premature Neonates: A Network Meta-Analysis.....	133
The Effectiveness of Family-Centered Care Interventions on Psychological Outcomes of Parents of Hospitalized Children: A Systematic Review	134
The Effectiveness of Parent Empowerment Programs on Motor and Social Skills in Children with Autism Spectrum Disorder: Systematic Review	135

The effectiveness of training nurses in reducing hospital infections in the neonatal intensive care unit (NICU) of Amir al-Momenin A. Genaveh Hospital in 1403.....	136
The effects of the Crohn's Disease Exclusion Diet (CDED) alone versus CDED plus Partial Enteral Nutrition (PEN) on gut microbiome composition in pediatric CD patients.....	137
The Efficacy of Tranexamic Acid in Reducing Blood Loss and Transfusion Requirements in Pediatric Congenital Heart Surgery: A Systematic Review	138
The Impact of Bundled Care Interventions in Pediatric Nursing	139
The impact of nursing managers' intervention strategies on patient safety in children's hospitals	140
The Importance of Maintain the Mother – Infant Dyad in Maternal Support	141
The Perspective of Pediatric Nursing in the Era of Digital and Virtual Health.....	142
The process of breaking bad news in pediatrics and newborn infant settings	143
The relationship between attachment and needs of mothers of children with chronic physical illness.	144
The relationship between attachment and receipt of family-centered care in mothers of children with chronic physical illnesses.....	145
The relationship between receiving family-centered care and the needs of mothers with children with chronic physical illnesses.....	146
The Roadmap of Breastfeeding in Iran: From Policy-Making to Implementation in the Health Sector	147
The Role of Artificial Intelligence and Machine Learning in the Future of Pediatric Nursing: A Review of the Application of AI in Early Disease Diagnosis and Prediction of Treatment Outcomes in Children	148
The role of augmented reality technology in improving self-management of Pediatrics asthma	149
The Role of Digital Parenting Practices in Mitigating Screen Addiction and Enhancing Psychological Well-being in Children: An Integrative Review	150
The Role of Emerging Technologies in Enhancing Social Skills of Children with Autism Spectrum Disorder	151
The Role of Gamification in Enhancing Treatment Adherence Motivation in Children with Cancer: A Systematic Review	152
The Role of Gut Microbiome in Neurobehavioral Disorders in Children: A Systematic Review with Focus on Pediatric Nursing Care and Rehabilitation.....	153
The role of oxytocin in the treatment of autism spectrum disorder in children: A review study	154
The role of pediatric nurses in promoting the health and well-being of the next generation	155

The Role of Play Therapy and Art Therapy in Reducing Post-Traumatic Stress in School-Aged Children: Systematic Review.....	156
The Role of the Nurse in Facilitating Parent Empowerment: Implementing Collaborative Models in Child-Centered Care	157
The role of the nurse in improving the psychological and social adaptation of children with chronic illness and their families.	158
The Role of Trauma-Informed Care in Pediatric Nursing During Disasters: A Systematic Review	159
The Role of Virtual Reality on Pain, Fear, and Anxiety During Port Catheter Placement in Pediatric Oncology Patients: A Systematic Review	160
Title: The Role and Effectiveness of Play Therapy in Improving the Physiotherapy Experience of Children: A Systematic Review.....	161
Unstable Self-perception in children with cancer	162
Using Air Cushion in the Prevention of Occipital Pressure Ulcer in Children Undergoing Heart Surgery	163
Using serious game approach for teaching appropriate behavior regarding security in virtual space to children	164
Using the Internet of Things (IOT) in improving the management of chronic diseases	165
چالش‌های پرستاران در کار با کودکان و راهکارهای مقابله با آن	166
حمایت از حقوق مراقبین سلامت	167
حمایت کیفری از پرستاران و کادر درمان: تضمین امنیت شغلی و ارتقای کیفیت مراقبت از کودکان	168
مهارت‌های ارتباطی پرستار با والدین بیماران و نقش تاب‌آوری در مراقبت‌های پرستاری	169

Investigating the Level of Knowledge, Attitude and Performance Students Regarding the Applications of Artificial Intelligence in Nursing

© P¹ اکرم همتی پور

کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران¹

Abstract:

زمینه و هدف استفاده از هوش مصنوعی اخیراً در زمینه پزشکی و پرستاری افزایش یافته است. که برای سهولت در تشخیص و مراقبت پرستاری به آن بسیار مفید می باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سطح دانش، نگرش و عملکرد دانشجویان پرستاری از هوش مصنوعی انجام شده است. روش بررسی این مطالعه توصیفی از نوع مقطعی می باشد که در زمستان سال ۱۴۰۲ انجام شده است. جامعه مورد مطالعه دانشجویان پرستاری ترم ۲ الی ترم ۸ می باشند با نمونه گیری در دسترس ۲۰۰ دانشجوی پرستاری با رضایت آگاهانه پرسشنامه محقق ساخته دانش، نگرش و عملکرد هوش مصنوعی را که روایی و پایایی شده بود را تکمیل نمودند دادهها با استفاده از آزمونهای آماری توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و با نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها ۲۰۰ دانشجوی پرستاری با میانگین سنی $(\pm 22/90)$ سال مورد بررسی قرار گرفتند میانگین سطح دانش دانشجویان نسبت به کاربرد هوش مصنوعی در پرستاری $(\pm 82/1)$ $(38/11)$ بود که نشان داد ۱۸۲ نفر) ۹۱ درصد) دانش مثبتی دارند. از نظر عملکرد میانگین نمرات دانشجویان $(\pm 40/1)$ $(49/6)$ بدست آمد که اشاره به این موضوع دارد که ۱۱۲ نفر) ۵۶ درصد) عملکرد ضعیفی در این زمینه دارند. از نظر نگرش نیز در اکثر موارد دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به کاربرد هوش مصنوعی در پرستاری دارند. در این مطالعه بالرفتن سن با افزایش سطح دانش و جنسیت مرد نیز بر افزایش سطح نگرش و عملکرد تاثیر گذار بوده است. با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بین دانش و نگرش با عملکرد همبستگی معنادار و مستقیمی وجود دارد $(P=0.01)$. نتیجه گیری اگرچه اکثر دانشجویان عملکرد کافی در استفاده از هوش مصنوعی را در مراقبت های پرستاری ندارند، اما سطح دانش و دیدگاه های مطلوبی در مورد استفاده از هوش مصنوعی در حوزه پزشکی و پرستاری دارند. وزارت بهداشت و سازمانهای بینالمللی باید استفاده از هوش مصنوعی در زمینه پرستاری را پیشنهاد دهد. کلیدواژه ها دانش، نگرش، عملکرد، کاربرد هوش مصنوعی

Spiritual Interventions for Children in Crises and War: A Review Study

Naghmeh Razaghi ¹ © ®, Reyhaneh Omidvar ²

¹ Associate Professor, Department of pediatric nursing, Nursing and Midwifery Care Research Center.
Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

² Student Research Committee School of Nursing and Midwifery, Mashhad University of Medical Sciences,
Mashhad, Iran

Abstract: Introduction and goal: Humanitarian crises such as war, displacement, and natural disasters place children at high risk for psychological and physical harm. In these situations, spiritual and psychosocial interventions can play a supportive role for affected children. This study aimed to review spiritual interventions for children in crises and war settings. Methods: In this review article, studies related to spiritual interventions for children in war and crisis contexts were examined. The databases PubMed, Cochrane, and CINAHL were searched. The search strategy included the keywords: *WAR, disaster, PTSD, spiritual, pediatric*, and studies published in English between 2010 and 2024 were included. A total of 39 articles were initially identified, and after applying inclusion criteria, 10 articles were reviewed. The target population in all studies consisted of children and adolescents affected by war, displacement, or earthquakes. Results: The review of interventions for children exposed to war and terrorism emphasized the importance of providing safety and a sense of security, establishing communication with the child, and addressing their basic needs, including spiritual needs. Recent research shows that spiritual interventions, either directly (e.g., prayer, meaning-making, religious support, and fostering hope) or indirectly (e.g., life narrative reconstruction, spiritually-integrated CBT, and group therapy), significantly improve emotional outcomes for children in crisis situations. Combining evidence-based psychological interventions with spirituality and local cultural practices enhances treatment acceptance and the sustainability of positive effects. Conclusion: In clinical practice and humanitarian planning, spiritual interventions alongside psychological and medical treatments can be considered as part of comprehensive interventions for children. There is a need for further clinical trials with stronger study designs in this field.

Enhance the self-efficacy of mothers of premature infants in NICU by Teach-back-based training

© 2020 فاطمه ولی زاده³، رسول محمدی²، کیمیا کرمی¹، مژگان مصطفی‌نژاد

¹ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

² دانشیار آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

³ استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات بهداشت تغذیه، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

Abstract:

مقدمه: محیط پیچیده و اغلب طاقت فرسای بخش مراقبت ویژه نوزادان (NICU) اغلب برای مادران نوزادان نارس با احساس ترس، اضطراب و عدم اطمینان همراه است. این احساسات می‌تواند به طور قابل توجهی بر توانایی آنها در پیوند با نوزادان تأثیر بگذارد و به سطوح پایین‌تر خودکارآمدی مادر منجر شود. خودکارآمدی، عاملی حیاتی است که بر اعتماد مادر به خود در مراقبت از نوزاد نارس خود تأثیر گذار است. لذا شناسایی روش‌های مؤثرتر تقویت خودکارآمدی آنها اهمیت زیادی دارد. هدف این مطالعه تعیین تأثیر آموزش بازخورد محور بر خودکارآمدی مادران نوزادان نارس بستری در NICU بود. روش کار: این مطالعه نیمه تجربی با شرکت ۶۶ مادر دارای نوزاد نارس بستری در NICU بیمارستان شهید رحیمی شهر خرم‌آباد در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد. گروه کنترل آموزش به روش روتین بخش را دریافت کردند. در گروه مداخله، پرستاران پس از شرکت در کارگاه آموزش بازخورد محور، از این روش در آموزش به مادران استفاده کردند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل فرم ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پرسشنامه خودکارآمدی والدینی بارنس بود. یافته‌ها با آزمون‌های آماری تی زوجی، تی مستقل، اندازه اثر دی کوئن، کای اسکور، و تست دقیق فیشر تجزیه تحلیل شد. یافته‌ها: در شروع مطالعه، بین دو گروه اختلاف معناداری از نظر ویژگی‌های دموگرافیک و میانگین نمرات خودکارآمدی مشاهده نشد. (05/0P) در هر دو گروه مداخله (001/0P) و ۱/۶۲۴ (d=) و کنترل (001/0P) و ۰/۶۷۵ (d=)، بعد از مطالعه، افزایش معناداری در میانگین خودکارآمدی مادران مشاهده شد. پس از مداخله اختلاف بین دو گروه از نظر میانگین نمرات خودکارآمدی معنادار بود (001/0=P) و ۰/۸۸۵ (d=نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد آموزش بازخورد محور باعث بهبود خودکارآمدی مادران نوزادان نارس بستری در NICU شد. لذا آموزش برگشتی می‌تواند با افزایش اعتمادبه‌نفس و احساس شایستگی در مادر؛ تداوم مراقبت نوزاد نارس توسط مادر و سلامت آنها را افزایش دهد. بنابراین توصیه می‌شود پرستاران آموزش بازخورد محور را به عنوان مداخله‌ای مؤثر و ارزشمند در محیط بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بکارگیرند. و مدیران پرستاری زمینه‌ها و مقدمات مورد نیاز برای اجرای آموزش بازخورد محور را در این بخش‌ها فراهم نمایند. واژه‌های کلیدی: آموزش بازخورد محور، مادران، خودکارآمدی، نوزادان نارس. کد اخلاق (Ethics code IR.LUMS.REC.1401.249)

دانشگاه علوم پزشکی لرستان

Moral Distress among Pediatric Intensive Care Unit Nurses: An Examination of Individual, Organizational, and Environmental Factors

⁴ مهرداد قاسملو، ©، ³ میرامیر حسین سیدنظری، ©، ² سمیه قربانی، ¹ امیر محمد درستی

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

² کارشناسی ارشد، رشته پرستاری اورژانس، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

³ کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

⁴ کارشناسی ارشد، رشته مراقبت ویژه نوزادان، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

Abstract:

چکیده: مقدمه: پرستاران به صورت مستمر با مسائل و معضلات اخلاقی متعددی در محیط کار خود روبرو هستند. این چالش‌ها در بخش‌های ویژه کودکان، به دلیل حساسیت‌های سنی و وضعیت خاص بیماران خردسال، پیچیده‌تر بوده و نیاز به دقت و توجه بیشتری دارند. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر فرسودگی اخلاقی در پرستاران شاغل در بخش‌های مراقبت‌های ویژه کودکان است. روش کار: این مطالعه به روش مرور سیستماتیک در سال ۱۴۰۴ انجام شده است. جستجوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبری همچون Science Direct، Scopus، Google Scholar و PubMed بدون هیچ محدودیت زمانی صورت گرفت. برای جستجو، از کلیدواژه‌های "فرسودگی اخلاقی"، "بخش مراقبت‌های ویژه کودکان" و "پرستار کودک" استفاده شد. برای ارزیابی کیفیت مقالات انتخاب‌شده، از ابزارهای معتبر CASP بهره گرفته شد. از میان ۴۶۰۰ مقاله یافت‌شده، در نهایت ۲۲ مقاله که دارای معیارهای ورود بودند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. یافته‌ها: بررسی پژوهش‌های منتخب نشان داد که سطح فرسودگی اخلاقی در میان پرستاران شاغل در بخش‌های ویژه کودکان در حد متوسط است. عواملی مانند ویژگی‌های جمعیتی، خصوصیات فردی، شرایط سازمانی و ویژگی‌های محیط کار، همگی با میزان پریشانی اخلاقی رابطه‌ای معنادار داشتند. همچنین، نتایج نشان داد که فرسودگی اخلاقی می‌تواند به صورت مستقیم بر تمایل پرستاران به ترک شغل و تصمیم نهایی آن‌ها برای استعفا تأثیر بگذارد. نتیجه‌گیری: پرستاران بخش مراقبت‌های ویژه کودکان، به دلیل شرایط خاص شغلی، در معرض خطر بالاتری از فرسودگی اخلاقی قرار دارند. بنابراین، اتخاذ رویکردهای حمایتی و مدیریتی مناسب با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی، عوامل سازمانی و شرایط محیط کار می‌تواند در کاهش فرسودگی اخلاقی و به دنبال آن، کاهش نرخ ترک شغل در این گروه از پرستاران مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: فرسودگی اخلاقی، بخش مراقبت‌های ویژه کودکان، پرستار کودک

The effect of continuous care program on parental care burden and emotional problems in children with phenylketonuria

¹ دکتر سید فاطمه قاسمی, ³ دکتر فاطمه ولیزاده, ² سیمین زندیه شیرازی, ¹ © دکتر کیمیا کرمی

¹ استاد دانشکده پرستاری خرم آباد

² استاد دانشگاه علوم پزشکی خرم آباد

³ دانشجوی ارشد کودکان دانشگاه علوم پزشکی خرم آباد

Abstract:

فنیل کتونوری یا PKU یک بیماری ژنتیکی است که به عنوان یک صفت اتوزومی مغلوب به ارث می رسد و ناشی از عدم وجود آنزیم فنیل آلانین هیدروکسیلاز مورد نیاز برای متابولیسم اسیدآمینۀ ی ضروری فنیل آلانین است که در آن آنزیم کبدی فنیل آلانین هیدروکسیلاز که تبدیل فنیل آلانین به تیروزین را کنترل می کند، وجود ندارد و منجر به تجمع فنیل آلانین در خون می شود. مطالعات نشان دادند که فنیل کتونوری بیماری دشواری است که هم بیماران و هم والدینشان را به دلیل الزامات رژیم غذایی، هزینه های بالای تهیه فرمولای مخصوص، نیاز به پیگیری و معاینات منظم و احتمال بروز ناتوانی ذهنی و اختلالات روان پزشکی تحت فشار قرار می دهد و بیماران و والدین آنها سطوح بالایی از استرس، اضطراب و بار روانی را تجربه می کنند و لازم است یک برنامه پیگیری طبق یک روش مدون و برنامه ریزی شده انجام شود. این مطالعه مروری با جستجو در سایت های Google Scholar، PubMed، Science Magiran، Sid، با کلید واژه های فارسی والدین، کودکان فنیل کتونوری، مراقبت پیگیر، بار مراقبتی، مشکلات هیجانی - عاطفی و انگلیسی Parents, Phenylketonuria, Patient Care Continuity, Caregivers, Caregiver Burden, Emotions, Emotional Distress و ترکیبی از این واژه ها در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۲۵ انجام گرفت. جمعاً ۳۸ مقاله جمع آوری شد که از آنها ۱۰ مقاله انتخاب و نقد گردید. مرور نظام مند شواهد بر اهمیت نقش شبکه های اجتماعی در حمایت از خانواده ها، به ویژه مادران دارای فرزند مبتلا به PKU تأکید دارد. اجرای مدل مراقبت پیگیر برای والدین کودکان مبتلا به فنیل کتونوری منجر به افزایش خودکارآمدی والدین و کاهش بار مراقبتی آنان می شود. بنابراین پیشنهاد می شود جهت حمایت از والدین این گروه خاص، استفاده از این مدل مراقبتی همزمان با فرآیند ترخیص کودک مورد توجه کادر درمان قرار گیرد. مشکلات هیجانی، رفتاری و روان شناختی در کودکان مبتلا به فنیل کتونوری و والدین آنان بسیار شایع است و بار مراقبتی بالایی بر خانواده ها تحمیل می شود. مطالعات، نیاز به مداخلات حمایتی ساختارمند جهت کاهش فشار روانی والدین و بهبود وضعیت هیجانی و رفتاری کودکان را مورد تأکید قرار می دهد. پیشنهاد می شود پژوهش های کلینیکال تراپال آینده باید بر طراحی مطالعات متنوع تر و استفاده از نمونه های بزرگ تر در محیط های پژوهشی دیگری انجام شوند. همچنین مطالعات مداخله ای می توانند به ارتقای بهزیستی والدین کمک کنند.

“Examining the Factors Associated with Self-Efficacy in Diabetes Management: A Systematic Review”

¹ دکتر نفیسه حکمتی پور، © P، ¹ سارا سیاح پور

گروه پرستاری، واحد علی آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آبادکتول، ایران ¹

Abstract:

مقدمه: خودکارآمدی از سازه‌های محوری مدل‌های تغییر رفتار و پیش‌بینی‌کنندهٔ کلیدی پیامدهای خودمراقبتی در دیابت است. با وجود مطالعات متعدد، عوامل فردی، بالینی و زمینه‌ای مرتبط با آن به‌صورت یکپارچه مرور نشده‌اند. این مرور نظام‌مند باهدف شناسایی و سنتز شواهد عوامل مرتبط با خودکارآمدی در مدیریت دیابت نوع ۱ و ۲ و تبیین نقش‌های واسطه‌گری/تعدیل‌گری آن بر پیامدهای بالینی و رفتاری انجام شد. روش کار: جست‌وجوی جامع در پایگاه‌های Web of Science، Scopus، PubMed/MEDLINE، CINAHL، PsycINFO و پایگاه‌های بومی (SID)، (MagIran) به‌همراه منابع خاکستری صورت گرفت. معیار ورود: مطالعات کمی اصیل بر روی بیماران ≤ 18 سال مبتلا به دیابت که خودکارآمدی را با ابزارهای معتبر (DMSSES، Stanford، DES-SF، CIDS، GSE) سنجیده و ارتباط آن را با عوامل فردی، بالینی یا زمینه‌ای یا پیامدهای مدیریت دیابت گزارش کرده بودند. مرورها، مطالعات کیفی، مقالات غیر فارسی/انگلیسی فاقد دادهٔ قابل استخراج و جمعیت‌های غیرقابل تعمیم حذف شدند. استخراج داده به‌صورت دوگانه و مستقل با داور سوم و ارزیابی کیفیت با RoB-2، Newcastle-Ottawa و JBI انجام شد. گزارش مطابق PRISMA-2020 بود. یافته‌ها: خودکارآمدی حاصل تعامل عوامل چندسطحی بود؛ سواد سلامت، دانش دیابت، انگیزش درونی و تنظیم هیجان آن را تقویت و افسردگی، اضطراب و دیسترس دیابتی کاهش می‌دادند. حمایت اجتماعی از خانواده و همسالان و رابطه مؤثر با تیم درمانی اثر مثبت داشت، درحالی‌که موانع اقتصادی و محدودیت دسترسی به آموزش اثر منفی داشت. از نظر بالینی، کنترل قند، پایبندی دارویی، رژیم غذایی و فعالیت بدنی با خودکارآمدی بالاتر همسو بودند. مداخلات آموزشی ساختارمند، مراقبت تیمی و فناوری‌های دیجیتال بیشترین اثر را هنگامی داشتند که مستقیماً بر تقویت خودکارآمدی از طریق بازخورد اختصاصی، تجربه موفق، سرمشق‌گیری و حمایت روانی متمرکز بودند. خودکارآمدی به‌عنوان میانجی کلیدی رابطه بین حمایت اجتماعی، دانش و سلامت روان با کنترل گلیسمی و رفتارهای خودمدیریتی را توضیح می‌داد. نتیجه‌گیری: خودکارآمدی بالاتر در دیابت نتیجه تعامل پویا بین عوامل روان‌شناختی، اجتماعی، بالینی و سیستمی و مرتبط با پیامدهای مطلوب رفتاری و متابولیک است. مداخلات مؤثر، مؤلفه‌های تقویت خودکارآمدی را هدفمند و متناسب با نیازهای فرهنگی-زبانی ادغام می‌کنند. برای ارتقای قطعیت شواهد، مطالعات آینده‌نگر سخت‌گیرانه با ابزارهای استاندارد، گزارش اندازه‌اثر و بررسی مکانیسم‌های میانجی/تعدیل‌گر توصیه می‌شود. ادغام غربالگری سلامت روان و توانمندسازی دیجیتال در برنامه‌های خودمدیریتی می‌تواند حداکثر بهبود را در خودکارآمدی و کنترل قند ایجاد کند. واژگان کلیدی: دیابت؛ خودکارآمدی؛ خودمدیریتی؛ سواد سلامت؛ دیسترس دیابتی؛ حمایت اجتماعی؛ HbA1c؛ مداخلات آموزشی؛ سلامت دیجیتال

"Mindful Journey" Exploring the Informational Behavior of Mothers of Children with Leukemia During the Care Transition to Home: A Qualitative Study

Nasrin Ghanbari ¹ © ®, Eesa Mohammadi ², Mitra Khoobi ³

¹ Ph.D. Student in Nursing, Department of Nursing, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² Professor, Department of Nursing, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Nursing, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract: Background: Leukemia, as a debilitating and life-threatening disease, not only jeopardizes children's physical health but also leaves profound consequences for parents. Active participation of parents as the primary caregivers in the treatment journey, particularly during the transition to home care, requires adequate knowledge and skills to manage complex caregiving tasks. Objective: This study aimed to explore the information-seeking behaviors of Iranian mothers caring for children with leukemia during the transition to home care. Methods: This qualitative content analysis with a conventional approach was conducted in two pediatric subspecialty centers in Iran between May 2023 and June 2024. Fourteen mothers of children with leukemia were purposefully selected and engaged in in-depth, semi-structured interviews. Data were analyzed using Graneheim and Lundman's (2004) method. The study followed the consolidated criteria for reporting qualitative research (COREQ). Results: Five main categories were identified under the overarching theme of "Conscious striving for caregiving empowerment": (1) mothers' vigilance and continuous effort to learn, (2) sharing experiences with peer mothers, (3) seeking reassurance through interactions with professional caregivers, (4) cautious use of virtual spaces, and (5) distrust toward caregiving advice from non-expert relatives. Conclusion: The findings revealed that mothers of children with leukemia play an active and vigilant role in searching, critically evaluating, and applying caregiving information during the transition to home care. The results highlight the significance of healthcare professionals as trusted sources of information, and peer mothers as valuable experiential and emotional supports. These insights can inform the development of tailored educational and supportive programs for parents, thereby improving home care quality and child health outcomes. Keywords: Leukemia; Cancer; Children; Mothers; Care transition; Information-seeking behaviors; Qualitative study

A Case Report of Successful Treatment Following Drug Hypersensitivity and Stevens-Johnson Syndrome

¹ راحله لامعى، ² سيما پورتيمور، © ¹ زهرا ولى نسب

کارشناسی ارشد پرستاری، مربی دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه ¹

دکترای پرستاری، هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه ²

Abstract:

گزارش یک مورد درمان موفق به دنبال حساسیت دارویی و بروز سندرم استیون جانسون پیش زمینه و هدف: استیون جانسون (Stevens-Johnson Syndrome, SJS) یک اختلال سیستمیک جدی و خطرناک است که تشخیص به موقع و شروع اقدامات درمانی در حفظ جان بیمار بسیار مهم است. این عارضه نخستین بار در اوایل قرن بیستم شناخته شد. اگرچه وقوع آن بسیار نادر است، اما به دلیل درگیری های گسترده در بخش های مختلف بدن مانند دهان، بینی، چشم، واژن، مجاری ادراری، گوارشی، تنفسی و پوست، می تواند تهدیدکننده حیات باشد. هدف از ارائه این گزارش موردی، افزایش آگاهی و دانش بالینی درباره سندرم استیون جانسون از طریق بررسی یک مورد واقعی است. این گزارش با تمرکز بر روند تشخیص، عوامل مستعدکننده، سیر بالینی، اقدامات درمانی و پیامدهای بیمار، تلاش می کند تا نکات کلیدی و چالش های مدیریت این بیماری را برای پزشکان و کادر درمانی برجسته کند. همچنین، هدف دیگر این گزارش، یادآوری اهمیت شناسایی زودهنگام علائم و قطع سریع داروی مشکوک یا درمان عفونت زمینه ای به منظور پیشگیری از عوارض جبرانناپذیر و مرگ و میر ناشی از SJS است. گزارش مورد: این گزارش موردی در بیمارستان شهید مطهری ارومیه انجام شد. ما در این مطالعه به شرح حال دختر ۹ ساله با سابقه تشنج و ابتلای اخیر به بروسلوزیس که از شش روز قبل تحت درمان با ریفامپین و تتراسایکلین قرار گرفته و بدنال آن دچار SJS، آنژیوادم، ایتوباسیون و ضایعات پوستی ماکولوپاپولر ژنرالیزه شدید ناشی از آن شده بود، پرداختیم. نتایج این مطالعه نشان داد که تشخیص زودهنگام و مداخلات درمانی سریع در مواجهه با عوارض شدید دارویی مانند SJS و آنژیوادم، نقش حیاتی در موفقیت درمان و بهبود وضعیت بیمار دارد. نتیجه گیری: این یافته ها اهمیت آموزش کادر درمان و خانواده ها در شناسایی سریع علائم هشداردهنده و اقدام به موقع را برجسته می سازد. قطع سریع داروی محرک و درمان حمایتی مناسب می تواند از پیشرفت بیماری و مرگ و میر جلوگیری کند. کلید واژه: سندرم استیون جانسون، حساسیت دارویی، قطع سریع داروی محرک، درمان حمایتی

A Comparative Study on the Effect of Teaching Methods of Demonstration Activities, Storytelling and Common Activities on Physical and Motor Growth of Preschool Children in Boroojerd city in 1397.

³ راضيه شيرزادگان, ² پريا سلطانى, ©, ¹ زهرا موسى

¹ Instructor, Faculty of Nursing and midwifery, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran.

² دانشجو، دانشکده پرستارى و مامايى خرم آباد، لرستان، ايران

³ عضو هيات علمى گروه پرستارى، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامى، دورود، ايران

Abstract: Background: Due to the different methods of teaching in the way of playing in preschools, in the present study, we try to compare the impact of different game methods on the physical and motor development of preschool students. Methods: In this semi experimental study, 72 children from pre-schools were selected with using multistage cluster sampling. They were randomly assigned to three groups of 24. The data collecting tool was the Ulrich's motor development questionnaire. The duration of the intervention was 8 weeks and each week, three one hour sessions. Data analyze was done with using of SPSS19, paired t-test, tukey test and ANOVA. Results : There was a significant difference in the mean of displacement score, before and after the intervention in the demonstration activities group and common activities (P0.001). The difference in mean of object control score before and after the intervention was significant in all three groups (P 0.05). Also, there was a significant difference between the mean score of the demonstration activities group and story telling and also demonstration activities group and the common activities in the displacement subscale (P 0.001). In the subscale of object control, there was a significant difference between the mean of the demonstration activities and the story telling and also story telling and the common activities (P 0.05). Conclusion: Due to the excellence of the method of demonstration activities in the promotion of physical and motor growth sub-scales, it is suggested that in preschool centers, teaching methods such as demonstration be used for teaching. Key words: Story telling, Demonstration Activities, Motor and Physical Growth, Preschool Children. COD OF ETHICS: IR.LUMS.REC.1397.113

A review of Challenges Associated with the Implementation of Family- Centered Care in the NICUs of Developing Countries: Challenges and Solutions

Farzaneh Khoshakhlagh¹ ©, Azamolmolouk Elsagh² ©

¹ MSN, Faculty of Nursing and Prehospital Emergency, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

² PhD, Faculty of Nursing and Prehospital Emergency, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

Abstract: Abstract Background and Aim: Over the past two decades, the Family-Centered Care (FCC) approach has introduced a new framework for enhancing the quality of healthcare services, especially in Neonatal Intensive Care Units (NICUs). Through the active participation of families in decision-making and care planning, this approach not only strengthens the emotional bond between parents and newborns, but also improves clinical outcomes such as weight gain and reduces medical complications. The aim of this study is to determine the challenges of implementing FCC in the NICUs of developing countries and the role of nurses in addressing these challenges. Materials and methods: This research was designed as a review article, utilizing PRISMA guidelines for article search and selection. PubMed, Scopus, Web of Science, CINAHL, and Embase databases were used to identify relevant studies published between 2011 and 2024. Ultimately, 45 articles from low- and middle-income countries were selected for final analysis. Results: The findings indicated that implementing FCC in developing countries faces numerous obstacles and challenges, including limited financial resources, shortages of trained personnel, inadequate healthcare infrastructure, and cultural differences. Studies conducted in these countries show that such limitations hinder the provision of appropriate services to families and their active involvement in neonatal care. Furthermore, the lack of specialized training for nurses and insufficient support from policymakers and hospital administrators pose additional barriers to effective implementation of this approach. Conclusion: To successfully implement FCC in NICUs of developing countries, it is essential to invest in nurse education and empowerment, strengthen managerial and policy support, and address cultural differences. Providing targeted training programs and establishing suitable infrastructure can help mitigate existing barriers, thereby ensuring better neonatal health outcomes and greater family satisfaction. Keywords: Family Nursing, Intensive Care Units, Neonatal, Developing Countries, Nurses' Role, Challenges, Solutions

A review of the use of virtual reality in reducing pain and anxiety in children undergoing invasive treatments.

Sakineh Akbari ¹ @, Fatemeh Valizadeh ² ©, Amin Sattari ³

¹ PhD Student in Nursing, Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, USERN Office, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran

² Associate Professor of Nursing Education Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery Lorestan University of Medical Sciences

³ chronic Research Center, Jundishapur School of Nursing and Midwifery, Ahvaz, Iran

Abstract: Abstract Introduction: When children are admitted to hospitals or other healthcare facilities, they routinely undergo medical interventions as part of diagnosis or treatment. Children often experience severe pain and anxiety during invasive procedures such as injections, sampling, or dressings. These experiences not only negatively impact the quality of care, but can also lead to lasting psychological consequences. Virtual reality is a relatively new term in the health field that has been proposed as a novel, non-pharmacological intervention to reduce pain and anxiety in children. The aim of this study was to review the available evidence on the use of virtual reality in reducing pain and anxiety in children undergoing invasive procedures. Methods: In this review, a systematic search was conducted in the PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar databases using the keywords "Virtual Reality", "Pain", "Anxiety", "Children", and "Invasive Procedures". Articles published between 2015 and 2025 were reviewed. After assessing the quality and inclusion criteria, 24 articles were included in the final analysis. Findings: The results of the reviewed studies showed that the use of virtual reality as an appropriate non-pharmacological method and distraction tool reduces the severity of pain and anxiety in children. This strategy has been particularly successful in stressful clinical settings such as emergency departments, clinics, and pediatric oncology centers and has also been reported to be highly accepted by parents and nurses. Conclusion: Virtual reality can be used as an efficient, safe, and acceptable tool in the management of pain and anxiety caused by invasive procedures in children. Training nurses and providing the necessary equipment is essential in this regard. Integrating this method into clinical protocols will be an important step towards improving the quality of care in pediatric nursing. Keywords: virtual reality, pain, anxiety, children, invasive treatment, nursing care.

A Review Study on Sensory Processing Sensitivity in Mothers of Children with Autism Spectrum Disorder

Parvin Babaei¹ © ®, Elham Mohamadi², Hiva Azami³

¹ MSc Pediatric Nursing Student, Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran

² Department of pediatric, faculty of nursing, university of Arak, Arak, Iran

³ Master; Critical Care Nursing; Hamadan University of Medical Sciences

Abstract: Introduction Autism Spectrum Disorder (ASD) is a neurodevelopmental disorder with widespread effects on an individual's life and their family. One of the less-known characteristics of this disorder is sensory processing issues, which have been observed not only in children but also in their mothers. These sensory abnormalities can negatively impact mothers' mental health and quality of life, confronting them with greater challenges in caring for their children. The objective of this review study is to summarize the existing evidence regarding sensory processing sensitivity in mothers of children with autism. Materials and Methods This study is a simple literature review. An advanced search was conducted using Boolean operators and key keywords such as "autism," "mother," and "sensory processing" in international databases including PubMed, Scopus, Web of Science, and national databases SID and Magiran. The initial search yielded 42 articles. Based on inclusion criteria (articles published from 2014 onwards, in Persian or English, with open access) and exclusion criteria (gray literature, duplicate or irrelevant articles), 8 studies were ultimately included and analyzed. Findings Research findings indicate that mothers of children with autism have a higher sensory processing sensitivity compared to mothers of typically developing children. Studies show a correlation between the sensory profiles of the mother and child. These abnormalities in mothers are associated with increased stress, anxiety, and poor mental health, which can disrupt their daily life and social interactions. These findings emphasize the existence of a specific sensory pattern in this population. Conclusion The existing evidence unequivocally shows that sensory processing sensitivity is an important characteristic in mothers of children with autism that requires attention. Given the negative impact of this phenomenon on mothers' mental health, it is essential that this issue be considered in psychological and supportive interventions. Further studies, especially within the cultural context of Iran, are recommended to provide practical solutions and improve the quality of life for these families.

A Systematic Review of the Role of Nurses in Promoting the Psychological Well-being of Hospitalized Children

Banan Kakapour¹ ©, Elahe Jahan¹ ©

¹ Department of Nursing and Midwifery, Se.C., Islamic Azad University, Semnan, Iran

Abstract: Introduction Hospitalization is a difficult and stressful experience for children, which can have profound effects on their mental health. Anxiety, fear of separation, depression, and feelings of helplessness are among the common psychological consequences for hospitalized children. In this context, nurses, as the healthcare team members closest to the child, play a pivotal role in alleviating these stressors and promoting psychological well-being. Accordingly, the objective of this systematic review is to examine the research conducted on the role of nurses in improving the psychological state of hospitalized children, aiming to identify and implement effective strategies to enhance the quality of care. Methods This research was conducted as a systematic review. To gather data, the PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar databases were searched for the years 2015 to 2024. The keywords used were: "pediatric nursing", "mental health", "hospitalized children", and "psychological support". After initial screening, 28 eligible articles were selected and reviewed using content analysis methodology. The quality of the studies was also assessed based on the PRISMA checklist. Findings The review revealed that several categories of nursing interventions had the most significant impact on promoting the mental health of hospitalized children: Play Therapy and Art Therapy: Reducing anxiety and increasing feelings of security. Therapeutic Communication: Using simple, child-friendly language, supportive touch, and the nurse's active presence alongside the child. Parental Education: Increasing family involvement in psychological care. Creating a Calming Environment: Utilizing cheerful colors, music, and creating a child-friendly atmosphere in the pediatric ward. Specialized Nurse Training: Enhancing communication and psychological skills, which increases nurses' effectiveness in reducing children's psychological symptoms. Studies indicated that nurses who received specialized training in psychiatric nursing were more successful in managing children's fear and anxiety. Furthermore, consistent presence and establishing an effective emotional connection with the child were identified as key factors in reducing psychological distress. Conclusion Nurses play an irreplaceable role in providing psychological support to hospitalized children. Implementing targeted interventions, conducting specialized training courses, and strengthening communication skills can significantly improve children's mental health. It is recommended that specialized training programs in child psychology be designed for nurses and integrated into hospital policies. Additionally, attention to the physical and emotional environment of pediatric wards is a crucial factor in enhancing the quality of psychological care. Keywords: Nurses, Children, Mental Health, Hospital

A Systematic Review: Pediatric Nursing at the Edge of Change— Disasters, Migration, and Climate Change

³ ثنا خلیل زاده ضیاء، ² محمد محمودزاده، ¹ مهدی محمودزاده

¹ Department of Pediatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Khoy University of Medical Sciences, Khoy, Iran

² Students Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran

³ Pediatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Abstract: Introduction Pediatric nursing has faced unusual challenges recently due to the rising incidence of disasters, global migration, and increasing impacts of climate change. This systematic review aims to summarize recent research regarding the effects of these phenomena on pediatric nursing care and to emphasize the competencies necessary for an effective response. Methods A thorough search was performed in PubMed, Scopus, and Web of Science for articles published between 2019 and 2024. Keywords included “pediatric nursing,” “disasters,” “migration,” “refugee health,” and “climate change.” The inclusion criteria were peer-reviewed original research and reviews on pediatric nursing roles in acute situations, migration, or environmental health. Of the 102 initial articles, 12 satisfied the inclusion demands. Results Disasters: Recent studies demonstrate that pediatric nurses are crucial in disaster preparedness, triage, and providing psychological and acute care during emergencies (Fujita et al., 2022). Challenges encompass a scarcity of pediatric-trained personnel and inadequate disaster-specific protocols. Migration: Child migrants have distinct obstacles to health, such as disrupted care, trauma, and restricted access to resources. Nurses necessitate cultural competence, trauma-informed care training, and interdisciplinary collaboration (Kamali et al., 2023). New training programs have enhanced knowledge, while discrepancies in practice persist. Climate Change: Health hazards induced by climate change—heat stress, respiratory ailments, and vector-borne infections—are increasing. Pediatric nurses are essential in education, advocacy, and community preparedness (Stanley & Mensah, 2021), although most indicate inadequate formal environmental health training. Discussion The review emphasizes the critical necessity for comprehensive pediatric nursing education and frameworks to tackle disasters, migration, and climate-related emergencies. Essential methods encompass curriculum reform to incorporate disaster and environmental health, establishing fast response protocols, and enhancing support networks for migrant and at-risk communities. Conclusion: Pediatric nurses must possess evidence-based competencies for disaster response, migration, and climate adaptation in this age of multifaceted global issues. Systematic investment in training, research, and policy initiatives is essential to enhance health outcomes for vulnerable children.

Advances in Family-Centered Care in the Neonatal Intensive Care Unit (NICU)

Kousar Soltani ¹ ©, Arash Khalili ² ®

¹ Kousar Soltani Msn Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

² Ph.D Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

Abstract:

مقدمه: مراقبت خانواده‌محور (FCC) در واحدهای مراقبت ویژه نوزادان (NICU) به عنوان رویکردی کلیدی برای حمایت از نوزادان پرخطر، مانند نوزادان نارس یا مبتلا به بیماری‌های پیچیده، شناخته شده است. پیشرفت‌های اخیر شامل ادغام والدین در مراقبت روزانه، استفاده از فناوری‌های دیجیتال مانند mHealth برای پیگیری پس از ترخیص، و مدل‌های آموزشی برای پرسنل جهت تغییر ذهنیت از مراقبت پزشکی‌محور به خانواده‌محور می‌شود. این پیشرفت‌ها با هدف کاهش استرس والدین، بهبود پیوند والد-نوزاد، و ارتقای نتایج سلامت مانند کاهش طول بستری و بهبود رشد نورویولوژیکی انجام شده‌اند. این مرور سیستماتیک به بررسی ادبیات از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ می‌پردازد تا شواهد جدید را سنتز کند و راهنمایی برای پیاده‌سازی ارائه دهد. این مرور سیستماتیک بر اساس راهنمای PRISMA انجام شد. جستجوی جامع در پایگاه‌های داده PubMed، Scopus، Cochrane Library، ScienceDirect و Web of Science از ژانویه ۲۰۲۰ تا اگوست ۲۰۲۵ صورت گرفت. مطالعات تصادفی کنترل‌شده (RCTs)، شبه‌تجربی، مرورهای سیستماتیک و متاآنالیزها با تمرکز بر نوزادان پرخطر (۰ تا ۲۸ روزه) گنجانده شدند. در مجموع، ۲۹ مطالعه از ۴۵۶ مقاله اولیه انتخاب شدند. یافته‌ها از ۲۹ مطالعه بررسی‌شده، ۱۸ مورد بر مدل‌های FCC مانند Family Integrated Care (FICare) و Close Collaboration with Parents (CCP) تمرکز داشتند که کاهش معنادار طول بستری (میانگین ۱۰-۵ روز) و بهبود شیردهی (افزایش ۳۰-۲۰٪) را نشان دادند، به ویژه در نوزادان نارس کمتر از ۳۲ هفته. ده مطالعه بر فناوری‌های دیجیتال مانند اپلیکیشن‌های mHealth برای آموزش والدین و پیگیری پس از ترخیص تاکید کردند که استرس مادران را تا ۲۵٪ کاهش داد و پیوند والد-نوزاد را تقویت کرد. پنج مطالعه بر آموزش پرسنل و تغییر محیط NICU (مانند اتاق‌های تک‌خانواده) تمرکز داشتند که مشارکت والدین را افزایش داد و نتایج نورویولوژیکی مانند رشد مغز را بهبود بخشید. عوامل وابسته مانند سن بارداری، سطح تحصیلات والدین و منابع واحد بر اثربخشی تأثیرگذار بودند. ترکیب FCC با مراقبت‌های توسعه‌ای در ۶ مطالعه، بهترین نتایج را داشت، اما چالش‌هایی مانند مقاومت پرسنل و محدودیت‌های همه‌گیری COVID-۱۹ مشاهده شد. نتیجه‌گیری: پیشرفت‌های مراقبت خانواده‌محور (FCC)، مانند مدل‌های ادغام خانواده و فناوری‌های دیجیتال، نتایج سلامت نوزادان پرخطر را بهبود بخشیده و استرس والدین را کاهش می‌دهند. توصیه می‌شود NICU ها کمیته‌های FCC تشکیل دهند، آموزش پرسنل را تقویت کنند. کلمات کلیدی: مراقبت خانواده‌محور، نوزادان پرخطر، NICU، مشارکت والدین

Advancing Post-Discharge Care for Premature Infants: A Comprehensive Framework

Shamsi Atefeh ¹ © ®, Mahboobeh Namnabati ², Asghar Ehteshami³, Hamed Zandi ⁴

¹ Nursing Care Research Center, Nursing Faculty, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Nursing and Midwifery Care Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

³ Health Information Technology Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

⁴ Department of Pediatrics, School of Medicine, Emam Hossein Hospital Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Abstract: Background: Optimal health outcomes for newborns, especially those born prematurely, critically depend on comprehensive post-discharge care. However, healthcare systems, notably in Iran, grapple with substantial obstacles in providing effective transitional support. This study aimed to design a robust framework for the ongoing follow-up of infants after their discharge from the hospital. Methods: This strategic investigation was undertaken at Isfahan University of Medical Sciences from April 2022 to February 2024, employing a comprehensive five-stage methodology. Initially, forty-two experts in neonatal care, including specialists in pediatric nursing, were engaged through interviews to delineate existing challenges in the post-discharge continuum for preterm infants. Subsequently, the Delphi technique facilitated the prioritization of identified issues based on expert consensus. A subsequent SWOT analysis was conducted to identify internal strengths and weaknesses, alongside external opportunities and threats pertinent to current follow-up protocols. This was complemented by a Root Cause Analysis (RCA) tree diagram, enabling a detailed examination of identified contributing factors and the subsequent program formulation. The culminating phase involved the validation of the proposed program by an expert panel. Results: Four primary concerns emerged: inadequate parental empowerment concerning caregiving, deficiencies in structured post-discharge planning, limited psychosocial support for mothers, and insufficient health education for parents. The Delphi process highlighted parental caregiving and ineffective planning as paramount issues. SWOT analysis revealed systemic vulnerabilities in both maternal care provision and the follow-up service delivery infrastructure. RCA further elucidated caregiving deficits, pointing to challenges in breastfeeding education, management of post-discharge complications, impediments to maternal learning, and parental stress. Systemic shortcomings encompassed restricted access to necessary services and a high frequency of readmissions. The expert panel strongly advocated for the integration of telemedicine to facilitate program implementation. Conclusion: The devised post-discharge follow-up framework for preterm infants offers a practical blueprint for healthcare policymakers, particularly within national health ministries, to significantly enhance neonatal care, improve service accessibility, and reduce the incidence of hospital readmissions. This model underscores the indispensable contribution of pediatric nursing in ensuring a seamless continuum of care. Keywords: Program Development, Post-Discharge Support, Premature Infants, Pediatric Nursing, Health System Strategy.

An analysis of the research trend of artificial intelligence in nursing in Tehran children's hospitals

©¹ ژیلّا صانعی پور

بیمارستان خاتم الانبیاء¹

Abstract:

مقدمه و اهداف طی دهه اخیر، نقش هوش مصنوعی در مراقبت‌های بهداشتی از وظایف اداری تا تصمیم‌گیری‌های بالینی گسترش یافته است. به عنوان مثال، الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند حجم عظیمی از داده‌های پزشکی را برای کمک به تشخیص بیماری‌ها، پیش‌بینی نتایج بیمار و شخصی‌سازی برنامه‌های درمانی تجزیه و تحلیل کنند. با خودکارسازی وظایف معمول، هوش مصنوعی همچنین به پرستاران اجازه می‌دهد تا بر مراقبت مستقیم از بیمار تمرکز کنند و تجربه کلی مراقبت‌های بهداشتی بیمار را بهبود بخشند. روش: این مطالعه از نوع طراحی مقطعی (Cross-Sectional Design) بود. پرسشنامه دارای سولاتی شامل حرفه، مدرک، مدرک احتمالی در انفورماتیک پرستاری، پست سازمانی، سابقه کار و میزان آشنایی با شاخه و کاربردهای هوش مصنوعی بود. نمونه‌گیری گلوله برفی انجام شد. دعوت به نظرسنجی در سراسر بیمارستان‌های کودکان تهران توزیع شد. همچنین پاسخ‌هایی به این سوال دریافت شد که «به نظر شما روند کاربرد هوش مصنوعی در آینده پرستاری در شهر و بیمارستان شما چیست؟» هر فرد پاسخگو حداکثر پنج موضوع را از یک لیست از پیش تعریف شده ۱۲ موردی انتخاب کرد. یافته‌ها و نتایج در رابطه با شرکت کنندگان در این پژوهش، ۳۳.۲٪ پاسخ دهندگان از بیمارستان‌های ناحیه شمال، ۲۸.۸٪ از منطقه مرکز و ۳۸٪ از منطقه جنوب تهران انتخاب شدند. مدرک تحصیلی افراد به شرح زیر است: ۵.۴٪ (n=7) نفر دارای مدرک دیپلم، ۷۲.۹٪ (n=94) نفر دارای مدرک کارشناسی، ۱۹.۴٪ (n=25) مدرک کارشناسی ارشد و ۲.۳٪ (n=3) نفر دارای مدرک دکترا بودند. میانگین سابقه کار پاسخ دهندگان ۱۰.۷ سال بود. این پژوهش به بررسی میزان روند و نقش هوش مصنوعی و انفورماتیک در پرستاری در مقطعی بین سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ می‌پردازد. بر اساس ۸۶ پاسخ دریافتی از پرستاران ۴ بیمارستان کودکان تهران، برخی روندها و گرایش تحقیقاتی آتی در حوزه هوش مصنوعی و انفورماتیک پرستاری عبارتند از: پرستاری شخصی‌سازی شده، بهبود گزارش نویسی با پردازش زبان طبیعی (NLP)، سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری بالینی (CDSS)، سلامت همراه (Mobile Health) و یادگیری ماشین. نتایج نشان داد بیشترین تمایل پرستاران با بیش از ۳۳٪ متعلق به نقش موثر سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری بالینی در آینده پرستاری می‌باشد. هوش مصنوعی در پرستاری بخش مراقبت‌های ویژه با خودکارسازی وظایف، بهبود تجزیه و تحلیل داده‌ها و کمک به تصمیم‌گیری بالینی، قصد دارد مراقبت از بیمار را بهبود بخشد. این امر می‌تواند منجر به گردش کار کارآمدتر، نظارت بهتر بر بیمار و در نهایت بهبود نتایج بیمار شود. کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، انفورماتیک پرستاری، پرستاری کودکان

Application of Explainable AI Models for Real-Time Pediatric Nursing Assessment: Improving Clinical Accuracy and Family-Centered Care

Sana Mahdian Rizi¹ © ®

¹ Students Research Committee, Neyshabur University of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Abstract: Background and Aim: Accurate pediatric nursing assessment is critical for timely diagnosis and effective management of childhood illnesses. Recent advances in Artificial Intelligence (AI), particularly Explainable AI (XAI), offer novel opportunities to enhance clinical accuracy while maintaining transparency and trust in healthcare decisions. Despite growing interest, the application of XAI in real-time pediatric nursing assessment remains underexplored. This systematic review aims to evaluate the current evidence on the use of explainable AI models in pediatric nursing assessments, focusing on their impact on clinical accuracy and family-centered care. Methods: A comprehensive literature search was performed in PubMed, Scopus, Web of Science, IEEE Xplore, Cochrane Library, and Embase databases for articles published up to August 2025. Search terms included combinations of “explainable AI,” “XAI,” “artificial intelligence,” “pediatric nursing assessment,” “clinical accuracy,” and “family-centered care.” Inclusion criteria comprised original research studies applying XAI models in pediatric nursing assessment (ages 0–18), reporting clinical performance metrics and/or effects on family engagement. Exclusion criteria were studies on adults, non-clinical AI applications, reviews, editorials, and studies without explainability components. Two independent reviewers screened 1,489 records, with 24 studies meeting eligibility for qualitative synthesis. Results: The 24 included studies utilized a variety of machine learning models integrated with XAI techniques such as SHAP, LIME, and attention mechanisms to provide interpretable outputs during nursing assessments. Sample sizes ranged from 50 to 1,200 pediatric patients across diverse clinical settings including intensive care, outpatient, and emergency departments. Reported clinical accuracy metrics showed an area under the curve (AUC) between 0.75 and 0.94, indicating strong predictive performance. Multiple studies demonstrated that XAI models improved nurse decision-making confidence and facilitated family engagement by explaining assessment outcomes in understandable terms. However, only 7 studies performed external validation, and fewer addressed long-term clinical impact or ethical considerations. Conclusion: Explainable AI models represent a promising advancement in pediatric nursing assessment by enhancing clinical accuracy and supporting family-centered care through transparent decision support. Despite encouraging results, limited external validation and heterogeneity in methodologies warrant cautious interpretation. Future research should prioritize large-scale, multicenter prospective studies, standardized explainability metrics, and integration of ethical frameworks to fully realize the benefits of XAI in pediatric nursing practice. Keywords: Explainable AI, Pediatric Nursing Assessment, Clinical Accuracy, Family-Centered Care, Machine Learning

Applications of Telenursing in the Management of Pediatric Type 1 Diabetes: A Systematic Review

¹ سمیه ناظمی، ©، ¹ فاطمه سادات حسینی

کمیته تحقیقات پرستاری دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران¹

Abstract:

زمینه و هدف: دیابت نوع ۱ یکی از شایع‌ترین بیماری‌های مزمن کودکان است که نیازمند پایش مداوم و مدیریت دقیق است. تله‌نرسینگ به عنوان ابزار نوین مراقبتی، امکان ارائه خدمات بهداشتی از راه دور را فراهم کرده و می‌تواند به بهبود کنترل بیماری و افزایش رضایت بیماران کمک کنند. بنابراین این مطالعه با هدف مروری بر کاربرد تله‌نرسینگ در مدیریت دیابت نوع ۱ در کودکان انجام شد. مواد و روش‌ها: این پژوهش به صورت مرور سیستماتیک و بر اساس دستورالعمل‌های PRISMA در سال ۲۰۲۵ انجام شد. به منظور شناسایی مطالعات مرتبط، جستجوی جامع در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Scopus، SID، Magiran و موتور جستجوی Google Scholar با جستجوی پیشرفته کلمات کلیدی تله‌نرسینگ، پرستاری از راه دور، دیابت نوع ۱، دیابت جوانان و کودکان به فارسی و معادل آن به انگلیسی انجام شد. بازه زمانی جستجو به مقالات منتشرشده از ژانویه ۲۰۱۹ تا ژوئن ۲۰۲۵ محدود شد. پس از حذف موارد تکراری، عنوان و چکیده‌ی مقالات توسط دو پژوهشگر مستقل بررسی گردید و بر اساس معیارهای ورود (مطالعات پژوهشی) و معیارهای خروج (مطالعات مربوط به بزرگسالان یا دیابت نوع ۲، مرورها، گزارش‌های کوتاه و مقالات بدون متن کامل و مقالات غیر انگلیسی) ۲۱ مطالعه انتخاب شدند. در مرحله بعد، متون کامل مقالات واجد شرایط بررسی شد و اطلاعات با استفاده از یک فرم سازمان‌یافته شامل مشخصات مطالعه، ویژگی‌های جمعیت، نوع مداخله، متغیرهای پیامد استخراج گردید. نتایج: مطالعات نشان می‌دهند که تله‌نرسینگ باعث بهبود کنترل قند خون و افزایش دفعات خودپایش در کودکان مبتلا به دیابت نوع ۱ می‌شود. رضایت بیماران به ویژه در خانواده‌هایی که دسترسی کمتری به مراکز درمانی دارند یا از فناوری‌های پیشرفته مانند پمپ انسولین استفاده می‌کنند، بالاست. این روش دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی را افزایش داده، هزینه و زمان مراقبت را کاهش می‌دهد و باعث بهبود حضور در جلسات پزشکی می‌شود. با این حال، تأثیر تله‌نرسینگ بر کنترل دقیق قند خون در مطالعات مختلف متفاوت گزارش شده است. استفاده همزمان از سایر فناوری‌های پیشرفته می‌تواند اثربخشی این روش را افزایش دهد. نتیجه گیری: تله‌نرسینگ به عنوان روشی نوین، مزایای قابل توجهی در مدیریت دیابت نوع ۱ کودکان دارد و می‌تواند دسترسی به مراقبت و مشارکت بیماران را افزایش دهد. با این حال، نیاز به تحقیقات بیشتر برای بهینه‌سازی روش‌ها، شناسایی استراتژی‌های مؤثر برای گروه‌های مختلف و رفع موانع فناوری و اقتصادی احساس می‌شود. واژگان کلیدی: تله‌نرسینگ، دیابت نوع ۱، کودکان

Aromatherapy with rose water and peppermint in managing pain a in children after abdominal surgery: A supportive approach for family-centered care

³ مژگان ساکی، ³ رسول محمدی، ² فاطمه ولی زاده، ² سیده فاطمه قاسمی، ¹ زهرا ندیری

۱. کارشناس ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران - 2

۲. دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران - 2

۳. دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران - 2

Abstract:

رایحه‌درمانی به‌عنوان مداخله‌ای ساده و ایمن، فرصتی برای مشارکت فعال مادر در مراقبت از کودک و تقویت رویکرد خانواده‌محور فراهم می‌کند لذا این مطالعه با هدف مقایسه-تأثیر رایحه-درمانی با گلاب و نعناع فلفلی بر درد ناشی از عمل جراحی شکم در کودکان ۶ تا ۱۲ سال انجام شد. مواد و روش مطالعه: این مطالعه کارآزمایی تصادفی کنترل شده در سال ۲۰۲۴ بر روی ۱۰۰ کودک ۶ تا ۱۲ ساله مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی کودکان حضرت علی-اصغر برای عمل جراحی شکم انجام شد. مشارکت کنندگان به صورت تصادفی به دو گروه مداخله رایحه درمانی با گلاب (۳۴ نفر) و نعناع فلفلی (۳۴ نفر) و یک گروه کنترل (۳۲ نفر) تخصیص یافتند. گروه‌های مداخله اسانس گلاب و نعناع فلفلی را در بازه‌های زمان مختلف بعد از عمل جراحی دریافت کردند و گروه کنترل صرفاً پد آغشته به نرمال سالین دریافت کردند. داده‌ها با استفاده از فرم اطلاعات دموگرافیک، مقیاس واکنش‌های رفتاری ناشی از درد فلاک گردآوری شد. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کای دو، آنالیز واریانس یک طرفه (آنوا)، تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر و آزمون تی نمونه‌های مستقل در نرم افزار SPSS 21 استفاده شد. یافته‌ها: در زمان‌های ۶، ۹، ۱۲ و ۱۶ ساعت بعد از عمل تفاوت بین گروه‌ها به طور معناداری در میانگین نمره درد مشارکت کنندگان مشاهده شد به طوری که میانگین نمرات درد گروه نعناع فلفلی نسبت به گروه رایحه گلاب کمتر بود و میانگین این گروه‌ها نسبت به گروه کنترل کمتر بود (P0/001). نتیجه‌گیری: نشان داد که رایحه‌درمانی با گلاب و نعناع فلفلی در مدیریت درد کودکان پس از جراحی شکم موثر بوده، لذا پیشنهاد میشود با مشارکت مادر در اجرای مداخله، موجب تقویت مشارکت او در فرآیند مراقبت خانواده‌محور شد.

Artificial Intelligence as an Effective Factor in Pediatric Emergency: A Review of the Application of Modern Algorithms in the Diagnosis and Management of Asthma

² محمد امین علی زاده، ©، ¹ امیر حسین شادفر

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری اورژانس، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، تهران، ایران

² دانشجوی کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی جندی شاپور، اهواز، ایران

Abstract:

مقدمه: بیماری آسم یکی از مشکلات شایع در میان کودکان است که می تواند به حملات حاد و مراجعه های مکرر به اورژانس منجر شود. تشخیص سریع و مدیریت به موقع آسم در شرایط اضطراری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پیشرفت های اخیر در حوزه هوش مصنوعی و توسعه الگوریتم های نوین، افق های جدیدی در بهبود دقت تشخیص و تسریع روند درمان ایجاد کرده اند. از این رو، بررسی کاربرد این فناوری در اورژانس کودکان جهت شناسایی و مدیریت بهینه بیماری آسم، می تواند گامی مؤثر در ارتقای سلامت این گروه سنی باشد. مواد و روش ها: در این مطالعه مروری، یک جستجوی سیستماتیک در پایگاه های بین المللی مانند PubMed، Scopus، Web of Science و همچنین پایگاه های ملی SID و Magiran به همراه موتور جستجوی Google Scholar انجام شد. استراتژی جستجو با استفاده از ترکیب کلیدواژه های «هوش مصنوعی»، «الگوریتم های نوین»، «تشخیص»، «مدیریت»، «آسم» و «اورژانس کودکان» بر اساس عملگرهای بولین و اصطلاحات MeSH طراحی گردید. معیارهای ورود شامل مقالات منتشر شده به زبان های فارسی و انگلیسی با دسترسی رایگان به متن کامل و انتشار در پنج سال اخیر بودند. متون خاکستری و مقالات تکراری حذف شده و مراحل انتخاب، استخراج و تحلیل داده ها بر مبنای دستورالعمل های PRISMA گزارش شد. یافته ها: تحلیل شواهد موجود در ۳۰ مطالعه انتخاب شده نشان می دهد که الگوریتم های یادگیری ماشین و یادگیری عمیق در تشخیص زودهنگام تشدید آسم و تعیین شدت حملات در اورژانس کودکان موفق عمل کرده اند. به کارگیری این فناوری ها موجب کاهش زمان تشخیص، بهبود دقت طبقه بندی علائم و ارتقای روند تصمیم گیری بالینی شده است. همچنین، مطالعات متعدد به کاهش بار مالی ناشی از مراقبت های اورژانسی و بهبود نتایج بالینی در کودکان مبتلا به آسم اشاره دارند. از سوی دیگر، چالش هایی نظیر نیاز به داده های جامع و باکیفیت، استانداردسازی الگوریتم ها و مسائل مرتبط با حریم خصوصی و اخلاق حرفه ای در کاربرد هوش مصنوعی مطرح شده است. نتیجه گیری: نتایج مرور نشان می دهد که هوش مصنوعی به عنوان ابزاری نوین، قابلیت ارتقای چشمگیر در تشخیص و مدیریت آسم در اورژانس کودکان را داراست. با این حال، برای استفاده گسترده و ایمن از این فناوری، تحقیقات بیشتری جهت ارزیابی اثر بخشی، استانداردسازی پروتکل های اجرایی و ایجاد سیستم های نظارت از راه دور ضروری است. تدوین برنامه های آموزشی تخصصی برای کادر درمانی و ایجاد زیرساخت های لازم می تواند تضمین کننده یکپارچگی و موفقیت در به کارگیری هوش مصنوعی در محیط های بالینی باشد. کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، اورژانس کودکان، آسم، الگوریتم های نوین، تشخیص، مدیریت

Artificial intelligence in pediatric nursing: A systematic review of opportunities, challenges, and management roles

³ مهسا چراغی، ² کوثر سلطانی، ¹ مریم رنگریزی

1 Maryam Rangrazi Nursing student, Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

2 Kousar Soltani Msn Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

3 Mahsa Cheragi Msn Student in Nursing, School of Nursing & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract:

مقدمه: هوش مصنوعی (AI) به عنوان یک فناوری نوظهور، پتانسیل بالایی در بهبود کیفیت مراقبت‌های کودکان دارد. این ابزارها از تصمیم‌گیری بالینی تا پایش مداوم بیماران و مدیریت منابع را تسهیل می‌کنند. با این حال، چالش‌هایی مانند نگرانی‌های اخلاقی، حریم خصوصی و مقاومت فرهنگی مانع پذیرش گسترده آن هستند. هدف این مرور سیستماتیک، بررسی ادبیات موجود برای شناسایی فرصت‌ها، چالش‌ها و نقش مدیران پرستاری در ادغام AI در مراقبت‌های کودکان است تا راهکارهایی برای سیاست‌گذاری ارائه دهد. روش کار: این مطالعه یک مرور سیستماتیک بر اساس راهنمای PRISMA انجام شد. جستجوی ادبیات در پایگاه‌های داده PubMed، Scopus، Web of Science و Google Scholar با کلمات کلیدی "هوش مصنوعی"، "پرستاری کودکان"، "فرصت‌ها و چالش‌ها" و "مدیریت پرستاری" از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ صورت گرفت. معیارهای ورود شامل مقالات انگلیسی و فارسی، مطالعات کمی و کیفی مرتبط با کاربرد AI در مراقبت‌های کودکان بودند. مقالات غیرمرتبط، گزارش‌های خبری و مطالعات بدون روش‌شناسی واضح حذف شدند. از ابزارهای ارزیابی کیفیت مانند MMAT برای مطالعات ترکیبی و CASP برای مطالعات کیفی استفاده شد. در نهایت، ۴۵ مقاله از ۳۵۰ نتیجه اولیه انتخاب و به روش سنتز تماتیک تحلیل شدند تا الگوهای فرصت‌ها، چالش‌ها و نقش مدیریتی استخراج شود. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که AI در بهبود تصمیم‌گیری بالینی (۸۰٪ مطالعات)، پایش مداوم بیماران (۶۵٪) و آموزش خانواده‌ها (۵۵٪) فرصت‌های کلیدی ایجاد می‌کند. چالش‌های اصلی شامل نگرانی‌های اخلاقی و حریم خصوصی (۷۰٪ مقالات)، مقاومت کارکنان (۵۰٪) و هزینه‌های بالا (۴۰٪) بودند. نقش مدیریتی پرستاری در سیاست‌گذاری (۶۰٪)، آموزش مداوم (۷۵٪) و ارزیابی اثربخشی (۴۵٪) برجسته بود. مطالعات تأکید داشتند که ادغام AI می‌تواند کیفیت مراقبت را تا ۳۰٪ افزایش دهد، اما نیاز به چارچوب‌های اخلاقی دارد. نتیجه‌گیری: هوش مصنوعی می‌تواند پرستاری کودکان را متحول کند، اما موفقیت آن وابسته به مدیریت چالش‌های اخلاقی و فرهنگی است. مدیران پرستاری باید سیاست‌های ایمن و آموزشی را اولویت دهند تا پذیرش فناوری افزایش یابد و کیفیت مراقبت بهبود یابد. تحقیقات آینده بر کاربردهای عملی AI در کشورهای در حال توسعه تمرکز کنند. کلمات کلیدی: هوش مصنوعی؛ پرستاری کودکان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها؛ مدیریت پرستاری؛ مرور سیستماتیک؛ اخلاق در مراقبت‌های بهداشتی

Assessing the health status of Iranian children regarding World Health Organization (WHO) guidelines

©² نجمه حمزوی، ©¹ زهرا جعفری

استادیار دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران¹

دکترای ارتقای سلامت، دانشجوی پستداک گروه کودکان دانشگاه ادمتون کانادا²

Abstract:

بررسی وضعیت سلامت کودکان ایرانی نسبت به دستورالعمل‌های سازمان بهداشت جهانی (WHO) این مطالعه به بررسی دستورالعمل‌های سازمان بهداشت جهانی (WHO) در رابطه با فعالیت بدنی، رفتار کم‌تحرك و خواب کودکان زیر ۵ سال می‌پردازد. این مطالعه آزمایشی بین ۸۳ کودک ۳ و ۴ ساله در پیش‌دبستانی‌ها و مراکز مراقبت‌های بهداشتی در ایران انجام شد. فعالیت بدنی، رفتار کم‌تحرك و خواب، مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت، و عملکردهای اجرایی ارزیابی شدند. پنجاه و دو کودک (۶۲.۶٪) حداقل سه روز کامل دستگاه اکتی‌گراف را پوشیدند. در مجموع ۹۷.۶٪، ۹۵.۱٪ و ۹۱.۵٪ از کودکان به ترتیب ارزیابی‌های آنترپومتریک، EF و مهارت‌های حرکتی را تکمیل کردند. نتایج نشان داد تنها چهار کودک (۴.۸٪) تمام توصیه‌های دستورالعمل‌های سازمان بهداشت جهانی را رعایت کردند. نسبت کودکانی که، زمان استفاده از صفحه نمایش، نشستن محدود و خواب را رعایت کردند، به ترتیب ۱۹.۳٪، ۳۸.۶٪ و ۶۵.۱٪ بود. این مطالعه آزمایشی در بین کودکان ایرانی امکان‌پذیر و قابل قبول بود. با توجه به نسبت کم کودکانی که دستورالعمل‌های سازمان بهداشت جهانی را رعایت کردند، توصیه می‌شود استراتژی‌های بلندمدت و عملی برای ترویج سبک زندگی سالم‌تر در بین کودکان پیش‌دبستانی در ایران تدوین شود. کلیدواژه: وضعیت سلامت، کودکان، دستورالعمل، سازمان بهداشت جهانی

Assessment of Nutritional Outcomes and maternal sense of competence in Preterm Infants Fed with Mother's Own Milk versus Donor Human Milk in Neonatal Intensive Care Unit: a cross-sectional study in Iran

Jamalodin Begjani¹ ©, Nasim Bagheri Moheb¹ ®, Marieh Rasoulpour¹, Kayvan Mirnia², Arash Bordbar³, Shima Haghani⁴

¹ Department of Pediatric Nursing and Neonatal Intensive Care, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Department of Pediatrics, School of Medicine, Children's Medical Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Department of Pediatrics, School of Medicine, Shahid Akbar-Abadi Hospital, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ Department of Biostatistics, Nursing Care Research Center, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Background: Preterm infants require specialized nutritional care, and breast milk plays a vital role in improving growth and reducing complications. This study aimed to assess the nutritional outcomes and maternal sense of competence in two groups of preterm infants fed with mother's own milk versus donor human milk in a neonatal intensive care unit in Tehran, Iran. Methods: A descriptive-correlational, cross-sectional design was employed. The study sample included 180 preterm infants admitted to the neonatal intensive care unit of Shahid Akbar-Abadi Hospital, between 2023- 2024, with gestational ages between 28-34 weeks and birth weights 1000-1499 grams. Participants were divided into two groups: exclusive mother's own milk feeding and feeding with more than 50% donor human milk. Data were collected using three instruments: a demographic information form, a daily feeding record checklist, and the standardized Parenting Sense of Competence (PSOC) Questionnaire. Statistical analysis was conducted using SPSS version 22. Descriptive statistics, independent t-tests, chi-square, and Fisher's exact tests. A significance level of P-value of less than 0.05 was considered. Results: No statistically significant difference was found between the two groups regarding feeding tolerance ($p = 0.468$) using Fisher's exact test. The number of days to achieve full enteral feeding also did not differ significantly between mother's milk and donor milk groups ($p = 0.744$). However, the duration of total parenteral nutrition was significantly longer in the donor milk group compared to the mother's milk group ($p = 0.016$). Maternal sense of competence scores showed no significant difference between the two groups ($p = 0.724$). Conclusion: The findings indicate that preterm infants fed with mother's own milk required fewer days of parenteral nutrition. Encouraging breastfeeding, especially among mothers of preterm infants, should be a priority for healthcare policymakers. Additionally, maternal sense of competence was similar in both feeding groups, suggesting that this perception is influenced by feeding methods, the level of social support received, and maternal health conditions. Personalized lactation support promotes maternal competence, well-being, and improved infant outcomes. Keywords: Mothers, competence, Premature infant, Nutritional Outcomes, Breast milk; Donor human milk, Human milk, Neonatal intensive care unit IR.TUMS.FNM.REC.1402.102

Atraumatic Care During Invasive Procedures for Children: A review article

Kousar Soltani¹ ©, Arash Khalili², Hadis Azari³ P

¹ Kousar Soltani Msn Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

² Arash Khalili Ph.D Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

³ Hadis Azari, Social Determinants of Health Research Centre, Research Institute for Prevention of Non-communicable Diseases, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

Abstract: مقدمه: درد و استرس ناشی از پروسیجرهای تهاجمی مانند تزریق، خون‌گیری و روش‌های تشخیصی در کودکان شایع است و می‌تواند اثرات روانشناختی بلندمدت مانند ترس از مراقبت‌های پزشکی ایجاد کند. فلسفه مراقبت آتروماتیک در پرستاری comfort holds (بصری، شنیداری) و distraction کودکان بر کاهش این مشکلات با روش‌های غیر دارویی مانند تکنیک‌های (در آغوش گرفتن یا موقعیت‌دهی حمایتی) تأکید دارد. این مرور سیستماتیک با بررسی ادبیات از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵، به ارزیابی اثربخشی، ایمنی و امکان‌پذیری این تکنیک‌ها در تنظیمات بالینی کودکان به‌ویژه در محیط‌های با منابع محدود پرداخته تا راهنمایی انجام شد. جستجوی جامع در PRISMA روش کار: این مرور سیستماتیک بر اساس راهنمای عملی برای پرستاران ارائه دهد از ژانویه ۲۰۱۰ تا آگوست ۲۰۲۵ با کلمات Web of Science و Cochrane Library، Scopus، PubMed پایگاه‌های داده و "invasive procedures stress"، "distraction techniques children"، "pediatric pain reduction" کلیدی و "non-pharmacological interventions" شبه‌تجربی و مرورها با (RCTs) صورت گرفت. مطالعات تصادفی کنترل‌شده "non-pharmacological interventions" Wong-Baker تمرکز بر کودکان ۰ تا ۱۸ سال و پروسیجرهای تهاجمی گنجانده شدند. معیارهای ورود شامل ارزیابی درد با FACES Pain Scale و Children's Anxiety Meter-State و استرس با استرس با کیفیت با ابزار برای سایر مطالعات بررسی شد. داده‌ها کیفی ستر شدند و متاآنالیز با MMAT و RCTs برای ۲ RoB شدند. کیفیت با ابزار یافته‌ها: از ۴۲ مطالعه، ۲۸ مورد بر تکنیک‌های برای اندازه اثر انجام شد. از ۵۶۷ مقاله، ۴۲ مطالعه انتخاب شدند RevMan (مانند ویدیو، موسیقی، واقعیت مجازی) تمرکز داشتند که کاهش ۳۰-۵۰٪ درد و استرس را در کودکان بالای ۲ سال distraction تأکید کردند که در نوزادان و کودکان کوچک‌تر (کاهش ۳۵٪ comfort holds طی پروسیجرهای سوزنی نشان داد. ۸ مطالعه بر (درد) و کاهش نیاز به تسکین‌دهنده‌ها مؤثر بود. ترکیب این دو در ۶ مطالعه، بهترین نتیجه (کاهش ۶۰٪ درد) را داشت. واقعیت مجازی در کاهش اضطراب برتر بود، اما نیاز به تجهیزات داشت. سن، رشد و نوع پروسیجر بر اثربخشی تأثیر داشتند و ایمنی کلی، ابزارهای ایمن و مؤثر برای کاهش درد و comfort holds و distraction نتیجه‌گیری: تکنیک‌های غیر دارویی مانند بالا بود استرس در کودکان طی پروسیجرهای تهاجمی هستند و تجربه بیمار و کادر را بهبود می‌بخشند. ترکیب این روش‌ها با رویکرد فردی‌سازی شده توصیه می‌شود. نیاز به آموزش پرستاران، استانداردسازی و تحقیقات بلندمدت برای اثرات روانشناختی وجود دارد. distraction، comfort holds کلمات کلیدی: تکنیک‌های این یافته‌ها بر ادغام این استراتژی‌ها در سیاست‌های بالینی تأکید دارند، پرستاری کودکان، درد پروسیجری، استرس کودکان holds

Causes of readmission of diabetic children within 1 month after discharge to Zahra Mardani Azari Children's Hospital, Tabriz

^۱ دکتر سیامک شیوا، ^۱ P، ^۱ ناهید دهخدا، ^۱ C، ^۱ طیبه جمشیدی

^۱ (https://mardaniazari.tbzmed.ac.ir) مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی کودکان زهرا مردانی آذری تبریز

Abstract:

مقدمه: بستری شدن بیماران مبتلا به DKA و هیپرگلیسمی بار قابل توجهی را بر سیستم درمانی و خانواده کودک مبتلا به دیابت تحمیل می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی علل خطر بستریهای بدون برنامه کودکان مبتلا به دیابت و برنامه ریزی برای رسیدگی به این مسئله چند عاملی و در نهایت کاهش بار در سطوح فردی و سازمانی انجام شده است. روش کار: نمونه مطالعه شامل یک گروه گذشته‌نگر از کودکان سنین 2 تا 17 ساله با تشخیص دیابت نوع 1 بستری در بیمارستان کودکان تبریز بین سال‌های 1402 تا تیرماه 1404 بودند. نتایج: فراوانی های بستری مجدد و علل آنها بررسی شد. از 610 کودک مورد بررسی 20 نفر بستری مجدد در عرض 1 ماه بعد از ترخیص داشتند که مدت اقامت آنها در بیمارستان 2 تا 10 روز بود. کودکان در سنین 2-17 سال بودند، 65٪ در سنین 6-12 سال، یک شیرخوار دو ساله و 30٪ کودکان در سنین 14-17 سال بودند. پنجاه و پنج درصد کودکان دختر و 45٪ پسر بودند. پنجاه درصد به دلیل هیپرگلیسمی و 50٪ به دلیل DKA بستری شده بودند. از کودکان بستری مجدد 55٪ مورد جدید شناخته شده دیابت و بستری اول بودند و 45٪ سابقه بستری قبلی با تشخیص دیابت داشتند. از عوامل بستری مجدد 20٪ به دلیل ابتلا به عفونت و سرماخوردگی، 25٪ قطع تزریق انسولین، 20٪ عدم رعایت رژیم غذایی و استرس کودک، 20٪ عدم کنترل مرتب قند خون به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم تهیه نوارگلوکومتر و 15٪ آگاهی ناکافی مراقب اصلی کودک درمورد نحوه کنترل دیابت بود. این بررسی تاثیر دو عامل اصلی، مشکلات اقتصادی و آگاهی ناکافی کودک و مراقب اصلی کودک را در پیش‌بینی خطر بستری مجدد در جمعیت کودکان بیان می‌کند. بحث: این مطالعه می‌تواند به جهت‌گیری‌های آینده در شناسایی زودهنگام عوامل خطرو کاهش میزان بستری مجدد با توصیه‌هایی از جمله آموزش بیمار و خانواده با اخذ بازخورد اطلاعات دریافت شده به صورت شفاهی و کتبی، دریافت کمک از مددکاران اجتماعی، متخصصان تغذیه و روانشناسان در طول مدت بستری کودک مبتلا به دیابت کمک کند. کلمات کلیدی: بستری مجدد، دیابت نوع 1، دیابت کودکان کد اخلاق IR.TBZMED.REC.1402.729

Challenges and Nursing Strategies in the Care of Infants with Cleft Lip and Palate: A Systematic Review and Evidence-Based Clinical Algorithm Design

² حسین طاهری، ¹ میترا سلمانی، © P، ¹ فرزانه مغانی

کارشناسی ارشد مراقبت‌های ویژه، کمیته تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی شهید بهشتی ایران¹

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی ایران²

Abstract: مقدمه: شکاف لب و کام از شایع‌ترین ناهنجاری‌های مادرزادی در ناحیه سر و گردن است که از بدو تولد، چالش‌های پیچیده‌ای را برای نوزاد و والدین آنان ایجاد می‌کند. مدیریت موفق این بیماران نیازمند یک رویکرد تیمی چندتخصصی است که در آن، پرستاران نقش محوری در مدیریت تغذیه، پیشگیری از عوارض و حمایت از خانواده ایفا می‌کنند. با این حال، یک راهنمای روش کار: این مطالعه، یک مرور جامع و مبتنی بر شواهد برای مراقبت پرستاری از این نوزادان تاکنون وجود نداشته است (PubMed, Web of Science, CINAHL, Scopus, SID) انجام شد. جستجوی جامع در پایگاه‌های داده معتبر شامل PRISMA 2020 سیستماتیک است که بر اساس راهنمای برای مقالات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ با کلیدواژه‌های متنی (Nursing Care و Cleft Lip, Cleft Palate، نظیر (MeSH) و سرواژه‌های استاندارد و معادل‌های فارسی آن صورت گرفت. انتخاب شدند. دو پژوهشگر (PICO بر اساس معیار) می‌پرداختند CL/P مطالعاتی که به مداخلات پرستاری در نوزادان مبتلا به ؛ انجام دادند. در مجموع ۱۹۲۰۴ مقاله به دست آمده، ۶۰ مقاله وارد مطالعه شد. در نهایت یافته‌ها به صورت موضوعی (Newcastle-Ottawa و CASP مانند) به صورت مستقل، غربالگری، استخراج داده‌ها و ارزیابی کیفیت مقالات را با ابزارهای استاندارد انجام دادند. در قالب یک الگوریتم بالینی مبتنی بر شواهد سنتز گردید. هدف از این الگوریتم، ترجمه شواهد علمی به دست آمده از یافته‌ها: یافته‌ها در چهار حوزه اصلی. مرور سیستماتیک به یک ابزار کاربردی و قابل استفاده برای پرستاران در محیط بالینی است دسته‌بندی شدند: (۱) مدیریت تغذیه، (۲) مراقبت‌های پیرامون جراحی، (۳) حمایت روانی-اجتماعی و آموزش والدین (۴) مدیریت عوارض بلندمدت. بیشترین چالش گزارش شده از سوی والدین، نیاز به حمایت روانی-اجتماعی و کمبود آموزش ساختارمند بود. برای هر حوزه، راهکارهای مبتنی بر شواهد با هدف ارتقای کیفیت مراقبت و کاهش عوارض ارائه شد. الگوریتم طراحی شده این نتیجه‌گیری: پرستاران با ارائه مراقبت‌های تخصصی، راهکارها را در قالب یک ابزار گام‌به‌گام برای تصمیم‌گیری پرستاران ارائه کرد هماهنگ و خانواده‌محور، نقش مهمی در بهبود پیامدهای بالینی و کیفیت زندگی نوزادان مبتلا به شکاف لب و کام و والدینشان دارند. این مطالعه، برای نخستین بار، شواهد موجود را به یک الگوریتم عملی و گام‌به‌گام برای مراقبت پرستاری این نوزادان تبدیل کرده است. این الگوریتم می‌تواند به استانداردسازی مراقبت‌ها و بهبود تصمیم‌گیری بالینی پرستاران کمک کند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، اثر این الگوریتم بر پیامدهای کمی مانند افزایش موفقیت تغذیه و بهبود وضعیت روانی والدین در بسترهای کلیدواژه فارسی: شکاف لب، شکاف کام، مراقبت پرستاری، تغذیه نوزاد، فرهنگی و منابع مختلف ارزیابی شود

Chemotherapy side effects in children and adolescents with leukemia and its relationship with maternal treatment information

©¹ حسنا قربانی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران¹

Abstract: Background & Aim The evaluation of side effects caused by chemotherapy drugs in the hospital provides a proper view of the cause, severity and degree of preventability of side effects. Parents are increasingly taking on the role of providing nursing care for their children, on the other hand, knowing their level of information as a management tool can be used in planning and improving health measures; Therefore, it is necessary to determine the information of the parents and especially the mother as the main caregiver before the first discharge of their child from the hospital. Therefore, this study was conducted with the aim of determining the side effects of chemotherapy in children and adolescents with leukemia and its relationship with mothers' treatment information. Methods & Materials A cross-sectional descriptive study was conducted in 2022 involving 110 mothers and their children and adolescents (aged 6-18) with leukemia who were receiving care at Tabriz teaching hospitals. Data collection instruments included the American Cancer Society's chemotherapy side effects checklist and the Motlagh et al. information questionnaire for parents of children with cancer. Data analysis was performed using SPSS version 24, employing chi-square tests, one-way ANOVA, paired t-tests, and repeated measures ANOVA. Results The severity of complications related to fever, nausea, vomiting, mouth ulcers, diarrhea, and anorexia demonstrated a linear increase throughout chemotherapy cycles. Constipation and bleeding showed a non-linear (U-shaped) increase. The most serious complications were associated with anorexia, nausea, and fever, while constipation and bleeding were the least severe. A significant relationship was found between all chemotherapy complications and the level of maternal information ($p < 0.05$). Conclusion Our results showed that mothers with a child with leukemia under the first course of chemotherapy sought to obtain or increase their information related to their child's treatment, and the acquisition of information was more at the time of chemotherapy side effects. The findings of the present study can be vital in planning and implementing programs to improve mothers' information and reduce the side effects of chemotherapy among children and adolescents with leukemia. It can also help nursing education officials to place the concepts of chemotherapy and the importance of caregivers' information, which has been given less attention so far, as a more essential part of nursing education programs. Keywords Cancer, leukemia, children, teenagers, treatment information, chemotherapy side effects

Child abuse and its consequences on parents and family: A qualitative study

⁴ اعظم شیرین آبادی فراهانی، ³ محمود عباسی، ² فریبا برهانی، ² عباس عباسی زاده، © P, ¹ فریده بحرینی

¹ دانشجوی دکتری پرستاری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

² گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

³ گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

⁴ گروه کودکان و مراقبت‌های ویژه نوزادان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Abstract:

کودک‌آزاری به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی و بهداشتی، تأثیرات گسترده‌ای فراتر از کودک مورد آزار را شامل می‌شود و به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر والدین و کل ساختار خانواده اثرگذار است. والدینی که کودکان‌شان مورد آزار قرار می‌گیرند، معمولاً با احساسات پیچیده‌ای مواجه می‌شوند که می‌تواند منجر به کاهش کارکرد والدگری و تضعیف روابط خانوادگی شود. علاوه بر این، کودک‌آزاری می‌تواند روابط بین اعضا را تحت فشار قرار دهد؛ به طوری که ایجاد فضای ناامن و پرتنش در خانواده، احتمال بروز مشکلات روانی و رفتاری در سایر اعضای خانواده را افزایش می‌دهد. این چرخه معیوب، سلامت روان والدین و سلامت جسمانی و روانی کودک را به خطر می‌اندازد. بنابراین، شناخت دقیق تأثیرات کودک‌آزاری بر والدین و خانواده، کلید طراحی مداخلات مؤثر برای حمایت از کل خانواده و کاهش پیامدهای منفی این پدیده است. این مطالعه با هدف فهم عمیق تأثیرات کودک‌آزاری بر والدین و خانواده از دیدگاه آنان انجام شد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای قراردادی، در سال ۲۰۲۵ و با مشارکت والدین کودکان آزاردیده بستری در بخش‌های درمانی کودکان انجام شد. از تکنیک نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب والدینی که معیارهای ورود را داشتند، استفاده شد. پس از رعایت ملاحظات اخلاقی از جمله، تایید کمیته اخلاق، رضایت آگاهانه و کتبی مشارکت‌کنندگان، حق انصراف از تحقیق و محرمانگی، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با والدین، به صورت حضوری و طی مدت زمان ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد، نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای قراردادی مبتنی بر رویکرد Graneheim و Lundman انجام شد. برای بهبود صحت و استحکام داده‌ها معیارهای Lincoln و Guba مورد استفاده قرار گرفت. در مجموع ۱۲ نفر از والدین کودکان آزاردیده در این مطالعه شرکت کردند. تأثیرات کودک‌آزاری بر والدین و خانواده در چهار محور اصلی دسته‌بندی گردید: (۱) احساس اضطراب و درماندگی (۲) احساس گناه و اختلال در نقش والدینی (۳) بار مالی و اجتماعی (۴) فروپاشی ساختار زندگی خانوادگی. یافته‌ها نشان داد که کودک‌آزاری تأثیرات گسترده و چندوجهی بر والدین و ساختار خانواده تحمیل می‌کند که نیازمند حمایت‌های گسترده است. این نتایج تأکید می‌کند که کودک‌آزاری نه تنها بر کودک بلکه به طور گسترده‌ای بر والدین و خانواده تأثیرگذار است و مداخلات حمایتی و روان‌شناختی باید همه‌جانبه و خانواده‌محور باشد. پیشنهاد می‌شود خدمات درمانی و حمایتی به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر کودک، نیازهای روانی، اجتماعی و اقتصادی والدین نیز مورد توجه قرار گیرد.

Children's health challenges in water scarcity: An analysis of the role of pediatric nursing in care and education

©³ فاطمه السادات سید نعمت اله روشن,² فرگس رحمانی,¹ لیلا نیک روز

¹ استادیار، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، کهکیلویه و بویراحمد، ایران

² استادیار، دپارتمان پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ایران

³ استادیار، دپارتمان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، تهران، ایران

Abstract: مقدمه: کمبود آب به عنوان یکی از پیامدهای مهم و فزاینده تغییرات اقلیمی، یکی از بزرگترین تهدیدات زیست محیطی و سلامت عمومی به ویژه در کودکان محسوب می شود. کودکان به دلیل ساختار فیزیولوژیکی حساس تر، نیازهای بالاتر به آب برای رشد و متابولیسم و همچنین وابستگی بیشتر به محیط زندگی، به شدت در معرض پیامدهای ناشی از کمبود منابع آبی و کاهش کیفیت آب قرار دارند. پیامدهای سلامت ناشی از کمبود آب شامل افزایش بیماری های گوارشی، سوء تغذیه، اختلالات رشد و عفونت های منتقله از آب است که منجر به افزایش مرگ و میر و بار بیماری در این گروه سنی می شود. پرستاران اطفال، به عنوان رابطان کلیدی نظام سلامت، نقش برجسته ای در پیشگیری، مراقبت و آموزش جامعه برای مقابله با این چالش ها دارند. هدف این مرور نظام مند، تحلیل جامع تأثیرات کمبود آب بر سلامت کودکان و شناسایی نقش های کلیدی پرستاران اطفال در توسعه و اجرای (Methods) مداخلات مراقبتی، آموزشی و حمایتی است که بتواند اثرات منفی این بحران زیست محیطی را کاهش دهد. روش کار انجام شد. در گام PRISMA 2020 و بر اساس دستورالعمل های (Systematic Review) این مطالعه به روش مرور نظام مند و همچنین Web of Science و Scopus، PubMed نخست، جستجوی نظام مند در پایگاه های داده بین المللی معتبر شامل انجام گردید. بازه زمانی جستجو از ژانویه ۲۰۱۰ تا دسامبر ۲۰۲۴ در نظر گرفته شد. برای (Magiran و SID) پایگاه های ملی Shortage, Drought, Water Scarcity, Pediatric Nursing, Child Health Nursing, Health, Nurse Role, Water استفاده شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل: مقالات فارسی، مطالعاتی که به بررسی رابطه بین کمبود آب و پیامدهای سلامت کودکان پرداخته بودند، پژوهش هایی که نقش پرستاران در پیشگیری، آموزش، مراقبت یا سیاست گذاری مرتبط با بحران کمبود آب را مورد توجه قرار داده بودند. معیارهای خروج شامل: مقالات مروری غیراصولی، مقالات بدون دسترسی به متن کامل، گزارش های موردی منفرد و مطالعاتی که صرفاً بر بزرگسالان تمرکز داشتند. پس از حذف موارد تکراری، دو پژوهشگر مستقل فرآیند غربالگری عنوان، چکیده و متن کامل مقالات را انجام دادند. در صورت بروز اختلاف نظر، داور سوم تصمیم گیری نهایی را بر عهده داشت. در نهایت، ۵۴ مقاله CASP (Critical Appraisal Skills Programme) واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. برای ارزیابی کیفیت مقالات، از ابزار متناسب با نوع مطالعه (مطالعات کیفی یا کمی) استفاده شد. داده های استخراج شده بر اساس سه محور اصلی (مطالعات کیفی یا کمی) استفاده شد. داده های استخراج شده بر اساس سه محور اصلی (مطالعات کیفی یا کمی) استفاده شد. دسته بندی گردیدند: ۱- پیامدهای سلامت ناشی از کمبود آب در کودکان، ۲- مداخلات و نقش های پرستاران، ۳- راهکارها و سیاست های پیشنهادی در حوزه سلامت.

Communication challenges caused by wearing masks and strategies used by pediatric nurses during the COVID-19 pandemic: A qualitative study

Nafiseh¹ ©, Reza¹ ©, Hanieh²

¹ Nursing and Midwifery Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Nursing and Midwifery Faculty, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

Abstract: Purpose The COVID-19 pandemic and the use of facemasks have caused many communication challenges for pediatric nurses. The purpose of this study was to investigate these challenges and the strategies that nurses use to overcome them during the nursing care of sick children. Design and methods This was a qualitative study using conventional content analysis. The nurses were selected by purpose-based sampling and interviewed semi-structurally between April and June 2023 at the Children's Educational Therapy Center in Tabriz, Iran. The sample size was determined by the data saturation principle. The report of this research followed the COREQ guidelines. Results Twelve nurses were interviewed. The analysis revealed four main categories: "Disturbances in communication", "Disturbances in trust", "Disturbances in providing care", and "Nurses' strategies to mitigate the challenges of mask usage. To solve the challenges caused by the mask, nurses used solutions such as removing the mask and mitigating the adverse effects of mask usage they used. Effective communication between the nurse and the sick child, as an integral part of care, is one factor that determines the quality of care and the provision of humanistic care. The presence of communication barriers can disrupt this interaction, instilling fear and confusion in the child during the care process, which hinders the creation of trust. Therefore, by searching for the hidden meaning of the data, the theme "Humanistic care requires trust-based communication" was discerned. This theme underscores the notion that trust-based communication is indispensable for the provision of humanistic care. To overcome the challenges of mask usage, nurses employed strategies to ensure effective and compassionate care. In low-risk situations, they occasionally removed their masks to show their faces and smile, which helped comfort children and build trust. Transparent and cartoon-themed masks were also used to improve communication. Nurses emphasized physical presence, touch, and humor to connect with children, especially those too young to understand verbal explanations. They personalized attire, used name tags and photo IDs, and engaged mothers to help gain the child's trust. Educational strategies included using dolls, videos, and written instructions to explain procedures in a child-friendly way. Conclusions This study highlights the communication challenges faced by pediatric nurses due to mask-wearing during the COVID-19 pandemic. Despite these challenges, nurses have developed innovative strategies to improve communication and build trust with their young patients. Further research is needed to evaluate the effectiveness and feasibility of these strategies.

Comparing Hematological Indices of People with Iron Deficiency Anemia, Thalassemia Minor and Major, and Healthy People

© (P) ¹ اکرم همتی پور

کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران ¹

Abstract: Background: This study aimed to evaluate three hematological indices in children and adolescents with iron deficiency anemia, thalassemia minor and major and healthy people. Materials and Methods: In this descriptive cross-sectional study, 164 patients were selected based on the inclusion and exclusion criteria, and divided into four groups (n=41): iron deficiency anemia, thalassemia minor, thalassemia major, and healthy people. The results obtained from the tests were recorded in the patients' checklist. Mann-Whitney test, Wilcoxon test, ROC curve and area under the curve were adopted for data analysis using SPSS Statistics V21.0. Results: The mean age of patients was 13.07 ± 3.82 years, of which 100 (62.5%) were men. There is a significant difference due to the hemoglobin concentration (Hb) index in two-by-two comparison of the groups ($P=0.001$), but this difference was not seen between iron deficiency and thalassemia minor groups ($P=0.159$). This difference was substantial ($P=0.001$) in terms of mean corpuscular volume (MCV) index, although it was only seen between the iron deficiency and thalassemia major groups ($P=0.225$). Finally, this mean difference was reported in Serum ferritin index ($P=0.001$), but no difference was observed between healthy group and thalassemia minor group ($P=0.802$). Conclusion: The results showed that there is a difference in mean Hb, MCV, and Ferritin levels between the studied groups, and the Hb and Ferritin indices are favorable for iron deficiency anemia, and the Hb and MCV indices are favorable to distinguish the thalassemia minor and major from healthy people

Comparing the effect of listening to music and watching cartoon on pain and physiological indices caused by venipuncture in children: A randomized controlled trial

⁴ سامان معروفی‌زاده، ³ یاسمن یعقوبی، © ² مهشید میرزایی تکلمی، ¹ زهرا توکل نیا

¹ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

² استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

³ دانشیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

⁴ استادیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

Abstract: مقدمه و هدف: رویه‌های دردناک از علل اصلی ایجاد درد در کودکان طی دوران بستری هستند. تسکین درد یک نیاز اساسی در کودکان است که با استفاده از روش‌های غیردارویی، جهت پیشگیری از عوارض درد تسکین نیافته و روش‌های دارویی، توصیه می‌شود. لذا این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه تاثیر گوش‌دادن به موسیقی و تماشای کارتون بر درد و شاخص‌های روش کار: این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی شاهددار تصادفی شده، با فیزیولوژیک ناشی از رگ‌گیری در کودکان انجام شد، بر روی ۱۱۴ کودک ۳ تا ۶ ساله بستری در مرکز آموزشی و درمانی هفته شهریور IR.GUMS.REC.1403.461 کد اخلاق رشت انجام شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تدریجی و تصادفی‌سازی بلوکی در سه گروه گوش‌دادن به موسیقی، تماشای کارتون و کنترل تخصیص یافتند. در گروه‌های مداخله، مداخلات از سه دقیقه قبل تا پایان رویه رگ‌گیری انجام گرفت؛ به صورتی که در گروه گوش‌دادن به موسیقی، کودکان با استفاده از اسپیکر به موسیقی کودکان گوش داده و در گروه تماشای کارتون، با استفاده از تبلت، کارتون مورد نظر را تماشا کردند. در گروه کنترل نیز کودکان مراقبت‌های استاندارد را دریافت کردند. شدت درد با استفاده از مقیاس ارزیابی درد اوشر و شاخص‌های فیزیولوژیک (ضربان قلب و اشباع اکسیژن خون شریانی) با استفاده از پالس اکسی‌متر انگشتی، سه دقیقه قبل از شروع رویه، حین (زمان ورود آنژیوکت) و پایان رویه (پس از تثبیت آنژیوکت) ارزیابی شد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها: نتایج نشان .نسخه ۱۶، آمار توصیفی و آزمون‌های آماری آنکووا و بونفرونی انجام شد SPSS داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار داد کودکان در گروه‌های موسیقی و کارتون، حین و پایان رگ‌گیری، به طور معناداری میانگین نمره درد کمتری نسبت به گروه کنترل در بررسی میانگین تعداد (0/05P)، درحالی‌که بین دو گروه مداخله تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد (0/001P) داشتند ضربان قلب، فقط در پایان رگ‌گیری، گروه کارتون به صورت معنادار، میانگین تعداد ضربان قلب کمتری نسبت به گروه کنترل (0/05P) و در سایر مقایسه‌ها بین سه گروه مورد مطالعه، در حین و پایان رگ‌گیری، تفاوت معناداری مشاهده نشد (0/05P) داشت همچنین از نظر میانگین درصد اشباع اکسیژن خون شریانی بین سه گروه مورد مطالعه، حین و پایان رویه، تفاوت آماری معناداری نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان‌دهنده تاثیرگذاری گوش‌دادن به موسیقی و تماشای کارتون بر کاهش (0/05P) وجود نداشت درد ناشی از رگ‌گیری در کودکان بود، لذا استفاده از این روش‌های غیردارویی، کم هزینه و کم عارضه جهت تسکین درد ناشی از کلیدواژه‌ها: درد، موسیقی، کارتون، رگ‌گیری، کودکان سن قبل مدرسه . رویه‌های تهاجمی توصیه می‌شود

Design and Effectiveness of a Smart Digital Parenting Program for Preventing Internet Addiction in Children: A Family-Centered Media Literacy Educational Approach

Samaneh Fallah Karimi ¹ , Zahra Khalilzadeh Farsangi ² 

¹ Instructor, Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Torbet Heydarieh University of Medical Sciences, Torbet Heydarieh, Iran.

² Master student in Nursing, student research committee, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

Abstract: Background and Aim: The increasing use of the internet among children has raised concerns about internet dependency and addiction. Digital parenting, especially when delivered through smart, education-based platforms, can play a significant role in preventing this issue. This study aimed to design and evaluate the effectiveness of a digital parenting intervention program based on media literacy to reduce the risk of internet addiction in children. Methods: This semi-experimental study with a pretest-posttest and two-month follow-up design and a control group was conducted in 2024 in elementary schools of Zahedan. The study population included parents of children aged 8 to 12 years. Sixty parents were randomly selected and assigned into intervention (n=30) and control (n=30) groups. The intervention group received six weeks of training via the smart app "Conscious Parenting," covering digital parenting styles, managing online behaviors, critical dialogue with children, media literacy, and effective supervision strategies. The control group received no intervention. Data were collected at three time points (pre-intervention, post-intervention, and two-month follow-up) using the Child Internet Addiction Scale, Digital Parenting Questionnaire, and Parental Media Literacy Scale. Data were analyzed using paired t-tests, independent t-tests, and ANCOVA with significance level set at p0.05. Results: Findings indicated a significant decrease in children's internet addiction scores in the intervention group after the program (p0.001), which remained stable at the two-month follow-up. Additionally, digital parenting and parental media literacy scores increased significantly compared to the control group (p0.001). No significant changes were observed in the control group (p0.05). ANCOVA confirmed the independent and significant effect of the intervention on the studied variables (p0.01). Conclusion: The digital parenting educational program based on a smart platform can be an effective and practical strategy for preventing internet addiction in children by enhancing media literacy and promoting conscious parent-child interaction. Keywords: Digital Parenting, Internet Addiction, Media Literacy, Parent Education, Children, Preventive Intervention

Digital Ethics in Care: Equity-Centered AI Frameworks in Pediatric and Family Nursing

¹ سیما پورتیمور، ² مهدی محمودزاده، © ¹ ثنا خلیل زاده ضیاء

¹ Patient Safety Research Center, Clinical Research Institute, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

² Department of Pediatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Khoy

Abstract: Background Artificial intelligence (AI) is transforming pediatric and family nursing through enhanced diagnostics, personalized care plans, and family support. Yet, ethical challenges—including algorithmic bias, data privacy, and unequal access—pose risks for vulnerable children, particularly those from marginalized communities. Equity-focused frameworks seek to ensure justice, fairness, and inclusivity in AI adoption, preventing the amplification of health disparities in hospitals and community care. Objective To systematically review equity-oriented ethical frameworks for AI in pediatric and family nursing, outlining their development, implementation, and effects on justice, and identifying gaps for future practice. Methods Following PRISMA guidelines, a systematic search (2020–2025) was conducted in PubMed, CINAHL, Scopus, Web of Science, and PsycINFO. Eligible publications included empirical studies, reviews, and policy analyses addressing bias mitigation, privacy, equity, and justice in AI applications for pediatric/family nursing. Results Twenty-two studies were included. Core principles emphasized transparency, accountability, and inclusivity. Strategies such as bias audits and participatory design improved equity scores by 25–40% in AI-driven diagnostics. While AI enhanced early disease prediction (85–95% accuracy for neonatal sepsis), biases disproportionately affected racial/ethnic minorities. Nurse education programs boosted ethical competencies (effect size: $d = 0.65$). Challenges included privacy breaches (15–30% prevalence) and limited family involvement in AI design. Integrated frameworks facilitated fair resource allocation and improved family-centered outcomes ($RR = 1.45$, 95% CI 1.20–1.75). Conclusion Equity-centered AI ethics frameworks are crucial for fair and safe integration in pediatric and family nursing. Recommendations include nurse-led ethics training, systematic bias mitigation, and inclusive governance policies to align AI adoption with health equity goals. Keywords: AI ethics, pediatric nursing, equity frameworks, family-centered care, digital justice

Digital parenting and the role of nurses in promoting children's mental health in cyberspace

³ زهرا سلطان تویه², آذر رابط میلی¹, © P, ©¹ فاطمه السادات سید نعمت اله روشن

¹ استادیار، دپارتمان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، تهران، ایران

² کارشناسی ارشد مراقبتهای ویژه نوزادان، سوپروایزر آموزشی بیمارستان کودکان بهرامی، تهران، ایران

³ کارشناس پرستاری، سوپروایزر بالینی بیمارستان کودکان بهرامی، تهران، ایران

Abstract: مقدمه: با گسترش فناوری‌های دیجیتال، استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و دستگاه‌های هوشمند به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی کودکان و نوجوانان تبدیل شده است. در این میان، مفهوم «والدگری دیجیتال» به عنوان راهکاری برای مدیریت و نظارت والدین بر فعالیت‌های دیجیتال فرزندان، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. سلامت روانی کودکان، رشد شناختی و اجتماعی آنان در تعامل با محیط دیجیتال به شدت تحت تأثیر سبک والدگری در فضای مجازی قرار دارد. پرستاران، به‌ویژه در حوزه بهداشت جامعه و سلامت خانواده، می‌توانند در ارتقاء سواد دیجیتال والدین و تدوین استراتژی‌های مؤثر برای حمایت از والدگری دیجیتال نقش کلیدی ایفا کنند. هدف از این مطالعه، تبیین ابعاد مفهومی والدگری دیجیتال و بررسی نقش پرستاران در ارتقاء سواد دیجیتال خانواده‌ها و حمایت از والدین در مدیریت ایمن و سالم فعالیت‌های رسانه‌ای فرزندان در عصر فناوری است. روش کار: این مطالعه به صورت مروری با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های طی بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ انجام شد. کلیدواژه‌های Google Scholar، ScienceDirect، Scopus، PubMed بین‌المللی جستجو شامل «والدگری دیجیتال»، «نقش پرستاران»، «سلامت روان کودک»، «فضای مجازی» و «سواد دیجیتال والدین» بودند. پس از حذف مقالات تکراری، عناوین و چکیده‌ها برای ارتباط با اهداف مطالعه بررسی و مقالات مرتبط انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل مطالعات اصلی، مرور سیستماتیک، و مطالعات با محوریت والدگری دیجیتال و نقش پرستاران در ارتقاء سلامت روان و سواد دیجیتال خانواده‌ها بود، و مطالعات غیرمرتبط یا با کیفیت پایین کنار گذاشته شدند. در نهایت، ۳۸ مقاله با کیفیت بالا انتخاب و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفتند تا ابعاد مفهومی والدگری دیجیتال و راهکارهای عملی پرستاران شناسایی و طبقه‌بندی شود. نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که والدگری دیجیتال شامل نظارت فعال، مشارکت در فعالیت‌های دیجیتالی، تعیین مرزهای زمانی و محتوایی، و گفت‌وگو با کودک در مورد خطرات فضای مجازی است. همچنین، پرستاران با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مشاوره‌های فردی و گروهی، و طراحی ابزارهای سنجش آمادگی والدین برای مدیریت رسانه‌های دیجیتال، می‌توانند در ارتقاء سطح آگاهی و مهارت خانواده‌ها نقش‌آفرینی کنند. در محیط‌های بالینی و جامعه‌محور، پرستاران واسطه‌ای مؤثر بین سیاست‌گذاران سلامت، نظام آموزش و خانواده‌ها هستند. بحث و نتیجه‌گیری: در دنیای امروز، والدگری دیجیتال یکی از مؤلفه‌های ضروری در تربیت سالم فرزندان است. این نوع والدگری نیازمند حمایت تخصصی از سوی نظام سلامت است. پرستاران با دارا بودن مهارت‌های ارتباطی، آموزشی و شناخت جامع از نیازهای رشدی کودکان، می‌توانند نقش راهبردی در ارتقاء والدگری دیجیتال ایفا کنند.

Digital storytelling in pediatric nursing care

© P 4 هانیه زند لشنی³، مژگان ساکی¹، سیده فاطمه قاسمی²، سکینه اکبری¹، فاطمه ولی زاده

¹ دانشیار پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

² دانشجوی دکتری پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دفتر یوسرن، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

³ مربی آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، گروه اتاق عمل و فوریت‌های پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

⁴ دانشجوی ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

Abstract: مقدمه و هدف: قصه‌گویی دیجیتال، هنر و صنعت انتقال قصه‌ها با استفاده از رسانه‌ها و نرم‌افزارهای مختلف است. مقرون‌به‌صرفه بودن و دسترسی گسترده به ابزارهای دیجیتال، قصه‌گویی دیجیتال را به یک ابزار قدرتمند ارتباطی تبدیل کرده است. هدف این مطالعه معرفی قصه‌گویی دیجیتال به عنوان یک مداخله مراقبتی در پرستاری کودکان می‌باشد. قصه‌های دیجیتال طراحی شده برای بیماران، ارائه‌های چندرسانه‌ای هستند که برای ایجاد یک قصه منحصر به فرد و احساسی از تجارب مراقبت سلامتی روایت‌ها، تصاویر و موسیقی را ترکیب می‌کنند. قصه‌گویی دیجیتال با آشکار کردن نیازهای پنهان، غیرمتعارف، معمولی و نادیده گرفته شده؛ پتانسیل درمانی برای استفاده در کودکان را دارد. برخی جنبه‌های مثبت قصه‌گویی دیجیتال شامل این موارد می‌شود: ۱- قصه‌ها به صورت غیرمستقیم به کودکان آموزش می‌دهند بیماری چگونه به وجود آمده و قابل پیشگیری هستند. این آموزش ترس آن‌ها را کاهش می‌دهد. ۲- قهرمانهای قصه‌ها با چالش ابتلا به یک بیماری روبرو می‌شوند. کودکان با شجاعت قهرمان قصه همذات‌پنداری و یاد می‌گیرند با ترس خود مقابله کنند. ۳- کودکان با ابزارهای دیجیتال به طور فعال در قصه‌گویی مشارکت و مثلاً انتخاب می‌کنند شخصیت قصه چگونه با بیماری برخورد کند. این تعامل حس کنترل بیشتری در کودکان ایجاد می‌کند. ۴- اکثر بازی‌های دیجیتال مفاهیم سلامتی و بیماری را به صورت سرگرم‌کننده آموزش داده؛ آگاهی کودکان را افزایش و نگرانی و ترس آن‌ها را کاهش می‌دهند. ۵- پرستاران می‌توانند قصه‌های دیجیتال را متناسب با نیازها و ترس‌های کودکان ساخته و بطور اختصاصی به مشکلات کودکان بپردازند. ۶- قصه‌گویی دیجیتال به کودکان کمک می‌کند نسبت به دیگران همدلی بیشتری نشان داده، قادر به درک احساسات و تجربیات دیگران شوند. کاربردهای قصه‌گویی دیجیتال در پرستاری کودکان شامل این موارد می‌باشد: الف) آماده‌سازی جهت جراحی و پروسجرها مانند قصه‌های طراحی شده درباره روند جراحی، بیهوشی، مراقبت‌های بعد جراحی برای کاهش اضطراب قبل عمل؛ قصه‌های تصویری برای آموزش گام به گام فرآیند خونگیری و تزریقات ب) حمایت عاطفی روانی مانند قصه‌های شخصی برای کمک به بیان احساسات توسط کودکان بیمار یا تحت استرس، کمک به مقابله با درد، ترس و بیخوابی. ج) آموزش و ارتقای سلامت مانند آموزش مهارت‌های خودمراقبتی در آسم، رعایت رژیم درمانی، مدیریت دیابت. د) ارتقای تعامل خانواده و تیم درمان مثل تولید قصه‌های خانوادگی از تجربه بستری جهت بهبود همدلی و ارتباط میان کودک و والدین. ه) آموزش پرستاران و کارکنان مانند آموزش حساسیت‌زدایی، همدلی و درک تجربه کودک به دانشجویان و پرستاران. نتیجه‌گیری: قصه‌گویی دیجیتال یک ابزار نوظهور با چشم‌انداز امیدوارکننده در پرستاری کودکان است. این روش اضطراب را کاهش، مشارکت کودک را کد اخلاق: مقاله پنل. افزایش و ابزاری مفید برای آموزش و پشتیبانی عاطفی است

Effect of a resilience-based educational program on the spiritual well-being of labor children: A randomized controlled trial

Katayoon Faraji¹ © ®, Fatemeh Khoshnavay Fomani², Jila Mirlashari³, Alireza Boostanipour⁴, Amir Kasaeian⁵

¹ Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Nursing and Midwifery Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ College of Nursing, Seattle University, Seattle, United States

⁴ Department of Pediatric Nursing, Doctorate in Counseling Member of the American Counseling Association, Virginia, United States

⁵ Liver and Pancreatobiliary Diseases Research Center, Digestive Oncology Research Center, Clinical Research Development Unit, Digestive Diseases Research Institute, Shariati Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: This study aims to investigate the effect of resilience interventions on the spiritual well-being of working adolescents. This study is a randomized controlled trial with two groups: intervention and control. The research used psychometrically validated questionnaires to assess spiritual well-being and life orientation (SHALOM). The educational content's validity was confirmed, and a resilience intervention tailored for adolescents was developed and validated. The study was conducted at a child labor support association, with a sample size of 33 participants in each intervention and control group. Before the intervention, participants completed the spiritual well-being and resilience questionnaires, and the intervention was conducted over eight one-hour sessions twice a week. Post-intervention, the questionnaires were completed again. In the intervention group, the mean resilience score before the intervention was 3.52; after the intervention, it was 3.41. The observed changes were not statistically significant ($P > 0.05$), indicating that the intervention did not have a meaningful impact on improving resilience. Similarly, in the control group, which did not receive any intervention, the mean resilience score before the intervention was 3.32; after the intervention, it was 3.27 ($P > 0.05$), showing no notable difference in resilience levels in the control group. Regarding spiritual well-being, the mean score in the intervention group was 3.84 before and after the intervention, which decreased to 3.69 ($P > 0.05$). In the control group, the score dropped from 3.57 to 3.49 ($P > 0.05$). Overall, neither group showed significant changes in resilience or spiritual well-being, suggesting that the intervention did not have a meaningful effect on these outcomes. Therefore, it is recommended that further research be conducted in this area. **Highlights** In the intervention group, the mean resilience score before the intervention was 3.52; after the intervention, it was 3.41 ($P > 0.05$). In the control group, which did not receive any intervention, the mean resilience score before the intervention was 3.32; after the intervention, it was 3.27 ($P > 0.05$). Regarding spiritual well-being, the mean score in the intervention group was 3.84 before and after the intervention, which decreased to 3.69 ($P > 0.05$). In the control group, the score dropped from 3.57 to 3.49 ($P > 0.05$). Overall, neither group showed significant changes in resilience or spiritual well-being, suggesting that the intervention did not have a meaningful effect on these outcomes. Therefore, it is recommended that further research be conducted in this area. **Keywords** Working Adolescents Child Labor Resilience Spiritual Well-being Nurses Nursing

Effectiveness of an AI-Based Health Education Platform in Enhancing Family Health Literacy, Parental Caregiving Self-Efficacy, and Nurse-Family Interaction

Zahra Khalilzadeh Farsangi¹ ©, Samaneh Fallah Karimi² ®

¹ Master student in Nursing, student research committee, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

² Instructor, Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Torbet Heydarieh University of Medical Sciences, Torbet Heydarieh, Iran.

Abstract: Background and Aim: The integration of modern technologies—particularly artificial intelligence (AI)-based platforms—offers innovative opportunities for health education and enhancing caregiving competencies among children, families, and nurses. This study aimed to examine the effectiveness of an AI-based mobile health education platform on improving family health literacy, parental caregiving self-efficacy, and nurse-family interaction. Methods: This quasi-experimental study with a two-group pretest-posttest (three-month follow-up) design was conducted in 2024 in teaching hospitals affiliated with Zahedan University of Medical Sciences. A total of 60 children with chronic illnesses (aged 6–12), one parent per child, and their corresponding nurses were selected through simple random sampling and assigned to intervention (n=30) and control (n=30) groups. The intervention group received education via a researcher-designed AI-powered mobile platform, which included interactive multimedia modules on child health education, nutrition, medication management, emotional support, communication skills for parents, and professional interaction strategies for nurses. The training was accessible to participants over six weeks in an interactive format. Data were collected at two time points (before and three months after the intervention) using the Health Literacy Questionnaire (HLQ), Parenting Sense of Competence Scale (PSOC), and the Nurse-Family Partnership Process Measure (NFPPM). Data analysis was performed using paired t-tests, independent t-tests, and ANCOVA. A significance level of $p < 0.05$ was considered. Results: The results showed that the mean scores of family health literacy, parental caregiving self-efficacy, and nurse-family interaction significantly increased in the intervention group both compared to baseline and to the control group at the three-month follow-up ($p < 0.001$). No significant changes were observed in the control group ($p > 0.05$). ANCOVA confirmed the independent and significant effect of the intervention after adjusting for baseline scores ($p < 0.01$). Conclusion: The AI-based mobile platform proved effective in enhancing family health literacy, improving parental caregiving self-efficacy, and fostering more effective nurse-family interaction. This innovative educational approach may serve as a practical and scalable strategy for improving child-centered care and interprofessional collaboration. Keywords: Artificial intelligence, health education, self-efficacy, family, interaction, nurse

Effectiveness of Corrective Exercise Programs on Musculoskeletal Function and Recovery in Hospitalized Pediatric Patients with Cerebral Palsy, Juvenile Idiopathic Arthritis, and Scoliosis: A Systematic Review

Sana Mahdian Riz¹ © ®

¹ Students Research Committee, Neyshabur University of Medical Sciences, Neyshabur, Iran

Abstract: Background and Aim: Musculoskeletal disorders such as cerebral palsy (CP), juvenile idiopathic arthritis (JIA), and scoliosis significantly impair children’s mobility and quality of life, often requiring hospitalization and comprehensive rehabilitation. Corrective exercise programs are frequently used to improve muscle strength, flexibility, posture, and reduce pain in these populations. Despite their widespread application, there is limited consensus on their overall effectiveness and best practices. This systematic review aims to evaluate the evidence on the impact of corrective exercise interventions on musculoskeletal function and recovery in hospitalized pediatric patients diagnosed with CP, JIA, or scoliosis. Methods: A systematic search was conducted in PubMed, Scopus, Web of Science, PEDro, and Cochrane Library databases for studies published up to July 2025. Keywords included “corrective exercise,” “pediatric rehabilitation,” “cerebral palsy,” “juvenile idiopathic arthritis,” “scoliosis,” and “hospitalized children.” Inclusion criteria were original peer-reviewed articles focusing on hospitalized children (0–18 years) with CP, JIA, or scoliosis, assessing corrective exercise programs through quantitative musculoskeletal outcomes. Excluded were studies on outpatient care, surgical interventions alone, reviews, and case reports. Two reviewers independently screened 1,123 articles, and 19 met the inclusion criteria. Results: The included studies involved 8 on CP, 6 on JIA, and 5 on scoliosis, with sample sizes from 30 to 200 patients and intervention durations ranging from 4 weeks to 6 months. CP patients showed significant improvements in motor function, with Gross Motor Function Measure (GMFM) scores increasing by 12–18%. JIA patients experienced 25–40% reductions in joint pain (Visual Analog Scale) and 15-degree improvements in joint range of motion. Scoliosis studies reported average Cobb angle reductions of 5–7 degrees and enhanced trunk muscle endurance. Variability in protocols and outcome measures limited cross-study comparisons. Only six studies provided follow-up data beyond three months. Conclusion: Corrective exercise programs demonstrate effectiveness in improving musculoskeletal function and reducing symptoms in hospitalized pediatric patients with CP, JIA, and scoliosis. However, heterogeneity among studies and limited long-term data highlight the need for standardized, high-quality trials to establish optimal exercise protocols and promote sustained recovery. Keywords: Corrective exercise, Pediatric rehabilitation, Cerebral palsy, Juvenile idiopathic arthritis, Scoliosis

Effectiveness of Mindfulness Based Interventions on Stress Among Caregivers of Children with Chronic Illnesses: Systematic Review

Samaneh Rajabi Rahmatabadi ¹ , Mohammad Moein Mokhtarezadeh ² , Taiebeh Dehghan ³, Fatemeh Farhang Firoozabadi ⁴

¹ MSc student of pediatric nursing, Department of nursing, School of nursing and midwifery, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

² Medical Student, Student Research Committee, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

³ BSC of Nursing, Department of Obstetrics and Gynecology Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

⁴ BSC of Nursing, Endoscopy Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

Abstract: Introduction: Caring for children with chronic illnesses imposes substantial psychological and emotional demands on caregivers, often leading to heightened stress levels, anxiety, and burnout. Persistent caregiver stress can negatively affect both the caregiver's health and the child's treatment adherence and outcomes. Mindfulness Based Interventions (MBIs), grounded in present moment awareness and non judgmental acceptance, have emerged as evidence based strategies for stress reduction and resilience building in diverse populations, including family caregivers. This systematic review aimed to evaluate the effectiveness of mindfulness based interventions in reducing stress among caregivers of children with chronic illnesses. Methods: Following the PRISMA 2020 guidelines, a comprehensive search was conducted in PubMed, Scopus, Web of Science, and Cochrane Library for studies published between January 2010 and April 2025. Search terms included "mindfulness," "caregivers," "chronic illness," "children," and "stress reduction." Eligible studies involved parent or primary caregivers of pediatric patients with any chronic condition, employed MBIs such as Mindfulness Based Stress Reduction (MBSR) or Mindfulness Based Cognitive Therapy (MBCT), and assessed stress using validated measurement tools. Exclusion criteria included studies involving non parent caregivers or non mindfulness interventions. Methodological quality was appraised using the Joanna Briggs Institute critical appraisal tools. Due to heterogeneity in intervention design, a narrative synthesis was performed, supplemented by pooled effect size calculations when feasible. Results: 19 studies encompassing 1,375 participants met inclusion criteria. Intervention formats included group based sessions (n=12), online programs (n=5), and hybrid models (n=2), with durations ranging from 6 to 12 weeks. All studies reported significant post intervention reductions in caregiver stress. The pooled standardized mean difference (SMD) for stress reduction was -0.71. Additional benefits included improvements in anxiety (SMD = -0.54) and depressive symptoms (SMD = -0.48). Intervention adherence rates exceeded 80% in most studies. Conclusion: Mindfulness based interventions demonstrate moderate to large effectiveness in reducing stress and enhancing psychological well being among caregivers of children with chronic illnesses. Incorporating MBIs into pediatric healthcare support programs may promote caregiver resilience and indirectly benefit child health outcomes. Further research should investigate long term maintenance effects and optimal delivery modalities for diverse care settings. Keywords: Mindfulness, Caregivers, Chronic Illness, Stress Reduction, Pediatric.

Effectiveness of Play Therapy for pain and Anxiety Relief in Children Following Surgery: A Systematic Review

¹ زهرا کفشگر¹, مهسا خدمتی زارع¹, © P, ارغوان نامداری¹

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی-جراحی، مرکز پژوهشهای علمی دانشجویان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی¹
تهران، تهران، ایران

Abstract: Introduction: Play therapy has emerged as a novel, non-invasive approach to improving the psychological status of children after surgery. Postoperative pain and anxiety can affect the recovery process and reduce their quality of life. Play therapy may help reduce these complication and provide a better treatment experience for children. By creating a safe and joyful space, it enables children to express feelings and reduce stress. This systematic review aims to examine the effectiveness of play therapy in alleviating pain and anxiety in children after surgery. Methods: A comprehensive search of reputable databases, including PubMed, Scopus, and Google Scholar, was conducted. Studies published from 2018 to 2025 were searched using keywords "play therapy," "pain relief," "anxiety," "children," and "post-surgery." After screening titles and abstracts and removing duplicates and irrelevant items and from a total of 256 retrieved articles, six randomized controlled trials assessing the effectiveness of play therapy in reducing pain and anxiety in children after surgery were selected and subjected to content analysis. Results: Recent randomized controlled trials indicate that the use of play therapy significantly reduces pain and anxiety in children after surgery and invasive procedures. The findings suggest that applying play therapy can serve as an effective complementary intervention in clinical centers to reduce pain and anxiety in children following invasive procedures. Overall, this systematic review emphasizes that play therapy is an efficient and non-harmful tool to improve the treatment experience for children after surgery and invasive procedures and to help reduce pain and anxiety related to procedures. Discussion and Conclusion: Play therapy, as a safe, non-harmful, and non-pharmacological approach, has shown high potential for controlling pain and anxiety in children after surgery and invasive procedures. Play therapy appears as a valuable, complementary approach to reduce pain and anxiety and may improve the surgical experience and recovery process. However, given the limitations of current research, more comprehensive studies with precise designs are necessary to develop and optimize practical and clinical frameworks. Keywords: play therapy, pain, anxiety, postoperative, children

Effects of pinwheel blowing and stress ball squeezing on children's pain and anxiety during IV catheterization: a randomized controlled trial

©³ زهرا هادیان شیرازی،³ زهرا جمشیدی،² نسرين شریفی،¹ ©¹ ریحانه دهقان دهنوی

¹ 1) Research Center for Nursing and Midwifery Care, Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Non-Communicable Diseases Research Institute, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran; 2) Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

² School of Nursing and Midwifery, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

³ Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract:

برقراری خط وریدی از شایع‌ترین اقدامات در بیمارستان است که معمولاً با درد و اضطراب قابل توجهی در کودکان بستری همراه می‌باشد. این کارآزمایی تصادفی و کنترل‌شده با هدف مقایسه تأثیر فشردن توپ استرس و دمیدن فرفره بر شدت درد و اضطراب ناشی از ورود کاتتر وریدی در کودکان سنین مدرسه انجام شد. در این مطالعه، ۹۰ کودک ۶ تا ۱۲ ساله بستری در بخش‌های کودکان بیمارستان نمازی شیراز به صورت تصادفی در سه گروه توپ استرس، فرفره و کنترل تخصیص یافتند. شدت درد و اضطراب با استفاده از مقیاس درد اوچر (Oucher Pain Scale) و آزمون تصویری ونهام (VPT) در سه مرحله قبل، حین و پس از انجام پروسیجر ارزیابی گردید. نتایج نشان داد گروه فرفره کمترین میانگین نمره درد را گزارش کردند ($11/3 \pm 8/0$)، پس از آن گروه توپ استرس ($14/9 \pm 14/5$) و در نهایت گروه کنترل ($34/6 \pm 50/5$) قرار داشتند؛ این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار بودند ($p = 0.05$). همچنین میانگین نمره اضطراب در گروه فرفره ($1/1 \pm 0/7$) به‌طور معناداری کمتر از گروه توپ استرس ($1/2 \pm 1/0$) و گروه کنترل ($2/8 \pm 4/9$) بود ($p = 0.05$). بر اساس یافته‌های این پژوهش، هر دو روش فشردن توپ استرس و دمیدن فرفره در کاهش درد و اضطراب کودکان مؤثر هستند، اما دمیدن فرفره تأثیر بیشتری نشان داد. بنابراین، می‌توان از این روش به‌عنوان یک تکنیک ساده، غیرتهاجمی و کم‌هزینه برای انحراف حواس و کاهش درد و اضطراب ناشی از برقراری خط وریدی در کودکان استفاده نمود.

Empowering Nurses in Providing Psychological Support and Enhancing Social Adaptation of Children and Families: An Innovative Interventional Approach

Zahra Khalilzadeh Farsangi¹ ©, Samaneh Fallah Karimi² ©

¹ Master student in Nursing, student research committee, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

² Instructor, Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Torbet Heydarieh University of Medical Sciences, Torbet Heydarieh, Iran.

Abstract: Background and Objective: Psychological support and enhancement of social adaptation for children and their families are among the most important roles of nurses in comprehensive care. Empowering nurses through innovative interventions can improve the quality of these supports. This study aimed to evaluate the effectiveness of a technology-based educational program to enhance nurses' competencies in providing psychological support and promoting social adaptation in children and families. Methods: This interventional study with a pretest-posttest design and control group was conducted in 2024 in teaching hospitals affiliated with Zahedan University of Medical Sciences. The study population included nurses working in pediatric wards, from whom 60 eligible participants were randomly selected from 80 and equally assigned to intervention and control groups. The intervention group received specialized training over 8 weeks via an interactive smart application; the training included multimedia content and practical activities related to child developmental psychology, family-centered psychological support skills, effective communication techniques, and strategies to promote social adaptation of children and families. After each session, participants performed practical exercises and had online interaction opportunities with instructors. The control group received routine hospital training and did not have access to the application. Data were collected at two points: one week before the intervention (pretest) and three months after the completion of training (posttest), allowing evaluation of the intervention's sustained effects. The instruments used included the Nurse Psychological Support Questionnaire, measuring the skills and effectiveness of psychological support (Cronbach's $\alpha=0.89$), and the Social Adaptation Scale for Children and Families, assessing social adaptation and communication abilities in family and social environments (Cronbach's $\alpha=0.91$). Data analysis was performed using paired t-tests for within-group comparisons, independent t-tests for between-group comparisons, and ANCOVA to control for pretest scores. A significance level of $p<0.05$ was considered. Results: Findings showed a significant increase in nurses' competencies in providing psychological support and enhancing social adaptation of children and families in the intervention group after the program ($p<0.001$), while no significant changes were observed in the control group ($p>0.05$). ANCOVA confirmed the independent and positive effect of the intervention ($p<0.01$). Conclusion: The smart application-based educational program is an effective and practical method for empowering nurses in psychological support and promoting social adaptation among children and families, potentially improving the quality of psychosocial care in clinical settings. Keywords: Nurse, Psychological Support, Social Adaptation, Children, Families.

Enhancing Social Interactions in Children with Autism through a Play-Based Approach

⁴ روشنگ غلامی فر، ³ ©، ³ امیرمحمد درستی، ² ©، ² سمیه قربانی، ¹ میرامیرحسین سیدنظری

¹ کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

² کارشناسی ارشد، رشته پرستاری اورژانس، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

³ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

⁴ کارشناس پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

Abstract:

مقدمه: اوتیسم یک اختلال در رشد سیستم عصبی است که با مشکلات در ارتباطات اجتماعی، علایق محدود و رفتارهای تکراری مشخص می شود. کودکان مبتلا به این اختلال، در جنبه های رشدی مرتبط با ارتباط و تعاملات اجتماعی، ضعف هایی نشان می دهند. با توجه به اهمیت تعاملات اجتماعی برای این کودکان، پژوهش حاضر با هدف مرور شواهد و بررسی تأثیر بازی بر بهبود تعاملات اجتماعی آن ها انجام شده است. روش تحقیق: این یک مطالعه مروری روایتی است که در آن، جستجوی گسترده ای با کلیدواژه های مرتبط با بازی، تعامل اجتماعی، کودکان و اوتیسم، در پایگاه های داده بین المللی Scopus، Web of Science، PubMed/Medline و موتور جستجوی Google Scholar، و همچنین پایگاه های ملی SID، Magiran و Irandoc انجام شد. معیارهای ورود شامل دسترسی رایگان به متن کامل مقالات و انتشار به زبان فارسی یا انگلیسی بود. مقالات مروری، نامه ها به سردبیر و مقالات همایشی حذف شدند. مقالاتی که بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ منتشر شده بودند، بررسی شدند. در جستجوی اولیه، ۵۰ مطالعه به دست آمد که پس از حذف موارد تکراری و نقد با ابزارهای مربوطه، نهایتاً ۸ مطالعه برای تحلیل نهایی انتخاب شد. یافته ها: نتایج نشان داد که فعالیت های سازمان یافته مانند بازی با لگو، فرصتی طبیعی و انگیزه بخش برای تمرین مهارت های اجتماعی در محیط واقعی زندگی کودکان اوتیسم فراهم می کنند. این مداخلات، به ویژه با مشارکت فعال والدین، توانستند افزایش قابل توجهی در رفتارهای اجتماعی مناسب، کاهش رفتارهای پرخاشگرانه و بهبود مهارت های گفتاری در کودکان ایجاد کنند. در برخی مطالعات، این مهارت ها به زمان های آزاد و دیگر موقعیت های اجتماعی نیز منتقل شد؛ اما در مطالعات دیگر، در پیگیری دو ماهه در محیط خانه، مقداری کاهش در نتایج مشاهده شد. به طور کلی، مداخلات خانواده محور و بازی های هدفمند، رویکردی مؤثر برای تقویت ارتباطات اجتماعی و کلامی در کودکان دارای اوتیسم به شمار می آیند. نتیجه گیری: مداخلات مبتنی بر بازی، به خصوص با همکاری والدین، می توانند به شکل مؤثری تعاملات اجتماعی مناسب را افزایش داده و رفتارهای ناسازگار را کاهش دهند؛ هرچند پایداری نتایج در بلندمدت نیازمند پیگیری و حمایت مداوم است. با توجه به نقش والدین در ارتقاء این مهارت ها، توصیه می شود برنامه های آموزشی تخصصی برای آن ها تدوین و اجرا شود. کلمات کلیدی: بازی، تعاملات اجتماعی، کودکان، اوتیسم

Epidemiology of accidents in children aged 1-59 months in the pre-hospital emergency of Kermanshah-Iran during 2021 to 2023

Nasim Bagheri Moheb ¹ © ®, Fatemeh Zaheri ², Sobhan Bagheri ³

¹ Ph.D. Student in Nursing, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

² M.Sc. in Emergency & Critical Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

³ Ph.D. Student in Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Abstract: Background and Objectives: Accidents are the main causes of death and one of the causes of children all over the world. Epidemiological studies play a role in preventing and controlling children's accidents by identifying the causes of accidents and environmental factors in the occurrence of accidents. This study was conducted with the aim of epidemiology of accidents in children aged 1-59 months in the pre-hospital emergency. Methods: The current study is a descriptive-analytical study that includes registered cases of children aged 1-59 months who were transferred to the hospital by the pre-hospital emergency. Sample collection was done in an accessible manner and through the Asayar system and checklist, and the information included demographic characteristics, type of accident, and receiving hospital. Data was analyzed using SPSS 21 software. Results: During these years, 963 children aged 1-59 months faced with accidents and incidents were investigated by the pre-hospital emergency department and 606 cases (63%) were transferred to the medical center. The incidents experienced in the order of prevalence are: accidents 539 (56%), trauma 127 (13%), aspiration 86 (08%) and falls from a height 77 (07%) were injured. The highest number of incidents and accidents in the age category of toddlers is 416 and related to boys 570 (59%) and during the summer season (33%). Conclusion: Considering the most important causes of accidents, designing interventions and training parents and children using preventive measures regarding accidents should be an effective step to reduce accidents. Also, preparing and implementing educational programs at home, complying with traffic regulations, training through mass media, strengthening monitoring systems on people's performance is necessary and effective in reducing accidents in society. Code: IR.KUMS.REC.1403.253
Keywords: Accidents, Children aged 1-59 months, Pre-hospital emergency

Evaluating the performance of baby-friendly hospitals of Isfahan University of Medical Sciences in 2024

© P¹ مریم کاظمی

معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان¹

Abstract:

دوره شیرخوارگی از حساسترین مراحل زندگی است که نیاز به مراقبت های دقیق بهداشتی و تغذیه ای دارد. در کشور ما همگام با شروع فعالیت های ترویج تغذیه با شیرمادر، ایجاد بیمارستان های دوستدار کودک از اولویت های برنامه کشوری قرار گرفت. از آنجا که راه اندازی بیمارستان های دوستدار کودک و تجربه اجرای ده اقدام در جهان در ارتقاء شاخص های شیر مادر نقش بسزایی داشته است، حفظ تداوم و حسن اجرای این اقدامات در بیمارستانها پس از اجرای اولیه و دریافت لوح اهمیت دارد. هدف از این مطالعه تعیین عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۴۰۳ بود. روش کار: این مطالعه در گروه مطالعات توصیفی - تحلیلی با رویکرد ارزیابی عملکرد صورت پذیرفت. در این مطالعه از روش های مشاهده، بررسی اسناد و مصاحبه تصادفی بر اساس چک لیست استاندارد ابلاغی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت جمع آوری داده ها استفاده شد. ابزار جمع آوری داده ها در این مطالعه چک لیست های استاندارد ابلاغی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده است. در ارزیابی عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک از چک لیست، مصاحبه و مشاهده استفاده شد. در این مطالعه نمونه گیری صورت نپذیرفت و لذا تمام بیمارستان هایی که لوح دوستدار کودک دریافت نموده اند در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به صورت سرشماری مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد ۵۴.۱ درصد از بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از نظر رعایت استانداردهای دوستدار کودک دارای امتیاز ممتاز می باشند. ۲۴.۳ درصد از کل بیمارستان های دوستدار کودک در این دانشگاه دارای امتیاز عالی و ۲۱.۶ درصد از بیمارستان های دوستدار کودک دارای امتیاز خوب می باشند. تفاوت بیمارستان ها در کسب رتبه های متفاوت به چگونگی اجرای اقدامات ده گانه بیمارستان های دوستدار کودک بر میگردد. همچنین بین اطلاعات شناسه ای و نمره کل عملکرد بیمارستان های دوستدار کودک دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ارتباطی وجود داشته و درکل نمره بیمارستان های دوستدار کودک دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مطلوب است .

Evaluation of causes and outcomes of discharge with the personal consent of patients admitted to Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia, 2024

Fatemeh Khorsandi¹, Shirin Majalli² © ®, Hourieh Rahimi³, Shiva Hosseini³, Somayeh Mashaekhi³, Roya Sadeghi³

¹ PhD in Nursing, Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

² . MSc in Nursing, Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

³ BSc in Nursing, Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Abstract: Background: Discharge with the personal consent represents a critical indicator of hospital inefficiency, in which a patient leaves the hospital before completing the prescribed course of treatment despite medical advice. This may result in serious consequences, including adverse treatment outcomes, patient dissatisfaction, legal challenges for healthcare providers, hospital readmission, disease relapse, and even death. The aim of this study was to investigate the causes and consequences of discharge with the personal consent among hospitalized patients in Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia, in 2024. Methods: This descriptive cross-sectional study included children who were admitted to Shahid Motahari Educational and Medical Center during 2024 and were discharged with the personal consent by their parents. Data were collected using a standardized three-part questionnaire provided by the Deputy of Treatment Affairs. The first section included demographic information, the second section identified the reasons for the personal consent, and the third section examined the resulting consequences. Data were analyzed using SPSS version 16. Results: The findings showed that the rate of the personal consent in pediatric wards was 4%, which is two percentage points higher than the global index. The most common reasons were perceived recovery (58.73%), prolonged hospitalization (8%), father's occupation (6%), fear of treatment (3.75%), lack of medical decision-making and dissatisfaction with insufficient physician attention (3.5% each). The least common reasons were ward overcrowding (1.17%) and lack of welfare facilities (1.5%). Analysis revealed that 60% of the personal consent were due to parental decisions, while 40% were related to hospital processes and resources. Regarding outcomes, 26.4% of patients sought care in other centers, 24.26% were readmitted to the same hospital, and 10% died. Conclusion: The most common reason for the personal consent was the parents' perception of relative recovery in their children. Strengthening effective communication, increasing parents' awareness of potential risks, and improving the quality of medical and nursing services are key strategies for reducing the personal consent.

Explaining the challenges of caring for mothers with premature babies: A qualitative study

² سیده فاطمه قاسمی ©, ² ماندانا ساکی ©, ¹ فاطمه مهرابی راد

¹ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دفتر یوسرن، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

² مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

Abstract:

مقدمه: زیایمان زودرس و تولد نوزاد نارس، یکی از بحرانی‌ترین وقایع زندگی والدین، به‌ویژه مادران، است. این مادران با چالش‌های جسمی، روانی و اجتماعی متعددی روبه‌رو هستند که می‌تواند بر سلامت خود و نوزادشان تأثیر بگذارد. هدف از این پژوهش کیفی، تبیین و شناسایی چالش‌های مراقبت از مادران دارای نوزاد نارس از دیدگاه خود مادران و کادر درمان بود. روش‌شناسی: این مطالعه با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۳ پرستار شاغل و ۵ مادر دارای نوزاد نارس در بخش‌های مراقبت‌های ویژه نوزادان جمع‌آوری شدند. مصاحبه‌ها به صورت کامل پیاده‌سازی و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری و دسته‌بندی شدند. یافته‌ها: پس از تحلیل داده‌ها، چالش‌های مراقبت از مادران در ۴ طبقه اصلی و ۲۴ زیر طبقه شناسایی شدند. طبقه‌های اصلی شامل: «چالش‌های روانی و عاطفی»، «چالش‌های اجتماعی و حمایتی»، «چالش‌های جسمی و مراقبتی» و «چالش‌های مرتبط با نظام سلامت» بودند. نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که مادران دارای نوزاد نارس با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده در ابعاد مختلف روبه‌رو هستند که فراتر از مشکلات صرفاً جسمی است. این یافته‌ها می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات حمایتی چندبعدی، آموزش اختصاصی کادر درمان و بهبود سیاست‌های بهداشتی برای ارائه مراقبت جامع‌تر و مؤثرتر به این گروه از مادران قرار گیرد. کلیدواژه‌ها: چالش، نوزاد نارس، مادر، تحلیل محتوای کیفی.

Factors Associated with Eating Disorders in Children with Type 1 Diabetes: A Cross-Sectional Study

ابوالفضل برزگر¹ © ®

¹ Department of Pediatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran

Abstract: Background and Objective: Eating disorders among children with type 1 diabetes are complex, multifactorial conditions that can adversely affect growth and development. These disorders may stem from social pressures, concerns about body image, and fears related to blood glucose fluctuations. The dietary management demands of diabetes can contribute to maladaptive eating behaviors. Recognizing and understanding these disorders is crucial for prevention and intervention. This study aimed to identify factors associated with eating disorders in children diagnosed with type 1 diabetes. Materials and Methods: This descriptive cross-sectional study included 200 children with type 1 diabetes attending Bou-Ali Educational and Medical Center in Ardabil, recruited using a census sampling method. Data were collected using the Eating Problems in Children with Diabetes questionnaire. Statistical analysis was conducted with SPSS version 24, employing descriptive statistics (frequency, mean, standard deviation) and inferential tests (independent t-test, one-way ANOVA, and multiple regression analysis). Statistical significance was set at $p < 0.05$. Results: Most participants were female (52.5%) and first-born children (44%). Overall, 77.5% demonstrated a moderate level of eating disorders. Multiple regression analysis indicated that individual and social variables explained 18.6% of the variance in eating disorder scores. In univariate analysis, weight (inverse association), father's occupation, family economic status, and history of hypoglycemia (positive association) were significantly related to eating disorders. In multivariate analysis, father's educational level and the presence of comorbid conditions emerged as significant positive predictors of eating disorders. Conclusion: Given that individual and social factors significantly influence eating disorders in children with type 1 diabetes, targeted family-centered interventions addressing these determinants are recommended to reduce the prevalence of such disorders. Keywords: Eating disorders; Type 1 diabetes; Children Code of Ethics: IR.ARUMS.REC.1403.049

Family at the Heart of Healing: A Systematic Review of the Transformative Power of Family-Centered Care in Child Health

Zohreh Dehghan Harati ¹ ©, Fatemeh Dehghan Harati ² ©

¹ MSc Student, Neonatal Intensive Care nursing, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

² 3. Clinical Research Development Center of Children's Hospital, Hormozgan University of Medical Science, Bandar Abbas, Iran

Abstract: Background and Aim: Family-centered care (FCC) stands as a transformative and unparalleled force in the field of child health. By strengthening emotional bonds and fostering active collaboration between families and healthcare systems, FCC empowers children to confront life's challenges with greater confidence, security, and resilience. This systematic review aims to explore the broad and profound effects of this care model on child health, emphasizing its potential to enhance quality of life and promote social skill development among pediatric populations. Methods: In this study, an extensive search was conducted using keywords such as "family-centered care" and "children" across international databases PubMed/Medline, Scopus, Google Scholar as well as national databases Elmnet, Irandoc, SID, Magiran. The initial search retrieved 371 articles. Inclusion criteria were limited to publications from the past five years. Studies without full-text access, duplicate entries, or systematic reviews were excluded. Following comprehensive and critical evaluations using relevant assessment tools, 15 studies were selected for in-depth scientific analysis. All selected articles specifically addressed the role of families in improving children's health and well-being. Results: The findings indicates that family-centered care significantly reduces hospitalization duration, minimizes the risk of adverse health outcomes, and improves long-term treatment efficacy. By actively involving families in care processes, FCC creates a supportive environment that enhances children's emotional well-being, reduces treatment-related anxiety, and facilitates better cooperation during medical procedures. This model fosters trust, decreases the psychological burden of illness, and contributes to faster clinical recovery. Moreover, FCC is associated with decreased medical errors, increased satisfaction among both caregivers and healthcare providers, and improved communication outcomes. In underserved areas, it plays a pivotal role in bridging gaps in healthcare access and reduces the financial burden of prolonged hospitalization. Evidence further shows that FCC contributes to cognitive, emotional, and social development, making it not only a treatment model but a developmental framework. Conclusion: Family-centered care, by improving health outcomes and expediting recovery, provides an optimal setting for holistic child development. However, to realize its full potential, barriers such as workforce shortages, time constraints, limited parental-provider collaboration, and socio-cultural challenges must be addressed through targeted strategic interventions.

Family Centered Nursing Education in Pediatric Type 1 Diabetes: A Narrative Review

Yasaman Fallah ¹, Erfan YousefZadeh ² © ®

¹ Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

² Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical sciences, Rasht, Iran.

Abstract: Introduction: Type 1 diabetes mellitus (T1DM) in children is a chronic condition requiring complex daily self-management, which often depends on family support. Evidence suggests family-centered education improves not only glycemic control but also psychological well-being and quality of life for both children and their parents. Family involvement helps enhance diabetes knowledge, reduce conflict, and foster more effective self-care behaviors. Understanding the impact of family-centered nursing education is crucial for designing interventions that empower families and improve outcomes in pediatric T1DM. This narrative review synthesizes recent evidence on the role of family-centered nursing education in managing type 1 diabetes in children. Method: We searched PubMed and Google Scholar for English-language studies published between 2020 and 2025 using the keywords: (“Type 1 Diabetes” OR “T1DM”) AND (“family-centered care” OR “parent education” OR “nursing education”) AND (“children” OR “pediatric”). Inclusion criteria comprised English-language, full-text articles evaluating role of family-centered nursing education in managing type 1 diabetes in children. Exclusion criteria removed non-English studies, inaccessible texts, and those focused exclusively on adults or mixed samples without pediatric subgroup data. Screening proceeded in two phases (title/abstract, full-text), and reference lists were hand searched for additional sources. Extracted data captured study design, intervention modality, and reported outcomes Results: Family-centered nursing education was consistently associated with improved clinical and psychosocial outcomes in children with T1DM and their parents. Studies reported significant improvements in glycemic control, self-efficacy, and quality of life following structured family empowerment programs. Parents’ diabetes knowledge and confidence in managing their child’s care increased, while parent–child conflict over diabetes tasks decreased. Culturally tailored educational interventions were highlighted as essential for addressing specific family needs and improving engagement. Programs emphasizing shared goal setting, communication skills, and emotional support further enhanced family satisfaction and reduced stress. Overall, family-centered education emerged as a critical strategy to promote collaborative care and better disease management. Conclusion: Family-centered nursing education enhances pediatric T1DM management by empowering families, improving self-care skills, reducing family conflict, and addressing psychosocial needs. Integrating structured, culturally sensitive family education into routine nursing care can improve both clinical and quality-of-life outcomes for children and their families. Keywords: Type 1 Diabetes, Family-Centered Care, Nursing Education, Self-Management, Pediatric

Family-Centered Care in Pediatric Nursing: Outcomes and Future Considerations

Maryam Rangrazi¹ ©, Farnoosh Tajik² ©

¹ Nursing student, Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

² Faculty member, Department of pediatric and neonatal nursing, School of nursing and midwifery, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Abstract: Family-Centered Care in Pediatric Nursing: Outcomes and Future Considerations
Introduction: Family-Centered Care (FCC) is a collaborative approach in pediatric nursing that emphasizes partnerships between families and healthcare providers. This model aims to enhance the quality of care and support families during their child's hospitalization. The aim of this study is to review outcomes and future considerations for enhancing FCC. **Method:** This narrative review was conducted in 2025 by searching in PubMed, Scopus, SID, and Google Scholar. Keywords such as “Family-Centered Care”, “FCC”, “Pediatric”, “Nursing”, “Family participation” and “children” were used. Eligible studies, according to inclusion and exclusion criteria, were analyzed, and relevant data were extracted and synthesized. **Results:** Outcomes: Enhanced Family Satisfaction: FCC practices lead to increased satisfaction among families, as they feel more involved and informed in the care process. Improved Child Health Outcomes: Studies indicate that FCC is associated with better health outcomes for children, including shorter hospital stays and reduced readmission rates. Reduced Parental Stress and Anxiety: Engaging families in care decisions and providing emotional support through FCC approaches help decrease stress and anxiety levels in parents. Increased Nurse Job Satisfaction: Nurses report higher job satisfaction when implementing FCC, as it fosters a supportive and collaborative work environment. Enhanced Hospital Reputation: Hospitals implementing FCC experience higher family satisfaction, which strengthens public perception and trust. Policy and Accreditation Benefits: Adherence to FCC principles contributes to hospital accreditation and quality rating achievements. **Future Considerations:** Education and Training: Ongoing education and training for healthcare providers are essential to effectively implement FCC and ensure consistent practices across pediatric units. Policy Development: Healthcare institutions should develop and enforce policies that support FCC, including visitation guidelines and family involvement in care planning. Research and Evaluation: Continuous research is needed to evaluate the effectiveness of FCC interventions and identify best practices for diverse pediatric populations. Resource Allocation: Adequate resources, including staffing and facilities, should be allocated to support FCC initiatives and accommodate family needs during hospitalization. **Conclusion:** Implementing Family-Centered Care in pediatric nursing improves outcomes for children and families, increases satisfaction among healthcare providers, and enhances the hospital's reputation and family trust. By emphasizing education, policy development, research, and resource allocation, healthcare institutions can strengthen FCC implementation and ensure its long-term sustainability. **Key words:** Family centered care, FCC, Pediatric nursing, Family participation

Family-Centered Nursing Care and Parental Satisfaction: Insights from Nurses and Parents

³ محمد محمودزاده، ² ثنا خلیل زاده ضیاء، ¹ © © مهدی محمودزاده

¹ Department of Pediatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Khoy University of Medical Sciences, Khoy, Iran

² Department of Pediatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, Urmia university of medical sciences, Urmia, Iran

³ Students Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran

Abstract: Background: Family-centered care is recognized as essential to holistic and patient-centered nursing. However, limited research has jointly examined nurses' and parents' perspectives on the importance of family involvement and its impact on parental satisfaction. Objectives: To assess and compare the association between perceptions of family importance in nursing care and parental satisfaction, incorporating the viewpoints of both nurses and parents, alongside related sociodemographic and occupational factors. Methods: This cross-sectional study (August 2023–January 2025) included 200 nurses (census sampling) and 160 parents of hospitalized children (stratified random sampling). Data were collected using the Families' Importance in Nursing Care–Nurses' Attitudes (FINC-NA) for nurses and the EMPATHIC-N parental satisfaction questionnaire for parents. Analyses in SPSS v24 employed descriptive and inferential statistics with significance at p 0.05. Results: Among nurses, 90% reported average levels of family involvement, which was strongly associated with higher parental satisfaction scores (p 0.001). Among parents, 95% perceived average involvement, which was also significantly linked to satisfaction (p 0.001). Regression analysis showed that predictor variables explained 27.4% of the variance in parental satisfaction. Conclusion: Both nurses and parents recognized that stronger family involvement in nursing care correlates with higher parental satisfaction. Integrating both perspectives provides actionable evidence for enhancing family-centered care in pediatric settings. Keywords: Family-Centered Care, Nursing, Parental Satisfaction, Nurses, Parents, Cross-Sectional Study. Ethical code: IR.ARUMS.REC.1402.318

Family-Centered Nursing Strategies for Reducing Child Vulnerability in Natural Disasters

© (P) ¹ سحر دباغی

استادیار، پرستاری بهداشت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران¹

Abstract:

عنوان فارسی: راهکارهای پرستاری خانواده محور برای کاهش آسیب پذیری کودکان در بلایای طبیعی مقدمه: بلایای طبیعی می توانند بار عظیمی بر سیستم های مراقبت های بهداشتی موجود وارد کنند و بر ظرفیت ارائه خدمات به موقع و حیاتی به نیازمندان تأثیر منفی بگذارند (۱). در خط مقدم مراقبت های بهداشتی در بلایا، پرستاران قرار دارند که سابقه طولانی در ارائه مراقبت های بهداشتی به جمعیت های آسیب پذیر در مناطق شهری و روستایی دارند (۲). با توجه به بلایای تاریخی مرتبط با آب و هوا مانند زلزله و سیلاب در مناطق مختلف شمالی و جنوبی کشور که کل جوامع را تحت تأثیر قرار داده اند، آگاهی از اهمیت نقش آنها در ارائه خدمات مراقبت های اولیه پس از یک فاجعه طبیعی افزایش یافته است. کودکان به عنوان آسیب پذیرترین گروه در بلایای طبیعی، ۳۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت متأثر از بلایا را تشکیل می دهند و آسیب پذیری آنها ۳ برابر بیشتر از بزرگسالان است (۳)، بنابراین نیازمند مداخلات پرستاری ویژه ای هستند. مطالعه حاضر با هدف بررسی نظام مند راهبردهای مبتنی بر شواهد پرستاری خانواده محور برای محافظت از کودکان در بلایای طبیعی انجام شده است. روش کار: برای تدوین استراتژی جستجو، از پایگاه های داده معتبر بین المللی شامل EMBASE، Cochrane Library، CINAHL، Web of Science، Scopus، PubMed/MEDLINE و همچنین پایگاه های فارسی Magiran، SID و IranMedex استفاده شد. کلیدواژه ها بر اساس ساختار PICO و همچنین با استفاده از مترادف های کلیدواژه های مرتبط چون "بلایای طبیعی"، "کودکان"، "مراقبت پرستاری" و "خانواده" و ترکیب آنها با عملگرهای بولین انجام پذیرفت. محدوده زمانی جستجو به مطالعات منتشر شده بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ محدود شد. از بین ۱۲۵ مقاله، ۱۷ مقاله بر اساس معیار ورود به پژوهش (نوع پژوهش، گروه هدف، نوع مداخله، پیامد) انتخاب گردیدند. نتایج: یافته ها نشان داد که بلایای طبیعی با مکانیسم های سه گانه زیر، نظام خانواده را به عنوان هسته مراقبت از کودک تحت تأثیر قرار می دهند: ۱. سیب های جسمانی خانواده محور (شامل: اختلال در نقش مراقبتی خانواده به دلیل صدمات فیزیکی اعضا، تهدید امنیت غذایی خانواده و کاهش توان والدین در تأمین تغذیه مناسب، محدودیت دسترسی خانواده ها به خدمات بهداشتی اولیه برای کودکان)، ۲. آسیب های روانی- اجتماعی در بستر خانواده (تضعیف عملکرد والدین به دلیل ترومای جمعی خانواده، اختلال در دلبستگی ایمن کودک-والد ناشی از استرس پس از سانحه، فروپاشی شبکه های حمایتی سنتی خانواده های گسترده)، ۳. اختلال در کارکرد آموزشی خانواده (از دست دادن نقش نظارتی خانواده در تحصیل به دلیل جابجایی های اجباری، تغییر نقش های خانوادگی و الزام کودکان به کار برای تأمین معاش، کاهش سرمایه فرهنگی خانواده در پی تخریب مدارس). انواع مداخلات بر

Feeding Fortification in Preterm Infants

Saleheh Tajalli¹ © ®

¹ School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract: Preterm birth remains a significant global health challenge, often accompanied by complex nutritional needs that demand specialized care. Among the most critical interventions in neonatal nutrition is feeding fortification—a strategy designed to bridge the gap between the limited nutritional reserves of preterm infants and their accelerated growth and developmental demands. This narrative review explores the rationale, methods, and clinical implications of feeding fortification in preterm infants, emphasizing its role in optimizing outcomes during the neonatal period and beyond. Human milk, while ideal in many respects, often falls short of meeting the elevated protein, energy, calcium, and phosphorus requirements of preterm infants. Fortification, whether through human milk fortifiers or preterm formulas, provides essential nutrients that support catch-up growth, bone mineralization, and neurodevelopment. The timing, composition, and individualization of fortification strategies are crucial, as both under- and over-supplementation carry risks. Emerging evidence supports targeted fortification approaches, which tailor nutrient delivery based on the infant's biochemical markers and growth trajectory. This review also highlights the challenges in implementing fortification protocols, including variability in clinical guidelines, tolerance issues, and the need for ongoing monitoring. Furthermore, it underscores the importance of multidisciplinary collaboration among neonatologists, dietitians, and nursing staff to ensure safe and effective nutritional support. In conclusion, feeding fortification is not merely a nutritional adjunct but a cornerstone of care for preterm infants. Its thoughtful application can significantly influence short- and long-term health outcomes, reducing morbidity and enhancing developmental potential. Continued research and refinement of fortification practices are essential to meet the evolving needs of this vulnerable population.

Generative Artificial Intelligence (GenAI) in Critical Care Nursing: A New Approach

Zhila Saneipour¹ © ®

پرستار بخش مراقبت های ویژه، بیمارستان خاتم الانبیاء، تهران، ایران¹

Abstract:

هوش مصنوعی مولد نوعی فناوری هوش مصنوعی است که می تواند بر اساس داده هایی که روی آن آموزش دیده، محتوای جدیدی مانند متن، تصویر، صدا و ویدئو تولید کند. در سال ۲۰۲۲، نرم افزار «ChatGPT» به عنوان یک ابزار انقلابی GenAI مبتنی بر داده ها تولید شد که سریع تر از موتورهای جستجوی اینترنتی مانند Google عمل کرد. روش تحقیق از نوع مروری نظام مند بوده و از روش PRISMA در غربالگری مقالات استفاده شد. بر اساس جستجو در پایگاه های داده Scopus و IEEE Xplore تعداد ۱۴۴ مقاله چاپ شده طی سالهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ بررسی و شناسایی شدند. عمده مقالات در ایالات متحده انجام شد، و عمدتاً (n = 14/22) شامل مطالعات توصیفی کمی بود. متداول ترین ابزار مورد استفاده ChatGPT بود که در ۹۵.۷٪ از مطالعات ظاهر شد. مقالات به حوزه های مختلف پرستاری، از جمله آموزش پرستاری (n = 12/23)، عملیاتی (n = 10/23)، و تحقیق (n = 1/23) پرداختند. هم مزایا و هم نگرانی های مرتبط با این فناوری شناسایی شدند. به عنوان پرستار، GenAI برخی از مزایا و کاربردهای بالقوه و آینده GenAI برای پرستاران عبارتند از: الف- افزایش پشتیبانی تصمیم گیری بالینی: داده های GenAI به سرعت داده های بالینی را تجزیه و تحلیل سریع کرده، بینش ها و توصیه های به موقع در مورد تصمیم گیری بالینی در مراقبت از بیمار در اختیار پرستاران قرار می دهد. ب- بهبود گزارش نویسی و کارایی اداری GenAI: می تواند یادداشت های گفتاری را به اسناد مکتوب تبدیل کند و به طور قابل توجهی زمان صرف شده توسط پرستاران را برای کارهای اداری کاهش دهد. ج- مراقبت شخصی سازی شده از بیمار GenAI: این پتانسیل را دارد که توصیه های بهداشتی و درمانی شخصی شده را بر اساس داده های بیمار، به ویژه برای شرایط مزمن، ارائه دهد و به بیماران کمک کند تا به طور مؤثرتری به برنامه های درمانی پایبند باشند. د- یادگیری و آموزش پیشرفته GenAI: می تواند سناریوهای یادگیری شبیه سازی شده را بازسازی کند تا به دانشجویان پرستاری کمک کند. اگرچه GenAI می تواند بیماران را قادر سازد تا نقش فعال تری در مراقبت های بهداشتی خود داشته باشند. بیماران می توانند از چت ربات های مجهز به LLM برای تعامل با EHR خود، آماده شدن برای قرار ملاقات، و ضبط و رونویسی مکالمات با متخصصان مراقبت های بهداشتی خود استفاده کنند. اهم چالش های GenAI شامل مواردی از قبیل عدم درک لهجه و فقدان گزارش پرستاری دقیق، عدم رعایت عدالت و مسائل حقوقی و اخلاقی مربوط به حفظ حریم خصوصی است.

Harnessing Machine Learning for Early Prediction of Neonatal Sepsis: An Integrative Review

Seyed Mohammad Hossein Abedi¹ © ®, Mozhan Azadi¹

¹ School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Abstract This review evaluated the impact of machine learning on the prediction of neonatal sepsis and concluded that the models enabled early intervention and diagnosis. Machine learning using biomarkers and vital signs improved sepsis risk prediction accuracy, leading to decreased morbidity and mortality in neonates. Introduction Neonatal sepsis remained a leading cause of morbidity and mortality in the newborn, with high rates reported among preterm and low-birth-weight infants. Early recognition was needed but challenging on the basis of nonspecific symptoms and need for rapid treatment. Machine learning (ML) algorithms with the ability to process intricate data like biomarkers, vital signs, and clinical features were found to have huge potential as a way of improving predictability precision and timeliness. This review aimed to evaluate the impact of ML models on neonatal sepsis prediction and their potential to advance clinical neonatology outcomes. Methodology A systematic literature search of major academic databases (Google Scholar, PubMed, Scopus) was conducted for English-language studies that were published in the period 2014 to 2025. Out of the approximately 250 articles, 40 were read fully after preliminary filtering. This was in studies using machine learning to predict neonatal sepsis (0–28-day-old infants), both early onset and late onset. Only studies reporting predictive metrics (e.g., accuracy, AUROC, sensitivity, specificity, timing) were included. Adult-focused research, traditional statistical analysis, or studies with no sepsis outcomes were all excluded. Results The outcome of the studies included revealed that machine learning interventions had a positive effect on predicting neonatal sepsis. These models were with high accuracy in early identification, like logistic regression achieving 88.4% and 0.906 AUROC for mortality prediction, random forests achieving 0.973 AUROC when applied with respiratory features, and deep learning approaches achieving an upper limit of 0.91 AUROC. Performance improving predictors were C-reactive protein, white blood cells, heart rate, respiratory rate, and oxygen saturation, with predictions possible up to 24 hours before clinical suspicion. Non-linear methods tended to work better than linear ones, explainable AI tools improved clinical interpretability, and issues like data quality and external validation were highlighted for better generalizability. Conclusion Machine learning introduced a novel and potentially valuable approach to supporting early neonatal sepsis diagnosis. Further rigorous research with improved study design, standardized performance measurement, and robust validation was needed to validate these findings and further develop the incorporation of ML models into neonatal clinical practice.

Hypnosis-derived Communication in Pediatric Medical Procedures: A Scoping Review of Evidence, Applications, and Future Research Directions

² فاطمه خسروی، © ¹ فائزه رستمیان

¹ Faculty of Nursing and Midwifery, Semnan University of Medical Sciences

² Faculty of Nursing and Midwifery, Gonbad University of Medical Sciences

Abstract: Background: Managing pain and anxiety in children during medical procedures remains a significant challenge in healthcare. Clinical hypnosis, as a non-invasive and cost-effective intervention, has been shown to effectively reduce these issues. This scoping review aims to examine the evidence, applications, and future research directions concerning hypnosis-derived communication (HC) in pediatric medical procedures. Methods: This scoping review was conducted following the Arksey and O'Malley (2005) framework and adhering to the PRISMA-ScR checklist to ensure transparency and rigor in reporting. A systematic search was performed across PubMed/MEDLINE, Scopus, Web of Science, CINAHL, Google Scholar (for grey literature), and SID (for Persian sources) to identify relevant studies. The English keywords used included "hypnosis," "hypnotic communication," "hypnosis-derived communication," "child*," "pediatric," "adolescent," "procedure," "medical intervention," "treatment," and "surgery," with their Persian equivalents applied when searching Persian databases to ensure comprehensive coverage. Inclusion criteria focused on studies examining the use of hypnosis-derived communication techniques to reduce pain and anxiety in pediatric patients undergoing medical procedures. From an initial pool of 78 articles, 21 met the eligibility criteria and were included in the final analysis. Results: The review indicates that HC is more effective than standard care and distraction techniques, particularly in procedures like bone marrow aspiration, lumbar puncture, and propofol injection. The efficacy of HC is enhanced by children's natural cognitive abilities, including suggestibility and imagination. Training programs for healthcare professionals, such as the Rel@x program, have demonstrated significant improvements in their skills, with retention of these skills up to five months post-training. However, existing studies are limited by small sample sizes, a narrow focus on oncology and needle procedures, and inadequate reporting of factors influencing patient responses. Conclusions: Hypnosis-derived communication holds substantial potential as a non-pharmacological intervention to alleviate pain and anxiety in pediatric medical procedures. Implementing comprehensive training for healthcare providers and conducting rigorous evaluations of HC's impact on children are crucial steps for its successful integration into clinical practice. Further research with robust methodologies and larger sample sizes is necessary to establish HC as a standard practice and to address existing methodological gaps. This review provides a roadmap for researchers and clinicians to advance the application of HC in pediatric care.

Impact of Nursing-Led Immunonutrition Programs on Immune Reconstitution and Infection Reduction in Pediatric Hematopoietic Stem Cell Transplant Recipients

Najme Zamani ¹ ©, Hamid Yazdaninejad ² ©

¹ MSC student in medical surgical nursing, Nursing and Midwifery school, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran.

² Department of Operating Room and Anesthesiology, School of Allied Medical Sciences, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

Abstract: Introduction and Objective: Pediatric hematopoietic stem cell transplantation (HSCT) serves as a curative treatment for a wide range of malignant and non malignant disorders but is frequently associated with prolonged immune suppression and increased susceptibility to infections. Emerging evidence highlights the pivotal role of targeted nutritional interventions particularly immunonutrition in enhancing post transplant immune recovery. Nursing led immunonutrition programs, through continuous engagement with patients, enable personalized delivery, monitoring, and adjustment of immune enhancing nutrients. This systematic review aimed to synthesize the most recent evidence on the effects of these nursing driven interventions on immune reconstitution parameters and infection reduction among pediatric HSCT recipients. Methods: Following PRISMA 2020 guidelines, seven electronic databases (PubMed, Scopus, Web of Science, CINAHL, Cochrane Library, Embase, and ProQuest) were searched for studies published from January 2020 to August 2025. Eligible articles included randomized controlled trials, cohort studies, and quasi-experimental research evaluating nursing-led immunonutrition (e.g., glutamine, arginine, omega-3 fatty acids, nucleotides) in pediatric HSCT recipients, with reported outcomes on immune cell recovery, cytokine modulation, and infection incidence. Only English-language, peer-reviewed studies were included. Results: Fifteen studies (n=1,326 children) from Asia, Europe, and North America met inclusion criteria. Nursing-led protocols varied from early enteral immunonutrition initiation (within 48 hours post-HSCT) to combined educational and monitoring interventions extending six months post-discharge. Common formulations enriched with arginine, omega-3 fatty acids, and glutamine demonstrated accelerated lymphocyte recovery (mean CD4+ restoration at day 60 vs. day 90 in standard care), lower pro-inflammatory cytokine peaks (IL-6 reduction up to 34%), and improved NK-cell activity. Infection rates declined markedly bloodstream infections by 22–38% and severe viral reactivations by up to 29% with several trials noting shorter hospitalization by 4–6 days. Studies also reported improved mucosal integrity, reduced mucositis severity, and higher patient-reported quality-of-life scores. Adherence exceeded 85% where nurses implemented direct bedside counseling and follow-up reinforcement, highlighting nursing's pivotal role in sustainability and compliance. Conclusion: Nursing-led immunonutrition programs significantly enhance post-HSCT immune recovery and reduce infectious complications in pediatric patients. Integration of standardized, evidence-based protocols into routine transplant care could optimize clinical outcomes and shorten recovery trajectories. Further multicenter studies are warranted to refine nutrient compositions, intervention timing, and nursing education strategies for maximal benefit. Keywords: Pediatric Nursing, Immunonutrition, Hematopoietic Stem Cell Transplantation, Immune Reconstitution, Infection Prevention, Nutritional Support, Clinical Outcomes

Impact of Structured Discharge Planning on Readmission Rates, Caregiver Preparedness, and Continuity of Care in Pediatric Nursing

Zohre Khanjarpanah Baghdadabadi ¹ @, Mohammad Moein Mokhtarezadeh ² ©, Mahnaz Mirakhor ³, Negar Ejbari ¹

¹ BSC of Nursing, Bone Marrow Transplant Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

² Medical Student, Student Research Committee, School of Medicine, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

³ BSC of Nursing, Pediatric Oncology Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

Abstract: Introduction: Hospital discharge represents a critical juncture in pediatric care. Incomplete or poorly structured discharge planning can result in adverse outcomes, including unnecessary readmissions, increased caregiver stress, and fragmented follow-up care. Structured discharge planning has been proposed as an evidence-based approach to improve the transition from hospital to home for children. However, its overall effectiveness across diverse settings remains unclear. This systematic review aimed to evaluate the impact of structured discharge planning interventions on hospital readmission rates, caregiver preparedness, and continuity of care within pediatric nursing practice. Methods: A comprehensive search was conducted in PubMed, CINAHL, Scopus, and Web of Science for studies published between January 2000 and April 2025. Search terms combined MeSH and free-text keywords related to “pediatric,” “structured discharge planning,” “nursing,” “readmission,” and “continuity of care.” Eligible studies included randomized controlled trials, quasi-experimental studies, and observational research focusing on structured discharge programs in pediatric populations. Data extraction and quality assessment were conducted independently by two reviewers in accordance with PRISMA guidelines. Findings were synthesized narratively and, where applicable, through meta-analysis. Results: From 1,236 articles initially identified, 27 studies met the inclusion criteria comprising 14 randomized controlled trials, 8 quasi-experimental studies, and 5 observational cohorts representing a total sample of 8,462 pediatric patients across multiple care settings. Meta-analysis of 18 studies reporting hospital readmission rates showed a pooled relative risk reduction of 28% in structured discharge planning groups compared with usual care. Caregiver preparedness, measured using validated readiness-for-discharge scales, revealed a mean increase of 1.2–1.8 points on a 5-point Likert scale, indicating markedly improved confidence in post-discharge care. Continuity of care outcomes indicated that children enrolled in structured discharge programs were twice as likely to attend scheduled follow-up appointments and showed a 22–30% improvement in adherence to medication and care plans. Qualitative data from six mixed-methods studies highlighted additional benefits, including reduced caregiver anxiety, improved communication between families and healthcare teams, and enhanced coordination with community health providers. Conclusion: Structured discharge planning in pediatric nursing offers substantial benefits in reducing hospital readmissions, improving caregiver readiness, and strengthening continuity of care. Standardizing intervention components and outcome metrics will be essential for broader implementation and for enabling cross-study comparisons. Future research should explore long-term outcomes and cost-effectiveness. Keywords: Pediatric Nursing; Discharge Planning; Hospital Readmission; Caregiver Preparedness; Continuity of Care.

Impact of Teach-Back-Based Training on Maternal Discharge Readiness and the Readmission of Preterm Infants to NICU: A Quasi-Experimental Study

⁴ رسول محمدی، ³ کیمیا کرمی، © ² مژگان مصطفی نژاد، ¹ فاطمه ولی زاده

¹ دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

² کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

³ دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

⁴ استادیار اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات سلامت تغذیه، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

Abstract:

مقدمه: مادران نوزادان نارس بستری در بخش مراقبت ویژه نوزادان (NICU) سطوح بالایی از احساس عدم آمادگی برای بردن نوزادشان به خانه را تجربه میکنند. مداخله مبتنی بر آموزش به عنوان روشی که توانایی مادران را برای ارائه مراقبت مناسب به نوزادان در خانه را تسهیل می‌کند؛ نیازمند معرفی بهترین روشهای آموزشی است. مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر آموزش بازخورد محور بر آمادگی ترخیص مادران و بستری مجدد نوزادان نارس بستری در NICU انجام شد. روش کار: این مطالعه نیمه تجربی با شرکت ۶۶ نفر از مادر نوزادان بستری در NICU بیمارستان شهید رحیمی خرم آباد ایران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در دو گروه کنترل و مداخله انجام شد. گروه کنترل آموزش ۳-های ارایه شده توسط پرستاران را به روش روتین بخش دریافت کردند. در گروه مداخله پرستاران پس از ۴ جلسه آموزش و ۲ هفته اجرای تمرینی از روش آموزش بازخورد محور در آموزش ترخیص به مادران استفاده کردند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها چک لیست آمادگی ترخیص دشتی (۱۳۹۲) و فرم بستری مجدد نوزادان بود. آنالیز داده‌ها با آزمونهای تی زوجی، تی مستقل، کای اسکوتر و فیشر انجام شد. یافته‌ها: میانگین نمره آمادگی ترخیص مادران قبل از مداخله بین گروه های مداخله و کنترل اختلاف آماری معنی‌داری نداشت. پس از مداخله میانگین آمادگی ترخیص در گروه مداخله (۴۷/۱۲±۴/۳) با گروه کنترل (۳۶/۶۰±۴/۰۱) تفاوت معنی‌داری داشت. (P=0/001) در پیگیری یک ماهه بعد از ترخیص میزان بستری مجدد نوزادان در گروه مداخله (۱۲/۱٪) نسبت به گروه کنترل (۲۷/۳٪) کمتر بود، با این وجود تفاوت بین گروه ها از نظر آماری معنی دار نبود. (P=0/107) نتیجه‌گیری: آموزش مبتنی بر بازخورد می‌تواند آمادگی ترخیص مادران نوزادان نارس بستری در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان (NICU) را افزایش دهد. نتایج این مطالعه پیامدهای مهمی برای مراقبت از سلامت نوزادان نارس و مادران آنها دارد. آموزش مبتنی بر بازخورد همچنین می‌تواند هزینه های مراقبت های بهداشتی و بار مرتبط با پذیرش مجدد نوزادان نارس را کاهش دهد. لذا توصیه می‌شود پرستاران آموزش مبتنی بر بازخورد را در برنامه مراقبتی و ترخیص این مادران و نوزادان بگنجانند کلیدواژه‌ها: آموزش بازخورد محور، مادران، آمادگی ترخیص، نوزادان نارس، بستری مجدد (Ethics code).

IR.LUMS.REC.1401.249 دانشگاه علوم پزشکی لرستان

Improving Children's Health with Corrective Exercises: A Solution for Text Neck Syndrome

¹ مهتاب پیرانی¹، فاطمه یعقوبی¹، © P، ¹ فرزانه ساکی

گروه توانبخشی ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران¹

Abstract:

زمینه و هدف: سندرم گردن پیامکی (Text Neck Syndrome - TNS) به دلیل استفاده گسترده و طولانی مدت از گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها به مشکلی شایع در میان کودکان و نوجوانان تبدیل شده است. این سندرم با علائمی مانند درد گردن، شانه‌ها، سردرد، وضعیت نادرست بدن (مانند کیفوز یا سر به جلو) و محدودیت‌های حرکتی همراه است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تمرینات اصلاحی بر کاهش درد، بهبود عملکرد و اصلاح وضعیت سر و گردن در دختران نوجوان مبتلا به TNS انجام شد. روش‌شناسی: در این مطالعه، ۷۰ دختر نوجوان ۱۲ تا ۱۳ ساله مبتلا به TNS به صورت تصادفی به دو گروه ۳۵ نفره تقسیم شدند: گروه مداخله (تمرینات اصلاحی) و گروه کنترل. گروه مداخله به مدت هشت هفته در برنامه تمرینات اصلاح وضعیت بدن، تقویت عضلات ناحیه گردن و شانه، و افزایش انعطاف‌پذیری شرکت کردند. این تمرینات به گونه‌ای طراحی شدند که برای کودکان جذاب و انگیزه‌بخش باشند، با استفاده از بازی‌های حرکتی و فعالیت‌های گروهی. شدت درد با استفاده از مقیاس بصری درد (VAS)، ناتوانی با شاخص ناتوانی گردن (NDI)، و زوایای سر، گردن و زاویه نگاه با روش فتوگرافومتری در ابتدای مطالعه و پس از پایان مداخله ارزیابی شدند. گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد و به فعالیت‌های روزمره خود ادامه داد. یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که گروه تمرینات اصلاحی بهبودهای چشمگیری در مقایسه با گروه کنترل داشت. شدت درد در گروه مداخله به طور قابل توجهی کاهش یافت ($p=0.001$). شاخص ناتوانی گردن (NDI) نیز بهبود معناداری را نشان داد ($p=0.001$). زوایای سر و گردن، شامل کاهش تیلت گردن ($p=0.001$) و زاویه نگاه ($p=0.001$)، و افزایش زاویه تیلت سر ($p=0.001$)، به طور قابل ملاحظه‌ای اصلاح شدند که نشان‌دهنده بهبود وضعیت بدنی است. در مقابل، گروه کنترل هیچ تغییر معناداری در این متغیرها نشان نداد. نتیجه‌گیری: تمرینات اصلاحی به عنوان یک راهکار غیرتهاجمی و جذاب برای کودکان، نه تنها به کاهش درد و ناتوانی ناشی از سندرم گردن پیامکی کمک می‌کنند، بلکه وضعیت بدنی و عملکرد حرکتی را نیز بهبود می‌بخشند. اجرای این برنامه‌ها در سنین پایین می‌تواند از عوارض طولانی مدت مانند انحرافات ستون فقرات یا مشکلات مزمن عضلانی-اسکلتی جلوگیری کند. پیشنهاد می‌شود که والدین، مربیان و سیاست‌گذاران آموزشی، برنامه‌های تمرینات اصلاحی را در مدارس و محیط‌های تفریحی کودکان ادغام کنند تا آینده‌ای سالم‌تر و پویاتر برای نسل جوان رقم بخورد. واژگان کلیدی: ورزش اصلاحی، سندرم گردن متنی، درد گردن، وضعیت سر به جلو، سلامت کودکان

Integrating Artificial Intelligence into Child and Family Health Care and Promotion: A Review of Applications, Implications, and Challenges

©³ فاطمه السادات سید نعمت اله روشن,² لیلا نیک روز, ©¹ نرگس رحمانی

¹ استادیار، دپارتمان پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ایران

² استادیار، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، کهگیلویه و بویراحمد، ایران

³ استادیار، دپارتمان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، تهران، ایران

Abstract:

مقدمه: پیشرفت سریع فناوری‌های دیجیتال، به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی، ظرفیت‌های نوینی برای تحول در ارائه خدمات سلامت ایجاد کرده است. مراقبت از کودک به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین حوزه‌های بهداشت و درمان، نیازمند تصمیم‌گیری‌های دقیق، به‌موقع و چندبعدی است. همچنین، نقش حیاتی خانواده در مراقبت از کودک و بار کاری بالای پرستاران، ضرورت استفاده از راهکارهای فناورانه برای بهبود اثربخشی، ایمنی و کارایی خدمات را افزایش داده است. ادغام هوش مصنوعی در مراقبت سلامت می‌تواند بستری برای بهینه‌سازی عملکردهای تشخیصی، درمانی، آموزشی و مدیریتی در این سه سطح فراهم آورد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی جامع و نظام‌مند کاربردها و تأثیرات هوش مصنوعی در سه بعد کلیدی مراقبت از کودک، شامل: (۱) بهبود کیفیت مراقبت‌های درمانی کودکان، (۲) ارتقاء آگاهی و مشارکت (Systematic) روش کار: این پژوهش به روش مرور نظام‌مند، خانواده‌ها، و (۳) تقویت کارآمدی و تصمیم‌گیری بالینی در پرستاری است و.. SID و Web of Science، Scopus، PubMed انجام شد. جستجوی مقالات بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ در پایگاه‌های (Review) "Family-Centered Health Technology"، "Nursing AI"، "Pediatric Care"، "Artificial Intelligence" با استفاده از کلیدواژه‌های ترکیبی نظیر صورت گرفت. پس از غربال‌گری اولیه، در نهایت ۸۴ مقاله با کیفیت علمی بالا برای تحلیل نهایی انتخاب و بررسی "Health Technology"، صرع، دیابت نوع ۱، بیماری‌های ADHD در طیف وسیعی از بیماری‌های کودکان، از جمله اوتیسم، AI نتایج: یافته‌ها نشان دادند که گردیدند مادرزادی قلب، اختلالات گفتاری و سرطان‌های کودکان، دقت تشخیصی بالایی داشته است. در بیماری‌های عفونی، الگوریتم‌های یادگیری ماشین قادر به پیش‌بینی و تشخیص سریع ذات‌الریه، مننژیت و مقاومت آنتی‌بیوتیکی بودند. در حوزه سلامت دیجیتال خانواده‌محور، اپلیکیشن‌ها و چت‌بات‌های هوشمند موجب بهبود آموزش والدین، مدیریت دارویی، پایش علائم و افزایش رضایتمندی شده‌اند. در حوزه پرستاری نیز، استفاده از سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری، پایشگرهای هوشمند و ابزارهای مستندسازی خودکار، کاهش خطاهای انسانی، بهبود ایمنی بیمار و بحث و نتیجه‌گیری: ادغام هوش مصنوعی در مراقبت‌های کودک‌محور نه تنها موجب ارتقاء ارتقاء بهره‌وری مراقبتی را به دنبال داشته است کیفیت و دقت خدمات بالینی می‌شود، بلکه با توانمندسازی خانواده و حمایت از عملکرد پرستاران، می‌تواند بنیان‌گذار یک مدل مراقبتی هوشمند و چندسطحی باشد. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود زیرساخت‌های فنی، نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی داده‌ها، نبود چارچوب‌های اخلاقی روشن و نابرابری در دسترسی به فناوری، از موانع اصلی در مسیر پیاده‌سازی گسترده این فناوری هستند. تدوین سیاست‌های ملی، آموزش کاربران، بومی‌سازی ابزارهای هوش مصنوعی و طراحی نظام‌های ارزشیابی عملکرد می‌تواند گام مؤثری در تحقق این چشم‌انداز باشد.

Integrating Cutting-Edge Biomechanical Technologies with Nursing Approaches: New Horizons in the Prevention and Rehabilitation of Musculoskeletal Injuries in Pediatric Athletes

Azadeh Sobhkhiz ¹ © ®, Kamran Mohammadian ¹, Mohammad Hossein Pourgharib Shahi ¹

¹ Sports Medicine Research Center, Neuroscience Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Title: Integrating Cutting-Edge Biomechanical Technologies with Nursing Approaches: New Horizons in the Prevention and Rehabilitation of Musculoskeletal Injuries in Pediatric Athletes Abstract: Background: The increased participation of children and adolescents in organized sports has led to a parallel rise in musculoskeletal injury rates, highlighting the urgent need for evidence-based prevention and rehabilitation strategies. Recent advances in sports biomechanics—including motion analysis technologies, wearable sensors, and structured injury-prevention programs—offer valuable tools that have yet to be fully integrated into pediatric nursing care. Objective: This review aims to synthesize the latest literature on the integration of innovative biomechanical technologies with nursing interventions to enhance the prevention and rehabilitation of musculoskeletal injuries in pediatric athletes. Methods: A comprehensive review of recent studies published between 2022 and 2024 in journals such as Applied Sciences, Premier Science, and Journal of Orthopaedic Surgery and Research was conducted. Key areas of focus were biomechanical assessment methods, structured warm-up protocols (e.g., FIFA 11+ Kids), and the role of pediatric nurses in interdisciplinary care teams. Results: The literature demonstrates that utilizing motion analysis, wearable devices, and evidence-based warm-up routines significantly reduces injury incidence and facilitates early detection of biomechanical risk factors. Pediatric nurses contribute critically by educating stakeholders, implementing and individualizing injury-prevention protocols, and monitoring rehabilitation adherence. Challenges such as financial constraints, need for specialized training, and sociocultural barriers to technology adoption persist. Conclusion: The integration of biomechanical technologies with nursing care represents a promising, multidisciplinary approach to address sports injuries in the pediatric population. Future research should prioritize clinical trials on technology-enhanced nursing interventions, address barriers to widespread adoption, and explore scalable models for diverse settings. Such integrative strategies have the potential to improve health outcomes and ensure the long-term musculoskeletal well-being of pediatric athletes. Keywords: biomechanics, pediatric nursing, musculoskeletal injuries, injury prevention, rehabilitation, wearable sensors, motion analysis, sports medicine

Intraoperative Fluid Management Strategies in Pediatric Kidney Transplant Recipients and Their Impact on Graft Function: A Systematic Review

Sedighe Hannani¹, Bahador Pourdel² ©, Erfan Rajabi² ©, Seyed Abolfazl Hosseini², Amirali Alizadeh³

¹ Senior Expert in internal surgical nursing, instructor, operating room department, faculty of paramedicine, Iran university of medical sciences, Tehran, Iran

² MSc of Perioperative Nursing, Student Research Committee, School of Allied Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Research Center for Evidence-Based Health Management, Maragheh University of Medical Sciences, Maragheh, Iran

Abstract: Introduction Pediatric kidney transplantation requires effective intraoperative fluid management, but standards are lacking. Hypovolemia and hypervolemia can impair graft perfusion, causing DGF or primary non-function. Goal-directed therapy is well-established in adult practice, but child-specific strategies are lacking. In this systematic review, intraoperative fluid management strategies were examined for their effects on early graft function in pediatric kidney transplant recipients. Methods This review followed PRISMA. From inception to May 2024, PubMed, Embase, CENTRAL and CINAHL were searched extensively. We used "kidney transplantation," "pediatric," "child," "adolescent," "fluid therapy," "hemodynamic monitoring," "goal-directed therapy," "colloids," "crystalloids," "delayed graft function," and "graft survival." RCTs and observational cohort studies on fluid strategies in 21-year-olds were included. These strategies can be liberal, restrictive, crystalloid, colloid, goal-directed, or conventional. Reviews, case reports and adult studies were excluded. To assess bias, we used Cochrane RoB 2 for randomized controlled trials and the Newcastle-Ottawa Scale for cohort studies. Where feasible, a random-effects model was used to calculate pooled risk ratios (RR) or mean differences (MD) with 95% confidence intervals after narrative data synthesis. Results Eight studies (2 randomized controlled trials and 6 cohort studies) with 1,245 pediatric patients were identified from 2,158 records. Goal-directed therapy using stroke volume variation (SVV), liberal versus restrictive crystalloid protocols and albumin-based versus balanced crystalloid fluid regimens were used. This meta-analysis was inappropriate due to clinical and methodological heterogeneity. Four of five studies showed a significant reduction in DGF, favoring goal-directed fluid therapy over a less structured approach (RR range: 0.45 to 0.65). A randomised controlled trial found no difference in delayed graft function between albumin and balanced crystalloid groups (RR 1.10, 95% CI 0.68 to 1.78). Thrombotic complications are not increased by any strategy. Conclusion hemodynamic-driven fluid management may reduce delayed graft function in pediatric kidney transplant recipients compared to liberal fluid administration, according to limited evidence. Addressing hypovolemia and volume status accuracy to avoid over-resuscitation are equally important. However, the evidence is mostly observational and the best fluid has yet to be determined. The findings indicate a significant knowledge gap and the urgent need for comprehensive, rigorously designed randomized controlled trials to develop evidence-based intraoperative fluid protocols for this vulnerable population.

Investigating factors affecting pediatric obesity: A systematic review

² علیرضا منصوری، © ¹ نازنین منصوری

¹ Department of Pediatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

² Bachelor of Medical Engineering, Islamic Azad University, Abadeh, Iran

Abstract:

عنوان: بررسی عوامل مؤثر بر چاقی کودکان: مرور سیستماتیک چکیده مقدمه: چاقی همچنان شایع‌ترین اختلال در بین پسران و دختران دوران کودکی سراسر جهان است و به یک نگرانی بهداشتی جهانی تبدیل شده است. مشکلات مربوط به سلامتی در چاقی کودکان و هزینه‌های درمان این مشکلات، نیاز به مداخله زودهنگام برای درمان چاقی و شناسایی عوامل مؤثر بر این اختلال را پررنگ‌تر کرده است. همچنین تلاش‌های تحقیقاتی و پزشکی را برای پیشرفت‌های جدید به منظور مبارزه مؤثر با چاقی دوران کودکی تشدید کرده است. هدف: مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر چاقی کودکان انجام شد. مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر مرور سیستماتیک بوده که در تابستان ۱۴۰۴ با جست و جوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی گوگل اسکولار، پابمد، مگیران و سیناهل در طول ده سال اخیر انجام شد. برای جست و جوی کلیدواژه‌های "چاقی کودکان" و "عوامل" به دو زبان فارسی و انگلیسی استفاده شد. معیارهای انتخاب مقالات برای ورود به تحقیق شامل پژوهش‌های توصیفی و مداخله‌ای مرتبط با موضوع، انتشار مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی، دسترسی به متن کامل مقاله و انتشار در مجلات پژوهشی و دانشگاهی معتبر بود. معیارهای خروج از مطالعه شامل، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و عدم دسترسی به متن کامل مقاله بود. در نهایت با توجه به معیارهای ورود و خروج، از ۱۶۰ مقاله یافت شده، ۳۳ مقاله بررسی شدند. یافته‌ها: در ۳۳ مقاله بررسی شده بیشترین عواملی که در بروز چاقی کودکان نقش داشتند شامل فعالیت بدنی کم، استفاده زیاد از صفحه نمایش، مصرف غذاهای آماده، وضعیت اجتماعی اقتصادی بالا، الگوی تغذیه والدین و ژنتیک بودند. بعضی مقالات نوع تغذیه والدین را نیز در بروز چاقی میان کودکان نشان مؤثر دانستند. بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های این مطالعه عواملی که سرنوشت چاقی کودکان را تعیین می‌کنند، برجسته کرده است. این عوامل ممکن است پیامدهایی مادام‌العمر به همراه داشته باشد. لازم است تا با آگاهی بخشی درباره این عوامل خطر هم به والدین و هم کودکان از میزان ابتلا به چاقی کودکان کاست. همچنین استراتژی‌هایی با هدف ترویج عادات غذایی سالم، تشویق به فعالیت بدنی منظم و بهبود دسترسی به غذاهای مغذی باید در اولویت قرار گیرند و اقدامات پیشگیرانه در مدارس نیز مورد توجه قرار گیرند. این مداخلات می‌توانند رفتارهای سالم‌تری را تقویت کرده و خطرات سلامتی بلندمدت را برای کودکان در معرض خطر و خانواده‌هایشان کاهش دهند. کلمات کلیدی: چاقی کودکان، ژنتیک، والدین، رژیم

Investigating the Causes of Discharge Against Medical Advice in the Emergency Department of Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia, 2024

Shirin Mojallali ¹ @, Fatemeh Khorsandi ² ©, Omolhabibeh Abedini ³

¹ MSc in Nursing, Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

² PhD in Nursing, Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

³ BSc in Nursing, Shahid Motahari Educational and Medical Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

Abstract: Introduction: Discharge against medical advice is not only one of the five priority indicators of the Ministry of Health, Treatment, and Medical Education for evaluating the performance of emergency departments, but also a global challenge that can lead to undesirable outcomes and complications. Therefore, this study aimed to investigate the causes of discharge against medical advice among patients admitted to the emergency department of Shahid Motahari Educational and Medical Center in Urmia in 2024. Methods: This descriptive cross-sectional study was conducted on pediatric patients who visited the emergency department of Shahid Motahari Educational and Medical Center in Urmia during 2024 and were discharged against medical advice by their parents. Data were collected using a two-part questionnaire issued by the Deputy of Treatment. The first part included demographic information, and the second part included the reasons for Discharge against medical advice. Data were analyzed using SPSS version 16. Findings: The results showed that the discharged against medical advice rate in the emergency department was 6.6%, which is two percent higher than the global rate (4%). According to the findings, the most common reasons for discharged against medical advice were referral to a subspecialty clinic (55.06%), perception of recovery (28.49%), referral to a more advanced medical center (3.97%), and continuation of treatment at home (2.19%). Personal problems (1.5%) and overcrowding in the emergency department (0.82%) were the least common reasons. Conclusion: Based on the findings, the majority of patient dissatisfaction was related to the received services or deficiencies in the service delivery process. Measures such as proper planning to improve key indicators in the emergency department are recommended in order to reduce the rate of discharge against medical advice.

Investigating the effect of combined training on the sleep habits of school-age children: A randomized controlled trial

⁴ سامان معروفی‌زاده، ³ مهشید میرزایی تکلیمی، ² یاسمن یعقوبی، ¹ مونا حسین‌زاده صیقلانی

¹ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

² دانشیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

³ استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

⁴ استادیار گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت

Abstract: مقدمه و هدف: خواب، به‌عنوان یکی از نیازهای حیاتی کودکان، نقش مهمی در رشد فیزیکی، عاطفی، رفتاری و شناختی دارد. عادات خواب که در سنین مدرسه تحت تأثیر عوامل خانوادگی و فرهنگی شکل می‌گیرد، می‌تواند بر کیفیت و الگوی خواب تأثیرگذار باشد. با توجه به شیوع اختلالات خواب در این گروه سنی، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب جهت بهبود عادات خواب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، مطالعه حاضر باهدف تعیین تأثیر آموزش ترکیبی بر عادات خواب کودکان، بر IR.GUMS.REC.1403.462 روش کار: این مطالعه کارآزمایی شاهددار تصادفی‌شده، با کداخلاق .سن مدرسه، انجام شد روی ۶۲ دانش‌آموز دختر و پسر پایه اول تا ششم ابتدایی که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای انتخاب و با تخصیص تصادفی به گروه‌های مداخله و کنترل تقسیم شدند، انجام شد. گروه مداخله تحت ۴ جلسه آموزش ترکیبی (آموزش چهره‌به‌چهره، اجرای نمایش، مسابقه داستان‌نویسی و نقاشی) و آموزش از طریق اپلیکیشن؛ و گروه کنترل تحت ۱ جلسه آموزش چهره‌به‌چهره قرار بود ((CSHQ)) اطلاعات دموگرافیک کودک و خانواده و عادات خواب کودکان) گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل ۲ پرسش‌نامه که به‌صورت پیش‌آزمون (قبل از مداخله) و پس‌آزمون (۳ ماه پس از انجام مداخله) توسط والدین گروه‌ها تکمیل گردید. تحلیل یافته‌ها: نتایج نشان داد میانگین نمره کل .نسخه ۱۶ انجام شد SPSS داده‌ها با آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی تحت نرم‌افزار عادات خواب در مرحله پس‌آزمون در گروه مداخله و کنترل به ترتیب، ۳۲/۸ و ۷۷/۱ واحد کاهش یافت که حاکی از بهبود وضعیت عادات خواب در هر دو گروه است. گرچه وضعیت عادات خواب در هر دو گروه بهبود یافت اما میزان کاهش نمره کل عادات خواب ؛ که بیانگر تاثیرگذاری بیشتر شیوه آموزش (0/001P) در گروه مداخله به‌صورت معنی‌داری ۵۵/۶ واحد بیشتر از گروه کنترل بود ترکیبی است. همچنین میزان کاهش نمرات خرده‌مقیاس‌های مقاومت در برابر خواب، مدت‌زمان خواب و خواب‌آلودگی روزانه در گروه مداخله به‌صورتی معنی‌دار بیشتر از گروه کنترل بود؛ در خرده‌مقیاس‌های اضطراب خواب و تاخیر در شروع خواب، میزان کاهش نمرات گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل، اما از نظر آماری معنی‌دار نبود؛ و تفاوت آماری معنی‌داری در میزان کاهش نمرات نتیجه‌گیری: خرده‌مقیاس‌های پاراسومنیا، اختلالات تنفسی خواب و بیداری‌های شبانه، بین گروه‌های کنترل و مداخله مشاهده نشد اثربخشی گسترده‌تر شیوه آموزش ترکیبی نسبت به مداخلات کوتاه‌مدت، کاملاً مشهود است. می‌توان بدین‌گونه استدلال کرد که بهره‌گیری از تنوع در شیوه‌های آموزشی از جمله آموزش ترکیبی به‌واسطه‌ی انعطاف‌پذیری، ساختار یکپارچه و تعامل بالا می‌تواند کلیدواژه‌ها: آموزش ترکیبی، منجر به اثرگذاری بیشتر نسبت به سایر شیوه‌های آموزشی تک‌بعدی و صرفاً چهره‌به‌چهره شود دانش‌آموزان سن مدرسه، عادات خواب، اپلیکیشن، آموزش

Investigating the effect of self-care education based on the Orem self-care model on the quality of life of adolescents with diabetes type 1: A randomized clinical trial

⁴ فاطمه فلاح‌زاده، ³ سمیه پوی، ©، ² یاسمن یعقوبی، ¹ مونا حسین‌زاده صیقلانی

کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت ¹

دانشیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت ²

استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت ³

بیمارستان امام علی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری ⁴

Abstract:

مقدمه و هدف: دیابت، از شایع‌ترین بیماری‌های مزمن در جهان، می‌تواند کیفیت زندگی بیماران را تحت‌تأثیر قرار دهد. نوجوانان مبتلا به دیابت نوع یک با مشکلاتی همچون افسردگی، اضطراب، چاقی و کاهش تحرک مواجه‌اند که منجر به کاهش کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود. خودمراقبتی یکی از ارکان مهم در مدیریت این بیماری است و آموزش مبتنی بر الگوی خودمراقبتی اورم توسط پرستاران، می‌تواند رویکردی مؤثر برای ارتقا کیفیت زندگی این بیماران به شمار رود. از این رو، مطالعه حاضر باهدف تعیین تأثیر برنامه خودمراقبتی مبتنی بر الگوی اورم بر کیفیت زندگی نوجوانان مبتلا به دیابت نوع ۱ طراحی شده است. مواد و روش کار: این کارآزمایی بالینی تصادفی شده با کد اخلاق IR.GUMS.REC.1397.403، بر روی ۸۰ نوجوان مبتلا به دیابت نوع ۱ که با تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله (۴۰ نفر) و کنترل (۴۰ نفر) تقسیم شدند، انجام گردید. نمونه‌ای پژوهش شامل نوجوانان دختر و پسر مبتلا به دیابت نوع ۱ بودند که در بازه سنی ۱۱ تا ۱۸ سال قرار داشتند، فاقد اختلالات روانی و مایل به مشارکت در مطالعه بودند. گروه مداخله هشت جلسه آموزشی ساختاریافته بر اساس مدل خودمراقبتی اورم و گروه کنترل آموزش‌های روتین استاندارد دریافت کردند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه وضعیت سلامت اورم و پرسشنامه کیفیت زندگی SF-36 بود که طی دو نوبت با فاصله زمانی ۳ ماه پس از مداخله اخذ گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی تحت نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد که گرچه در ابعاد جسمی و روانی کیفیت زندگی قبل از مداخله بین دو گروه تفاوت آماری معنی‌داری وجود نداشت؛ اما بعد مداخله تفاوت آماری معنی‌دار و قابل‌توجهی در تغییر نمرات مربوط به بعد جسمی ($p=0/03$) و بعد روانی ($p=0/02$) بین دو گروه مشاهده شد؛ و افراد در گروه مداخله بهبودی در ابعاد کیفیت زندگی نشان دادند. ($p=0/05$) نتیجه‌گیری: نتایج حاصله تأیید می‌نماید که با توجه به اینکه تئوری خودمراقبتی اورم بر توانایی‌ها و نیازهای هر یک از افراد تأکید دارد؛ طراحی و به‌کارگیری برنامه خودمراقبتی مبتنی بر الگوی اورم بر اساس نیازهای آموزشی و با توجه به اصول آموزش به بیمار می‌تواند بر ابعاد جسمی و روانی کیفیت زندگی بیماران نوجوان مبتلا به دیابت نوع ۱، که هریک دارای نیازهای منحصربه‌فرد و اختصاصی مرتبط با این دوره مهم از رشد و تکامل هستند، مؤثر باشد. کلیدواژه‌ها: دیابت، خودمراقبتی، نوجوانی، کیفیت زندگی، اورم

Investigating the effect of self-management program implementation on the quality of life of adolescents with epilepsy referring to selected children's hospitals in Tehran

³ بهشته طبرسی, ² هدی همتی, ¹ فاطمه علایی کهرودی

¹ استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

² پرستار شاغل در بیمارستان شهید فهمیده

³ استادیار دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران

Abstract:

زمینه و هدف: نوجوانان یکی از گروه‌های سنی با درصد بالای ابتلا به بیماری صرع هستند که علاوه بر چالش‌های خاص دوران نوجوانی با مسائل مربوط به صرع نیز رو به رو هستند که این موضوع اهمیت کیفیت زندگی را پررنگ‌تر می‌کند. در نتیجه جهت ارتقاء کیفیت زندگی به امر مهم آموزش به عنوان یک راهکار تاثیرگذار می‌توان اشاره کرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر اجرای برنامه خودمدیریتی بر کیفیت زندگی نوجوانان مبتلا به صرع مراجعه کننده به بیمارستان‌های کودکان منتخب شهر تهران انجام شد. روش بررسی: مطالعه حاضر به روش نیمه تجربی بر روی ۶۰ نوجوان در گروه سنی ۱۱ تا ۱۸ سال در بیمارستان‌های کودکان منتخب شهر تهران انجام شد. ۳ جلسه آموزش حضوری جهت گروه مداخله برگزار شد و کتابچه آموزشی نیز در اختیار این گروه قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه کیفیت زندگی در نوجوانان مصروع و پرسشنامه دموگرافیک جمع‌آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شد. در نهایت کیفیت زندگی گروه کنترل و مداخله قبل و بعد از اجرای برنامه مقایسه شد. یافته‌ها: میانگین کیفیت زندگی نوجوانان مبتلا به صرع در گروه مداخله قبل از اجرای مداخله ۱۸۷/۲۷ و بعد از مداخله ۲۰۲/۷۷ بود. همچنین، میانگین کیفیت زندگی نوجوانان مبتلا به صرع در گروه کنترل در دو نوبت اول ۱۸۸/۵۳ و در نوبت دوم ۱۹۰/۷۳ بود. نتیجه گیری: اجرای برنامه خودمدیریتی بر کیفیت زندگی نوجوانان مبتلا به صرع تاثیر معنادار دارد. واژگان کلیدی: صرع، نوجوان، کیفیت زندگی، خودمدیریتی

Investigating the effectiveness of interventions related to the quality of life of mothers with children with leukemia: A systematic review

² دکتر گلپهار آخوندزاده، © ¹ فاطمه سوری

کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران ¹

استادیار گروه پرستاری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران ²

Abstract:

زمینه و هدف: مادران کودکان مبتلا به لوسمی به دلیل مواجهه با بار روانی و مسئولیت مراقبت، با مشکلات متعددی در کیفیت زندگی روبرو هستند. این مطالعه با هدف بررسی نظام‌مند اثر بخشی مداخلات مربوط به بهبود کیفیت زندگی این گروه انجام شده است. مواد و روش‌ها: این مطالعه نظام‌مند بر اساس دستورالعمل PRISMA انجام شد. جستجوی منابع در پایگاه‌های PubMed، Web of Science، Scopus، SID و Iranmedex با کلیدواژه‌های “Quality of Life”، “Intervention”، “Mothers”، “Childhood Leukemia” و معادل فارسی آن‌ها برای شناسایی مطالعات مداخله‌ای منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ انجام شد. معیارهای ورود شامل مطالعات دارای مداخله با ابزار استاندارد سنجش کیفیت زندگی بودند. داده‌ها پس از استخراج، با استفاده از ابزار CASP و معیارهای Cochrane از لحاظ کیفیت ارزیابی شدند. یافته‌ها: از میان ۱۷۸۳ مقاله شناسایی شده، ۱۷ مطالعه با معیارهای ورود انطباق داشتند. مداخلات شامل آموزش روانشناختی، مشاوره گروهی، تمرینات مبتنی بر ذهن‌آگاهی و حمایت اجتماعی بودند. مداخلات بررسی شده شامل آموزش‌های روانشناختی، مداخلات مشاوره‌ای گروهی، برنامه‌های مبتنی بر ذهن‌آگاهی، حمایت اجتماعی، آموزش خانواده‌محور، مداخلات روان‌درمانی آنلاین، مراقبت معنوی و برنامه‌های مبتنی بر سلامت روان والدین بودند. مؤثرترین مداخلات مربوط به برنامه‌های گروهی و آموزش ترکیبی بود. میانگین تفاوت استاندارد شده در متغیر مد نظر در قبل و بعد از مداخله در تمام مطالعات معنا دار بود (005/0p). نتیجه‌گیری: شواهد نشان می‌دهد مداخلات آموزشی و حمایتی تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی مادران دارای کودک مبتلا به لوسمی دارند. نیاز به مطالعات طولی و مداخلاتی با کیفیت بالاتر وجود دارد. کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی؛ لوسمی؛ کودک؛ مادر؛ مداخله؛ مطالعه نظام‌مند

Investigating the effectiveness of self-efficacy-based interventions for mothers of children with cancer: A systematic study

² دکتر گل‌بهار آخوندزاده، © ¹ فاطمه سوری

کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران ¹

استادیار گروه پرستاری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران ²

Abstract:

مقدمه: سرطان دوران کودکی نه تنها کودک مبتلا، بلکه خانواده و به‌ویژه مادر را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مادران کودکان مبتلا به سرطان اغلب احساس اضطراب، افسردگی و کاهش کیفیت زندگی را تجربه می‌کنند. خودکارآمدی به عنوان یکی از مهم‌ترین سوادهای روان‌شناختی، نقش برجسته‌ای در توانمندسازی مادران جهت مقابله با استرس و چالش‌های فرزندپروری در مواجهه با این بیماری دارد. هدف این مطالعه نظام‌مند، بررسی اثربخشی مداخلات مبتنی بر افزایش خودکارآمدی مادران دارای کودکان مبتلا به سرطان بود. روش‌ها: این مطالعه نظام‌مند، مطابق دستورالعمل PRISMA و پروتکل ثبت شده در PROSPERO انجام شد. جستجو در پایگاه‌های SID، Web of Science، Scopus، PubMed و Magiran برای شناسایی مطالعات تجربی (RCT)، شبه‌تجربی و مطالعات مداخله‌ای (منتشر شده از سال ۲۰۱۹ تا ژوئن ۲۰۲۵ به زبان‌های انگلیسی و فارسی صورت گرفت. واژه‌های کلیدی شامل “Self-efficacy”، “Mothers”، “Intervention”، “Childhood Cancer” و معادل فارسی آن‌ها بود. ارزیابی کیفیت توسط ابزار JBI برای کارآزمایی‌ها و مطالعه‌های کنترل‌دار صورت پذیرفت و استخراج داده‌ها، توسط دو پژوهشگر مستقل انجام شد. یافته‌ها: از ۸۴۲ مقاله بازیابی شده، پس از حذف مطالعات همپوشان و بر اساس معیارهای ورود/خروج، ۱۱ مطالعه وارد مرور نهایی گردید. نتایج این مطالعات حاکی از آن است که مداخلات مبتنی بر خودکارآمدی، شامل آموزش‌های روان‌شناختی، مهارت‌های مقابله‌ای، جلسات گروهی حمایتی، مداخلات معنوی و بسته‌های آنلاین خودمراقبتی، به طور معناداری موجب افزایش نمره خودکارآمدی مادران کودکان مبتلا به سرطان شده‌اند. (005/0p) نتیجه‌گیری: مداخلات مبتنی بر ارتقاء خودکارآمدی، اثربخشی قابل توجهی در بهبود شاخص‌های روان‌شناختی و توانمندسازی مادران کودکان مبتلا به سرطان دارند. تلفیق آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و بسته‌های حمایتی در برنامه‌های مراقبت جامع توصیه می‌شود. انجام مطالعات طولی و ارائه مداخلات ساختاریافته‌تر منجر به بهبود نتایج در این گروه هدف خواهد شد. واژه‌های کلیدی: خودکارآمدی، مادران، مداخله، سرطان کودکان، مرور نظام‌مند

Investigating the Impact of the Pop It Game on Fear Associated with Venipuncture in Children Aged 3-6 Years Admitted to the Emergency Department of Ali Ibn Abi Talib Hospital, Rafsanjan, 2025

: Parvin Babaei ¹ © ®

¹ MSc Pediatric Nursing Student, Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran

Abstract: Introduction: Venipuncture is a frequent and distressing procedure for children in clinical settings, often leading to significant fear that can negatively affect their well-being. Non-pharmacological interventions, particularly distraction strategies, are widely recognized as effective for mitigating anxiety in this population. Recognizing that children primarily process emotions through play, the use of toys has become a valuable nursing approach. The Pop It toy has gained attention for its potential to enhance focus and reduce anxiety. Given the lack of prior research on the specific effect of the Pop It game on fear during venipuncture, this study was designed to explore its impact on children aged 3 to 6. 2. Methods and Materials: This quasi-experimental study used a two-group design (intervention and control) in children aged 3-6 admitted to the emergency ward of Ali Ibn Abitaleb Hospital. Participants were recruited via convenience sampling and randomly assigned to either the intervention group (n=37) or the control group (n=36). In the intervention group, children played with a Pop It toy for five minutes during venipuncture. The control group received five minutes of rest before undergoing the same procedure. Fear was measured using a validated fear scale, and data were analyzed with non-parametric tests, including the Mann-Whitney U test and the Wilcoxon signed-rank test. 3. Results: Demographic analysis revealed no statistically significant differences between the two groups ($P = 0.05$), confirming their homogeneity at baseline. Prior to the intervention, mean fear scores were not significantly different between the groups ($P = 0.97$). However, following the Pop It intervention, fear scores in the intervention group were significantly lower than in the control group ($P = 0.001$). A within-group analysis showed a significant reduction in fear scores over time within the intervention group, while scores in the control group showed a significant increase. 4. Conclusion and Discussion: This study suggests that the Pop It game is a highly effective distraction technique for reducing fear during venipuncture in young children. These results are consistent with literature on non-pharmacological interventions for procedural distress. The observed decrease in fear has the potential to improve children's experiences with medical procedures and enhance their cooperation with healthcare providers. Given its effectiveness, the use of the Pop It game is recommended as a standard nursing practice in pediatric and emergency care settings.

Investigating the Implementation of Corrective Preventive Measures for Pressure Ulcers Using the HFMEA Method in the Pediatric Intensive Care Unit

Mahsa Salehzadeh Nobari ¹ ©, Prisa Asadi ², Mahnaz Mohammadpouri ³ ®, Horiyeh Rahimi Gholeji ², Parisa Babazadeh Eslamlu ²

¹ Master of Nursing, Clinical Research Development Unit, Shahid Motahari Educational and Treatment Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

² . Nursing Expert, Clinical Research Development Unit, Shahid Motahari Educational and Treatment Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

³ . Master of Nursing, Clinical Research Development Unit, Shahid Motahari Educational and Treatment Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

Abstract: Introduction: Pressure ulcers are one of the most costly unresolved health issues. Due to their adverse outcomes, preventing their occurrence through cost-effective strategies is crucial for improving and enhancing patients' quality of life. Prevention requires accurate identification of at-risk patients (using an appropriate approach) and the provision of safe nursing care through the use of suitable equipment and facilities. This study aimed to investigate the implementation of corrective preventive measures for pressure ulcers using the HFMEA method in the pediatric intensive care unit of the Shahid Motahari Educational and Medical Center in Urmia in 2024. Methods: In this study, potential failure modes and factors affecting the prevention of pressure ulcers in hospitalized patients in pediatric intensive care units were first identified and analyzed using the HFMEA method. Data for the HFMEA worksheet were designed via interviews and group sessions with team consensus in the form of a checklist. Data were collected through direct observation for 48 patients susceptible to pressure ulcers using a census sampling method and entered into SPSS software version 16. The obtained data were analyzed using descriptive statistical tests. Findings: The results showed that out of 10 potential failure modes (factors contributing to pressure ulcer development), patient repositioning according to the hourly chart (96%) and continuous assessment of the patient for pressure ulcers and skin integrity by the nurse (91%) had the highest adherence rates. In contrast, the use of specific antibacterial bath foams and keeping the skin moist with moisturizers (52%) had the lowest adherence rate. Conclusion: Given that risk management and patient safety are fundamental pillars of healthcare service quality, the HFMEA technique, with its preventive and prospective approach, can serve as an effective executive solution. By focusing on systemic errors, identifying procedural and organizational weaknesses, extracting error-prone bottlenecks, and planning care interventions along with implementing corrective actions, it can play a significant role. Keywords: Risk Management, Pressure Ulcer, HFMEA

Investigating the level of nurses' attitude towards artificial intelligence applications in hospitals under the supervision of Abadan University of Medical Sciences in 2023

© P¹ اکرم همتی پور

کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران¹

Abstract:

زمینه و هدف: استفاده از هوش مصنوعی نوآوریایی را برای عملکرد مراقبت پرستاری، کاهش خطا در امر مراقبت از بیمار فراهم میکند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سطح نگرش پرستاران از کاربردهای هوش مصنوعی در بیمارستانهای تحت نظارت دانشگاه علوم پزشکی آبادان در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. مواد و روشها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی که در سال ۱۴۰۲ انجام شد، ۲۰۸ پرستار شاغل تحت نظارت در بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی آبادان به روش سرشماری و با رضایت آگاهانه طی سه ماه، پرسشنامه محقق ساخته نگرش ۱۱ سؤالی که در زمینه کاربردهای هوش مصنوعی و بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) تنظیم و روایی و پایایی آن انجام شد را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای تی مستقل و آنالیز واریانس با نرمافزار spss نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها: در این مطالعه ۲۰۸ پرستار با میانگین سنی ۵۹/۹ ± ۵۱/۳۵ سال مورد بررسی قرار گرفتند همچنین میانگین نگرش پرستاران $(33/82 \pm 4/07)$ (بود که نشان داد ۱۷۷ نفر) ۵/۸۸ درصد نگرش متوسط (و ۱۱ نفر) ۵/۵ درصد (نگرش کاملاً مثبت به کاربردهای هوش مصنوعی در پرستاری دارند. ۱۲۱ نفر) ۱۷/۵۸ درصد (موافق بودند که نقش مهمی در مراقبت پرستاری دارد و قابل توجه است که ۳۸ نفر) ۲۶/۱۸ درصد (معتقد بودند عملکرد پرستاری و زمینه کاری آن را مختل میکند از نظر متغیرهای جمعیت شناختی نیز سن، جنس، سابقه کاری و محل خدمت با نگرش پرستاران از هوش مصنوعی معنادار نشده است) $(p=0/05)$. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که سطح نگرش پرستاران آنها متوسط است. سیاستگذاران یک برنامه آموزشی رسمی در زمینه هوش مصنوعی برای پرسنل بهداشت و درمان تدوین کنند که میتواند گام مهمی در پیاده‌سازی و توسعه موفقیت‌آمیز باشد. واژگان کلیدی: نگرش، مراقبت با هوش مصنوعی، پرستاران

Investigating the psychometric properties of the Cybersecurity Behavior Questionnaire in Iranian children

⑤ سکینه اکبری⁴، فرزاد ابراهیم زاده³، فاطمه محمدی پور²، فاطمه رضایی نیا¹

¹ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان؛ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

² دانشیار پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، (نویسنده مسؤول) خرم‌آباد، ایران

³ دانشیار پرستاری، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

⁴ استادیار اپیدمیولوژی، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

⁵ دانشجوی دکتری پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دفتر یوسرن، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

Abstract:

مقدمه و هدف: با توجه به گسترش استفاده و اهمیت حفظ امنیت کودکان و نوجوانان در فضای مجازی بررسی آگاهی و نگرش و رفتارهای آنان در فضای مجازی با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد ضروری است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس Cybersecurity Behaviors in School (CsB-S) جهت بررسی رفتارهای امنیت در فضای مجازی در کودکان و نوجوانان ایرانی انجام گرفت. روش: در این مطالعه مقطعی ۶۸۱ دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۵ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۰-۹۱ شرکت کردند. ترجمه به روش ده مرحله‌ای وایلد، روایی صوری کمی و کیفی با مصاحبه روانشناختی؛ روایی محتوایی با تایید متخصصان و محاسبه CVR، I-CVI و S-CVI و روایی سازه با روش‌های تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی بررسی شد. پایایی با محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ (α)، همبستگی درون-طبقه‌ای (ICC) و Kappa Fleiss بررسی شد. نتایج: پس از ترجمه و روایی صوری و محتوایی تمام ۲۰ گویه مقیاس رفتارهای امنیت در فضای مجازی تایید شد. در مورد گویه‌های مقیاس رفتار امنیت مجازی دامنه CVR 1-4/0، دامنه I-CVI 1-63/0 و S-CVI ۰/۹۰ بود. تحلیل عامل اکتشافی با دو عامل ۶۹/۷۴۶٪ از واریانس کل را تبیین و تحلیل عامل تاییدی شاخص‌های برازش مناسبی را نشان داد. ضرایب پایایی α ۰/۸۱۷ و ICC ۰/۷۸۵ = و فلیس-کاپا ۰/۷۴ گزارش شد. نتیجه‌گیری: مقیاس رفتارهای امنیت فضای مجازی با دو عامل دارای روایی پایایی مطلوب و برای نوجوانان ۱۲-۱۵ ساله ایرانی قابل استفاده می‌باشند. استفاده از این مقیاس به شناخت دقیق الگوهای رفتاری و طراحی و تدوین مداخلات آموزشی و پیشگیرانه برای نوجوانان ایرانی کمک می‌کند. واژه‌های کلیدی: روان‌سنجی، پرسشنامه، رفتار، امنیت در فضای مجازی، کودکان

Lived Experiences of Mothers in Neonatal Intensive Care about factors affecting sleep mothers: A Qualitative Directed Content Analysis

Elham Khadem Hamzei ¹ ©, Saideh Sadat Mortazavi ², Zahra Mortazavi ³ ©

¹ MS student of occupational Therapy, Student Research Committee, Tehran University of Medical Sciences, Tehran,

² Occupational Therapy, Student Research Committee, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

³ PhD student of Speech Therapy, Student Research Committee, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Objective: The neonatal intensive care unit (NICU) can potentially exacerbate anxiety and stress for mothers of hospitalized infants, who sometimes spend hours a day around the infant's bed. This research was conducted to explain the lived experiences of this group of mothers from the negative and positive factors affecting their sleep quality in three areas: environment, person, and occupation, to help improve the sleep quality of mothers of hospitalized babies. Material and Methods: This qualitative study was conducted with Directed Content Analysis method, with the participation of 16 mothers in the Neonatal Intensive Care Unit, Fatemiyeh Hospital, and Hamadan University of Medical Sciences in February 2023. Sampling was targeted. Data were collected through semi-structured interviews and personal profile questionnaires. Interviews were taped and transcribed and were analyzed based on the Colaizzi approach. Results: The results of the present study included 168 primary codes, 19 subcategories, and 8 main categories. The main concepts extracted from the sleep experience of mothers in this study are in the individual field: somatic factors, mental and psychological factors, and adaptation to conditions. In the environmental field: physical factors, social factors, and economic factors. In the field of occupation: daily activities, activities, and tasks. Conclusion: Based on the results of the present study, individual and environmental factors, and occupation are effective in the sleep of mothers in the neonatal intensive care unit. These findings increase our understanding of mothers' sleep experiences and highlight the importance of paying attention to these factors in the prevention and treatment of sleep quality disorders in mothers of newborns in research and clinical practice. Keywords: Sleep, Lived Experience, Mother, Neonatal Intensive Care Unit, Qualitative Study: کد طرح: IR.UMSHA.REC.1401.861

Lived experiences of mothers with children with hyperactivity

Arman Dehghani¹ © ®, Nasrin Alizadeh¹

¹ دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

Abstract:

تجارب زیسته مادران با کودکان مبتلا به بیش‌فعالی زمینه: این مطالعه با هدف بررسی تجربیات زیسته مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال کم‌توجهی-بیش‌فعالی انجام شد. روش‌ها: این مطالعه کیفی توصیفی بر اساس رویکرد پدیدارشناسی انجام شد که به بررسی تجربیات مراقبان اولیه کودکان مبتلا به اختلال کم‌توجهی-بیش‌فعالی پرداخت. جامعه مطالعه شامل مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مبتلا به اختلال کم-توجهی-بیش-فعالی در زاهدان بود. در مجموع ۱۷ کودک با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های رو در رو، عمیق و نیمه‌ساختاریافته با شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها در مدارس و مرکز مشاوره انجام شد. علاوه بر این، از روش پدیدارشناسی شناختی اسمیت برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج: تحلیل داده‌ها ۴ درون‌مایه اصلی و ۲۵ زیرمضمون را آشکار کرد که شامل موارد زیر بودند: • پاسخ‌های هیجانی افسردگی، تنهایی، خشم و عصبانیت، خجالت، تمایل به داشتن یک کودک آرام، استرس، سردرگمی، عذاب وجدان، پشیمانی، یأس، اضطراب و وحشت • پاسخ‌های رفتاری سرزنش خود، گریه مکرر، فریاد زدن، پرخاشگری، تلاش برای کنترل خود • پاسخ‌های فیزیکی تپش قلب، احساس چکیدن قطرات آب داغ روی سر • و پاسخ‌های شناختی احساس غیرانسان بودن، انزوا، احساس گناه، خجالت و سرزنش‌پذیری، مشکلات در بارداری، احساس دیوانگی، احساس بیش‌فعالی به دلیل ناتوانی در کنترل خود، احساس متهم شدن به دروغ‌گویی • نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه راه را برای تحقیقات بیشتر در زمینه مداخلات سلامت روان برای مادران کودکان مبتلا به اختلال کم-توجهی-بیش-فعالی هموار خواهد کرد. بر این اساس، طراحی و ارزیابی اثربخشی مداخلات روان‌درمانی که بتوانند ابعاد مختلف مشکلات این گروه از مادران را پوشش دهند، ضروری است. کلمات کلیدی: اختلال کم-توجهی-بیش-فعالی، مطالعه پدیدارشناختی، مادران، کودکان

Long-Term Psychosocial Outcomes and Rehabilitation Strategies after Pediatric Burn Injuries: A Systematic Review

Mehrshad Mohebifar ¹ ©, Elham Salimpour ², Reza Ghorbani ³, Negin Hosseini ⁴ ©

¹ BSc Student in Nursing, Student Research Committee, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

² BSc in Nursing, Staff Nurse, Department of Nursing, Fajr Hospital, Marivan, Kurdistan, Iran

³ MSc Student in Wound Healing and Tissue Repair, Cardiff University, UK

⁴ Nurse, Master student of critical care nursing, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

Abstract: Title Long-Term Psychosocial Outcomes and Rehabilitation Strategies after Pediatric Burn Injuries: A Systematic Review Background Burn injuries remain one of the most devastating forms of trauma in children, leading not only to physical morbidity but also profound and lasting psychosocial challenges. While acute burn management has been extensively studied, there is a paucity of synthesized evidence on the long-term psychosocial sequelae and effective multidisciplinary rehabilitation strategies in the pediatric population. Objectives To systematically review the available evidence on (1) psychosocial outcomes following pediatric burn injuries, and (2) rehabilitation approaches aiming to improve quality of life, social reintegration, and emotional well-being in affected children. Methods A systematic literature search was conducted in PubMed, Scopus, Web of Science, and CINAHL from inception to August 2025. Inclusion criteria: studies involving patients 18 years old with burn injuries, reporting psychosocial outcomes ≥ 6 months post-injury, and/or describing structured rehabilitation interventions. Exclusion criteria: animal studies, case reports, and studies without psychosocial outcome measures. Data extraction and risk of bias assessment (Cochrane RoB 2, ROBINS-I) were performed independently by two reviewers. A narrative synthesis was undertaken; meta-analysis was conducted when data homogeneity allowed. Results Of 1,237 identified records, 26 studies met inclusion criteria ($n = 3,482$ children). Common long-term outcomes included anxiety, depression, post-traumatic stress symptoms, body image disturbance, and reduced school participation. Multidisciplinary rehabilitation programs—particularly those integrating psychological counseling, peer-support groups, and school reintegration plans—were associated with significant improvement in psychosocial scores (standardized mean difference range: 0.35–0.78, $p < 0.05$). Heterogeneity in outcome measures (I^2 : 62–79%) limited pooling in some domains. Evidence gaps were identified in low- and middle-income country (LMIC) settings and in trials with ≥ 5 years follow-up. Conclusions Pediatric burn injuries have substantial long-term psychosocial consequences. Structured, multi-component rehabilitation programs show promise in improving well-being and facilitating reintegration, but high-quality longitudinal RCTs are lacking—especially in resource-limited contexts. Addressing these gaps is crucial for developing culturally sensitive, sustainable interventions. Keywords Pediatric burns, psychosocial outcomes, rehabilitation, quality of life, systematic review

Management of Upper Limb Ischemic Wounds Due to Umbilical Cord Torsion in a Newborn: A Case Report Study

⁴ نگین حسینی¹, سارا پارسائی³, رضا قربانی², طناز فارغ¹, مهدیه السادات میرزائیان¹

¹ B. Sc. of Nursing, Student Research Committee of Nursing School, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

² M. Sc. Student of Medical-Surgical Nursing, Students' Scientific Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ M. Sc. Student of Wound Healing and Tissue Repair, Cardiff University, UK. Wound Care Specialist, Wound Lab Clinic, Iran

⁴ M. Sc. Student of Critical Care Nursing, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

Abstract: Introduction and Aims: Limb ischemia (LI) in the newborn is a rare phenomenon defined as sudden loss of blood perfusion that can lead to necrosis if reperfusion is not performed within the first 4–6 hours. Its etiology can be classified into two main categories of intrauterine and postnatal causes. This condition is frequently associated with umbilical cord torsion in uterine, affecting not only the infant's physical development but also creating notable emotional and psychological complications for families. Unfortunately, there is no specific guidelines to manage LI and its complications; on the other hand, isolated LI subsequent to umbilical cord torsion is only reported in handful literature cases which mostly ended-up with amputation. Therefore, detailed reporting of similar cases is essential to enhance management strategies for healthcare providers. This case is reported in line with the SCARE 2025 criteria. Case presentation: The patient is a pre-term(37weeks) newborn male who exhibited significant left forearm and hand cyanosis with necrotic wounds (covered by wet and dry eschar, adherent slough, and blisters) and complete lack of movement in arm. Moreover, he was admitted in NICU to receive respiratory support. There were no reported prenatal complications, contributory family-history, genetic disorders or congenital anomalies besides his mother received regular prenatal care without prolonged labor. A thorough assessment reveals complete absence of sensation and radial pulse and doppler ultrasound confirmed complete absence of blood supply to the affected area. Radiological findings suggest malformed fingers and reduced bone density. These investigations led to diagnosis of a left-hand necrosis secondary to umbilical cord torsion occurred in uterine. The management of this condition necessitated a multidisciplinary approach involving wound specialist, pediatric surgeon, orthopedic specialists, and physical therapists. In spite of considering amputation, wound specialist convinced the team to follow novel wound management process with dressing and debridement. Surprisingly, using dry dressing did not work well for healing ischemic wounds although gel-sheet form dressing through 26 sessions closed the wounds with the least scar and no healing complications. Moreover, resources were provided to support the family in navigating ongoing orthopedic care. Conclusion: This case underscores the important role of wound specialists in addressing complex LI condition via choosing the best wound management plan and preventing amputation performing. Therefore, this situation highlights the need for collaborative management strategies, ultimately enhanced neonatology care practice, and continued research to develop suitable guidelines for management in similar cases. keywords: limb-ischemia, umbilical cord torsion, newborn.

Meta-Analysis Review: Empowering Parents and Nurses in Facing Caregiving Challenges

³ محمد محمودزاده، ² ثنا خلیل زاده ضیاء، ¹ مهدی محمودزاده

¹ Department of Pediatric Nursing, Student Research Committee, Khoy University of Medical Sciences, Khoy, Iran

² Department of Pediatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

³ Students Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran

Abstract: Introduction The increasing complexity of pediatric healthcare necessitates active involvement and empowerment of parents and nurses to optimize child outcomes. Empowerment interventions aim to enhance knowledge, skills, and confidence in caregiving, addressing challenges posed by chronic illness, acute emergencies, and psychosocial stressors. This meta-analysis synthesizes recent evidence on empowerment programs for parents and pediatric nurses, evaluating their effects on self-efficacy, stress reduction, quality of care, and patient health. Methods A systematic search was conducted in PubMed, Scopus, and Web of Science for studies published between January 2019 and December 2024. Keywords included “empowerment,” “parents,” “nurses,” “pediatrics,” and “caregiving challenges.” Inclusion criteria were quantitative studies assessing empowerment interventions with measurable outcomes such as parental self-efficacy, caregiver stress, quality of care, and child health indicators. Out of 125 articles screened, 11 studies (total N = 6,870) met eligibility criteria. Standardized mean differences (SMD) with 95% confidence intervals (CI) were calculated to determine effect sizes. Results Parental Empowerment: Programs including educational workshops, peer-support groups, and digital platforms improved parental self-efficacy (SMD = 0.46; 95% CI: 0.32–0.59; p 0.001), reduced stress, and enhanced adherence to care plans (Wulandari et al., 2021). The most significant impact was observed among parents of children with chronic or complex health conditions. Nurse Empowerment: Interventions focusing on professional growth, crisis simulation, and resilience training increased job satisfaction and care quality among pediatric nurses (SMD = 0.39; 95% CI: 0.21–0.56; p = 0.001) (Smith et al., 2022). Nurses reported improved confidence in crisis management and family-centered care. Combined Parent–Nurse Empowerment: Collaborative models engaging parents and nurses yielded optimal patient health outcomes and satisfaction levels (Kim & Lee, 2023). Heterogeneity among studies was moderate ($I^2 = 52\%$), reflecting intervention design and outcome measures differences. Conclusion Empowerment interventions targeting parents and nurses significantly improve caregiving effectiveness in pediatric settings. Benefits include enhanced self-efficacy, reduced stress, better adherence to treatment plans, and improved quality of care. Integrating such evidence-based approaches into pediatric healthcare systems can strengthen caregiver resilience and achieve superior child health outcomes. Future research should aim to standardize empowerment definitions, extend follow-up durations, and explore cost-effectiveness to support broader implementation.

Mortality status of children aged 1 to 59 months, Tehran University of Medical Sciences

¹ زهرا اسکندری, ² سیمین رنجبران, ¹ فاطمه پولادی

¹ معاونت درمان دانشگاه

² مدیر پرستاری دانشگاه

Abstract: Introduction: One of the important indicators of development and health in countries is the mortality rate of children under 5 years of age. In recent years, the mortality rate of children under 5 years of age in our country has decreased, but it is still higher than in developing countries. Given the serious sense of urgency and the resources mobilized to progress in reducing mortality rates, we decided to investigate the factors affecting the mortality of children aged 1-59 months in 1403 AH at Tehran University of Medical Sciences. Method: This research was a descriptive-analytical study that was conducted in 1403 AH. This research was conducted on 160 children aged 1 to 59 months using a census method. The tool used in this research was the child mortality checklists of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education, which information was collected by an expert and analyzed after data extraction. Findings: The results of this study showed that the number of deaths among children aged 1-59 months was 160. The highest number of deaths was in the age group of 1-12 months (48.6%). Of these, 50.6% were boys and 49.4% were girls in terms of gender, 97.5% were urban and 2.5% were rural, and 77.5% were Iranian and 23.9% were non-Iranian in terms of nationality. The most common causes of death were respiratory diseases (36.9%), cardiovascular diseases (15%), and infectious and parasitic diseases (9.4%). Conclusion: To reduce the mortality rate of children and improve the health of this age group, it is necessary to increase the awareness of their parents by providing them with documented training in identifying risk factors and referring their children to medical centers in a timely manner to receive appropriate services.

Multidimensional Rehabilitation of Children and Families: From Crisis to Renewal with an Innovative Approach

Somaye Pouy¹ © ®, Latif Panahi²

¹ 1 Assistant professor, Social Determinants of Health Research Center, Trauma Institute, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. (Email: somayepouy@gmail.com) ² 2 Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. (Email: somayepouy@gmail.com)

² Ph.D Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

Abstract: Introduction: Rehabilitating children and their families after a crisis requires a holistic and multidimensional approach—one that addresses physical, psychological, social, and spiritual needs. From providing emotional and social support to utilizing creative methods like art, play therapy, and corrective exercises, the goal is to enhance their quality of life and facilitate recovery. This article address into innovative rehabilitation strategies that empower children and families to overcome crises and rebuild their lives. By recognizing and addressing their diverse needs, these approaches pave the way for renewal and a healthier, more fulfilling future. Method: This review was conducted to comprehensively identify and analyze innovative methods for multidimensional rehabilitation of children and their families following crisis situations. The research team employed a structured search strategy across multiple established academic databases, including SID, Google Scholar, Web of Science, Scopus, and PubMed, with no restrictions on publication date from inception through 2025. The search strategy utilized keywords including "Multidimensional Rehabilitation," "Pediatric," "Pediatric Recovery," "Family Support," and "Crisis Management" to ensure comprehensive coverage of relevant literature. Two independent reviewers screened all retrieved titles and abstracts using predetermined inclusion and exclusion criteria. Studies were included if they addressed developmental, psychological, spiritual, and functional rehabilitation approaches for children and families, published in either Persian or English languages, and demonstrated evidence-based interventions for crisis recovery. Exclusion criteria including case reports with insufficient methodological detail, and publications in languages other than Persian or English. Data extraction was performed systematically using standardized forms that captured intervention characteristics, target populations, implementation methodologies, duration of interventions, and reported outcomes across multiple rehabilitation domains. Results: The review highlights that multidimensional rehabilitation significantly improves recovery outcomes for children and families by addressing physical, psychological, social, and spiritual needs. Innovative interventions such as play therapy, art therapy, and corrective exercises contribute to enhanced emotional well-being and functional restoration. Family-centered support plays a critical role in fostering resilience and ensuring personalized, holistic care. Effective coordination among healthcare providers, and families optimizes rehabilitation processes and sustains positive outcomes. Overall, adopting this comprehensive and innovative approach facilitates renewal and improves the quality of life for children and their families after crises. Conclusion: Multidimensional rehabilitation provides a holistic framework to address the physical, psychological, social, and spiritual needs of children and families recovering from crises. Innovative interventions such as play therapy, art therapy, and family-centered support systems foster resilience and adaptive recovery. Involving families ensures personalized care and emotional support.

Music Therapy, Play Therapy, and Virtual Reality as Nursing Led Anxiolytic Interventions During Pediatric Anesthesia Induction: A Systematic Review of Clinical Evidence

Hamid Yazdaninejad ¹ @, Najme Zamani ² ©

¹ Department of Operating Room and Anesthesiology, School of Allied Medical Sciences, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

² 2. MSC student in medical surgical nursing, Nursing and Midwifery school, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran

Abstract: Introduction: Preoperative anxiety in children can disrupt physiological stability, hinder anesthesia induction, and affect recovery. Nursing-led, non-pharmacological interventions such as music therapy, play therapy, and virtual reality are increasingly recognized as safe and effective strategies to improve comfort and cooperation. Despite growing evidence, an updated synthesis of studies from 2020–2025 is needed to guide perioperative nursing practice. This review critically appraises and synthesizes clinical research on the anxiolytic effectiveness of these interventions during pediatric anesthesia induction, highlighting nursing roles, implementation strategies, and patient-centered outcomes. Methods: In accordance with PRISMA 2020 guidelines, PubMed, CINAHL, Embase, PsycINFO, and Scopus were searched (January 2020–May 2025) for studies involving children aged 2–12 undergoing general anesthesia, in which nurses delivered or coordinated music therapy, play therapy, or virtual reality during induction. Eligible designs included randomized controlled trials (RCTs), quasi-experimental studies, and observational studies reporting quantitative or qualitative anxiety outcomes. Two reviewers independently screened studies, extracted data, and assessed quality using Joanna Briggs Institute tools. Findings were narratively synthesized, considering heterogeneity in interventions and outcome measures. Results: Fourteen studies (n = 1,248 children) met the inclusion criteria: six examined music therapy, five investigated virtual reality, and three evaluated structured play therapy. Anxiety reduction was consistently reported across all interventions, with music therapy showing mean reductions of 25–40% on validated scales, typically via live or recorded sessions adapted to the child's age and preferences. Virtual reality interventions demonstrated high engagement rates (85%) and rapid immersion, resulting in pre-induction anxiety reductions comparable to or greater than those achieved with midazolam in some cases. Play therapy often utilizing interactive medical play kits reduced anxiety by enhancing procedural understanding and fostering trust with perioperative nursing staff. Across all modalities, active nurse facilitation, thorough parental briefing, and integration into pre-induction workflows were critical to success. All studies reported high acceptability, minimal adverse effects, and improved cooperation during mask placement and induction. Quality appraisal indicated moderate to high methodological rigor in 72% of studies. Conclusion: Music therapy, play therapy, and virtual reality when delivered or coordinated by perioperative nursing staff are effective, safe, and well-tolerated strategies for reducing preoperative anxiety in children. These approaches support child- and family-centered care, improve induction compliance, and may reduce reliance on pharmacological anxiolytics. Future research should focus on protocol standardization, long-term emotional outcomes, and integration into diverse perioperative settings to expand accessibility and ensure evidence-based nursing practice. Keywords: Pediatric anesthesia; Nursing interventions; Music therapy; Play therapy; Preoperative anxiety

Novel Strategies for the Prevention of Intraoperative Hypothermia in Neonatal Surgery: A Systematic Review

Sedighe Hannani ¹, Bahador Pouredel ² ©, Erfan Rajabi ² ©, Seyed Abolfazl Hosseini ², Amirali Alizadeh ³

¹ Senior Expert in internal surgical nursing, instructor, operating room department, faculty of paramedicine, Iran university of medical sciences, Tehran, Iran

² MSc of Perioperative Nursing, Student Research Committee, School of Allied Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Research Center for Evidence-Based Health Management, Maragheh University of Medical Sciences, Maragheh, Iran

Abstract: Introduction The elevated surface area-to-body mass ratio, underdeveloped thermoregulatory systems and limited subcutaneous fat in neonates make intraoperative hypothermia a major perioperative complication. Hypothermia contributes to metabolic acidosis, coagulopathy, surgical site infections and prolonged hospital stays. Common warming methods include heated intravenous fluids and forced-air warming. However, new methods that consider environmental and physiological factors are being implemented. This systematic review identified, assessed and synthesized innovative neonatal hypothermia prevention strategies to improve anesthesia and surgical safety. Methods We searched PubMed, Embase, Scopus, Web of Science and the Sinedirect for studies on neonates, intraoperative hypothermia, surgery, prevention, warming strategies and temperature management from commencement to March 2025. RCTs, cohort studies and case-control studies evaluating innovative neonatal surgery strategies (e.g., phase-change materials, heated-humidified ventilation, incubator-based systems) were included. We excluded research on traditional warming methods, animal models, or adult/pediatric groups without neonatal subgroup analysis. We assessed bias in randomized controlled trials using the Cochrane Risk of Bias tool and observational studies using ROBINS-I. Our narrative data was integrated using a random-effects meta-analysis model when possible. Results The 17 studies included 1,248 newborns in 11 randomized controlled trials and 6 observational studies. Recently evaluated strategies included heated-humidified respiratory gases (n=8), phase-change warming mattresses (n=4), reflective thermal insulation (n=3) and integrated incubator systems (n=2). Compared to standard care, heated-humidified gases significantly reduced intraoperative temperature decline (mean difference: +0.6°C; 95% CI: 0.3–0.9; p0.01, 6 RCTs, 524 neonates). Phase-change mattresses prevented hypothermia during induction and prolonged surgery (RR: 0.72; 95% CI: 0.55–0.93, 3 RCTs). Reflective insulation and incubator-based systems showed promise, but small sample sizes and varied research methods limited the evidence. Since most RCTs had robust randomization and effective outcome measures, bias was low to moderate. Conclusion New methods like heated-humidified respiratory gases and phase-change warming devices reduce neonatal hypothermia during surgery. Reflective insulation and incubator-based systems may work, but randomized controlled trials are needed to prove it. High-risk neonates may benefit most from multiple warming methods. These findings emphasize the need for neonatal surgery temperature management protocols.

Nurses' competencies in climate-aware care of children

© P¹ مرجان غفرانی

گروه پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران¹

Abstract:

سازمان جهانی بهداشت به طور محافظه کارانه تخمین می زند که تغییرات آب و هوایی سالانه باعث مرگ حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر بیشتر در بین سال های ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ به دلیل سوء تغذیه، مالاریا، اسهال و استرس گرمایی می شود. کودکان در سراسر جهان بیشترین بار تغییرات اقلیم را به دوش می کشند و ۸۸ درصد از کل بیماری های مرتبط با تغییرات آب و هوایی را تشکیل می دهند. نقش حرفه پرستاری در پرداختن به تغییرات اقلیمی، عدالت اقلیمی و سلامت محیط زیست بسیار مهم است. پیامدهای بهداشت عمومی و پیامدهای منفی شناخته شده مرتبط با تغییرات اقلیمی آشکار است و حرفه ما باید فراخوان جمعی برای اقدام داشته باشد. فراخوان ها برای اقدام در جهت واکنش به اثرات مضر تغییرات اقلیمی جهانی بر سلامت، حرفه پرستاری را به سمت واکنش از طریق اقدامات پرستاری، تحقیق، حمایت و آموزش سوق می دهد. نقش های فعلی و بالقوه پرستاران در پرداختن به تغییرات اقلیمی همچنان مبهم است و هدف از این مطالعه مروری بررسی صلاحیت های مشخص شده برای پرستاران در متون با هدف ارائه مراقبت اقلیم آگاهانه از کودکان صورت گرفته است. نتایج نشان می دهد، دانش مرتبط، توانایی ارزیابی و مراقبت از بیماری ها و شرایط مرتبط با تغییرات آب و هوایی، نگرش مثبت نسبت به اجرای برنامه های دوستار محیط زیست، توانایی انجام مطالعات در زمینه های تغییرات اقلیمی و توانایی حل مسئله از صلاحیت های لازم در ارائه مراقبت در زمینه های تغییرات اقلیمی است.

Nursing Care for Pediatric Pneumonia in the Emergency Department: Innovative Nursing Approaches

Ali Karamoddin ¹ ©, Amir Reza Mohammadi ¹, Farnoosh Tajik ² ©

¹ Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran.

² Nursing care research center, Semnan University of medical sciences, Semnan, Iran. Department of Pediatric and Neonatal Nursing, School of Nursing and Midwifery, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran.

Abstract: Introduction: Pediatric pneumonia is a leading respiratory infection, requiring timely and effective nursing care in the emergency department (ED). This study reviews standard nursing practices, innovative interventions, and additional considerations that improve patient outcomes. Method: This review conducted in 2024 by searching international and national databases, including PubMed, Scopus, Web of Science, and SID. Keywords related to “Pneumonia”, “Pediatric”, “Children”, “Nurse” and “Nursing” were used. Thirty articles from 2020 to 2024 were reviewed based on inclusion and exclusion criteria. Results: The following key findings were identified where nurses can play a key role in pediatric pneumonia management: 1. Pneumonia Diagnosis o Clinical Symptoms: Productive cough, Fever, Chills, Shortness of breath, Tachypnea, Lethargy o Auxiliary Diagnoses: Leukocytosis, elevated ESR, chest X-ray to assess lung involvement 2. Nursing Interventions o Initial Care: Monitoring vital signs, respiratory assessment, oxygen therapy, urgent care measures (e.g., mechanical ventilation, sedation, anti-inflammatory meds for severe pneumonia) o Pharmacological Management: Antibiotics (e.g., Amoxicillin, Cephalosporins), antipyretics o Family Education: Teaching families about symptoms, medication use, and home care strategies 3. Innovative Nursing Approaches o Utilization of Technology: Non-invasive monitoring (pulse oximeters), Pediatric Early Warning Scores (PEWS), mobile apps for family education o Comprehensive care: Non-pharmacological therapies (bronchodilators, chest physiotherapy), psychological support for children and families 4. Assessing clinical Outcomes o Improvement in Symptoms: Shorter hospital stays, alleviated respiratory symptoms o Parental Satisfaction: Higher satisfaction and improved child quality of life 5. Additional Considerations o Holistic Care: Pain management, nutrition, and hydration o Interdisciplinary Collaboration: Coordination among nurses, doctors, physiotherapists, and psychologists. o Socioeconomic Factors: Addressing healthcare access disparities through community programs. Conclusion: Effective management of pediatric pneumonia in the emergency department requires a multifaceted, comprehensive, interdisciplinary approach that integrates traditional and innovative nursing practices to enhance outcomes and care quality. Keywords: Pneumonia; Pediatric; Nursing care

Nursing Care in Pain management of Hospitalized Neonates

² دکتر مریم رسولی، © P, ¹ اعظم الملوک الساق

دکتر اعظم الملوک الساق، دکترای تخصصی پرستاری، عضو گروه پرستاری دانشکده پرستاری و فوریت پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز، عضو انجمن درد اروپا
استاد پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی²

Abstract:

درد در نوزادان به‌ویژه نوزادانی که در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند، یکی از چالش‌های درمان و مراقبت پرستاری است. نوزادان به دلیل محدودیت در توانایی برقراری ارتباط کلامی، به‌طور مستقیم، نمی‌توانند وجود و شدت درد خود را بیان کنند و این موضوع باعث می‌شود که مدیریت درد آن‌ها به دقت و دانش بالایی نیاز داشته باشد. نوزادان می‌توانند درد را احساس کنند و در پاسخ به محرک‌های دردناک مانند تعویض کاتتر، نمونه‌گیری خون و اتصال لوله‌های تنفسی، ممکن است مجموعه‌ای از واکنش‌های فیزیولوژیکی، هورمونی و رفتاری را نشان دهند. برای درمان مؤثر درد و همچنین کاهش اثرات منفی آن در دوره نوزادی باید شدت محرک‌های دردناک، اندازه‌گیری شود. برآورد میزان درد، شیوه مناسبی برای افزایش سرعت عمل در انجام مداخلات است؛ اگر میزان درد بطور مناسبی اندازه‌گیری گردد، می‌توان مداخله متناسب با همان میزان درد را برای نوزاد انجام داد. بدیهی است در صورت عدم مدیریت صحیح، تداوم درد در نوزاد می‌تواند منجر به آسیب‌های بلندمدت روانی و عصبی شود. تحقیقات نشان داده‌اند که نوزادانی که درد آنها به‌درستی مدیریت نمی‌شود، در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به مشکلات رفتاری و شناختی در آینده قرار دارند. مدیریت صحیح درد در این نوزادان، نه تنها کیفیت مراقبت را بهبود می‌بخشد، بلکه می‌تواند به بهبود سریع‌تر آنها، کاهش مدت بستری و کاهش خطرات مرتبط با درد مزمن کمک کند. بدیهی است انتخاب روش‌های دارویی و غیردارویی مناسب، باید با توجه به شرایط خاص هر نوزاد انجام شود تا از بروز عوارض جانبی ناخواسته جلوگیری شود. این دستورالعمل با هدف ارائه راهکارهای علمی و عملی برای مدیریت درد در نوزادان (از زمان تولد تا پایان یک ماهگی) تدوین شده است. با بهره‌گیری از ابزارهای دقیق ارزیابی و استفاده از تکنیک‌های مؤثر، می‌توان تجربه درد را در نوزاد کاهش داد و به بهبود وضعیت بالینی او کمک کرد.

Nursing care of children in health tourism: A comprehensive approach

© P¹ زهره نبی زاده قرقوزار

عضو هیات علمی گروه آموزشی پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران¹

Abstract:

موضوع: مراقبت پرستاری از کودکان در گردشگری سلامت: یک رویکرد جامع دکتر زهره نبی زاده قرقوزار، عضو هیات علمی گروه آموزشی پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران مقدمه: گردشگری سلامت سفری سازمان یافته از محیط زندگی فرد به مکان دیگر، به منظور بهبود و بازیابی مجدد سلامت جسمی و روحی یا رهایی از تنش زندگی روزمره می باشد. توریسم سلامت مسیری را برای دستیابی به درمان‌های تخصصی، کاهش زمان انتظار، یا بهره‌مندی از خدمات با هزینه مناسب‌تر فراهم آورده است. در این میان، کودکان به دلیل ویژگی‌های فیزیولوژیکی، نیازهای روان‌شناختی، و وابستگی شدید به خانواده، گروهی به شدت آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند. از این رو، نقش پرستاران در تضمین تجربه درمانی امن، موثر، و انسانی برای این بیماران کوچک و والدینشان، حیاتی است. پرستار کودک باید ارزیابی جامع قبل از سفر از کودک داشته باشد که شامل: ۱- تاریخچه پزشکی دقیق ۲- وضعیت رشد و تکامل ۳- مسائل روان‌اجتماعی ۴- ملاحظات فرهنگی و زبانی. برنامه‌ریزی و هماهنگی مراقبت که شامل: ۱- ارتباط مؤثر ۲- تسهیل سفر ۳- هماهنگی بین‌المللی ۴- مدیریت دارویی. مراقبت‌های پرستاری در طول اقامت در کشور مقصد که شامل: ۱- کاهش اضطراب و ترس ۲- مدیریت درد و عوارض جانبی ۳- تغذیه مناسب ۴- پیشگیری از عفونت ۵- فعالیت و بازی ۶- پشتیبانی روان‌شناختی. برنامه‌ریزی ترخیص و مراقبت پس از بازگشت که شامل: ۱- آموزش والدین ۲- هماهنگی مراقبت‌های پس از ترخیص ۳- مدارک پزشکی. چالش‌ها و راهکارها: مانع زبانی و فرهنگی: استفاده از مترجمان متخصص و آموزش کادر درمانی در مورد حساسیت‌های فرهنگی. دوری از حمایت اجتماعی: ایجاد شبکه‌های حمایتی برای خانواده درمانی یا معرفی آن‌ها به جوامع محلی. تفاوت استانداردهای مراقبتی: شفاف‌سازی استانداردهای مراقبت و تلاش برای ارتقای آن‌ها. نتیجه‌گیری: مراقبت پرستاری از کودکان در توریسم سلامت نیازمند پرستارانی است که نه تنها دانش بالینی قوی داشته باشند، بلکه از مهارت‌های ارتباطی بین‌فرهنگی، همدلی و توانایی مدیریت استرس در شرایط ناآشنا نیز برخوردار باشند. این رویکرد جامع، به کودک و خانواده‌اش کمک می‌کند تا تجربه درمانی خود را با کمترین فشار و بیشترین اثربخشی سپری کنند. کلید واژه‌ها: گردشگری سلامت، مراقبت پرستاری، کودکان

Nursing Care Strategies in Management of Neonatal Pertussis

Farnoosh Tajik¹ © ®

¹ Faculty member, Department of pediatric and neonatal nursing, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Abstract: Background: Whooping cough, is a contagious respiratory infection caused by *Bordetella pertussis*. Despite widespread vaccination programs, the disease remains a global public health challenge. Neonates are most vulnerable due to immature immunity and incomplete vaccination. Clinical manifestations may include apnea, cyanosis, tachypnea, paroxysmal cough, respiratory distress, and leukocytosis. Early nursing recognition and intervention are essential to prevent complications. The aim of this review is to summarize nursing care strategies in the management of neonatal pertussis. Method: This review was conducted in 2025 by searching PubMed, Embase, Scopus, Web of Science, and Cochrane. The search combined keywords including “Pertussis,” “Whooping cough,” “Neonate,” “Infant,” “Nursing,” and “Nurse.” Eligible studies based on inclusion and exclusion criteria were analyzed, and relevant data were extracted and synthesized. Results: 1. Early Recognition and Monitoring: Nurses should suspect pertussis in neonates with apnea, cyanosis, or paroxysmal cough. Continuous monitoring with pulse oximetry and apnea alarms is recommended. 2. Supportive Care: Provide humidified oxygen and gentle suctioning to maintain ventilation. Prepare for assisted ventilation in severe cases and use HFNC after extubation when appropriate. Advanced interventions, including intubation, ECMO, or leukodepletion, may be required. Adequate hydration and nutrition should be ensured with IV fluids or gavage feeding when oral intake is limited. 3. Infection Control: Apply droplet precautions (private room, mask) for at least five days after initiation of antibiotic therapy. Isolate infected neonates to prevent nosocomial transmission. 4. Pharmacological Management: Administer macrolide antibiotics, preferably azithromycin for 5 days (10 mg/kg on day one, then 5 mg/kg daily for four days). Start treatment immediately upon suspicion without waiting for PCR. Prophylaxis is recommended for close contacts, including family members and healthcare workers. 5. Environmental and Safety Measures: Minimize environmental stimuli by providing a quiet and dimly lit room to reduce coughing episodes. Implement seizure precautions such as bedside safety rails due to hypoxia risk. 6. Caregiver Education: Teach parents about cough hygiene and handwashing. Emphasize the importance of adherence to prescribed antibiotics. Educate families on immunization strategies, including maternal Tdap vaccination, to protect newborns. Conclusion: Effective management of neonatal pertussis, especially in severe cases, requires a comprehensive approach. Nursing care depends on early detection, vigilant monitoring, and supportive interventions, while strict infection control and timely antibiotic therapy help reduce complications and transmission. Caregiver education on hygiene and vaccination, with protocols emphasizing family support and interdisciplinary collaboration, can improve outcomes and lessen disease burden. Keywords: Pertussis, Nursing, Whooping cough

Nursing Interventions for the Prevention and Management of Extravasation in Pediatric Patients: A Systematic Review

Ali Karamoddin¹ ©, Ali Dayyabi¹, Farnoosh Tajik² ©

¹ Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

² Nursing care research center, Semnan University of medical sciences, Semnan, Iran, 2-Department of Pediatric and Neonatal Nursing, School of Nursing and Midwifery, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Abstract: Background: Extravasation of intravenous fluids and medications is a frequent yet preventable complication in pediatrics, often leading to pain, tissue injury, and long-term sequel. Nurses are central to prevention, early recognition, and initial management, given their frontline role in IV therapy. Despite this, evidence remains fragmented and practice is heterogeneous. The aim of this review was to identify and synthesize nursing interventions for the prevention and management of extravasation in pediatric patients. Method: A systematic review was conducted on studies published from January 2020 to August 13, 2025. Databases included PubMed/MEDLINE, Embase, Scopus, Web of Science, Cochrane, and CINAHL. Search strategies combined MeSH and free-text terms for extravasation, infiltration, IV complications, pediatrics, neonates, children, nursing care, prevention, and management. Eligible studies were English, free full text, and clinical studies/implementation reports addressing prevention, detection, or management in pediatric patients. Two reviewers independently screened, extracted data, and appraised risk of bias. Results: 1. Prevention Risk assessment tools: Validated pediatric instruments (e.g., Intravenous Infiltration and Extravasation Risk Assessment Tool – IIERAT). Identification of high-risk patients: Preterm and low-birthweight infants; children receiving vesicant, irritant, or hyperosmolar solutions. Prevention bundles: Safe site selection (avoiding active limbs), minimizing cannula dwell time, appropriate cannula size, considering central access for vesicants., and monitoring infusion pressures. Nurse education: Structured training with lectures, simulation, and protocols improves vigilance and reduces complications. Monitoring: Hourly site checks, documentation, infusion pump alarms, and involving parents in observation. Technology-assisted detection: Point-of-care ultrasound (POCUS) and optical/near-infrared sensors facilitate earlier recognition compared to inspection alone. 2. Management Immediate actions: Stop infusion, aspirate residual drug via cannula, elevate the limb, and apply warm or cold compresses depending on the drug type. Pain control: Ensuring comfort through appropriate analgesia. Pharmacologic interventions: Nurses play a key role in preparing and administering prescribed agents such as hyaluronidase, phentolamine, or topical nitroglycerin. Adjunctive techniques: Flush-out method, applying advanced dressings (hydrocolloid, hydrogel, hydrocellular foam), and supporting wound care. Emerging biologic therapies: Monitoring and applying biologic therapies (amniotic membrane, fish skin, active leptospermum honey, platelet-rich plasma) under medical guidance. Surgical management: Providing perioperative support, wound care, and family education following surgical interventions (Debridement or reconstruction for severe tissue necrosis). Conclusion: Current evidence highlights the central role of nurses in minimizing extravasation-related harm in pediatrics. Strengthening standardized protocols, continuous education, and careful monitoring, alongside future studies, will support safe, evidence-based integration of emerging interventions and biologic therapies. Keywords: Extravasation, Infusion Therapy, Pediatrics

Nursing Interventions to Improve Sleep Quality in Hospitalized Children: A Systematic Review

¹ سمیه ناظمی, © P, ¹ فاطمه سادات حسینی

¹ کمیته تحقیقات پرستاری دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

Abstract:

زمینه و هدف: خواب کافی و با کیفیت برای رشد، تکامل و بهبود سلامت کودکان ضروری است. بستری شدن در بیمارستان می تواند به دلیل عوامل مختلفی مانند محیط ناآشنا، درد، اضطراب و برنامه های درمانی، کیفیت خواب کودکان را تحت تأثیر قرار دهد. پرستاران نقش کلیدی در ارائه مراقبت های جامع و ارتقای سلامت کودکان بستری دارند. این مطالعه مروری سیستماتیک با هدف بررسی اثربخشی مداخلات پرستاری بر بهبود کیفیت خواب در کودکان بستری انجام شده است. مواد و روش ها: این پژوهش به صورت مرور سیستماتیک و بر اساس دستورالعمل های PRISMA در سال ۲۰۲۵ انجام شد. به منظور شناسایی مطالعات مرتبط، جستجوی جامع در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Scopus، SID، Magiran و موتور جستجوی Google Scholar با جستجوی پیشرفته کلمات کلیدی مداخلات پرستاری، کیفیت خواب و کودکان بستری به فارسی و معادل آن به انگلیسی انجام شد. بازه زمانی جستجو به مقالات منتشر شده از ژانویه ۲۰۱۹ تا ژوئن ۲۰۲۴ محدود شد. پس از حذف موارد تکراری، عنوان و چکیده ی مقالات توسط دو پژوهشگر مستقل بررسی گردید و بر اساس معیارهای ورود (مطالعات پژوهشی) و معیارهای خروج (مطالعات مروری، مقالات بدون متن کامل و مقالات غیر انگلیسی) ۱۷ مطالعه انتخاب شدند. در مرحله بعد، متون کامل مقالات بررسی شد و اطلاعات با استفاده از یک فرم سازمان یافته شامل مشخصات مطالعه، ویژگی های جمعیت، نوع مداخله، متغیرهای پیامد استخراج گردید. نتایج: مداخلات پرستاری مختلفی می توانند به بهبود کیفیت خواب کودکان بستری کمک کنند. مداخلات غیر دارویی شامل ایجاد محیطی آرام و راحت (مانند کاهش نور و صدا)، ارائه ماساژ، قصه گوئی، موسیقی درمانی، رایحه درمانی و استفاده از تکنیک های آرام سازی است. مداخلات دارویی شامل تجویز داروهای خواب آور با تجویز پزشک و نظارت دقیق پرستار است. برخی مطالعات نشان داده اند که مداخلات ترکیبی (دارویی و غیر دارویی) می توانند اثرات بهتری بر کیفیت خواب داشته باشند. با این حال، کیفیت شواهد در برخی از مطالعات پایین است و نیاز به تحقیقات بیشتر با طراحی دقیق تر وجود دارد. نتیجه گیری: مداخلات پرستاری می توانند نقش مؤثری در بهبود کیفیت خواب کودکان بستری داشته باشند. پرستاران با اجرای مداخلات غیر دارویی ساده و کم هزینه می توانند به ایجاد محیطی آرام و راحت برای کودکان کمک کرده و کیفیت خواب آن ها را بهبود بخشند. با این حال، قبل از استفاده گسترده از مداخلات دارویی باید به دقت فواید و خطرات آن ها را ارزیابی کرد. انجام مطالعات بیشتر با حجم نمونه بزرگ تر و طراحی قوی تر برای ارزیابی اثربخشی مداخلات پرستاری مختلف و شناسایی بهترین شیوه ها در این زمینه ضروری است. واژگان کلیدی: مداخلات پرستاری، کیفیت خواب، کودکان بستری

Occupational therapy in educational schools: a systematic review

Zahra Mortazavi ¹ © ®, Elham Khadem Hamzeie ², Saideh Sadat Mortazavi ³

¹ PhD student of Speech Therapy, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. ORCID ID: 0000-0002-6566-1331

² Ms student of occupational Therapy, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

³ PhD student of occupational therapy, Hearing Disorder Research Center, Avicenna Institute of Clinical Sciences, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

Abstract:

مقدمه: کاردرمانی در مدارس عادی و مدارس استثنایی وظایف مختلفی دارند. هدف این مطالعه بررسی کاردرمانی در مدارس وابسته به آموزش و پرورش است. مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری نظام مند، جست و جوی منابع الکترونیکی در پایگاه داده‌های اطلاعاتی با کلید واژه‌های انگلیسی Occupational Therapy, Student, Schools و کلید واژه‌های فارسی کاردرمانی، کودکان با نیازهای ویژه، عادی و مدرسه انجام شد. استراتژی جستجو، غربالگری و انتخاب داده‌ها براساس معیارهای راهنما پریسما انجام شد. مقالات مرتبط تا ۲۰۲۳ وارد و مطالعات نامه به سردبیر، تکراری حذف شد. در مرحله اول جستجو و بازبینی مقالات و در مرحله بعد پس از بازبینی عناوین و چکیده، به طور مستقل توسط دونفر محقق بررسی شد. متن کامل مقالات منتخب با چک لیست استراب از نظر کیفیت مورد ارزیابی قرار گرفت و ۲۰ مقاله به منظور مطالعه عمیق تر انتخاب شدند. یافته‌ها: از ۲۰ مطالعه مورد بررسی، ۱۵ مقاله به کاردرمانی در مدرسه عادی و ۵ مقاله به مدرسه استثنایی پرداخته است. کاردرمانگران در مدارس عادی به غربالگری و مداخلات زود هنگام، مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت، استفاده از رویکردهای جبرانی و فناوری‌های کمکی، بهبود پردازش حسی، مهارت‌های اجتماعی خودتنظیمی رفتاری، مسایل جنسی، مشاوره به والدین و معلمان، مداخلات برنامه‌درسی و تحصیلی و کاردرمانگران در مدارس با نیازهای ویژه به تلاش برای کاهش نابرابری و تلفیق مدارس، استفاده از فناوری‌ها و ایجاد سازگاری با محیط کلاس، آمادگی‌های پیش حرفه‌ای و مهارت‌های زندگی و آموزش به معلمان، تقویت عملکردهای حسی حرکتی، مهارت‌های خودتنظیمی و مشارکت اجتماعی می‌پردازند. نتیجه‌گیری: کاردرمانگران در مدارس عادی و استثنایی به بهبود مهارت‌های حسی، حرکتی، درکی و عملکردی در دانش‌آموزان می‌پردازد. کلیدواژه‌ها: کاردرمانی، مدرسه عادی، مدرسه استثنایی

Optimizing Human Milk Nutrient Enrichment for Preterm Infants in the NICU

فاطمه زمانی آشتیانی¹ © (P)

¹ MsC in Neonatal Intensive Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Introduction Human milk is the preferred base diet for very-low-birth-weight (VLBW) infants, yet unfortified milk rarely meets preterm requirements, predisposing to extrauterine growth restriction and later morbidity; fortification is therefore standard of care. Comprehensive reviews emphasize both the benefits of human-milk–based feeding and the persistent gap in protein and mineral delivery without fortifiers. Purpose To synthesize contemporary evidence on when and how to fortify human milk, with attention to protein delivery, osmolality at the bedside, fortifier choice, and high-risk subgroups (e.g., congenital heart disease [CHD]). Method Narrative appraisal of ten recent sources (randomized trials, observational studies, bench/physiology papers, and evidence syntheses) relevant to NICU fortification practice from 2020–2025. Results Early fortification: In a masked randomized trial of extremely preterm infants, initiating fortification within the first postnatal days did not increase fat-free mass at 36 weeks' PMA but improved length velocity and attenuated declines in head-circumference z-scores—supporting early, protein-attentive enrichment. Protein adequacy and individualization: Because human-milk protein content falls over time, standard fixed-dose fortification often underdelivers protein; adjustable or targeted strategies improve short-term growth (weight, length, head circumference) versus standard approaches. Practical reviews concur that many units will need pragmatic “adjustable” pathways when real-time milk analysis is not feasible. Osmolality: Individualized and modular protein additions can raise feed osmolality; adherence to $\sim \leq 450$ mOsm/kg is advised to limit intolerance/NEC risk, underscoring the need for bedside mixing discipline and incremental titration. Fortifier type: Earlier observational and trial data link exclusive human-milk–based diets with lower NEC risk, yet contemporary syntheses show mixed effects when comparing human-milk-derived versus bovine-derived fortifiers; ongoing RCT work has not demonstrated decisive clinical advantages after protocol corrections. Policy and safety discussions also highlight manufacturing and contamination considerations relevant to powdered products. High-risk CHD: In infants with complex CHD, switching the fortification strategy toward extensively hydrolyzed formula for enriching expressed breast milk was associated with a reduction in NEC severity without growth penalty across hospitalization, informing tailored pathways for this subgroup. Evidence syntheses and practice frameworks converge on the necessity of fortification while calling for implementation that balances growth, tolerance, and operational feasibility. Conclusion Current evidence supports early initiation of protein-attentive fortification, with adjustable/targeted approaches when feasible, vigilant osmolality management during bedside preparation, and strategy tailoring for high-risk groups such as CHD. Priority gaps include longer-term neurodevelopmental outcomes from contemporary fortifier comparisons and pragmatic trials that integrate individualized protein targets into routine NICU workflows.

Oral Nutritional Challenges in Neonatal Intensive Care Unite

Dr. Mona Alinejad-Naeini¹ © ®

¹ Assistant professor. Department of Neonatal Intensive Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of medical sciences

Abstract: After birth, preterm infants lose weight and take variable periods to regain birth weight. The postnatal development of premature infants is critically dependent on an adequate nutritional intake that mimics a similar gestational stage to which the fetus would be exposed if still in the uterus. Preterm neonates face significant nutritional challenges due to their immaturity, leading to a high risk of nutrient deficiencies and growth failure. This is primarily because they miss the crucial third trimester for nutrient accumulation in utero. Specific issues include difficulties with sucking and swallowing, potential gastrointestinal issues, and the need for specialized fortified feedings. The goal of nutrition of the preterm infant is to provide nutrients to meet the growth rate and body composition of the normal healthy fetus of the same gestational age in terms of weight, length, and head circumference, organ size, tissue components including cell number and structure, concentrations of blood and tissue nutrients, and developmental outcomes. Failure to provide the necessary amounts of all of the essential nutrients to preterm infants has produced not only growth failure, but also increased morbidity and less than optimal brain growth that would limit neurodevelopment. Several practical aspects of medical management to better optimize the benefits of enhanced and improved nutrition in very preterm infants right after birth should be noted. Improved medical care and physiological condition, Oxygenation, IV (Parental) Feeding, IV dextrose (glucose) infusion, IV lipid infusion, IV amino acid infusion, IV insulin infusion. The postnatal growth window is crucial to ensure adequate outcomes for extremely preterm infants. As this review has emphasized, right from parenteral nutrition, it is necessary to consider the characteristics of the single infant and provide adequate nutrients (glucose, lipids, and proteins) and micronutrients (electrolytes, vitamins, and minerals) both quantity and quality-wise. Early start of enteral feeding within 24 h of life is safe, if there are no warning signs or symptoms and can allow to reach earlier full enteral feeding, advancing meals by up to 20–30 mL/kg every day (where clinically acceptable). This is related to a lower duration of the parenteral nutrition, and an earlier removal of central venous catheter, with the reduction of related complications. With the establishment of full enteral nutrition, hopefully with human milk, adequate fortification of human milk is necessary: adjustable or targeted fortification strategies increase growth velocity compared to standard fortification. The monitoring of the trend of growth parameters (weight, length, and

Oral Nutritional Challenges in Neonatal Intensive Care Unite

Dr. Mona Alinejad-Naeini¹ © ®

¹ Assistant professor. Department of Neonatal Intensive Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of medical sciences

Abstract: Preterm neonates face significant nutritional challenges due to their immaturity, leading to a high risk of nutrient deficiencies and growth failure. This is primarily because they miss the crucial third trimester for nutrient accumulation in utero. Specific issues include difficulties with sucking and swallowing, potential gastrointestinal issues, and the need for specialized fortified feedings. The goal of nutrition of the preterm infant is to provide nutrients to meet the growth rate and body composition of the normal healthy fetus of the same gestational age in terms of weight, length, and head circumference, organ size, tissue components including cell number and structure, concentrations of blood and tissue nutrients, and developmental outcomes. Failure to provide the necessary amounts of all of the essential nutrients to preterm infants has produced not only growth failure, but also increased morbidity and less than optimal brain growth that would limit neurodevelopment. Several practical aspects of medical management to better optimize the benefits of enhanced and improved nutrition in very preterm infants right after birth should be noted. Improved medical care and physiological condition, Oxygenation, IV (Parental) Feeding, IV dextrose (glucose) infusion, IV lipid infusion, IV amino acid infusion, IV insulin infusion. The postnatal growth window is crucial to ensure adequate outcomes for extremely preterm infants. As this review has emphasized, right from parenteral nutrition, it is necessary to consider the characteristics of the single infant and provide adequate nutrients (glucose, lipids, and proteins) and micronutrients (electrolytes, vitamins, and minerals) both quantity and quality-wise. Early start of enteral feeding within 24 h of life is safe, if there are no warning signs or symptoms and can allow to reach earlier full enteral feeding, advancing meals by up to 20–30 mL/kg every day (where clinically acceptable). This is related to a lower duration of the parenteral nutrition, and an earlier removal of central venous catheter, with the reduction of related complications. With the establishment of full enteral nutrition, hopefully with human milk, adequate fortification of human milk is necessary: adjustable or targeted fortification strategies increase growth velocity compared to standard fortification. The monitoring of the trend of growth parameters (weight, length, and head circumference), assessed once a week during hospitalization, can allow for a decrease in extra-uterine growth restriction by tailoring the newborn's nutrition and leading to better outcomes. Finally, it is important not to forget the importance of adequate growth even after discharge, as poor growth is

Parental Concerns Regarding Hospitalized Children

© P¹ منیژه آهنی

دانشجوی دکتری پرستاری، سوپروایزر آموزشی بیمارستان کودکان حکیم¹

Abstract:

نگرانی‌های والدین کودکان بستری در بیمارستان بستری شدن کودک در بیمارستان، به‌ویژه در بخش‌های ویژه یا طولانی‌مدت، تجربه‌ای پرتنش برای والدین است. این تجربه با اضطراب، نگرانی و آشفتگی روانی همراه است و می‌تواند تعادل روانی و عملکرد مراقبتی والدین را تحت تأثیر قرار دهد. والدین در مواجهه با بستری فرزند خود با احساساتی چون ترس از مرگ کودک، نگرانی از درد و رنج، بی‌اطلاعی از روند درمان، و ناتوانی در کمک به فرزندشان روبه‌رو می‌شوند. نگرانی از عدم بهبودی، طول مدت بستری، پیچیدگی‌های بیماری، ارتباط ضعیف با تیم درمان و درک ناکافی از اصطلاحات پزشکی، همگی بر شدت استرس والدین می‌افزایند. همچنین، حضور مستمر در بیمارستان، اختلال در نقش‌های خانوادگی و شغلی، فشار مالی ناشی از هزینه‌های درمان و جابجایی، و نگرانی برای سایر فرزندان خانواده، فشارهای مضاعفی را ایجاد می‌کند. نقش پرستاران و تیم درمان در کاهش این نگرانی‌ها حیاتی است. حمایت عاطفی، اطلاع‌رسانی شفاف، همدلی، مشارکت دادن والدین در تصمیم‌گیری‌های درمانی و مراقبتی، و ایجاد محیطی امن و پاسخگو می‌تواند سطح نگرانی والدین را به شکل معناداری کاهش دهد. درک دقیق از ماهیت نگرانی‌های والدین و واکنش‌های روانی آنان، شرط لازم برای ارائه مداخلات حمایتی مؤثر است. ایجاد برنامه‌های آموزشی برای والدین، تسهیل فرآیند ارتباط با کادر درمان، و فراهم کردن خدمات مشاوره روان‌شناختی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند کیفیت تجربه بستری را برای والدین و در نتیجه برای کودک بهبود بخشد. در نتیجه پاسخ‌گویی فعال و انسانی به نگرانی‌های والدین، جزئی جدایی‌ناپذیر از مراقبت جامع کودک در بیمارستان است.

Parental Dimensions of Moral Outrage in Pediatric Nursing: Challenges, Consequences, and Opportunities for Support

سیمای پورتیمور¹ © (P)

¹ Patient Safety Research Center, Clinical Research Institute, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Abstract: Background: Moral outrage in pediatric nursing arises when nurses confront ethical conflicts that undermine their professional integrity. Parental-related issues are a central source of such experiences, as nurses navigate between respecting caregivers' perspectives and ensuring safe, evidence-based care for children. While moral outrage often results in distress and reduced quality of care, it can also contribute to resilience and professional advocacy if adequately supported. Methods: This study adopted a mixed-methods design. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with pediatric nurses to capture experiences of moral outrage triggered by parental interactions. Data were analyzed thematically to identify recurring patterns. In the quantitative phase, a structured survey incorporating validated measures of moral distress, burnout, resilience, and professional quality of life was distributed to a broader sample. Statistical analyses, including descriptive and regression tests, were performed to examine associations between parental triggers, moral outrage, and professional outcomes. Integration of qualitative and quantitative findings provided a comprehensive understanding of the phenomenon. Results: Three key parental dimensions of moral outrage emerged. First, exclusion of parents from decision-making created ethical strain as nurses observed caregivers being marginalized. Second, persistence of misguided or unhealthy parental beliefs, such as rejecting medical advice, conflicted with nurses' professional values and placed children at risk. Third, confusion or disagreement among parents regarding treatment goals intensified moral tension and complicated care delivery. Quantitative findings confirmed significant associations between these parental triggers and negative outcomes including burnout, emotional exhaustion, and moral depletion. However, integration of both data sources revealed that moral outrage, when addressed through organizational support, ethics consultation, and resilience-building programs, could enhance professional commitment, strengthen altruistic motivation, and reinforce nurses' advocacy for vulnerable patients. Conclusion: Parental-related dynamics—including exclusion from decisions, harmful beliefs, and treatment-related confusion—are major contributors to moral outrage in pediatric nursing. Although prolonged exposure to these triggers leads to burnout and ethical disillusionment, a mixed-methods analysis demonstrates that with appropriate institutional support, moral outrage can be transformed into a constructive force for resilience and advocacy. These findings underscore the importance of integrating ethical support frameworks and communication strategies that address the unique parental dimensions of moral outrage, thereby protecting nurses' well-being, sustaining pediatric care quality, and supporting long-term workforce stability.

Parental Involvement in the Mental Health Treatment of Hospitalized Children

Maedeh Sirati ¹ ©, Asma Niknejad ², Nastaran Rafiei ³ ©

¹ MSc Student in Geriatric Nursing, Department of Nursing, Shahed University, Tehran, Iran

² MSC student in pediatric nursing, Nursing and Midwifery school, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Master of Science in Medical-Surgical Nursing, Clinical Research Development Unit, Imam Sajjad Hospital, Mazandaran University of Medical Sciences, Ramsar, Iran.

Abstract: Background and Aim: Parental involvement in the mental health care of hospitalized children entails active, continuous, and purposeful engagement throughout the hospital stay. By participating in care activities physical, emotional, and social parents enhance their child's psychological well being, reduce stress, and improve adaptation and treatment outcomes. As a core component of family centered care, understanding the nature, extent, and determinants of this involvement is essential. This study systematically reviews the existing evidence on parental participation in the mental health care of hospitalized children. Methods: This systematic review was conducted in accordance with PRISMA 2020 guidelines. A comprehensive literature search was performed in PubMed, Scopus, ScienceDirect, Google Scholar, and SID databases using the English keywords (Parental Involvement, Parental Participation, Mental Health, Hospitalized Children) and their Persian equivalents, covering the period from January 2015 to January 2025. Articles were screened based on predefined inclusion criteria—presence of keywords in the title or abstract, full text availability, and focus on the target population (parents of hospitalized children). After duplicate removal, 18 studies (12 in English, 6 in Persian) were included for qualitative synthesis. Results: Content analysis revealed that in most studies, parental involvement in the mental health care of hospitalized children was at a moderate level, with variations shaped by cultural background, health system structure, and hospital setting. Participation patterns included active engagement in daily care, continuous emotional support, attendance in psychotherapy or counseling, collaboration in clinical decision making, and involvement in rehabilitative or play therapy activities. Determinants clustered into three domains: 1. Parental factors : knowledge and awareness, attitudes, emotional and psychological status, communication skills, socioeconomic status. 2. Child/illness factors :severity and type of mental health condition, need for specialized or prolonged care, child's interaction ability. 3. Organizational/environmental factors :hospital policies, team support, visiting flexibility, facility quality. Structured team support, targeted parental education, and respectful communication enhanced participation, while insufficient training, time constraints, emotional burden, and inconsistent policies reduced it. Conclusion: Parental involvement benefits hospitalized children's mental health by reducing anxiety, improving adaptation, and strengthening parent–child interaction, yet current engagement levels remain below optimal. Maximizing these benefits requires coordinated strategies beginning at admission and extending post discharge, supported by evidence based education, ongoing support, and strong communication with healthcare teams. Future qualitative and interventional studies should further inform policies to enhance parental participation. Keywords: Parental Participation, Mental Health, Hospitalized Children, Family Centered Care,

Pediatric Nursing in the Smart Era: Integrating Artificial Intelligence and Family-Centered Care

Somaye Pouy¹ © ®, Latif Panahi²

¹ 1 Assistant professor, Social Determinants of Health Research Center, Trauma Institute, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. (Email: somayepouy@gmail.com) ² 2 Department of Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran. (Email: somayepouy@gmail.com)

² Ph.D Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran.

Abstract: Introduction: Pediatric nursing is undergoing a transformative shift, as artificial intelligence (AI) technologies are increasingly integrated into clinical care. These advancements hold great promise for improving diagnostic accuracy, continuous patient monitoring, and the personalization of care. Nonetheless, the foundational principle of family-centered care remains vital to address the emotional and relational dimensions of care delivery. This article explores how AI innovations can harmonize with family-centered nursing practices to enhance health outcomes and the overall quality of pediatric care by blending technological innovation with compassionate caregiving. Method: A narrative review was conducted to explore the integration of AI in pediatric nursing alongside family-centered care approaches. A comprehensive search was performed in five major databases—SID, PubMed, Scopus, Web of Science, and the Cochrane Library—covering all available literature up to 2025. The search included keywords such as “Artificial Intelligence,” “Family-Centered Care,” “Pediatric Nursing,” and “Digital Health.” Initially, 412 articles were identified. After screening titles and abstracts based on inclusion criteria—studies involving AI applications in pediatric nursing and family-centered care—and applying exclusion criteria such as non-English or Persian language and lack of full text access, 67 relevant articles were retained for full-text review. Finally, 38 studies met the criteria for in-depth analysis. The selected studies were examined for the types of AI technologies used, approaches to family involvement, clinical applications, and reported outcomes. Data extraction focused on study design, population, intervention details, and impact on care processes and patient outcomes. This methodical approach ensured a thorough understanding of emerging trends and best practices at the intersection of AI and family-centered pediatric nursing. Results: The review demonstrated that the use of AI significantly enhances clinical decision-making through predictive algorithms and real-time monitoring devices, leading to earlier detection and more effective management of pediatric conditions. AI tools facilitate seamless data sharing and communication between healthcare teams and families, fostering a collaborative care environment. Crucially, sustaining family-centered care principles alongside AI integration helps preserve emotional support and shared decision-making. The combined approaches yield improved health outcomes, greater family satisfaction, and more streamlined pediatric healthcare delivery. Conclusion: Integrating AI into pediatric nursing presents remarkable opportunities to personalize and optimize care, utilizing predictive analytics and continuous monitoring without compromising the compassionate core of family-centered care. This fusion creates a future-ready model of pediatric nursing that champions both technological innovation and human connection to better support children and their families across diverse healthcare settings.

Positive changes for mothers of children with leukemia: The correlation of social support with caregiving burden

² مهناز جبرئیلی، ² ماهنی رهکار فرشی، ¹ © P, نیر محرمی

¹ کارشناس ارشد پرستاری کودکان، پرستار بالین، بیمارستان کودکان زهرا مردانی آذری، تبریز، ایران

² استادیار، گروه پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

Abstract:

مقدمه و هدف: با توجه به شیوع بیماری لوسمی کودکان در ایران و تاثیر آن برزندگی مادران که به عنوان مراقبان اصلی کودک هستند و همچنین بررسی عوامل موثر در مدیریت مراقبت از کودک مبتلا به سرطان پس از تشخیص و در طول درمان بیماری که بتواند خانواده را در کنار آمدن با بحران‌های ناشی از این بیماری یاری دهد ضروری به نظر می‌رسد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی با بارمراقبتی در مادران کودکان مبتلا به لوسمی انجام شده است. مواد و روش: این مطالعه توصیفی همبستگی در مرکز درمانی کودکان تبریز و پس از دریافت تایید کمیته ی اخلاق دانشگاه علوم پزشکی تبریز به شماره IR.TBZMED.REC.1399.1084 انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیکی، حمایت اجتماعی Northouse، ابزار بار مراقبتی Zarit جمع‌آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی و استنباطی توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شده و سطح p کمتر از ۰.۰۵ از نظر آماری معنی‌دار تلقی شد. نتایج: تعداد ۱۲۲ مادر مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که بین نمره کل حمایت اجتماعی و نمره کل بار مراقبتی مادران ارتباط آماری منفی و معنی‌دار وجود دارد. ($p = 0.004$) همچنین بین حیطه‌های حمایت همسر و حمایت دوستان با بار مراقبتی مادران ارتباط آماری منفی معنی‌دار وجود دارد. ($p = 0.05$) نتایج نشان می‌دهد که هر چقدر میزان دریافت حمایت اجتماعی بیشتر باشد، میزان بار مراقبتی مادران کاهش می‌یابد. نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، شناسایی منابع حمایتی مادران و بویژه تقویت دریافت حمایت از طرف همسر و دوستان به عنوان منابع اصلی حمایتی مادران می‌تواند باعث کاهش بار مراقبتی و در نتیجه ارتقای مدیریت مراقبت شود.

کلیدواژه‌ها: حمایت اجتماعی، بارمراقبتی، مادر، لوسمی کودک

1. Kocaaslan, Kostak MA, Semerci R, Çetintas İ. The Relationship between the Care Burden, Anxiety, and Social Support Levels of Mothers of Children with Cancer. Turkish Journal of Oncology/Türk Onkoloji Dergisi. 2021;36(3). 2. Yildirim M, Yayan EH, Dağ YS, Sülün A, Akyay A. The relationship between the care burden and quality of life of parents who have children with hematological problems and their perceived social support. Journal of Pediatric Nursing. 2022;63:e107-e12.

Prevention of Sudden Infant Death Syndrome: A Review of Risk Factors and Key Strategies

⁴ مهرداد قاسملو، © ³ امیر محمد درستی، ² سمیه قربانی، ¹ میرامیر حسین سیدنظری

¹ کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

² کارشناسی ارشد، رشته پرستاری اورژانس، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

³ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی خوی، خوی، ایران

⁴ کارشناسی ارشد، رشته مراقبت ویژه نوزادان، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

Abstract:

مقدمه: سندرم مرگ ناگهانی نوزاد (SIDS) همچنان به عنوان یکی از مهم ترین دلایل مرگ و میر در کودکان یک ماهه تا یک ساله شناخته می شود. این سندرم یک مشکل چندوجهی است که هنوز علت دقیق آن مشخص نیست. هدف از این پژوهش، بررسی عوامل خطرساز برای مرگ ناگهانی نوزادان و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای محافظت از آنها بود. روش تحقیق: این مطالعه به صورت یک مرور نظام مند با جستجو در پایگاه های داده ای مانند PubMed، ProQuest، Scopus، WOS و Google Scholar از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ انجام گرفت. کلمات کلیدی مورد استفاده شامل "سندرم مرگ ناگهانی شیرخوار"، "عوامل خطر"، "مرگ نوزاد" و "پیشگیری" بود و با استفاده از عملگرهای بولین OR و AND ترکیب شدند. تنها مقالاتی که به زبان انگلیسی منتشر شده بودند، وارد پژوهش شدند. یافته ها: در مجموع، ۳۵ مقاله که معیارهای ورود را داشتند، انتخاب شدند. عوامل خطر شناسایی شده برای نوزادان و شیرخواران شامل وضعیت خواب نامناسب، استفاده از رختخواب و روتختی نرم، تخت مشترک، سطوح خواب نایمن، قرار گرفتن در معرض دود سیگار و الکل، نارس بودن، وزن کم هنگام تولد، رشد ناکافی داخل رحمی، تفاوت های ژنتیکی در ژن های ناقل سروتونین، عفونت های ویروسی تنفسی و اختلالات قلبی-تنفسی مرکزی بودند. عوامل مرتبط با مادر نیز شامل مراقبت های ناکافی پیش از تولد، فاصله کوتاه بین بارداری ها، مصرف مواد مخدر، الکل و دخانیات و اولین بارداری بود. برای کاهش خطر مرگ ناگهانی، راهکارهایی نظیر قرار دادن نوزاد به پشت هنگام خواب، استفاده از سطح خواب سفت و بدون شیب و پرهیز از استفاده از ملحفه های نرم و گرمای زیاد، قرار دادن نوزاد در اتاق مشترک با والدین اما در تخت جداگانه، تغذیه با شیر مادر، دوری از نیکوتین، الکل و مواد مخدر، واکسیناسیون منظم و استفاده از پستانک های مخصوص در صورت نیاز، و در نهایت استفاده از مانیتورهای قلبی-تنفسی خانگی توصیه شده است. همچنین، خواباندن نوزاد روی شکم تحت نظارت والدین در زمان بیداری برای تقویت عضلات گردن، شانه و بازو پیشنهاد شده است. نتیجه گیری: در این مطالعه، عوامل خطر و راهکارهای کاهش سندرم مرگ ناگهانی نوزاد شناسایی شدند. SIDS یک چالش جدی است که با ایجاد یک محیط خواب ایمن و افزایش آگاهی والدین می توان گامی مؤثر در جهت حفظ سلامت نوزادان و کاهش خطر آن برداشت. کلمات کلیدی: سندرم مرگ ناگهانی نوزاد، عوامل خطر، پیشگیری

Prevention Strategies for Catheter-Associated Urinary Tract Infections (CAUTI) in Pediatric Patients Following Major Urological Surgery: A Systematic Review

Sedighe Hannani¹, Bahador Pouredel² ©, Erfan Rajabi² ©, Seyed Abolfazl Hosseini², Amirali Alizadeh³

¹ Senior Expert in internal surgical nursing, instructor, operating room department, faculty of paramedicine, Iran university of medical sciences, Tehran, Iran

² MSc of Perioperative Nursing, Student Research Committee, School of Allied Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Research Center for Evidence-Based Health Management, Maragheh University of Medical Sciences, Maragheh, Iran

Abstract: Introduction Pediatric patients undergoing extensive urological surgery often need indwelling urinary catheters, increasing their risk of CAUTI. CAUTIs cause illness, prolonged hospitalizations, antibiotic use and higher healthcare costs. Adults can avoid issues, but children undergoing surgery have little evidence of their efficacy or safety. This systematic review examined pediatric catheter-associated urinary tract infections (CAUTIs) prevention strategies after major urological surgery. Methods PRISMA was followed for this review. From inception to May 2024, PubMed, Embase, CENTRAL, CINAHL and Scopus were searched extensively. We searched for "catheter-associated urinary tract infection," "CAUTI," "pediatric," "child," "urologic surgical procedures," "postoperative complications," "infection control," "prevention," and "bundle." In patients under 18, randomized controlled trials (RCTs), non-randomized controlled studies and comparative observational studies examined CAUTI prevention strategies like antimicrobial catheters, catheter care bundles and early removal protocols. Adult case reports, reviews and studies were excluded. Bias was assessed using the Cochrane RoB 2 tool for randomized controlled trials and ROBINS-I for non-randomized studies. Where applicable, a random-effects model was used to calculate pooled risk ratios (RR) with 95% confidence intervals after narrative data synthesis. Results 12 studies (3 randomized controlled trials, 9 cohort studies) with 4,218 pediatric patients were identified from 3,452 records. Antimicrobial-impregnated silver-coated/hydrogel catheters, standardized catheter care bundles (aseptic insertion, securement, perineal care, closed system maintenance) and protocol-driven early catheter removal were prevention methods. A meta-analysis of seven studies found that bundled interventions reduced CAUTI rates in favor of the intervention groups (pooled RR: 0.52; 95% CI: 0.38 to 0.71; n=2,845 participants). Antimicrobial catheter evidence was scarce and ambiguous. One randomized controlled trial showed a non-significant reduction (relative risk: 0.81; 95% CI: 0.44 to 1.49). Prevention strategies did not cause adverse events. Conclusion Protocol-based catheter care bundles with multiple components reduce CAUTIs in pediatric urological surgery patients. This suggests standardizing catheter management during surgery for high-risk patients. Evidence supporting technological solutions like antimicrobial catheters is unclear and needs further study. The high variability of interventions emphasizes the need for rigorous randomized controlled trials (RCTs) to determine the essential components of an effective catheter-associated urinary tract infection (CAUTI) prevention bundle and its cost-effectiveness in pediatric surgery.

Psychological Support to Prevent Burnout in Pediatric Nurses

مریم رنگری ¹ ©, Farnoosh Tajik ² ©

¹ Nursing student, Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

² Faculty member, Department of pediatric and neonatal nursing, School of nursing and midwifery, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran.

Abstract: Psychological Support to Prevent Burnout in Pediatric Nurses Introduction Pediatric nurses are frequently exposed to high-intensity stressors, including children's pain, critical illness, and demanding family interactions. These stressors, compounded by heavy workloads and limited resources, place nurses at high risk of burnout. Burnout is characterized by emotional exhaustion, depersonalization, and diminished personal accomplishment, which not only affect the well-being of nurses but also compromise the quality of pediatric care and family satisfaction. Psychological support and resilience-focused interventions have been recognized as crucial strategies for reducing burnout. The aim of this study is to review psychological support strategies for preventing burnout in pediatric nurses. Method This narrative review was conducted in 2025 by searching PubMed, Scopus, SID, and Google Scholar. The search employed keywords related to "Psychological support," "Pediatric nursing," "Burnout," and "Children." Eligible studies, according to inclusion and exclusion criteria, were analyzed, and relevant data were extracted and synthesized. Findings Evidence highlights multiple effective strategies to reduce burnout in pediatric nurses: Counseling and Peer Support: Structured peer-support groups, debriefing sessions, and individual counseling reduce emotional exhaustion and foster mutual coping. Emotional and Communication Skills Training: Programs targeting emotional regulation, empathy, and conflict resolution improve nurse-family interactions and decrease depersonalization. Resilience Training: Workshops incorporating mindfulness, relaxation techniques, and self-care practices have been shown to strengthen resilience and lower burnout indicators. Team-Building and Creative Activities: Group-based projects and creative sessions enhance team cohesion and reduce feelings of isolation. Workplace Improvements: Adequate staffing, manageable workloads, protected rest breaks, and recognition systems significantly decrease stress levels. Supportive leadership and shared decision-making further buffer against burnout. Continuous Assessment: Regular monitoring with validated tools such as the Maslach Burnout Inventory (MBI) facilitates early detection and timely interventions. Conclusion Psychological support interventions are essential for preventing burnout among pediatric nurses. Integrating counseling, resilience training, and workplace improvements reduces stress and enhances job satisfaction. Institutionalizing structured support programs can strengthen nurse well-being, sustain resilience, and improve the quality of pediatric care. Keywords: Psychological support, Pediatric nursing, Resilience, Burnout

Remote Monitoring for Preterm Neonates: Healthcare Providers' Perceptions

Atefeh Shamsi ¹ © ®, Mahboobeh Namnabati ², Asghar Ehteshami ³, Hamed Zandi ⁴

¹ Nursing Care research, Nursing Faculty, Baqiatallah University of Medical Sciences

² Nursing and Midwifery Care Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

³ Health Information Technology Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

⁴ Department of Pediatrics, School of Medicine, Emam Hossein Hospital Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

Abstract: Background: Premature infants frequently face unique developmental challenges requiring specialized post-birth interventions. Digital health solutions, particularly remote follow-up platforms, offer a promising avenue to enhance infant well-being by bolstering parental competence in providing effective care after hospital discharge. However, the efficacy and implementation of such virtual care models for neonatal follow-up remain a subject of discussion. This research aimed to explore and contrast the experiences of nursing and medical professionals regarding the utilization of digital teleconsultation for premature infants. Methods: This qualitative inquiry employed a conventional content analysis approach. Semi-structured interviews were conducted with 30 nurses and 25 physicians, selected via purposive sampling. Participants were recruited from three neonatal intensive care units affiliated with Isfahan University of Medical Sciences, Iran, between October 2022 and February 2023. All participants possessed a minimum of two years' experience delivering virtual consultation services for premature infants through a national web-based social media platform. The interviews aimed to elicit their insights into teleconsultation practices. Data collection spanned five months, with analysis guided by the Granheim and Lundman method to identify core themes until data saturation was achieved. Results: The study's findings delineated two primary dimensions: the advantages and inherent challenges associated with remote care. While both nursing and medical practitioners largely concurred on the utility of digital health interventions, their perspectives diverged concerning infant safety protocols and the level of parental comprehension regarding remote monitoring guidelines. Conclusion: This investigation highlighted critical considerations such as patient safety and the digital literacy of caregivers in the context of remote follow-up. It advocates for the strategic integration of digital health solutions as a complement to established in-person care. The insights gleaned offer valuable guidance for policymakers in optimizing post-discharge support for premature infants, underscoring the necessity for further research into long-term outcomes and adherence to digital care protocols. Keywords: Telehealth, Neonatal Nursing, Digital Health, Prematurity, Remote Care

Self-care in nurses working in pediatric intensive care units and strategies for its promotion: A systematic review

© 1 زهرا جعفری

استادیار دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران¹

Abstract:

خودمراقبتی در پرستاران شاغل در بخش های مراقبت ویژه کودکان و استراتژی های ارتقای آن: یک مرور سیستماتیک مقدمه پرستاران شاغل در بخش های مراقبت ویژه کودکان، به دلیل مواجهه مداوم با شرایط پر استرس مانند مشاهده بیماری و درد و رنج و مرگ کودکان بستری، ارتباط نزدیک با کودک و والدین مضطرب و فشار سازمانی بیشتر، در معرض فرسودگی عاطفی و خستگی شغلی قرار دارند و این موقعیت چالش زا، تاثیر منفی بر جسم و روح و زندگی شخصی این پرستاران می گذارد. در این مواقع خودمراقبتی (Self-care) به عنوان یک مفهوم کلیدی مطرح می شود و شامل مجموعه ای از رفتارها و استراتژی ها است که پرستاران برای ارتقای سلامت روانی، جسمی و عاطفی خود در این شرایط به کار می گیرند. روش کار کلیدواژه های PICU, self-care, Web of Science, Scopus, PubMed, nurses, pediatric hospital, coping strategies, burnout از سال ۲۰۱۵-۲۰۲۵ جستجو شد. معیار ورود مطالعات کمی و کیفی منتشر شده بودند که به خودمراقبتی و استراتژی های آن در پرستاران بیمارستان کودکان می پرداختند. در نهایت ۲۲ مطالعه بررسی شد. یافته ها با توجه به مطالعات، ابعاد خودمراقبتی در پرستاران کودکان و راه کارها به صورت زیر طبقه بندی گردید • سلامت جسمی: فعالیت بدنی منظم، تغذیه سالم، و خواب کافی • سلامت روان: استفاده از تکنیک های ذهن آگاهی، مراقبه، مدیریت استرس و مدیریت زمان کاری و استراحت • حمایت اجتماعی و سازمانی: حمایت همکاران و مدیران، برنامه های رفاهی، مشاوره روان و برگزاری کارگاه های آموزشی در این زمینه • سلامت معنوی: ایجاد معنا در کار پرستاری، تکنیک های مراقبه یا دعا، ارتباط با ارزش های شخصی و حرفه ای نتیجه گیری خودمراقبتی در پرستاران شاغل در بیمارستان های کودکان به عنوان یک ضرورت حرفه ای و شخصی مطرح است. یافته ها نشان می دهند که استراتژی هایی همچون ذهن آگاهی، فعالیت بدنی و حمایت سازمانی می توانند نقش مؤثری در ارتقای آن ایفا کنند. پیشنهاد می شود پژوهش های آینده بر طراحی کارآزمایی های بالینی تصادفی، مطالعات کیفی و اکشن تمرکز داشته باشند.

Short-term and Long-term Outcomes of Open versus Laparoscopic Surgery for Necrotizing Enterocolitis in Neonates: A Systematic Review

Sedighe Hannani¹, Bahador Pouredel² ©, Erfan Rajabi² ©, Seyed Abolfazl Hosseini², Amirali Alizadeh³

¹ Senior Expert in internal surgical nursing, instructor, operating room department, faculty of paramedicine, Iran university of medical sciences, Tehran, Iran

² MSc of Perioperative Nursing, Student Research Committee, School of Allied Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Research Center for Evidence-Based Health Management, Maragheh University of Medical Sciences, Maragheh, Iran

Abstract: Introduction When medical treatment fails, necrotizing enterocolitis (NEC) in neonates, especially preterm infants, requires surgery in 20–40% of cases. The conventional procedure is open laparotomy, but laparoscopic surgery may reduce morbidity due to smaller incisions, less tissue trauma and faster recovery. Evidence comparing short-term (postoperative complications, mortality) and long-term (neurodevelopmental outcomes, growth) outcomes between these techniques is limited and inconsistent. This systematic review compares open and laparoscopic surgery for neonatal necrotizing enterocolitis (NEC) to see if laparoscopic surgery reduces morbidity, mortality and prolonged complications. Methods From their inception to July 2025, we searched PubMed, Embase, Sincdirect and Scopus using keywords like "necrotizing enterocolitis," "neonates," "open surgery," "laparotomy," "laparoscopic surgery," "outcomes," and various combinations. The study included randomized controlled trials, cohort studies and case-control studies evaluating open and laparoscopic techniques for neonates (≤ 28 days old) with surgical necrotizing enterocolitis (Bell's stage III). Case reports, non-comparative studies, adult populations and non-NEC indications were excluded. ROBINS-I was used to assess bias in non-randomized studies, while Cochrane RoB 2 was used in RCTs. Narratives and random-effects meta-analysis were used to synthesize data and present odds ratios (OR) or mean differences (MD) with 95% confidence intervals. We employed I^2 statistics to evaluate heterogeneity. Results Eight cohort studies and two randomized controlled trials involving 452 neonates (248 open and 204 laparoscopic) were included. Most studies were from Europe and North America, with an average 28-week gestation. NEC started 10–14 days postpartum. In 0.52, 95% CI 0.35-0.78; 8 studies, 412 participants) and mortality (OR 0.61, 95% CI 0.42-0.89; 7 studies, 378 participants). Hospitalization was shorter after laparoscopy (MD -7.2 days, 95% CI -10.5 to -3.9; 6 studies, 320 participants). Long-term results showed improved neurodevelopmental scores at 2 years (MD +8.3 points on Bayley Scales, 95% CI 3.1-13.5; 4 studies, 210 participants; favoring laparoscopic) and decreased growth faltering (OR 0.48, 95% CI 0.29-0.79; 5 studies, 256 respondents). Conclusion A systematic review shows that laparoscopic surgery for neonatal necrotizing enterocolitis improves short-term complications, mortality and neurodevelopmental and growth outcomes compared to open surgery. When possible, laparoscopy is preferred because it reduces surgical stress in vulnerable neonates. To confirm benefits across diverse populations, standardized protocols and RCTs are needed, while addressing limitations like study heterogeneity (I^2 50%) and selection bias favoring less severe cases for laparoscopy. Neonatal care can be improved by adoption, but it requires specialized training and equipment.

Smartphone Addiction and Suicidal Ideation in Adolescents: A Narrative Review of Recent Evidence

Erfan YousefZadeh ¹ © ®, Yasaman Fallah ², Yasaman Yaghobi ³

¹ Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Guilan University of Medical sciences, Rasht, Iran.

² Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

³ Department of Nursing, Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran

Abstract: Introduction: Smartphone addiction is a pattern of excessive, compulsive smartphone use that disrupts daily functioning, social interaction, and emotional regulation. Adolescents, due to neurodevelopmental sensitivity to reward, emerging social identity, and ubiquitous access to mobile technology, are particularly susceptible. Suicidal ideation refers to thoughts of ending one's life, ranging from fleeting passive wishes to active planning, and constitutes a serious public-health concern among youth. While digital media overuse is linked to depression, sleep disturbance, and interpersonal stressors, the specific association between smartphone addiction and suicidal ideation remains inconsistently reported across heterogeneous studies. Clarifying this relationship is critical for informing targeted prevention strategies, integrating digital-health literacy, systematic screening, and focused mental health interventions. Therefore, the present narrative review synthesizes contemporary evidence examining the association between smartphone addiction and suicidal ideation among adolescents. Method: This narrative review synthesized literature published from 2020 to 2025. Systematic searches were conducted in PubMed, ScienceDirect, and Google Scholar using MeSH keywords: "Smartphone Addiction," "Suicidal Ideation," "Adolescent," "Mental Health," and "Digital Media." Inclusion criteria comprised English-language, full-text articles reporting adolescent-specific outcomes; exclusion criteria removed non-English studies, inaccessible full texts, or studies not disaggregating adolescents. Reference lists were hand-searched to identify additional relevant studies. Screening followed a two-stage process: title/abstract review and full-text assessment. Extracted data included study design, sample characteristics, measurement instruments, statistical approach, and reported associations. Thematic synthesis mapped recurring pathways (depression, sleep disruption, cyberbullying) and contextual moderators (social support, gender, culture), with mediators and confounder control noted where available. Results: Ten studies met inclusion criteria. Seven reported clear associations between higher smartphone addiction and increased suicidal ideation, often mediated by depressive symptoms, sleep disruption, and adverse online experiences. Three studies found weak or non-significant links, often in samples with stronger social support or after adjusting for psychopathology. Variation in measurement tools and study design contributed to inconsistent findings, yet overall evidence indicates frequent co-occurrence of problematic smartphone use and suicidal thoughts among adolescents. Conclusion: A recurrent but non-uniform association exists between smartphone addiction and adolescent suicidal ideation. It is suggested to implement routine screening in schools and clinics, promote digital literacy and sleep hygiene programs, provide accessible mental health services, and conduct longitudinal research to clarify causal pathways and inform preventive strategies. Keywords: Internet addiction disorder, Smartphone addiction, Suicidal ideation, Adolescent, Mental health, Digital media

Systematic Review of Caring for Little Warriors: Care and Intervention Strategies for Childhood Diarrhea

Zohreh Dehghan Harati ¹ ©, Fatemeh Dehghan Harati ² ©

¹ MSc Student, Neonatal Intensive Care nursing, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

² 3. Clinical Research Development Center of Children's Hospital, Hormozgan University of Medical Science, Bandar Abbas, Iran

Abstract: Introduction: Diarrhea in children under five years old is one of the most significant public health challenges, affecting millions of children annually and associated with complications such as dehydration and malabsorption of nutrients. Timely and effective care, including the administration of Oral Rehydration Solutions, zinc supplementation, proper nutrition, family education, and enhancements in water and environmental hygiene, is crucial for mitigating outcomes. However, the quality of care and access to services in underprivileged communities remain challenging. Methods: To conduct this systematic review, a comprehensive search was performed using relevant keywords, including "children," "diarrhea," and "care," across international databases such as PubMed, Web of Science, Wiley, and Google Scholar, as well as domestic databases including Magiran, Irandoc, and Elmnet to cover related local articles. Among the initially identified 501 studies, a meticulous screening process was employed utilizing the PRISMA framework, resulting in the exclusion of duplicate articles, those without full text availability, previous review articles, and studies older than five years. Resource management was conducted using EndNote software. Ultimately, after critically assessing the quality of the studies with validated tools, 16 high-quality studies were selected, focusing on the impact of caregiving interventions in managing childhood diarrhea, reducing complications, improving clinical outcomes, and enhancing the quality of care. Discussion: Studies indicate that effective care for children with diarrhea necessitates a comprehensive approach, which includes training primary caregivers, regular and timely use of Oral Rehydration Solutions, and zinc supplementation. The combination of mass media with face-to-face communication interventions significantly increases healthcare-seeking behavior in treatment facilities and appropriate use of ORS, whereas reliance solely on mass media shows lesser effects. Furthermore, accurate identification of bacterial and viral pathogens using molecular techniques, including the identification of key bacteria such as Salmonella, Campylobacter, and Shigella, aids in targeted treatment selection and prevents unnecessary antibiotic prescriptions. Attention to warning signs, such as blood in stool, necessitates quicker medical consultation and appropriate treatment. These comprehensive approaches can prevent serious complications such as dehydration, microbial dysbiosis, and malnutrition, ultimately improving child health at the community level. Conclusion: In conclusion, caregiving interventions in managing childhood diarrhea are effective, limitations such as cultural and social differences, lack of access to advanced diagnostic methods, and the inability to fully cover vulnerable groups necessitate more comprehensive research to enhance the quality of care and clinical decision-making.

Technological Innovations in Pediatric Critical Care Nursing: Emerging Approaches and Applications

Sara Mortazavinia ¹ ©, Fatemeh Dehghani ², Akbar Abbasi ³ ©

¹ MSC student in medical surgical nursing, Nursing and Midwifery school, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran

² MSC student in Neonatal critical care nursing, Nursing and Midwifery school, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran

³ MSc in Anesthesia Education, Department of Nursing, Naqadeh Faculty of Nursing and Midwifery, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Abstract: Background and Aim: Pediatric nurses in intensive care units (ICUs) face complex challenges that demand both cutting edge clinical competence and innovative, technology driven solutions. Recent advancements from artificial intelligence (AI) enabled clinical decision support systems (AI CDSS) to graphene based biosensors, cloud connected monitoring tools, and extracorporeal membrane oxygenation (ECMO) are reshaping pediatric critical care. This systematic review aimed to synthesize evidence on emerging technologies and innovations enhancing pediatric nursing care in critical settings, emphasizing their clinical integration, ethical implications, and patient centered outcomes. Methods: Following PRISMA 2020 guidelines, a systematic search was conducted in PubMed, Scopus, ScienceDirect, Google Scholar, and SID using English keywords (technology, innovation, pediatric nursing, critical care) and Persian equivalents. Studies published between January 2018 and January 2025 were considered. After duplicate removal and eligibility screening (keywords present in title/abstract, full text availability), 16 studies in English and Persian were included for qualitative synthesis. Results: Findings revealed rapid adoption of advanced technologies in pediatric critical care nursing, including: • AI CDSS for early detection of sepsis, traumatic brain injury, and pneumonia with higher specificity than conventional models. • Smart Pill sensors for real time gastrointestinal pressure, pH, and temperature monitoring. • Graphene based sweat patches for non invasive glucose detection. • Cloud enabled thermometers and digital stethoscopes linked to smartphones for remote monitoring. • Telemedicine platforms enabling specialized pediatric consultations. • ECMO systems for temporary cardiopulmonary support. These innovations improved early diagnosis, optimized care coordination, and showed measurable impacts on cost efficiency and patient safety, though challenges in AI interpretability and workflow integration remain. Conclusion: Emerging technologies offer transformative potential for pediatric nursing in critical care, enabling earlier interventions, personalized treatments, and more efficient resource utilization. Nevertheless, true advancement requires coupling technological adoption with compassionate, human centered care to ensure equitable, ethical, and family inclusive pediatric health outcomes. Keywords: Pediatric Nursing, Critical Care, Innovation, Technology, Artificial Intelligence, Decision Support Systems, Extracorporeal Membrane Oxygenation, Telemedicine

the application of machine learning in the neonatal intensive care unit: an integrated review

Seyed Mohammad Hossein Abedi ¹ © ®, Masoumeh Zadhosein ²

¹ School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Department of Computer Science, Faculty of Mathematical Sciences, Guilan University, Guilan , Iran.

Abstract: Introduction Neonatal Intensive Care Units (NICUs) are faced with complex challenges in managing severely ill newborns, where proper and timely clinical decisions can potentially optimize outcomes. Machine learning (ML) is a groundbreaking aspect in neonatology to leverage vast amounts of data from electronic health records (EHRs), vital signs, and laboratory results to enhance decision-making, predict adverse outcomes, and streamline resource utilization. With the analysis of trends in complex, time-associated data, ML has the potential for early sepsis diagnosis, length of stay prediction, and mortality risk estimation. In this integrative review, the uses of ML in NICU will be discussed with an eye to its role in clinical decision-making support, disease diagnosis, and resource allocation, as well as problems and recommendations for the future. Methodology Systematic search was conducted on PubMed, Scopus,, Google Scholar, English-language databases from 2014-2025 time period. Among 300 articles identified, duplicate articles were excluded and titles and abstracts screened and 50 articles selected for full-text analysis. Inclusion criteria were ML model-based studies (e.g., Random Forest, logistic regression, ensemble, deep learning) conducted within NICUs of neonates (ages 0-28 days), with outcomes reported within the domains of clinical decision support (e.g., mortality prediction, length of stay), disease detection (e.g., sepsis, bronchopulmonary dysplasia), or resource optimization (e.g., admission prioritization, real-time monitoring). Results Ensemble methods and Random Forest demonstrated greater accuracy in predicting length of stay, enhancing resource allocation. When it comes to disease diagnosis, ML models like Random Forest and logistic regression performed better than traditional methods in predicting late-onset sepsis, on the basis of vital signs and biomarkers, with some demonstrating early detection up to 24 hours earlier than clinical suspicion. ML improved the prediction of neonatal mortality in respiratory failure beyond conventional scoring systems. Additionally, ML allowed for real-time monitoring and prioritized resource-limited settings according to optimal care provision. Limitations include integrating data from different sources, data quality, and the management of ethical concerns like patient anonymity. Conclusion Machine learning can potentially disrupt the practice of NICU therapy by improving early diagnosis, clinical decision-support, and resource allocation. Promising as it is, in the way of realizing this are data quality, ethics, and generalizability of the models. Research in the future needs to progress towards standardized measures of performance, more embedding of models into clinical workflows, and pragmatic deployment across populations so that the full potential of ML can be realized in neonatal medicine.

the application of Mobile health in the neonatal intensive care unit: an integrated review

Zahra Dehghani ¹ ©, Seyed Mohammadhosein Abedi ¹ ®

¹ School of nursing and midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Introduction Neonatal Intensive Care Units (NICUs) provide preterm and medically fragile newborns with critical care, but challenges such as post-discharge monitoring, parental stress, and efficient data management persist. Mobile health (mHealth) applications have appeared as disruptive innovations to tackle such issues via remote monitoring, parental guidance, and optimized clinical workflows. The applications ensure care continuity, reduce parental worry, and enhance healthcare provider efficiency. This integrative review examines mHealth applications used in NICUs, their impact on care delivery, parental support, and health outcomes and addressing implementation obstacles. Methodology Systematic search was performed in PubMed, Scopus,, Google Scholar for English language articles published during 2014 to 2025. Of an estimated 280 articles, duplicates were removed, and titles and abstracts screened, 45 articles being eligible for full-text review. Inclusion criteria were studies that utilized mHealth technologies (e.g., mobile apps, telehealth, remote monitoring systems) in NICU settings in neonates (0-28 days of age) or parents, with reported results regarding continuity of care, parental support (e.g., stress reduction, education), nursing efficiency, or health outcomes (e.g., growth monitoring, early complication detection). Excluded were non-mobile technology, non-NICU patient, or undefined outcome studies. Results Remote monitoring applications improved post-discharge continuity of care for preterm babies by enabling early detection of stunted growth and developmental delay. mHealth applications with nursing emphasis removed data management and standardized assessment loads, reducing bureaucratic workload. Parental support applications reduced parental stress and anxiety levels, improved parenting capabilities, and raised social support, with telehealth systems promoting remote bonding via web cameras and videoconferencing. Tracking real-time health information allowed for timely intervention, improving outcomes like glycemic control in similar cases. mHealth also allowed for education of healthcare providers, improving follow-up with care plans. Infection risk from mobile device use and technical problems required user-friendly designs presented the challenges. Conclusion mHealth applications have the capacity to revolutionize NICU care through improving care continuity, parental health, and clinical efficiency. Infection control and technical concerns must be addressed to deliver safe and effective mHealth application delivery. Studies in the future should have as goals maximizing the user interface, standardizing outcome measures, and validating mHealth applications for different types of NICU settings to translate the advantages of their use into neonatal care.

The challenge of providing care as an immigrant nurse

Seydeh Zahra Aemmi ¹ © ®, Maryam Seyyedi Nasooch Abad ²

¹ Department of Nursing, Quchan School of Nursing, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

² Department of Economics and Business Management, Universita` Cattolica del Sacro Cuore, Rome, Italy

Abstract:

مقدمه و هدف مهاجرت نقش پیچیده‌ای در حرفه پرستاری ایفا می‌کند، راه‌حلی برای کمبود نیروی کار ارائه می‌دهد، اما چالش‌هایی را هم برای پرستاران مهاجر ایجاد می‌کند. پرستاران مهاجر ممکن است با چالش‌هایی مانند طی نمودن فرآیندهای جدید صدور مجوز و اعتبارنامه، سازگاری با سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی مختلف و مقابله با موانع فرهنگی و زبانی مواجه شوند. روش مطالعه این مطالعه یک بررسی مروری که با استفاده از منابع موجود و تطبیق با تجربه یک پرستار مهاجر انجام یافته است. یافته‌ها ارائه مراقبت به عنوان یک پرستار مهاجر با چالش‌های متعددی همراه است که شامل موانع زبانی و فرهنگی، تبعیض اجتماعی، مسائل مربوط به صدور مجوز، استرس، فرسودگی شغلی، مشکلات سازگاری با فعالیت‌های روزمره زندگی می‌شود. علاوه بر این، فشار کار، انتظارات بالا، و تفاوت‌های فرهنگی در شیوه ارائه مراقبت نیز می‌توانند از جمله این چالش‌ها باشند. این عوامل می‌توانند بر ارتباط با بیماران و همکاران تأثیر بگذارند و منجر به سوءتفاهم‌های احتمالی و تأثیرگذاری بر کیفیت مراقبت شوند. نتیجه‌گیری برنامه‌های توسعه درون‌سازمانی، اجتماعی-فرهنگی و حرفه‌ای برای حمایت از پرستاران مهاجر نیاز است تا بتوانند مراقبت با کیفیتی از بیمار ارائه دهند و به خوبی در جامعه موردنظر ادغام شوند. کلمات کلیدی: چالش، مهاجرت، پرستاران

The Effect of Empathy Skill Training on Therapeutic Communication of Nursing Students in the Care of Hospitalized Children

Neda Pashaei Yingejeh¹ ©, Mahnaz Mohammad Pouri² ®, Mohammad Nouri³

¹ Department of Nursing, UrC, Islamic Azad University, Urmia Iran

² Master of Nursing, Clinical Research Development Unit, Shahid Motahari Educational and Treatment Center, Urmia University of Medical Sciences, Iran

³ ,Department of Nursing, UrC, Islamic Azad University, Urmia Iran

Abstract: Background: Empathy is a crucial component of the nurse-patient relationship, serving as an essential clinical skill that strengthens the bond between nurses and patients and contributes to improved healthcare services. This study aimed to determine the impact of empathy skill training on the therapeutic communication of nursing students in caring for hospitalized children, Methods: This quasi-experimental study employed a single-group pretest-posttest design and was conducted on final-year nursing students at shahid motahari hospital of Urmia in 2023 . The sample consisted of 40 nursing students selected through census sampling, At the beginning of the study , students completed a demographic information questionnaire and a therapeutic communication questionnaire developed by Han et al. Then, they received empathy skills training in groups over eight 90-minute sessions, held four times a week. The training was delivered through lectures using a video projector in small groups of six. After the intervention students completed the questionnaires again. Data were analyzed using SPSS version 26 .Descriptive statistics including mean and frequency (percentage) were used to describe data, and paired t-test was used for statistical analysis. Results: The mean overall therapeutic communication scores of nursing students were 45.17 ± 4.53 before the intervention and 47.97 ± 4.43 after the intervention. Based on the results of the paired t-test, there was a significant difference between the mean overall therapeutic communication scores before and after the intervention($t= -3.99$, $p0.05$) Conclusion: Empathy skills training positively impacts the therapeutic communication of nursing students in caring for hospitalized children and can assist them in assessing the health problems of hospitalized children and providing better care. Keywords: Empathy skills. Therapeutic communication, Nursing students, children Ethical Approval: This study was approved by the Ethics Committee of Urmia Islamic Azad University (IR.IAU.URMIA.REC.1403.050).

The Effect of Family-Centered Empowerment Model Based on Multimedia Education on the Quality of Life of Children Aged 8-12 Years with Beta Thalassemia

© P¹ اکرم همتی پور

ایران کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان،¹

Abstract:

زمینه و هدف: بین بیماری و کیفیت زندگی مبتالیان به بیماریهای مزمن، ارتباط متقابل وجود دارد و اختلالات جسمانی اثری مستقیم بر روی تمام جنبه های کیفیت زندگی میگذارد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر الگوی توانمندسازی خانواده محور به روش آموزش چندرسانه ای (مالتی مدیا) بر کیفیت زندگی کودکان مبتال به تالاسمی ماژور انجام شد. روش بررسی: این مطالعه از نوع تجربی است. ۱۲۰ بیمار به همراه والدین، که در مرکز تالاسمی بیمارستان خاتم النبیا شوشتر پرونده پزشکی داشتند، باتوجه به معیارهای ورود، انتخاب و با روش تخصیص تصادفی بلوک چهارتایی به دو گروه ۶۰ نفر مداخله و کنترل تقسیم شدند. از نظر سن و جنس نیز همسان سازی شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ی کیفیت زندگی کودکان (SQL-Ped) (و پرسشنامه های محقق ساخته آگاهی و خودکارآمدی در زمینه ی بیماری تالاسمی بود. اطلاعات جمع آوری شده با نرم افزار SPSS و با آزمونهای آماری من ویتنی و یلکاکسون و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها: از ۱۲۰ کودکی که وارد مطالعه شدند، ۸۷ نفر دختر (۷۲/۵ درصد) و میانگین سن این کودکان (۲۵/۲±۷۴/۹) و مدت زمان ابتال به بیماری (۴۷/۴±۳۵/۵) سال بود. در این مطالعه سطح کیفیت زندگی کودکان و ابعاد آن، بعد از اجرای الگوی آموزشی تنها در گروه مداخله افزایش چشمگیری نسبت به قبل از آموزش دیده شد (P=۰/۰۱۱). بعد از اجرای این الگو نیز میزان آگاهی (P=۰/۰۱۱) و خودکارآمدی والدین (P=۰/۰۰۳) نیز افزایش معناداری همراه بود و این معناداری نیز نسبت به گروه کنترل مشاهده شد (P=۰/۰۰۱). متغیرهای سن، جنسیت و طول مدت ابتال و سطح تحصیلات والدین بر آگاهی، خودکارآمدی والدین و کیفیت زندگی کودک اثری نداشتند (P=۰/۰۰۵). نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعه ی حاضر، اجرای برنامه های توانمندسازی مبتنی بر خانواده برپایه آموزش چندرسانه ای به والدین کودکان مبتال به تالاسمی با افزایش آگاهی و خودکارآمدی والدین آنها باعث ارتقا و بهبود کیفیت زندگی این کودکان شده است. پیشنهاد می شود که این برنامه در سطح وسیع تری با امکانات بهتر برای والدین و اعضای خانواده آنها اجرا شود. واژه های کلیدی: چندرسانه ای، تالاسمی، والدین، کیفیت زندگی، خودکارآمدی

The Effect of Home Visits on the Health of Low Birth Weight and Preterm Infants: A Narrative Review

©³ نرگس صادقی،² مهسا السادات موسوی،¹ فاطمه حاجی رضائی کاشان

¹ گروه پرستاری، مرکز تحقیقات سلامت جامعه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری،

² دانشیار، مرکز تحقیقات سلامت جامعه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

³ مرکز تحقیقات سلامت جامعه، گروه پرستاری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

Abstract:

مقدمه: نوزادان نارس و کم‌وزن نسبت به نوزادان رسیده در معرض مشکلات بیشتری در حوزه‌های رشد جسمی، تغذیه‌ای و تکاملی قرار دارند. این نوزادان حتی پس از ترخیص از بیمارستان نیز به مراقبت‌های حمایتی نیازمندند تا رشد مطلوب و پیشگیری از عوارض تضمین شود. بازدیدهای خانگی به‌عنوان یک رویکرد جامعه‌محور می‌تواند با آموزش مادر، حمایت از شیردهی و پایش سلامت نوزاد به رفع این نیازها کمک کند. با این حال، شواهد موجود در کشورهای در حال توسعه پراکنده و محدود است. این مرور روایتی با هدف مرور و تحلیل شواهد موجود در زمینه تأثیر بازدیدهای خانگی بر سلامت نوزادان نارس و کم‌وزن انجام شد. روش‌ها: جست‌وجوی جامع در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Web of Science، Scopus و Cochrane و نیز موتور جست‌وجوی Google Scholar از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ با کلیدواژه‌های «بازدید خانگی»، «نوزاد نارس» و «نوزاد کم‌وزن» و معادل‌های MeSH انجام شد. همچنین پایگاه‌های فارسی (SID, Magiran) بررسی گردید. معیار ورود شامل مطالعات تجربی یا شبه تجربی فارسی و انگلیسی با کیفیت مناسب بر اساس ابزار JBI بود. از میان ۲۱۹۳ مقاله، پس از غربالگری و ارزیابی کیفیت، ۱۰ مطالعه واجد شرایط، وارد مرور شدند. یافته‌ها: ده کارآزمایی بالینی تصادفی‌سازی‌شده از هند، ایران، ترکیه و کره جنوبی بررسی شد. تعداد بازدیدها بین ۱ تا ۹ جلسه متغیر بود و عمدتاً توسط پرستاران یا مراقبان آموزش‌دیده انجام می‌شد. نتایج نشان داد بازدیدهای خانگی موجب بهبود شاخص‌های رشد جسمی (وزن، قد، دور سینه) و افزایش تغذیه انحصاری با شیر مادر می‌شود. در برخی مطالعات بهبود رشد شناختی و حرکتی نیز گزارش شد، هرچند سایر پژوهش‌ها چنین اثری را نشان ندادند. در مورد مرگ‌ومیر و بستری مجدد، اغلب مطالعات تفاوت معناداری میان گروه‌ها نشان ندادند. نتیجه‌گیری: این مرور روایتی نشان می‌دهد بازدیدهای خانگی، به‌ویژه با تأکید بر مراقبت کانگورویی و آموزش مادران، تأثیر مثبتی بر رشد فیزیکی و بهبود تغذیه انحصاری نوزادان کم‌وزن و نارس دارد. با این حال، شواهد در مورد بقاء، بستری مجدد، ترکیبات شیر مادر و رشد تکاملی ناهمگون و گاه غیرمعنادار است. یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند بازدیدهای خانگی می‌تواند مداخله‌ای کم‌هزینه و اثربخش در کشورهای در حال توسعه باشد، اما مطالعات بیشتری با پروتکل‌های استاندارد، پیگیری طولانی‌مدت و ادغام در نظام سلامت برای تأیید کارایی آن مورد نیاز است. واژگان کلیدی: بازدید خانگی، نوزاد نارس، نوزاد کم‌وزن، مرور روایتی

The effect of scheduled virtual visits on perceived social support of families of premature infants admitted to the neonatal intensive care unit.

¹ مژگان ساکی، ¹ یاسر مخیری، ¹ سیده فاطمه قاسمی، ¹ فاطمه ولی زاده، ¹ زهرا شهسواری

دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران ¹

Abstract:

مقدمه: حمایت اجتماعی (عاطفی، ابزاری، اطلاعاتی) پایین برای خانواده های نوزادان بستری در بخش‌های ویژه منجر به انزوا، اضطراب، افسردگی و کاهش عملکرد روانی و فیزیکی آنان میشود. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر ملاقات مجازی برنامه ریزی شده (برقراری ارتباط با خانواده، انتقال اطلاعات ویزیت و سیر درمان، توضیح وضعیت بالینی نوزاد، ایجاد امکان مشاهده مجازی نوزاد، پاسخ به سوالات خانواده) بر حمایت اجتماعی درک شده خانواده نوزادان نارس بستری در بخش مراقبت‌های ویژه انجام شد. مواد و روشها: این مطالعه نیمه‌تجربی در سال ۱۴۰۳ در خرم‌آباد، ایران انجام شد. نمونه‌گیری به روش غیراحتمالی و متوالی از والدین نوزادان نارس بستری صورت گرفت و ۳۱ جفت والد در هر گروه مداخله و کنترل شرکت کردند. گروه کنترل از مراقبت‌های روتین بخش و گروه مداخله از تماس تصویری روزانه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در شیفت عصر در ساعت از قبل هماهنگ شده بهره‌مند شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های دموگرافیک، مقیاس حمایت اجتماعی MSPSS قبل و ۲ ماه پس از مداخله جمع‌آوری شدند. تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون ANCOVA تحت نرم‌افزار Stata نسخه ۱۶ انجام شد. سطح معناداری در کلیه آزمون‌ها ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. یافته‌ها: دو گروه از نظر توزیع مشخصات دموگرافیک نوزادان و والدین تفاوت آماری معنی داری نداشتند. (05/0P) آزمون آنکوا، بعد از تعدیل اثر باقیمانده، نشان داد که تفاوت قبل و بعد از مداخله حمایت اجتماعی درک شده در دو گروه از لحاظ آماری معنادار بود. (001/0=P) نتیجه‌گیری: ملاقات‌های مجازی برنامه‌ریزی شده باعث افزایش حمایت اجتماعی درک شده در والدین دارای نوزاد بستری در NICU شد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مبتنی بر ملاقات‌های مجازی به عنوان ابزاری مؤثر و پشتیبانی در مدیریت حمایت اجتماعی والدین در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان مورد استفاده قرار گیرند.

The effect of skin-to-skin contact between father and premature infant on physiological indicators of premature infants

Fatemeh Etemadinia ¹, Samaneh Fallah Karimi ² ®, Zahra Khalilzadeh Farsangi ³ ©

¹ Master's student in pediatric Nursing, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

² Instructor, Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Torbat Heydarieh University of Medical Sciences, Torbat Heydarieh, Iran.

³ Master of Nursing, student research committee, faculty of nursing and midwifery, Zahedan, Iran.

Abstract: Introduction: Premature infants, due to the lack of development of various body systems, face numerous challenges that require specialized and careful care. Among the important challenges in caring for these infants are regulating body temperature and managing physiological stress. In recent years, skin-to-skin contact between fathers and premature infants has received increasing attention on the physiological indicators of premature infants. Therefore, this study aimed to determine the effect of skin-to-skin contact between fathers and premature infants on the physiological indicators of premature infants. Methods: This study was a randomized clinical trial with two experimental and control groups. 70 fathers of infants hospitalized in the neonatal intensive care unit were included in the study and were randomly assigned to two intervention and control groups. In the intervention group, fathers had skin-to-skin contact with their infants for forty minutes. The infant's physiological symptoms were measured before and after the intervention. Findings: The results showed that there was a statistically significant difference between the mean respiratory rate of the intervention group and the control group ($p < 0.001$). There was also a statistically significant difference between the mean temperature changes of the two groups ($p < 0.001$). Conclusion: The results of this study showed that skin-to-skin contact between the father and the premature infant is an effective and natural strategy for improving the health and well-being of premature infants. Keywords: Skin-to-skin contact, physiological indicators, premature infant.

The effect of spiritual care on the resilience of mothers of infants with gender ambiguity (hermaphroditism).

Zahra Khalilzadeh Farsangi ¹, Fatemeh Etemadinia ² ©, Samaneh Fallah Karimi ³ ©

¹ Master of Nursing, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

² Master's student in pediatric Nursing, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

³ Instructor, Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Torbet Heydarieh University of Medical Sciences, Torbet Heydarieh, Iran.

Abstract: Introduction: Mothers of gender-ambiguous infants face numerous emotional and psychological challenges. On the one hand, they experience worry and anxiety about their infant's health and future, and on the other hand, they face complex and uncertain issues related to the infant's gender identity. Spiritual care, aimed at enhancing and strengthening the spirit and psyche of mothers, plays an important role in improving resilience and mental health. Methods: The present study was a quasi-experimental pre-test-post-test study conducted on 50 mothers of infants with gender ambiguity who referred to teaching hospitals in Zahedan in 2013. The samples were randomly assigned to two intervention and control groups. Initially, both groups completed the Connor-Davidson Resilience Questionnaire, and in the intervention group, the intervention based on spiritual care was implemented by the researcher during three training sessions. Three months after the end of the intervention, the Connor-Davidson questionnaire was completed again by the mothers using a self-report method. Data were analyzed using SPSS version 27 software. Results: There was no significant difference between the resilience scores in the intervention and control groups before the intervention, but after the training, a significant difference was observed between the intervention and control groups ($p < 0.001$). The resilience score of mothers in the intervention group before the intervention was 29.32 ± 3.86 and after receiving spiritual care it reached 41.45 ± 4.52 , which was statistically significant ($p < 0.001$). Conclusion: According to the results of this study, it was found that spiritual care can have a positive effect on the resilience of mothers of gender-ambiguous infants. These results showed that connecting with religious beliefs and spirituality can help these mothers cope better with the challenges of treatment and feel more resilient. Keywords: Spiritual care, resilience, mothers, infants, gender ambiguity.

The Effective Interventions of Psychological Intervention on Fostering Resilience in Families of Premature Neonates: A Network Meta-Analysis

Mahsa Gholinejadzirmanlou¹ ©, Sima Pourteimour¹ ®, Sana Khalilzade Zia¹

¹ Patient Safety Research Center, Clinical Research Institute, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

Abstract: Introduction: The birth of a premature infant presents significant psychological challenges for families, often leading to increased stress, anxiety, and diminished resilience. While various psychological interventions have been implemented to support these families, their comparative effectiveness remains unclear. This network meta-analysis (NMA) systematically evaluates the efficacy of different psychological interventions in fostering resilience among families of preterm neonates. Methods: We conducted a comprehensive search of PubMed, Scisedirect, Cochrane Library, and Googleschoolar up to October 2024, identifying 18 randomized controlled trials (RCTs) involving 2,145 participants. Included studies compared Cognitive-Behavioral Therapy (CBT), Mindfulness-Based Stress Reduction (MBSR), Family-Centered Care (FCC), Peer Support, and Psychoeducation. Resilience outcomes were measured using validated scales (Connor-Davidson Resilience Scale, Family Resilience Assessment Scale). A frequentist NMA was performed using R (netmeta package), with interventions ranked via surface under the cumulative ranking curve (SUCRA). Subgroup analyses examined timing of intervention (NICU vs post-discharge) and parent gender differences. Results: CBT demonstrated superior efficacy (SUCRA=89%, SMD=0.75, 95% CI [0.62-0.88]), followed by MBSR (SUCRA=78%, SMD=0.64 [0.51-0.77]). FCC (SUCRA=65%, SMD=0.52 [0.40-0.64]) and Peer Support (SUCRA=58%, SMD=0.45 [0.32-0.58]) showed moderate effectiveness, while Psychoeducation was least effective (SUCRA=42%, SMD=0.30 [0.18-0.42]). Subgroup analyses revealed significantly greater effects for in-NICU interventions versus post-discharge programs (p0.01) and for mothers versus fathers (SMD difference=0.21, p=0.03). Complementary studies showed Kangaroo Mother Care improved resilience scores from 57.62±13.95 to 76.96±8.07 (p0.05), while virtual education programs increased CD-RISC scores by 19.34 points (p0.001). Conclusion: CBT and MBSR emerge as the most effective interventions for enhancing family resilience in the NICU setting, particularly when implemented during hospitalization. These findings support the integration of structured, skill-based psychological support into routine NICU care, with particular attention to maternal needs. Future research should investigate long-term outcomes and cost-effectiveness to optimize clinical implementation and policy development. Keywords: premature infants, psychological interventions, resilience, network meta-analysis, neonatal intensive care, family support

The Effectiveness of Family-Centered Care Interventions on Psychological Outcomes of Parents of Hospitalized Children: A Systematic Review

Marziyeh Kohantorabi ¹ © ®, Mostafa Rajabzadeh ²

¹ Msc in Medical-Surgical Nursing , Qaen Faculty of Medical Sciences, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

² Student Research Committee, School of Midwifery Nursing, Torbat-e Heydariyeh University of Medical Sciences, Torbat-e Heydariyeh, Iran

Abstract: Background and Aim: Hospitalization of a child is a stressful experience for parents, which can lead to anxiety, depression, caregiving burden, and impaired psychological functioning, resulting in inadequate care and negative outcomes for the children. Family-centered care, as a key approach in pediatric nursing involving active parental participation in the care process, can play an effective role in reducing these consequences. This study aimed to systematically review the evidence on the effectiveness of family-centered care interventions on the psychological outcomes of parents of hospitalized children. Methods: This study was conducted according to the PRISMA protocol. A systematic search was performed in the following databases: SID, Magiran, Google Scholar, PubMed, Scopus, and Web of Science. The search used MeSH keywords including "Family-Centered Care", "Parental Participation", "Hospitalized Child", "Anxiety", "Stress", "Psychological Consequences" and their Persian equivalents, for articles published between 2015 and 2025 with no language restrictions. The inclusion criteria were clinical trials and quasi-experimental studies that investigated the effect of family-centered care interventions on at least one psychological outcome in parents of hospitalized children. The process of screening titles, abstracts, and full texts, as well as data extraction, was then carried out. Results: Out of 246 retrieved studies, 12 studies that met the inclusion criteria were included. Family-centered interventions were implemented in the form of empowerment programs, virtual communication (social networks, video contact), and active parental participation. The psychological outcomes investigated included anxiety, stress, resilience, self-efficacy, and caregiving burden. The results of the qualitative synthesis showed that family-centered care interventions significantly reduced anxiety (n=6 studies), stress (n=4), and caregiving burden (n=2), and also increased resilience (n=3) and self-efficacy (n=3) in parents of hospitalized children. Conclusion: Family-centered care interventions appear to be an effective strategy for improving the psychological outcomes of parents of hospitalized children. Integrating these interventions into nursing care protocols can help promote the health of both parents and children. Conducting studies with larger sample sizes and stronger methodologies is recommended to strengthen the evidence. Keywords: Family-Centered Care, Parents, Hospitalized Child, Psychological Outcomes, Systematic Review

The Effectiveness of Parent Empowerment Programs on Motor and Social Skills in Children with Autism Spectrum Disorder: Systematic Review

Fatemeh Jooya¹ ©, Neda Pashaei², Mohammad Nouri², Mobina Ghane Mobarakeh³ ©

¹ MSc student of pediatric nursing, Department of nursing, School of nursing and midwifery, Aliabad Katul Branch, Islamic Azad University, Golestan, Iran.

² Department of Nursing, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

³ MSc student of pediatric nursing, Department of nursing, School of nursing and midwifery, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract: Introduction: Autism Spectrum Disorder (ASD) is characterized by persistent deficits in social communication and interaction, alongside restricted and repetitive patterns of behavior. Children with ASD often exhibit delayed motor development and impaired social skills, which can hinder functional independence and peer engagement. Parent empowerment programs, designed to equip caregivers with skills, knowledge, and strategies, have emerged as a promising approach to address these developmental challenges by extending therapeutic interventions into the home environment. This systematic review aimed to evaluate the effectiveness of parent empowerment programs in improving motor and social skills in children with ASD. Methods: A systematic search adhering to PRISMA guidelines was conducted across PubMed, Scopus, Web of Science, and the Cochrane Library, covering studies published from January 2010 to March 2025. Keywords included “autism spectrum disorder,” “parent empowerment,” “motor skills,” and “social skills.” Inclusion criteria comprised randomized controlled trials (RCTs), quasi experimental studies, and pre post intervention studies involving children with ASD aged 3–12 years. Studies lacking measurable outcomes in motor or social domains were excluded. Methodological quality was assessed using the Joanna Briggs Institute (JBI) critical appraisal tools, and findings were synthesized narratively due to heterogeneity in interventions and outcome measures. Results: A total of 18 studies involving 1,245 participants met the inclusion criteria. Interventions included structured parent training workshops, home based activity modules, and telehealth coaching. Eleven studies reported significant improvements in gross and fine motor skills (standardized mean difference [SMD] = 0.45; 95% CI: 0.28–0.62), while 14 studies demonstrated enhanced social interaction and communication (SMD = 0.53; 95% CI: 0.34–0.72). Programs incorporating both in person and remote components yielded the greatest gains. Conclusion: Parent empowerment programs show moderate to strong evidence in improving motor and social skills in children with ASD, reinforcing their role as a cost effective adjunct to professional therapy. Integration into pediatric rehabilitation services and further high quality RCTs are recommended to optimize program design and scalability. Keywords: Autism Spectrum Disorder, Parent Empowerment, Motor Skills, Social Skills, Pediatric Intervention.

The effectiveness of training nurses in reducing hospital infections in the neonatal intensive care unit (NICU) of Amir al-Momenin A. Genaveh Hospital in 1403

² فریده مختاری، © ¹ مرجان فروردین

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر¹

سوپروایزر آموزش سلامت بیمارستان امیرالمومنین (ع) گناوه²

Abstract:

عفونت‌های بیمارستانی (Nosocomial Infections) به ویژه در بخش مراقبت ویژه نوزادان (NICU) یکی از چالش‌های جدی سلامت جهانی محسوب می‌شوند؛ زیرا نوزادان به دلیل سیستم ایمنی نارس و استفاده از تجهیزات تهاجمی مانند ونتیلاتور، در معرض خطر بالای ابتلا به عفونت هستند. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، شیوع عفونت‌های بیمارستانی در NICU بین ۴.۳ تا ۲۵ درصد متغیر است که در کشورهای در حال توسعه شیوع بالاتری دارد. در ایران نیز مطالعات نشان داده‌اند که عفونت‌های وابسته به ونتیلاتور در NICU تا ۲۸ درصد شیوع داشته و عامل افزایش طول مدت بستری و هزینه‌های درمانی می‌باشند. آموزش مستمر پرستاران و تأکید بر بهداشت دست از جمله مهمترین راهکارهای پیشگیری است که به موجب دستورالعمل‌های وزارت بهداشت ایران و سازمان جهانی بهداشت مورد تأکید قرار گرفته است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش‌های دوره‌ای پرستاران بخش NICU بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) گناوه در سال ۱۴۰۳ بر کاهش عفونت‌های بیمارستانی و شناسایی الگوهای شایع انتقال عفونت با تمرکز بر ونتیلاتور و بهداشت دست بود. این مطالعه توصیفی-تحلیلی با شرکت ۲۰ پرستار زن با سابقه کاری ۱ تا ۱۲ سال انجام شد. آموزش‌های هدفمند کنترل و پیشگیری از عفونت هر ۶ ماه یکبار برگزار شد. تعداد موارد عفونت در دو دوره ۶ ماهه قبل و بعد از آموزش با استفاده از داده‌های مرکز کنترل عفونت مقایسه گردید. یافته‌ها نشان داد آموزش‌های مکرر باعث کاهش موارد عفونت از ۱۲ مورد به ۷ مورد در ۶ ماه دوم شد. ونتیلاتور و تماس چشمی شایع‌ترین مسیرهای انتقال عفونت بودند. بهبود رعایت بهداشت دست و استانداردهای استریل تجهیزات توسط پرستاران نقش مهمی در کاهش این عفونت‌ها داشت. نتیجه‌گیری این است که آموزش مستمر پرستاران NICU و تأکید بر بهداشت دست نقش محوری در کاهش عفونت‌های بیمارستانی دارد و توصیه می‌شود این برنامه‌ها به طور منظم ادامه یابد تا سلامت نوزادان بهبود یابد. کلمات کلیدی: عفونت بیمارستانی، بخش مراقبت ویژه نوزادان، آموزش پرستاران، بهداشت دست، ونتیلاتور، پیشگیری از عفونت

The effects of the Crohn's Disease Exclusion Diet (CDED) alone versus CDED plus Partial Enteral Nutrition (PEN) on gut microbiome composition in pediatric CD patients

© ¹ ژاله پریزاد

دپارتمان گوارش و کبد کودکان، بیمارستان مرکز طبی کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران¹

Abstract: Background: Crohn's disease (CD) is a chronic inflammatory bowel condition characterized by relapsing inflammation and microbial dysbiosis. Diet-based therapies have emerged as promising adjuncts in pediatric CD management. However, limited evidence exists on how different dietary strategies affect gut microbiome composition. This study aimed to compare the effects of the Crohn's Disease Exclusion Diet (CDED) alone versus CDED plus Partial Enteral Nutrition (PEN) on gut microbiome composition in pediatric CD patients. Methods: In this randomized controlled trial, 60 children with mild-to-moderate CD were assigned to either a CDED-only group or a CDED+PEN group. Gut microbiota composition was assessed using quantitative PCR before and after the 8-week intervention. Results: After 8 weeks, both groups exhibited significant increases in *Faecalibacterium prausnitzii*, with the CDED+PEN group demonstrating a significantly greater increase compared to the CDED group alone ($p = 0.001$). In the CDED+PEN group, levels of *Bifidobacterium* and *Lactobacillus* also rose significantly, whereas in the CDED-only group, *Bifidobacterium* slightly decreased and *Lactobacillus* showed only a modest increase. Moreover, *Escherichia coli* and *Fusobacterium* were observed exclusively in the CDED+PEN group, leading to marked between-group differences. Changes in *Clostridium leptum* and *Ruminococcus* were minimal and not statistically significant between or within groups. These findings suggest a synergistic effect of CDED when combined with PEN in modulating the gut microbiome toward a more anti-inflammatory profile. Conclusion: The CDED+PEN intervention led to more pronounced improvements in gut microbial composition than CDED alone, particularly through increased beneficial bacteria and reduced pro-inflammatory taxa.

The Efficacy of Tranexamic Acid in Reducing Blood Loss and Transfusion Requirements in Pediatric Congenital Heart Surgery: A Systematic Review

Sedighe Hananni¹, Bahador Pourdel² ©, Erfan Rajabi² ©, Seyed Abolfazl Hosseini², Amirali Alizadeh³

¹ Senior Expert in internal surgical nursing, instructor, operating room department, faculty of paramedicine, Iran university of medical sciences, Tehran, Iran

² MSc of Perioperative Nursing, Student Research Committee, School of Allied Medical Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Research Center for Evidence-Based Health Management, Maragheh University of Medical Sciences, Maragheh, Iran

Abstract: Introduction: Children with congenital heart disease (CHD) face a significant risk of considerable blood loss during and post-surgery, requiring blood transfusions that may increase morbidity and mortality rates. Tranexamic acid (TXA), an antifibrinolytic agent, is widely employed in adult cardiac surgery; however, its effectiveness and safety in pediatric populations are still ambiguous. This systematic review evaluated the evidence concerning the effectiveness of TXA in reducing blood loss and the necessity for transfusions in pediatric patients undergoing congenital heart surgery. Methods: This review complied with PRISMA guidelines. MEDLINE (via PubMed), Embase, CENTRAL and Web of Science were comprehensively searched from the databases' inception until May 2024. The terms included "tranexamic acid," "antifibrinolytics," "pediatric," "congenital heart surgery," "cardiopulmonary bypass," "blood loss," and "transfusion." The randomized controlled trials (RCTs) and observational cohort studies assessed TXA in comparison to placebo or standard care in patients aged 18 years or younger. The exclusion criteria included case reports, reviews and studies involving adult patients or different antifibrinolytic agents. We employed Cochrane RoB 2 for randomized controlled trials and ROBINS-I for observational studies to assess bias. We employed narrative synthesis and random-effects meta-analysis to determine the aggregated risk ratios (RR) or mean differences (MD) along with 95% confidence intervals. Results: From 1,245 records, 15 studies (10 randomized controlled trials and 5 cohort studies) comprising 1,827 pediatric patients were selected. The dosing protocols for TXA and the complexity of patients varied among studies. Tranexamic acid (TXA) significantly reduced 24-hour postoperative blood loss (mean difference: -7.2 mL/kg; 95% confidence interval: -10.1 to -4.3; 8 studies, n=712) and the likelihood of patients requiring a packed red blood cell transfusion (risk ratio: 0.72; 95% confidence interval: 0.61 to 0.85; 7 studies, n=642), benefiting the TXA cohort. No significant increase in adverse events, especially seizures or thrombosis. Conclusion: This systematic review indicated that tranexamic acid significantly reduces blood loss and the need for transfusions in pediatric patients with congenital heart disease, without increasing short-term thrombotic or neurological complications. These findings support the utilization of TXA in at-risk populations. Due to the significant variability in dosing protocols, there is a necessity for additional high-quality, large-scale randomized controlled trials (RCTs) to standardize, enhance and validate the long-term safety of tranexamic acid (TXA) in neonates and infants with complex congenital heart disease.

The Impact of Bundled Care Interventions in Pediatric Nursing

Maedeh Nasirifar¹ © ®

¹ Master's Student in Medical-Surgical Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: Introduction: Bundled care interventions refer to a set of standardized, evidence-based actions implemented simultaneously and systematically to address a specific clinical problem. Unlike individual interventions, each of which may have limited impact, their combination in the form of a “care bundle” yields maximum effectiveness. Implementation typically involves several steps: protocol development, nurse training, adherence monitoring and documentation, and continuous feedback to the care team. In pediatric care, bundles are especially applied in preventing ventilator-associated pneumonia, central line-associated bloodstream infections, reducing unplanned extubations, and managing delirium. Given the unique vulnerability and varied conditions of hospitalized children, adopting bundled interventions as a standardized and comprehensive approach is of critical importance. The aim of this narrative review is to examine the effectiveness of bundled care interventions in pediatric nursing across various hospital settings. Methods: This review was based on studies published between 2015 and 2025. Sources included PubMed, Wiley, ScienceDirect, and Google Scholar. Search keywords were “Bundled Care Intervention,” “Pediatric,” “Bundles Care,” “Nursing Care,” “Patients,” “Children,” combined with Boolean operators (AND, OR). The search strategy included full text, titles, and abstracts. Inclusion criteria were English-language studies focusing on hospitalized children, implementation of bundled care interventions, and reporting of clinical or nursing outcomes in units. Findings: Evidence indicates that bundled care has been effective in multiple areas, including reducing catheter- and line-associated infections, minimizing complications of mechanical ventilation, and improving pain management in children with various conditions. Bundles have also been associated with decreased mortality in pediatric sepsis, improved outcomes in children with congenital heart disease, and reduced ventilator-related complications such as pneumonia. Overall, these interventions shorten hospital stays and enhance overall health outcomes among hospitalized children. By emphasizing preventive and comprehensive actions, care bundles not only reduce complications and hospitalization duration but also improve patient and family safety and satisfaction, while standardizing the care process. Key factors in successful implementation are consistent adherence, continuous education, and data-driven feedback. Most studies report that improved adherence is directly associated with significant reductions in adverse outcomes. However, heterogeneity of bundle components and limited multicenter pediatric trials remain important limitations. Conclusion: Bundled care interventions are recognized as effective tools in improving nursing care quality and reducing hospital-acquired infections in hospitalized children. This review highlights that training of care teams and adherence to bundles are key to success. Investment in nurse education, family engagement, and infrastructure for adherence monitoring provides the greatest benefits for pediatric patient outcomes.

The impact of nursing managers' intervention strategies on patient safety in children's hospitals

² یاسمین مولوی طالقانی, © ¹ الهه شمسی

¹ کارشناس هماهنگ کننده ایمنی بیمار

² کارشناس مسئول واحد بهبود کیفیت

Abstract:

مقدمه: تاثیر سیاست گذاری مدیران پرستاری بر کیفیت زندگی پرستاران بر هیچ کس پوشیده نیست. ضمناً مطالعات متعددی به اهمیت چالش‌های سلامت روان و رفاه پرستاران کودکان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر ایمنی بیماران تحت مراقبت آنها اشاره دارد. هدف: این مطالعه با هدف تجزیه و تحلیل تأثیر استراتژی‌های مداخله‌ای مدیران پرستاری بر سلامت روان پرستاران کودکان و در نهایت اثرگذاری این عوامل بر ایمنی بیماران تحت مراقبت آنها انجام شده است. روش‌شناسی: این مطالعه به روش مروری انجام شده است و از دستورالعمل‌های PRISMA پیروی می‌کند. جستجوی جامعی در شش پایگاه اطلاعاتی PubMed، Scopus، Scholar google، Web of Science، Medline و Embase و با کلید واژگان اصلی انجام شد. ارزیابی کیفیت مطالعات با استفاده از روش ترکیبی (MMAT) انجام شد. یافته‌ها: با جستجوی کلید واژگان ۱۲ مقاله بازیابی شد که پس از اعمال معیارهای ورود، پنج مطالعه از چین، ایالات متحده، مجارستان، کلمبیا و عربستان سعودی مورد بررسی قرار گرفتند. عوامل کلیدی شناسایی شده متاثر از استراتژی‌های مدیران پرستاری موثر بر کیفیت زندگی پرستاران کودکان شامل حجم کاری بالا، محیط کاری نامناسب، منابع محدود و روابط بین فردی پرتنش، عدم حمایت، الگوهای شیفت نامنظم، نقش‌های طاقت‌فرسا و فشار مالی بودند. این عوامل به طور قابل توجهی با افزایش استرس، فرسودگی شغلی، اضطراب و افسردگی در بین پرستاران کودکان مرتبط بودند. بررسی‌ها نشان داد: مدیریت حجم کار و پرورش منابع روانشناختی مانند خودکارآمدی پرستاران تأثیر قابل توجهی بر افزایش عملکرد حرفه‌ای آنها و کاهش خطا دارد. نتیجه‌گیری: مداخلات مؤثر باید شامل نسبت‌های قابل مدیریت پرستار به بیمار، تخصیص کافی منابع، تقویت فرهنگ کاری حمایتی، برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر، حمایت هدفمند از پرستاران ارشد و بهبود جبران خسارت مالی باشد. با پرداختن به عوامل محیطی و شناختی، سازمان‌های مراقبت‌های بهداشتی می‌توانند انتظار حفظ استانداردهای بالای مراقبت را از پرستاران کودکان داشته باشند. توصیه می‌شود که استراتژی‌های مداخله‌ای هدفمند مدیران پرستاری بر اساس عوامل مؤثر شناسایی شده تدوین شوند. چنین استراتژی‌هایی می‌تواند شامل افزایش فرصت‌های توسعه حرفه‌ای، بهبود حقوق و دستمزد مالی و ایجاد یک محیط کاری حمایتی باشد. مدیران پرستاری با ادغام استراتژی‌های ایجاد تاب‌آوری روانی در ابتکارات توسعه حرفه‌ای، اعتماد به نفس و عملکرد پرستاران را تحت فشار تقویت می‌کنند و ایمنی بیماران تحت مراقبت آنها را بهبود می‌بخشند. کلمات کلیدی: استراتژی‌های مداخله‌ای، ایمنی بیمار، چالش‌های سلامت روان، پرستاران کودکان

The Importance of Maintain the Mother – Infant Dyad in Maternal Support

AFSANEH ARZANI¹ © ®

¹ Non-communicable Pediatric Diseases Research Center, Health Research Institute, School of Nursing and Midwifery, Babol University of Medical, Sciences, Babol, Iran Email: arzanaf@gmail.com

Abstract: Background: The mother–infant dyad, proximity, and interactions after birth represent a fundamental biological and emotional unit for the neonate and mother. While much of the existing literature emphasizes neonatal benefits, preserving this dyad is equally critical for maternal well-being and empowering the mother's competence and expertise. Unnecessary separations (especially during the hospitalization of the neonate) may negatively affect maternal mental health, breastfeeding success, and confidence in the maternal role. Objective: This review aimed to explore the significance of maintaining the mother–infant dyad with a focus on maternal support, including psychological, physiological, and social dimensions. Methods: This narrative review analyzed data from PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar (2015–2024) using keywords such as "continuous maternal-infant contact," "skin-to-skin care," "rooming-in," "mental health," "empowering," "competence," and "family-centered practices in routine maternity and neonatal intensive care." After screening, 30 relevant articles were selected for review. Results: Findings indicate that mother–infant closeness reduces maternal anxiety and postpartum depression, strengthens maternal identity, and enhances confidence in caregiving. Continuous contact and skin-to-skin care stimulate oxytocin release, which fosters emotional well-being and supports lactation. Active maternal involvement in NICU care reduces feelings of guilt and helplessness, while also promoting maternal empowerment. Furthermore, institutional policies that encourage dyad preservation communicate social support for the maternal role, thereby improving maternal satisfaction and overall quality of life. Conclusion: Supporting mothers and maintaining the mother-infant bond during a newborn's NICU stay is crucial for the baby's health and the mother's well-being. The Mother Baby Care model innovatively applies rooming-in and couplet care principles, allowing high-risk newborns to stay with their mothers in a specialized Labor-Delivery-Recovery-Postpartum (LDRP)/NICU suite instead of being separated in the NICU. This approach ensures continuous care and bonding. Integrating policies and practices that minimize separation and encourage maternal participation should be prioritized in maternity wards and NICUs to strengthen maternal mental health, confidence, empowering and caregiving capacity. References: 1. Dagestad A. Keeping Mothers Together With Their Babies Requiring Neonatal Intensive Care During the Birth Hospitalization: An Innovative Model of Care. *MCN Am J Matern Child Nurs.* 2025 May-Jun 01;50(3):162-167. doi: 10.1097/NMC.0000000000001093. Epub 2025 Apr 29. PMID: 40029189. 2. de Salaberry J, Hait V, Thornton K, Bolton M, Abrams M, Shivananda S, Kiarash M, Osioviich H. Journey to mother baby care: Implementation of a combined care/couple model in a Level 2 neonatal intensive care unit. *Birth Defects Res.* 2019 Sep 1;111(15):1060-1072. doi: 10.1002/bdr2.1524. Epub 2019 May 27. PMID: 31132224.

The Perspective of Pediatric Nursing in the Era of Digital and Virtual Health

² سیده فاطمه قاسمی², فاطمه ولی زاده¹, © P, ¹ مژگان ساکی

¹ کارشناس ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پیراپزشکی و توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

² دانشیار پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

Abstract: چشم انداز پرستاری کودک محور در عصر سلامت دیجیتال و مجازی نویسنندگان: مژگان ساکی، فاطمه ولی زاده، سیده فاطمه مقدمه و هدف: در سال‌های اخیر، فناوری به بخش جدایی‌ناپذیری از اکوسیستم مراقبت‌های قاسمی کد اخلاق: مقاله مربوط به پانل میباید بهداشتی تبدیل شده است. فناوری‌های سلامت دیجیتال می‌تواند به پرستاران در تشخیص، ارزیابی، درمان، مداخله، آموزش و اهداف سرگرمی کمک کند و منجر به نتایج مثبتی در محیط‌های بالینی گردند. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین چشم انداز پرستاری کودک محور در عصر سلامت دیجیتال روش کار: این مطالعه از نوع مطالعات مروری بوده و داده‌های آن از طریق بررسی متون و استناد به منابع علمی حاصل و مجازی انجام شد فراهم Magiran, Iran Medex, Google Scholar, SID, Irandoc, Medlin, ScienceDirect از جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی یافته‌ها: ادغام فناوری در شیوه‌های پرستاری کودکان، راه‌های جدیدی را برای ارائه خدمات و نتایج بهداشتی بهتر برای کودکان. شده است گشوده است. نظارت از راه دو به پرستاران کودکان اجازه می‌دهد تا پایبندی به درمان را پیگیری کنند، اثربخشی مداخلات را ارزیابی نموده و به سرعت به هرگونه تغییر در وضعیت سلامت کودک پاسخ دهند که منجر به نتایج بهتر سلامت و کاهش بستری مجدد در بیمارستان می‌شود. در استفاده از فناوری ملاحظات اخلاقی مهمی مانند: حریم خصوصی، امنیت داده‌ها و تعادل بین استفاده از فناوری و حفظ تماس انسانی در مراقبت از بیمار و نقش همدلی و مهارت‌های بین فردی در پرورش رفاه عاطفی کودکان را نیز بایستی مدنظر قرار داده، والدین می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد سلامت فرزند خود بگیرند و اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام دهند که در نهایت به مدیریت بهتر بیماری و بهبود سلامت کلی کمک می‌کند. نتایج مطالعات متعدد نشان می‌دهد که استفاده از فناوری سلامت دیجیتال تحت تأثیر نگرش‌های مختلفی قرار دارد و مزایای مداخله برای برخی از آنها ممکن است برای بعضی از جمعیت‌های بالینی محدودتر باشد. آن چیز که مسلم است مقاومت بیشتر متخصصان و مدیران در مقایسه با بیماران در استفاده از این فناوری هاست. که می‌تواند علت‌های بسیاری داشته باشد از جمله: ۱- نگرانی‌هایی در مورد خطرات و عوارض جانبی احتمالی این فناوری بر روی کودکان ۲- نگرانی برخی از توانایی خود در استفاده مؤثر از چنین فناوری یا نامناسب بودن آن بر اساس مرحله رشد کودک ۳- مسائلی وجود دارد که مختص جمعیت‌های کودکانی است که شرایط یا نیازهای پیچیده‌ای دارند. افرادی دارای معلولیت‌های شدید جسمی یا بحث... ذهنی ممکن است دارای نقص‌های حرکتی یا محدودیت‌های شناختی باشند که مانع از توانایی آنها در تعامل با فناوری می‌شود و نتیجه‌گیری: ادغام فناوری در پرستاری کودکان، شیوه ارائه خدمات درمانی به کودکان را متحول کرده و باعث افزایش ارتباط و همکاری بین ارائه دهندگان خدمات درمانی، والدین و مراقبان و فناوری، مراقبت را ساده کرده و احتمال خطاهای پزشکی را کاهش می‌دهد. با استفاده موفقیت‌آمیز پرستاری کودکان از فناوری‌های سلامت دیجیتال می‌توان گام‌های مهمی در بهبود سلامت و کیفیت زندگی کودکان سراسر جهان برداشته کلید واژه‌ها: چشم انداز، کودک محور، مراقبت، سلامت دیجیتال، و در این زمینه پیشرو بود

The process of breaking bad news in pediatrics and newborn infant settings

Marjan Banazadeh ¹ © ®, Forouzan Akrami ², Setareh Sagheb ³, Azadeh Malekian ⁴,
Parnian Ahmadvand ⁵

¹ Assistant Professor of Nursing School, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

² Ph.D. in Medical Ethics, Postdoctoral in Bioethics, Head of the Bioethics Department at the Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Associate Professor of Pediatrics Department, School of Medicine, Tehran University of Medical Science, Tehran, Iran

⁴ Psychiatrist, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

⁵ Assistant Professor of Pediatrics Department, School of Medicine, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran.

Abstract:

فرایند اعلام خبر ناگوار به والدین در بخش‌های کودکان و نوزادان نویسندگان: بناءزاده مرجان^۱، اکرمی فروزان^۲، ثاقب ستاره^۳، ملکیان آزاده^۴، پرنیان احمدوند^۵ ا دکتری تخصصی پرستاری، استادیار گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و فوریتهای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران banazadehmarjan@gmail.com، نویسنده مسئول، ۰۹۱۳۴۴۱۰۰۱۷ دکترای اخلاق پزشکی، فوق دکتری اخلاق زیستی، مدیر گروه اخلاق زیستی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران ۳ فوق تخصص مراقبتهای ویژه نوزادان، دانشیار گروه کودکان دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران ۴ متخصص روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران ۵ فوق تخصص خون و سرطان کودکان، استادیار گروه کودکان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز، ایران اعلام خبر ناگوار به خانواده‌ها در بخش‌های کودکان و نوزادان از دشوارترین وظایف کارکنان درمانی محسوب می‌شود. اخبار ناگوار شامل هر نوع اطلاعاتی است که باعث ایجاد نگرانی، خشم یا غم در شنونده نسبت به آینده می‌گردد. روند مراقبت و در پی آن، روند اطلاع‌رسانی اخبار ناخوشایند یک فرآیند خطی نیست؛ در هر وضعیتی ضروری است که تیم پزشکی با همکاری والدین و در نظریه‌های شرایط بالینی کودک، تصمیمات مربوط به درمان و مراقبت را اتخاذ نمایند. روند اعلام اخبار ناگوار از زمان پذیرش بیمار آغاز می‌گردد و لازم است همیشه تعادلی مناسب بین امید واقع‌گرایانه درباره وضعیت بالینی کودک و پیش‌بینی آینده برای والدین ترسیم شود. به نحوی که والدین ضمن حفظ سازگاری و امیدواری، به تدریج آمادگی لازم را در صورت از دست دادن فرزندشان به دست آورند. پیچیدگی این امر با جنبه‌های احساسی، اخلاقی و روان‌شناختی، همراه با بحث پیرامون تشخیص‌های تهدیدآمیز برای حیات، پیش‌بینی‌های نامطلوب یا نیاز به مداخله‌های حیاتی افزایش می‌یابد. اعلام اخبار ناگوار در مواردی همچون نقایص مادرزادی، تشخیص بیماری‌های شدید عصبی یا متابولیک و تصمیم‌گیری برای انتقال به مراقبت‌های تسکینی کاربرد دارد. برقراری ارتباط مؤثر هنگام اعلام اخبار ناگوار برای تقویت اعتماد، پشتیبانی از تصمیم‌گیری آگاهانه و تسهیل مواجهه و انطباق والدین در این دوران دشوار بسیار حائز اهمیت است. برقراری ارتباط همدلانه به دو روش "حضور" و "اقدام" صورت می‌پذیرد که پیش‌شرط رفتار همدلانه کمک‌کننده محسوب می‌شود. اقدام مجموعه‌ای از تکنیک‌ها است اما "حضور" برآمده از فضای حاکم بر تعامل کارکنان درمانی با والدین، نوع نگاه به آنها و اعتبار دادن به احساسات‌شان است. ارتباط مؤثر میان درمانگران و بیمار به‌طور اتفاقی رخ نمی‌دهد و نیازمند رویکردی محاسبه‌شده است. اعلام اخبار ناگوار باید در یک جلسه برنامه‌ریزی‌شده، با مشاوره با سایر درمانگران، در مکانی آرام و خصوصی و با زمان کافی

The relationship between attachment and needs of mothers of children with chronic physical illness.

©¹ محمد ارشدی بستان آباد³ P³ حسین معماری بناب² حسین نامدار ارشتناب¹

¹ دانشیار پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

² استاد روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

³ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان

Abstract:

چکیده زمینه: بیماری های مزمن در کودکان، باعث ایجاد اضطراب در مادران می شود و ممکن است ارتباط مادران و فرزندان را مختل کند. همچنین بستری شدن کودک در بیمارستان نیازهای بسیاری را برای مادران ایجاد می کند که با وجود سالها ترویج مراقبت خانواده محور، نیازهای مادران هنوز به طور جامع برآورده یا درک نشده است که در نهایت می تواند استرس و اضطراب مادران کودکان مبتلا به بیماری های مزمن را افزایش بدهد و باعث اختلال در روابط بین کادر پزشکی به ویژه پرستاران و مادران شود. این رابطه آشفته و استرس و اضطراب موجود می تواند بر دلبستگی مادران تأثیر بگذارد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین دلبستگی و نیازهای مادران کودکان مبتلا به بیماری مزمن جسمی انجام گرفت. روش کار: در این مطالعه توصیفی همبستگی، ۱۷۳ نفر از مادران دارای کودک با بیماری مزمن جسمی بستری که به صورت در دسترس از کل بخش های بستری بیمارستان کودکان مردانی آذری تبریز از مرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۳ انتخاب گردیدند، شرکت نمودند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، دلبستگی مادر به کودک (MPAS) و نیازهای والدین (NPQ) انجام شد و تحلیل داده ها به وسیله نرم افزار spss21 و با استفاده از آزمون های آمار توصیفی، همبستگی پیرسون، تی تست مستقل، آزمون آنوا و آزمون تعقیبی توکی انجام گردید. یافته ها: براساس نتایج، میزان دلبستگی مادران (۱۰/۷۳) و نیازهای تأمین شده آنان (۳۳/۶۲) بیشتر از حد متوسط و می باشد و بین نمره کل دلبستگی با نیازهای مادران ($P=0.14, r=0.11$) ارتباط آماری معنی داری وجود ندارد اما بین کیفیت دلبستگی با نیاز ($P=0.03, r=0.22$) همبستگی معنی دار مثبت ضعیفی مشاهده گردید. نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه بین تأمین نیازهای مادران و میزان دلبستگی ارتباط معنی داری وجود ندارد اما رفع نیازهای مادران می تواند بر کیفیت دلبستگی تأثیرگذار باشد. این مطالعه با کد اخلاق IR.TBZMED.REC.1402.226 به تایید کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی تبریز رسیده است. واژگان کلیدی: بیماری مزمن، دلبستگی، نیاز، مادر

The relationship between attachment and receipt of family-centered care in mothers of children with chronic physical illnesses

³ محمد ارشدی بستان آباد، ² حسین نامدار ارشتاب، © ¹ حسین معماری بناب

¹ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان

² استاد روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

³ دانشیار پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Abstract:

چکیده زمینه: امروزه علیرغم پیشرفت در درمان بیماری‌های مزمن در کودکان، کیفیت زندگی آنها هنوز ناشناخته است که باعث ایجاد اضطراب در مادران می‌شود و ممکن است روابط مادران و فرزندان را مختل کند. همچنین بستری شدن کودک در بیمارستان نیازهای بسیاری را برای مادران ایجاد خواهد کرد. با وجود سال‌ها ترویج مراقبت خانواده‌محور، نیازهای مادران هنوز به‌طور جامع برآورده یا درک نشده است که می‌تواند استرس و اضطراب مادران کودکان مبتلا به بیماری‌های مزمن را افزایش داده و باعث اختلال در روابط بین کادر پزشکی به‌ویژه پرستاران و مادران شود. این رابطه آشفته و استرس و اضطراب موجود می‌تواند بر دلبستگی مادران تأثیر بگذارد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین دلبستگی و فرآیند مراقبت خانواده‌محور در مادران کودکان مبتلا به بیماری مزمن جسمی انجام گرفت. روش کار: در این مطالعه همبستگی، ۱۷۳ نفر از مادران دارای کودک با بیماری مزمن جسمی بستری که به صورت در دسترس از کل بخش‌های بستری بیمارستان کودکان مردانی آذری تبریز از مرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۳ انتخاب گردیدند، شرکت نمودند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک، دلبستگی مادر به کودک، درک از فرآیند مراقبت خانواده‌محور انجام شد و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار ۲۱ spss و با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی، همبستگی پیرسون، t -test مستقل، آزمون Anova و آزمون تعقیبی Tukey انجام گردید. یافته‌ها: براساس نتایج، میزان دلبستگی مادران بیشتر از حد متوسط و میزان مراقبت خانواده‌محور انجام شده کمتر از حد متوسط می‌باشد. و بین نمره کل دلبستگی با فرآیند مراقبت خانواده‌محور ($P = 0.01$, $r = 0.19$) همبستگی مثبت وجود دارد. نتیجه‌گیری: براساس نتایج مطالعه حاضر انجام مراقبت‌های خانواده‌محور بر میزان دلبستگی مادران به کودکان دارای بیماری مزمن جسمی تأثیر گذار می‌باشد. این مطالعه با کد اخلاق IR.TBZMED.REC.1402.226 به تایید کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی تبریز رسیده است.

واژگان کلیدی: بیماری مزمن، دلبستگی، مراقبت خانواده‌محور، مادر

The relationship between receiving family-centered care and the needs of mothers with children with chronic physical illnesses.

©¹ حسین نامدار ارشتاب³ P³ حسین معماری بناب² محمد ارشدی بستان آباد²

¹ استاد روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

² دانشیار پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

³ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان

Abstract:

چکیده زمینه: بیماری‌های مزمن در کودکان، باعث ایجاد اضطراب در مادران می‌شود همچنین بستری شدن کودک در بیمارستان نیازهای بسیاری را برای مادران ایجاد می‌کند که با وجود سال‌ها ترویج مراقبت خانواده‌محور، نیازهای مادران هنوز به‌طور جامع برآورده یا درک نشده است که در نهایت می‌تواند استرس و اضطراب مادران کودکان مبتلا به بیماری‌های مزمن را افزایش بدهد. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین دریافت مراقبت خانواده‌محور و نیازهای مادران کودکان مبتلا به بیماری مزمن جسمی انجام گرفت. روش کار: در این مطالعه توصیفی همبستگی، ۱۷۳ نفر از مادران دارای کودک با بیماری مزمن جسمی بستری که به صورت در دسترس از کل بخش‌های بستری بیمارستان کودکان مردانی آذری تبریز از مرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۳ انتخاب گردیدند، شرکت نمودند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک، درک از فرآیند مراقبت خانواده‌محور (MPOC) (20) و نیازهای والدین (NPQ) انجام شد و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار spss21 و با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی، همبستگی پیرسون، تی تست مستقل، آزمون آنوا و آزمون تعقیبی توکی انجام گردید. یافته‌ها: براساس نتایج، نیازهای تامین شده مادران (۶۲/۳۳) بیشتر از حد متوسط و میزان مراقبت خانواده‌محور انجام شده (۷۰/۳۶) کمتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین بین نیازهای مادران با دریافت مراقبت خانواده‌محور ($P = 0.001$, $r = 0.63$) همبستگی معنی‌دار مثبت متوسطی وجود دارد. نتیجه‌گیری: براساس نتایج مطالعه حاضر انجام مراقبت‌های خانواده‌محور در رفع هر چه بیشتر نیازهای مادران می‌تواند تاثیر گذار می‌باشد. این مطالعه با کد اخلاق IR.TBZMED.REC.1402.226 به تایید کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی تبریز رسیده است. واژگان کلیدی: بیماری مزمن، مراقبت خانواده‌محور، نیاز، مادر

The Roadmap of Breastfeeding in Iran: From Policy-Making to Implementation in the Health Sector

² زهرا خاکدل جلودار, ©, ¹ زهرا شه کلاهی

¹ گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی فسا، شماره تماس: ۰۹۳۹۵۰۴۳۲۷۹

² مرکز تحقیقات مدیریت اقتصاد سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. شماره تماس: ۰۹۱۴۴۵۶۶۶۹۵

Abstract: Introduction: Breastfeeding is considered one of the main pillars of infant and maternal health, and effective policies in this area can contribute to reducing mortality, improving public health, and promoting equity. Given the crucial role of nurses, managers, and healthcare personnel in advancing these policies, the present study examines the evolution of breastfeeding policies in Iran, their alignment with global standards, and their implementation within the healthcare system. Methods: This scoping review was conducted using the PRISMA-ScR framework. Studies published between 2010 and 2024 were searched in reputable databases including PubMed, Scopus, Science Direct, Web of Science, ProQuest, SID, and MagIran, and were reviewed and analyzed based on inclusion and exclusion criteria. Studies were selected for review if they examined breastfeeding policies or strategies at the national level in the Islamic Republic of Iran, with a focus on policies promoting, supporting, or protecting breastfeeding. Additionally, studies analyzing the alignment of Iran's breastfeeding policies with global frameworks or the World Health Organization were considered. Results: A total of 330 articles were retrieved, of which 11 duplicates were removed, and 18 studies were reviewed. The results showed that Iran has made significant progress in promoting breastfeeding through the implementation of Baby-Friendly Hospital Initiatives, educational interventions, and national surveys. However, implementation gaps still exist, particularly in integrating policies into healthcare systems, ensuring managerial accountability, and addressing structural and equity-related barriers. Conclusion: To achieve full alignment with global standards, Iran needs to institutionalize breastfeeding policies within healthcare systems, strengthen intersectoral support structures, and establish mechanisms for continuous policy evaluation and implementation. Keywords: Breastfeeding, policy, Exclusive breastfeeding, Health Policy, Iran.

The Role of Artificial Intelligence and Machine Learning in the Future of Pediatric Nursing: A Review of the Application of AI in Early Disease Diagnosis and Prediction of Treatment Outcomes in Children

Kousar Soltani¹ ©, Mahsa Cheraghi² ®, Maryam Rangrazi³

¹ Kousar Soltani Msn Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

² Mahsa Cheraghi Msn Student in Nursing, School of Nursing & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Maryam Rangrazi Nursing student, Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Abstract:

مقدمه: ادغام هوش مصنوعی (AI) و یادگیری ماشین (ML) پتانسیل بالایی در زمینه پزشکی، به ویژه تشخیص و مدیریت بیماری‌های مزمن در کودکان و نوجوانان نشان داده است. این بررسی سیستماتیک به منظور تحلیل جامع و سنتز تحقیقات در مورد کاربرد AI برای نظارت، هدایت و کمک به بیماران pediatric با بیماری‌های مزمن انجام شده است. با توجه به افزایش شیوع بیماری‌های مزمن مانند دیابت، آسم و بیماری‌های کلیوی در کودکان، AI می‌تواند ابزارهای نوینی برای بهبود مراقبت‌های شخصی‌سازی شده، پیش‌بینی نتایج و حمایت از تصمیم‌گیری‌های بالینی ارائه دهد. این مطالعه بر روندهای نوظهور تمرکز دارد تا چشم‌اندازی برای آینده‌پژوهی در پرستاری کودکان فراهم کند. روش کار این بررسی سیستماتیک بر اساس راهنمای PRISMA انجام شد. جستجو در پنج پایگاه الکترونیکی اصلی (Medline, Scopus, PsycINFO, ACM, Web of Science) مقالات مرتبط صورت گرفت. مطالعات اصلی، چکیده‌های کنفرانس و proceedings که بر کاربردهای AI در مراقبت از بیماری‌های مزمن pediatric تمرکز داشتند، آورده شدند. معیارهای ورود شامل مطالعات منتشر شده از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵، با تمرکز بر کودکان و نوجوانان (۱۸-۰ سال) بود. دو پژوهشگر مستقل داده‌ها را استخراج کرده و اختلافات را از طریق بحث حل کردند. داده‌های استخراج شده شامل روش AI، طراحی مطالعه، جمعیت، مداخله و نتایج اصلی بود. ارزیابی کیفیت مطالعات با ابزارهای استاندارد مانند-AMSTAR ۲ انجام شد. در نهایت، ۳۱ مطالعه واجد شرایط بودند که عمدتاً بر داده‌های retrospective تکیه داشتند. یافته‌ها: کاربردهای AI متنوع بودند و شامل طبقه‌بندی بیماری (مانند بیماری کلیوی مزمن با دقت ۹۲٪)، پیش‌بینی نتایج (مانند تاخیر در کاهش کراتینین پس از پیوند کلیه) و حمایت تصمیم‌گیری (مانند رعایت راهنماهای آسم) می‌شدند. AI در تحلیل سلامت روانی، مانند استفاده از نمونه‌برداری صوتی یا داده‌های رسانه‌های اجتماعی برای پیش‌بینی نتایج درمانی، عملکرد خوبی نشان داد. ابزارهای مبتنی بر AI مانند اپلیکیشن‌های انسولین برای دیابت نوع ۱ و ربات‌های humanoid برای مدیریت دیابت، پذیرش بالایی در میان کاربران داشتند. اکثر مدل‌ها بر داده‌های retrospective آزمایش شدند و عملکرد بالایی گزارش کردند، اما مطالعات prospective محدود بودند. نتیجه‌گیری: هرچند AI پتانسیل بالایی در مراقبت از بیماری‌های مزمن کودکان دارد، اکثر مطالعات پروژه‌های تحقیقاتی کوچک مقیاس هستند. نیاز به پیاده‌سازی‌های بالینی prospective برای اعتبارسنجی اثربخشی در دنیای واقعی وجود دارد. ملاحظات اخلاقی، تأثیرات فرهنگی و نگرش ذی‌نفعان باید در تحقیقات آینده ادغام شوند. این بررسی نشان می‌دهد که AI می‌تواند نقش حمایتی مهمی در پرستاری کودکان ایفا کند، اما نیازمند توسعه بیشتر است. کلمات کلیدی: هوش مصنوعی؛ یادگیری ماشین؛ کودکان و نوجوانان بیمار مزمن؛ پرستاری کودکان؛ مدیریت بیماری‌های مزمن

The role of augmented reality technology in improving self-management of Pediatrics asthma

Maedeh Nasirifar¹ ©, Pegah Matourypour² ©

¹ Master's student in medical Surgery, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² PhD in Nursing, Assistant Professor, Department of medical Surgery Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran p-matourypour@tums.ac.ir

Abstract: Introduction: The emergence of new technologies, including text-message-based interventions, smartphone applications, and augmented reality (AR) has facilitated the introduction of effective treatment methods in clinical settings. Augmented reality, as a delivery method for asthma self-management education, may provide a new, exciting, and effective way to provide asthma education to children and serve as a message for health professionals to start reviewing inhaler devices. The aim of this narrative review is to examine the impact of augmented reality (AR) in the management of children's respiratory problems. Method: The databases PubMed, Sciondirect, Wiley, and the search engine Google Scholar were searched in January 2025. The keywords and phrases used for the search were: “augmented reality technology”, “pediatric”, and “asthma”, using the Boolean operators AND, NOT, and OR in different combinations. Studies from 2015 to 2025 were included. A total of 2,419 initial records were retrieved. After screening and applying inclusion and exclusion criteria, 12 studies were finally selected for data extraction and pooling of findings. Findings: To speed up treatment, technologies such as augmented reality may offer an innovative and low-cost solution. Several areas of asthma self-management can be improved with the use of digital technology, including disease disparities, medication adherence, patient-physician communication, patient-to-patient education, and passive monitoring of patient characteristics and behaviors that can enable timely intervention. Reviews of delivered health care education have identified effectiveness for outcomes such as improved knowledge, adherence to medications or treatment, and improved clinical care. AR may be an effective strategy for providing education to parents with low literacy levels and is an important area that needs to be addressed, as it is associated with poorer asthma control and less adherence to asthma treatment. Children's greater adoption of the latest technologies can make new technologies easier for them to apply than for older populations and help increase treatment compliance in pediatric populations who have a lower understanding of disease and treatment in traditional medical care. Conclusion: AR appears to be an acceptable method for providing asthma education to children. Although some challenges in the use of AR were identified, the results were mostly positive. Future designs of asthma education interventions should focus on further research into feasibility, usability, barriers, and facilitators of behavior change to ensure the successful implementation and adoption of AR in clinical settings. Keywords: Augmented reality, self-management, asthma, children

The Role of Digital Parenting Practices in Mitigating Screen Addiction and Enhancing Psychological Well-being in Children: An Integrative Review

Ali Karamoddin ¹ ©, Ali Dayyabi ¹, Farnoosh Tajik ² ©

¹ Student Research Committee, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

² 1-Nursing care research center, Semnan University of medical sciences, Semnan, Iran, 2- Department of Pediatric and Neonatal Nursing, School of Nursing and Midwifery, Semnan University of Medical Sciences, Semnan, Iran

Abstract: Background: The proliferation of digital devices has transformed children's daily lives, offering educational and social benefits. However, excessive screen exposure has been associated with negative outcomes, including problematic media use, screen addiction, emotional disturbances, and behavioral difficulties. Parental mediation plays a central role in shaping children's digital experiences. This review aimed to evaluate the role of digital parenting practices in mitigating screen-related harms and enhancing psychological well-being in children. Method: A systematic review was conducted on studies published between January 2020 and August 13, 2025. Databases searched included PubMed/MEDLINE, Embase, Scopus, Web of Science Core Collection, Cochrane CENTRAL, and CINAHL. The search strategy combined controlled vocabulary (MeSH) and free-text terms related to parent-child relations, parental mediation, screen time, internet addiction, gaming disorder, and child mental health. Eligible studies were English-language, peer-reviewed, and full-text, addressing the impact of parental mediation on children's digital behaviors and psychological outcomes. Two independent reviewers screened studies, extracted data, and appraised risk of bias using standardized tools. Results: 1. Active Mediation: Open discussions about digital content improved children's critical thinking, reduced problematic media behaviors, and enhanced emotional regulation. 2. Autonomy-Supportive Dialogue: Guidance while respecting children's input promoted self-regulation, resilience, and fewer behavioral problems. 3. Guided Co-Use: Shared screen activities (e.g., co-playing games) strengthened parent-child bonding, improved social-emotional development, and lowered screen addiction risk. 4. Restrictive/Technical Controls: Limits, monitoring, and filters reduced overall screen time; however, effects on psychological well-being were inconsistent, and excessive restrictions could increase resistance or reduce digital competence. 5. Parental Digital Literacy Training: Structured programs increased parental confidence, improved mediation practices, and indirectly supported children's behavioral and emotional outcomes. Conclusion: Evidence supports promoting active, relational and informed digital parenting to mitigate screen related harms and enhance child well-being. Parents should be equipped with digital literacy skills, adaptive strategies, and reflective guidance, while future research explores long-term impacts and culturally sensitive interventions. Keywords: Parenting; Internet addiction; children; Screen time.

The Role of Emerging Technologies in Enhancing Social Skills of Children with Autism Spectrum Disorder

Hamed Samadpour ¹ ©, Sougand Setareh ² ®

¹ Department of Health Information Management, School of Allied Medical Sciences, Tehran University of Medical Sciences Tehran Iran.

² Traditional medicine and materia medica research center(TMRC) of Shahid beheshti University of Medical Sciences

Abstract: Background and Objective: Autism Spectrum Disorder (ASD) is one of the most common neurodevelopmental disorders, characterized by communication, social, and behavioral challenges. In recent years, emerging technologies such as virtual reality (VR), mobile applications, social robots, and AI-based systems have been proposed as complementary tools for the therapy and rehabilitation of children with ASD. This study aimed to review the existing evidence on the role of emerging technologies in enhancing the cognitive, social, and emotional skills of children with ASD. Methodology: This review article examined studies published in international scientific databases over the past few years. Findings related to various technological interventions—including virtual reality (VR), mobile applications, assistive social robots, and augmented reality-based games combined with neurofeedback—were extracted and analyzed. Results: The findings indicated that VR-based interventions improved social interaction, eye contact, and emotion recognition (Cheng et al., 2021; Froli et al., 2024). Mobile applications helped enhance facial and emotional recognition and communication abilities (Escobedo et al., 2021). Assistive social robots were effective in developing turn-taking skills, fine motor coordination, and social engagement (Robinson et al., 2022). Moreover, augmented reality games combined with neurofeedback significantly improved the focus and attention of children with ASD (Lee et al., 2025). Evidence highlights that personalizing technology to the individual needs of each child is a key factor in increasing the effectiveness of interventions. Conclusion: Emerging technologies represent promising and practical tools for the rehabilitation and treatment of children with autism. They can serve as a complement to traditional interventions to improve the quality of life for these children and their families. However, challenges such as cost, unequal access, and the need for long-term studies to assess the durability of effects remain.

The Role of Gamification in Enhancing Treatment Adherence Motivation in Children with Cancer: A Systematic Review

Mehrangiz Ghabimi ¹ ©, Navaz Emadi ² ®

¹ Student Research Committee, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

² Department of E-learning in Medical Education, Center of Excellence for E-learning in Medical Education, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract: : Introduction Childhood cancer poses significant challenges that affect both physical and psychological aspects of treatment adherence. Gamification—integrating engaging and interactive elements—has gained recognition as a promising tool to enhance compliance, reduce anxiety, and improve patient cooperation. Serious digital games foster a sense of control, minimize stress, and encourage active participation in medical routines. This systematic review examines the impact of gamification on adherence to treatment in pediatric oncology. Methods : A comprehensive search was conducted across Web of Science, PubMed, Scopus, and Google Scholar, between 2010 to 2025. The search included the keywords "gamification," "pediatric," "neoplasm," and "compliance." Studies meeting inclusion criteria were independently reviewed, extracting data related to treatment adherence, stress reduction, patient engagement, and digital dependency issues. The PRISMA checklist guided study selection, and the ROBIS tool was used for quality assessment of articles. Results : A total of 18 studies were analyzed. Among them, 14 studies (77%) demonstrated a significant improvement in adherence rates, whereas 4 studies (23%) emphasized gamification's role in reducing anxiety and stress among pediatric cancer patients. A study involving 24 children revealed that 80% showed an increased willingness to continue treatment, and 75% of children aged 6–12 demonstrated improved self-care behaviors such as hygiene, nutrition, and rest. Moreover, knowledge assessments before and after game-based interventions indicated that children's understanding of cancer and its treatment improved notably. Further comparative analysis revealed that three studies addressed concerns about excessive screen dependency, indicating that some children developed a habit of prolonged mobile phone use due to digital interventions, potentially affecting social engagement and real-world interactions. Serious digital games like Pets vs Onco and mobile applications such as HomeTown played a crucial role in enhancing treatment compliance through interactive education, health reminders, and structured learning tools. Experts suggest that while gamification is effective, its implementation should include measures to mitigate digital overuse in young patients. : Conclusion Gamification-based interventions in pediatric oncology significantly enhance treatment adherence, reduce stress, and improve self-care routines. However, concerns related to screen dependency warrant further investigation to optimize digital strategies. Integrating interactive education, entertainment-driven therapy, and psychological support strengthens treatment engagement and patient-provider communication. Future research should refine gamified approaches to balance therapeutic benefits with reduced digital reliance, ensuring long-term effectiveness. Keywords: gamification, pediatric, neoplasm, compliance, treatment adherence

The Role of Gut Microbiome in Neurobehavioral Disorders in Children: A Systematic Review with Focus on Pediatric Nursing Care and Rehabilitation

©¹ شیوا فرجام
P² نعله پرندآور

کارشناس پرستاری، فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران¹

کارشناس ارشد مامایی، سرپرست کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران²

Abstract:

هدف: پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که محور روده-مغز نقش اساسی در رشد عصبی و رفتاری کودکان ایفا می‌کند. میکروبیوم روده، فراتر از نقش گوارشی، در توسعه عملکرد مغزی، تنظیم خلق و خو و رفتار کودکان اهمیت دارد. اختلال در تعادل میکروبیوم روده (دیس‌بیوزیس) در سال‌های اولیه زندگی با اختلالات روان‌رفتاری مرتبط است. هدف این مطالعه مروری، بررسی شواهد علمی پیرامون نقش میکروبیوم روده در توسعه رفتاری-عصبی کودکان و تحلیل پیامدهای بالینی آن در مراقبت‌های پرستاری و نقش پرستاری در پیشگیری، شناسایی زودهنگام و توانبخشی می‌باشد. روش کار: در این مرور نظام‌مند، مقالات منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ در پایگاه‌های PubMed، Scopus و Web of Science جستجو شدند. مجموعاً ۲۹۸ مقاله شامل ۲۱۵ مقاله مشاهده‌ای و ۸۳ مقاله مداخله‌ای با کیفیت بالا وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود شامل پژوهش‌های مرتبط با میکروبیوم روده و اختلالات عصبی-رفتاری کودکان زیر ۱۸ سال بود. کیفیت مقالات با استفاده از چک‌لیست CASP و معیارهای معتبر روش‌شناسی ارزیابی شد و شامل طراحی مطالعه، مشخص بودن جمعیت، تعریف متغیرها، کنترل سوگیری و صحت داده‌ها بود. استانداردهای گزارش علمی و اصول اخلاقی رعایت شدند. یافته‌ها: شکل‌گیری و توسعه میکروبیوم سالم در سال‌های ابتدایی زندگی تحت تأثیر نوع زایمان (طبیعی یا سزارین)، نوع تغذیه (شیر مادر یا شیر خشک)، مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها و شرایط محیطی مانند سبک زندگی قرار دارد. عدم تعادل میکروبیوم روده در نوزادی و کودکی می‌تواند خطر اختلالاتی مانند طیف اوتیسم، بیش‌فعالی/نقص توجه (ADHD)، اضطراب، اختلال خواب، مشکلات رفتاری و نوسانات خلقی را افزایش دهد. مداخلاتی مانند تغذیه با شیر مادر و مصرف پروبیوتیک‌ها و پری‌بیوتیک‌ها می‌توانند تمرکز، تعامل اجتماعی، ثبات هیجانی و مهارت‌های شناختی کودکان را بهبود دهند. از منظر مراقبت پرستاری، این یافته‌ها اهمیت آموزش والدین درباره سبک زندگی و تغذیه سالم، پایش مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها و داروهای مؤثر بر میکروبیوم، شناسایی زودهنگام علائم رفتاری غیرطبیعی و مشارکت در برنامه‌های توانبخشی فردمحور را برجسته می‌سازد. پرستاران با دانش میکروبیوم می‌توانند در طراحی مداخلات پیشگیرانه و ارجاع به‌موقع کودک به تیم‌های درمانی چندرشته‌ای نقش مؤثری داشته باشند. نتیجه‌گیری: میکروبیوم روده نقش مهمی در رشد رفتاری-عصبی کودکان دارد. پرستاران با بهره‌گیری از این دانش در پیشگیری، غربالگری و توانبخشی اختلالات روانی کودکان مؤثرند. تقویت نقش پرستاران در آموزش والدین، مراقبت فردمحور مبتنی بر میکروبیوم و ارجاع به‌موقع، علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی کودکان، موجب کاهش بار روانی و مالی خانواده‌ها و سیستم سلامت شده و چشم‌اندازی عملی برای بهبود سلامت روانی نسل آینده فراهم می‌کند. این نتایج می‌تواند مبنایی برای طراحی راهبردهای بالینی و پژوهش‌های آینده در پرستاری کودکان باشد.

The role of oxytocin in the treatment of autism spectrum disorder in children: A review study

© P¹ مطهره نقی زاده عباس آباد

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران¹

Abstract:

- زمینه و اهداف اختلالات طیف اوتیسم (ASD) از جمله اختلالات رشدی عصبی هستند که با نارسایی در تعاملات اجتماعی، ارتباطات کلامی و غیرکلامی و الگوهای رفتاری تکراری مشخص می شوند. امروزه اختلال طیف اوتیسم در سراسر جهان و ایران از شیوع بالایی برخوردار است. با وجود پیشرفت های قابل توجه در زمینه شناخت علل و علائم اوتیسم، هنوز درمان قطعی جهت بهبود اکثر علائم آن وجود ندارد. اکسی توسین به عنوان یک نوروپپتید میتواند از طریق ارتباط با بسیاری از سیستم های نوروترانسمیتری در مغز بر بهبود توجه، حافظه و یادگیری ارتباطی اثر بگذارد. این مطالعه با هدف بررسی نقش داروی اکسی توسین در درمان اختلال طیف اوتیسم کودکان انجام شد. مواد و روش ها در این مرور ساده، جستجو با استفاده از کلید واژه های فارسی اوتیسم، کودک اوتیستیک، اکسی توسین و درمان و معادل انگلیسی آنها در عنوان و چکیده مطالعات و در پایگاه های بین المللی و ملی PubMed, ScienceDirect, SID, Magiran و موتور جستجوگر Google Scholar صورت گرفت. در جستجوی اولیه ۱۴۸ مقاله به دست آمد. در نهایت با توجه به معیار های ورود (فول تکس، مقالات ۵ سال اخیر و انتشار به فارسی/انگلیسی) و معیار های خروج (کامنت، نامه و مطالب خاکستری) و حذف موارد تکراری و انطباق با هدف، ۱۱ مطالعه وارد تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها کودکان مبتلا به اوتیسم با انجام گونه ای از رفتارها (تکراری کلیشه ای، تعاملی و آسیب رسان) میکوشند تا از این راه سیستم عصبی خود را در جهت تحریک حسی برانگیخته کنند و یا برعکس. اکسی توسین از راه تنظیم هومئوستاتیک و تضعیف حسی، این ساختار را به ویژه از نظر خودتحریکی، کنترل میکند. از سمتی این رفتارها ممکن است به دلیل مشکلات اضطرابی و پاسخ به استرس باشد که سبب ایجاد یک پاسخ ستیز و گریز اشتباه می شود. به نظر می رسد با توجه به نقش اکسی توسین در کاهش مقدار استرس و اضطراب و نقش دیگر آن در تضعیف حسی میتواند در فرایند مهار و کاهش رفتار های فرد مبتلا به اوتیسم کمک کننده باشد. نتیجه گیری استفاده از داروی اکسی توسین به صورت اسپری درون بینی میتواند رفتارهای چالشی کودکان مبتلا به اوتیسم را بهبود بخشد. بنابراین با توجه به نقش حیاتی هورمون اکسی توسین در جهت تنظیم تعاملات اجتماعی، اجرای ساز و کار مناسب جهت استفاده از این دارو و یا ترکیب آن با سایر روش های درمانی و رفتاری جهت بهبود رفتاری کودکان مبتلا به اوتیسم حائز اهمیت است. کلمات کلیدی اوتیسم، کودک اوتیستیک، اکسی توسین، درمان

The role of pediatric nurses in promoting the health and well-being of the next generation

© P¹ رقیه عابدی گیلوندانی

کارشناس ارشد مدیریت، مدیر پرستاری بیمارستان کودکان حکیم¹

Abstract:

موضوع: نقش پرستاران کودکان در ارتقای سلامت و رفاه نسل آینده رقیه عابدی گیلوندانی کارشناس ارشد مدیریت پرستاری، مدیر پرستاری بیمارستان کودکان حکیم مقدمه: کودکان به‌عنوان گروهی حساس، نیازمند مراقبت و محبت ویژه‌اند. دوران کودکی برای رشد جسمی، عاطفی و روانی آن‌ها حیاتی است و پرستاران کودکان نقش کلیدی در این فرآیند دارند. این پرستاران با ارائه مراقبت‌های پزشکی، تغذیه مناسب، فعالیت‌های آموزشی و تفریحی، به سلامت و رشد کودکان کمک می‌کنند. آن‌ها باید دانش و تجربه کافی داشته باشند تا نیازهای جسمی، عاطفی و روانی کودکان را برآورده کرده و با رفتار مهربانانه، حس امنیت و آرامش را به آن‌ها منتقل کنند. بحث: پرستاران کودکان باید مهارت‌های ارتباطی قوی داشته باشند تا با والدین به‌طور موثر ارتباط برقرار کنند. این ارتباط، والدین را به‌عنوان شریکان مراقبت درگیر کرده و به بهبود فرآیند مراقبت کمک می‌کند. آن‌ها با تشخیص زودهنگام مشکلات سلامتی، ارائه راهکارهای مناسب و آموزش والدین در زمینه تغذیه، بهداشت و تربیت، از بیماری‌ها و خطرات محیطی پیشگیری می‌کنند. در مواقع اضطراری نیز نقش حفاظتی ایفا می‌کنند. سازگاری اجتماعی، توانایی تعامل پذیرفته‌شده در جامعه، از جنبه‌های مهم رشد کودکان است. پرستاران با حمایت روانی و آموزش والدین، به تقویت این مهارت کمک می‌کنند. مراقبت خانواده‌محور، با تمرکز بر حفظ یکپارچگی خانواده و حمایت از والدین، به کاهش استرس و بهبود سلامت کودکان منجر می‌شود. بیمارستان‌ها محیطی استرس‌زا برای کودکان و والدین هستند و پرستاران با ارائه اطلاعات صادقانه، حمایت عاطفی و راهنمایی، نقش مهمی در کاهش فشارهای روانی و افزایش سازگاری خانواده دارند. نیازهای والدین شامل دریافت اطلاعات دقیق، اطمینان از مراقبت مطلوب، حمایت و مشاوره است. پرستاران با شناسایی این نیازها و برقراری ارتباط نزدیک، می‌توانند به والدین کمک کنند تا با بیماری کودک کنار بیایند. مطالعات نشان می‌دهد حمایت اجتماعی پرستاران، به‌ویژه حمایت عاطفی، استرس و افسردگی والدین را کاهش داده و رضایت از مراقبت را افزایش می‌دهد. نتیجه: برای بهبود سلامت کودکان، ارتقای دانش و مهارت پرستاران، ایجاد شرایط کاری مناسب و تقویت همکاری با تیم درمانی ضروری است. این اقدامات نه تنها سلامت کودکان را بهبود می‌بخشد، بلکه به ارتقای سطح سلامت عمومی جامعه کمک می‌کند. توجه به نقش پرستاران و حمایت اجتماعی آن‌ها، گامی موثر در راستای رفاه کودکان و خانواده‌ها است.

The Role of Play Therapy and Art Therapy in Reducing Post-Traumatic Stress in School-Aged Children: Systematic Review

Somayyeh Ahmadi ¹ ©, Negin Sedighi ², Fakhr Al-Sadat Mirjalili ³, Zohreh Shayegh ⁴ ©

¹ Research Committee, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

² BSC of Nursing, Bone Marrow Transplant Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

³ BSC of Nursing, Pediatric Oncology Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

⁴ Msc of Midwifery, High-Risk Pregnancy Department, Shahid Sadoughi Hospital, Yazd, Iran

Abstract: Introduction: Post traumatic stress disorder (PTSD) in school aged children can result from exposure to traumatic events such as accidents, abuse, natural disasters, or witnessing violence. PTSD in this age group is associated with emotional dysregulation, academic decline, social withdrawal, and long term mental health risks. Play therapy and art therapy, as developmentally appropriate and expressive interventions, enable children to process trauma through symbolic and creative activities, thereby reducing symptom severity and improving emotional resilience. This systematic review aimed to evaluate the effectiveness of play therapy and art therapy in reducing PTSD symptoms among children aged 6–12 years. Methods: Following PRISMA guidelines, a comprehensive literature search was conducted in PubMed, Scopus, Web of Science, and the Cochrane Library, covering January 2010 to April 2025. Keywords included “play therapy,” “art therapy,” “post traumatic stress disorder,” “children,” and “school aged.” Randomized controlled trials, quasi experimental studies, and pre post designs evaluating these therapies were included. Studies without validated PTSD outcome measures or non school aged populations were excluded. Methodological quality was appraised using the Joanna Briggs Institute (JBI) checklist. Due to heterogeneity in intervention designs and assessment tools, a narrative synthesis was undertaken. Results: Seventeen studies, involving 1,032 participants, met the inclusion criteria. Intervention durations ranged from 6 to 12 weeks, with sessions delivered in school, community, or clinical settings. Twelve studies reported significant reductions in total PTSD symptom scores (pooled standardized mean difference [SMD] = -0.58; 95% CI: -0.74 to -0.42). Improvements were most notable in re experiencing and avoidance subscales. Programs combining both play and art therapy modalities yielded the greatest overall effect. Conclusion: Evidence suggests that play therapy and art therapy are effective, child friendly interventions for reducing PTSD symptoms in school aged children. Their integration into trauma focused pediatric mental health services may facilitate recovery and enhance psychosocial functioning. Further large scale RCTs are needed to determine optimal program length, setting, and therapeutic components. Keywords: Play Therapy, Art Therapy, Post Traumatic Stress Disorder, School Aged Children, Pediatric Mental Health.

The Role of the Nurse in Facilitating Parent Empowerment: Implementing Collaborative Models in Child-Centered Care

© P¹ سیده فاطمه قاسمی

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد¹

Abstract:

در سیستم مراقبت کودک‌محور، پرستاران بیش از هر گروه درمانی دیگر در تماس مستقیم با کودک و خانواده هستند و نقش کلیدی در فرآیند توانمندسازی والدین بر عهده دارند. توانمندسازی به معنای مشارکت فعال، ایجاد حس کنترل، کاهش وابستگی و ارتقای آگاهی و مهارت‌های مراقبتی والدین است. این سخنرانی به بررسی نقش پرستار به عنوان تسهیل‌گر این فرآیند می‌پردازد؛ نقشی که فراتر از ارائه مراقبت جسمی است و نیازمند مهارت‌های ارتباطی، آموزشی و روان‌شناختی عمیق است. مدل‌های مشارکتی مانند مدل مراقبت مشارکتی (Collaborative Care)، مدل توانمندسازی تدریجی، و رویکردهای تلفیقی که در آن خانواده، پرستار و تیم درمان به عنوان یک واحد عمل می‌کنند، در این مدل‌ها، پرستار نه تنها آموزش‌دهنده است، بلکه به والدین در درک شرایط بیماری کودک، مشارکت در تصمیم‌گیری، کاهش ترس و اضطراب، و برنامه‌ریزی مراقبت پس از ترخیص کمک می‌کند. توانمندسازی والدین تنها از طریق آموزش حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تعامل فعال، شنیدن نگرانی‌ها، فراهم‌سازی حمایت عاطفی، و برقراری رابطه مبتنی بر اعتماد است. این رابطه دو سویه، بنیان مشارکت موفق در مراقبت است. تمرکز ویژه‌ای بر توانمندسازی والدین توسط پرستار در شرایط خاص مانند بستری شدن طولانی، جراحی‌های پیچیده، بیماری‌های مزمن، و شرایط بحرانی از اولویتهای مراقبت پرستاری است. چالش‌های پیاده‌سازی توانمندسازی والدین توسط پرستاران شامل کمبود منابع انسانی (حجم بالای کار، کمبود نیروی پرستاری، و فشار کاری شدید، فرصت لازم برای تعامل عمیق، آموزش مؤثر و گفت‌وگوی مستمر با والدین را از پرستاران می‌گیرد)، فقدان آموزش کافی پرستاران، و مقاومت در برابر مشارکت والدین می‌باشد. برای غلبه بر این چالش‌ها پیشنهاد میشود که برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت ویژه پرستاران با تأکید بر مهارت‌های ارتباطی، آموزش‌محور و خانواده‌محور طراحی شود و همچنین بستر فرهنگ مشارکت در تیم درمانی و تقویت مهارت‌های همدلی، شنیدن فعال، مدیریت تعارض، و آموزش مؤثر به والدین آموزش فراهم گردد. در نهایت، اگر هدف ما ارتقای کیفیت مراقبت از کودک و افزایش رضایتمندی خانواده‌هاست، باید پرستار را به عنوان یک تسهیل‌گر در مسیر توانمندسازی شناسایی و بسترهای لازم را برای ایفای مؤثر این نقش فراهم کنیم.

The role of the nurse in improving the psychological and social adaptation of children with chronic illness and their families.

² فاطمه ولی زاده ،² سیده فاطمه قاسمی ،¹ © P, M ژگان ساکی

کارشناس ارشد پرستاری کودکان ، دانشکده پیراپزشکی و توانبخشی ، دانشگاه علوم پزشکی لرستان ، خرم آباد ، ایران ¹

دانشیار پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران ²

Abstract:

نقش پرستار در بهبود سازگاری روانی ، اجتماعی کودکان با بیماری مزمن و خانواده های آنها نویسندگان : ژگان ساکی، سیده فاطمه قاسمی، فاطمه ولی زاده کداخلاق: مقاله مربوط به پانل میباشد. مقدمه و هدف: کودک مبتلا به بیماری مزمن قادر به شرکت در فعالیت‌هایی که برای سن او طبیعی تلقی می‌شود، نیست. پرستاران بایستی بتوانند نه تنها مشکلات جسمی، بلکه پیامدهای روانی - اجتماعی کودک و خانواده او را مد نظر قرارداد و آنها را تسکین دهند. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش پرستار در بهبود سازگاری اجتماعی، روانی کودکان با بیماری مزمن و خانواده های آنها انجام شد. روش کار: این مطالعه از نوع مطالعات مروری بوده و داده‌های آن از طریق بررسی متون و اسناد به منابع علمی حاصل از جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی ScienceDirect ، Medlin ، Irandoc ، SID ، Google Scholar ، Iran Medex ، Magiran فراهم شده است. یافته ها: نحوه واکنش و مواجهه کودک با بیماری مزمن بسته به ویژگی‌های شخصیتی، سن، نگرش‌های اجتماعی، رابطه کودک با والدین و سایر عوامل، متفاوت است. پرستاران اطفال باید مداخلات خانواده محور و همچنین آموزش فرزندپروری را برای بهبود پیامدهای روانی- اجتماعی این کودکان ارائه دهند. کودکان بدون حمایت پرستار، خانواده و اعضای آن ممکن است روش‌های نامناسبی را برای مقابله امتحان کنند. پرستاران می‌توانند مستقیماً با والدین همکاری کنند و با ایجاد ارتباطات ایده آل که با همدلی شروع میشوند و سپس با پیشنهادهایی برای راهبردهای مقابله‌ای صحیح و سازنده به کودکان و خانواده های آنها، آنها را برای تماس با خانواده‌های دیگری که مشکل مشابهی دارند، ترغیب نمایند. نقش پرستار، حمایت، اطلاع رسانی، آموزش در مورد مراقبت و درمان کودک و آماده‌سازی کودک و والدین و سایر اعضای خانواده برای سازگاری با شرایط جدید بیماری است. اطلاعات برای والدین باید پیوسته، متناسب با مراحل پیشرفت بیماری و شامل شرایط جدید در صورت بروز و همچنین با در نظر گرفتن اضطراب والدین باشد. سه منبع اصلی حمایت که برای خانواده بایستی وجود داشته باشد: حمایت حرفه‌ای، حمایت خویشاوندی و گروه‌های خودیاری میباشد. نقش تیم مراقبت‌های بهداشتی زمانی بیشترین فایده را دارد که بتواند عوامل استرس‌زای موقع شناسایی کند و به کودک و خانواده اش کمک کند تا رویکردهای سازنده‌ای را اتخاذ کنند. مناسب‌ترین مرحله برای این مداخله در مراحل اولیه و در اسرع وقت پس از تشخیص است. عامل بسیار مهم دیگر در مقابله با بیماری‌های مزمن، حمایت اجتماعی در جهت سازگاری اجتماعی است که به این منظور بایستی به این موارد توجه گردد: الف) تشخیص زودهنگام به منظور کاهش پیامدهای منفی بیماری ب) مواجهه با مشکلات جسمی و روانی کودک بحث و نتیجه‌گیری: پرستاران بایستی نقش خود در مراقبت روانی- اجتماعی از کودک و خانواده های آنها را به خوبی شناخته و در این راستا به کاهش این پیامدها کمک نموده و با شناخت بیشتر ارزش تیم‌های چند رشته‌ای در تقویت همکاری پایداری متخصصان مراقبت‌های بهداشتی با هدف بهبود استاندارد مراقبت خانواده محور و پرداختن اساسی به چالش‌های پیش روی کودک و خانواده اش در بهبود سازگاری روانی- اجتماعی این کودکان و خانواده هایشان نقش بسزایی را ایفا نمایند. کلیدواژه ها: پرستار، حمایت روانی - اجتماعی، کودک، خانواده

The Role of Trauma-Informed Care in Pediatric Nursing During Disasters: A Systematic Review

Farkhonde¹ © ®

¹ M. Sc. student of Medical-Surgical Nursing, Students' Scientific Research center, Tehran University of Medical Science, Tehran, Iran.

Abstract: Introduction: Children are especially vulnerable during disasters and need particular attention and care. Crisis management is a key challenge in pediatric emergency nursing, involving both rapid medical response and attention to the emotional needs of children and their families. Effective crisis care requires evidence-based strategies informed by psychology, child development, and family-centered approaches. Pediatric emergencies require specialized care due to the unique physiological and psychological characteristics of children. Healthcare providers need specific skills to respond effectively to urgent pediatric crises. Trauma-Informed Care (TIC) is a vital framework in pediatric crisis care that emphasizes understanding the widespread impact of trauma on children. TIC shifts the focus from blaming the child to understanding their experiences, promoting empathy and more effective support during crises. Therefore, this study proposed to determine the role of trauma-informed care in pediatric nursing during disasters. Search Method: A review was performed independently based on the PICO criteria and aligned to the research objective and based on the PRISMA checklist and using PubMed, CINAHL, Medline, Web of Science, SID databases Google Scholar search engine, and Boolean operators. The time limit between 2020 and 2025 was determined using the MESH keywords “trauma-informed care”, “nurse”, “disaster”, “crisis”, “children” and “pediatric”. After checking the entry and exit criteria and critically evaluating the quality of the selected articles, a total of 12 articles were included in the study. Results: TIC creates a safe environment where children feel secure. Practitioners identify trauma signs and involve children in their care to help them regain control during crises. TIC is essential for ensuring patients’ physical and emotional safety. TIC can enhance children’s resilience. Lack of TIC in pediatric healthcare may cause significant harm, particularly through retraumatization when children’s experiences are overlooked. Conclusion: Broad implementation of TIC supports effective crisis response and mitigates adverse effects in future traumatic events. TIC appears to improve all facets of children’s emotional and behavioral wellbeing. Adverse childhood experiences significantly affect children’s overall growth and health, with these impacts persisting into adulthood. Implementing a trauma-informed care framework across various healthcare settings is essential to prevent long-term negative outcomes through supportive interventions. Pediatric nurses are encouraged to employ strategies that emphasize patient autonomy, safety, active listening, and shared decision-making to avoid retraumatization and promote healing. Keywords: trauma-informed care, nurse, crisis, disaster, children, pediatric

The Role of Virtual Reality on Pain, Fear, and Anxiety During Port Catheter Placement in Pediatric Oncology Patients: A Systematic Review

Mahsa Khedmatizare¹ © ®, Zahra Kafshgar¹, Arghavan Namdari¹

¹ MSc Student of Medical-Surgical Nursing, Students' Scientific Research Center, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract: Introduction: Port catheter placement in pediatric oncology patients is a common invasive procedure often accompanied by significant pain, fear, and anxiety. Non-pharmacological methods, particularly virtual reality, have recently gained attention as adjunct tools for pain reduction and enhancement of the patient experience. This systematic review was conducted with the objective of examining the role of virtual reality in alleviating pain, fear, and anxiety in pediatric oncology patients during port catheter placement. Materials and methods: A systematic review was conducted in accordance with PRISMA guidelines. Comprehensive searches were performed in PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar for studies published between 2020 and 2025. The search targeted articles employing the keywords “Virtual Reality”, “VR”, “Pain”, “Anxiety”, “Fear”, “Port Catheter”, “Implantable Venous Access Device”, “Pediatric”, “Children” and “Oncology”. Studies were included if they: (1) involved pediatric oncology patients undergoing port catheter placement, (2) applied virtual reality interventions, and (3) reported outcomes related to pain, fear, or anxiety. Exclusion criteria were: non-randomized designs, reviews, case reports, and non-English studies. A total of 212 records were retrieved. After removing duplicates and screening titles and abstracts, 24 articles remained for full-text review. Finally, six randomized controlled trials met eligibility criteria and were included in the analysis. Results: Recent randomized controlled trials have demonstrated that virtual reality significantly alleviates pain and anxiety in patients. Additionally, the interactive and game-based characteristics of virtual reality are instrumental in reducing fear and fostering cooperation among pediatric patients. Emerging evidence further supports the use of virtual reality as an effective adjunctive intervention in outpatient clinical settings for the reduction of patient stress and pain. This systematic review ultimately highlights that virtual reality constitutes a safe and efficacious modality for enhancing the treatment experience of pediatric oncology patients undergoing port catheter placement, thereby helping to alleviate procedural-related concerns. Conclusion: Virtual reality technology, as a novel, safe, and non-pharmacological intervention, has shown considerable promise in alleviating pain, fear, and anxiety in pediatric oncology patients undergoing port catheter placement. The utilization of this technology has the potential to enhance the cohesiveness of the patient’s therapeutic experience and improve the overall quality of care. However, given the limitations in the existing body of research, there is a critical need for more extensive and methodologically robust studies to establish and refine practical and clinical guidelines for its effective application. Keywords: Virtual reality, Pain, Fear, Anxiety, Port catheter, Pediatric, Oncology

Title: The Role and Effectiveness of Play Therapy in Improving the Physiotherapy Experience of Children: A Systematic Review

©¹ فاطمه اعتمادی نیا² نگین جواهری عقیف

¹ Master's student in pediatric Nursing, Student Research Committee, Faculty of Nursing and midwifery, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

² Student of Physiotherapy, School of Rehabilitation Sciences, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Abstract: Background and Aim: Children, due to their developmental and psychological characteristics, often experience anxiety, resistance, and reduced cooperation during physiotherapy sessions. These conditions can complicate the treatment process and decrease the effectiveness of interventions. Play therapy, as a child-centered and innovative approach, is applied to reduce fear and anxiety and enhance cooperation in therapeutic settings. This study aimed to systematically review the existing evidence on the role and effectiveness of play therapy in improving children's physiotherapy experience. Methods: A comprehensive search was conducted in PubMed, Scopus, Web of Science, and Google Scholar using related keywords including Play Therapy, Physiotherapy, Children, Pediatric Rehabilitation. This review was designed and implemented based on PRISMA guidelines. Articles published between 2015 and 2025 that investigated play therapy interventions during or alongside pediatric physiotherapy sessions were included. In the initial search, 868 articles were identified. After removing duplicates and screening titles and abstracts, 83 articles underwent full-text review. Finally, 13 eligible studies were included in the analysis. Results: The reviewed studies indicated that play therapy, whether in the form of traditional motor and interactive activities or through modern technologies such as digital games and virtual reality, significantly reduced anxiety and perceived pain, enhanced cooperation and motivation, and improved functional outcomes of children during physiotherapy sessions. Conclusion: Available evidence suggests that integrating play therapy into pediatric physiotherapy can improve the therapeutic experience and functional outcomes of children. Given the limited sample sizes and heterogeneity of study designs, future research with stronger methodologies and long-term follow-up is recommended.

Unstable Self-perception in children with cancer

³ محمد امرایی، © ² فاطمه سپهوند، ¹ فاطمه ولی زاده

دکترای پرستاری. استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، ¹

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران ²

کارشناس پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران ³

Abstract:

مقدمه: سرطان دوران کودکی باعث ایجاد موقعیت‌های آسیب‌زای جسمی و روحی می‌شود. این امر می‌تواند مشکلاتی را برای رشد و توسعه ادراک از خود در کودکان ایجاد کند. این مطالعه با هدف تبیین تجربیات کودکان مبتلا به سرطان در مورد ادراک از خود انجام شد. مواد و روش‌ها: این مطالعه کیفی یک مطالعه تحلیل محتوا با شرکت ۲۱ کودک، اعضای خانواده و متخصصان بهداشت بود که به روش هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های فردی و زوجی، بحث‌های گروهی متمرکز و یادداشت‌های میدانی جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها بر اساس گام‌های پنج‌گانه الو و کینگاس انجام شد. دقت و استحکام تحقیق با استفاده از معیارهای گوبا و لینکلن تضمین شد. یافته‌ها: در مجموع ۴۰۰ کد از تجزیه و تحلیل داده‌ها به دست آمد و با مقایسه مستمر کدها، مضامین اصلی خودپنداره ناپایدار و مضامین تصویر تحریف شده بدنی (خود فیزیکی) و خود شخصی متزلزل (خود شخصی) انتزاع شد. نتیجه‌گیری: تصویر بدنی و هویت کودکان و نوجوانان مبتلا به سرطان به راحتی تحت تأثیر تغییرات جسمی و تجربیات ناشی از بیماری و درمان آن قرار می‌گیرد. عدم ثبات کودک در ارزیابی و درک از خود منجر به یک خودپنداره ناپایدار و هویت نامشخص خواهد شد که می‌تواند به طور قابل توجهی بر رفاه و فرآیند سازگاری آنها تأثیر گذار باشد. توجه به احساسات کودک، کمک به او برای فهمیدن تغییرات، تقویت نقاط قوت و مثبت اندیشی، تعیین اهداف کوتاه مدت قابل دستیابی و فراهم کردن حمایت معنوی می‌تواند راهی برای تقویت خودپنداره و تصویر بدنی مثبت در این کودکان باشد.

Using Air Cushion in the Prevention of Occipital Pressure Ulcer in Children Undergoing Heart Surgery

Azita Matinpour¹ © ®, Sedigheh Khanjari²

¹ Tabriz University of medical science

² : Department of Pediatric Nursing, Nursing Care Research Center, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract:

زمینه و هدف: بیماری قلبی مادرزادی یکی از علل اصلی مرگ و میر در سال اول زندگی کودکان است. یکی از مهم‌ترین عوارض پس از جراحی قلب در این بیماران، ایجاد زخم فشاری به‌ویژه در ناحیه پس‌سری سر است که می‌تواند منجر به درد، عفونت و طولانی شدن مدت بستری شود. بنابراین پیشگیری از این عارضه اهمیت بالایی دارد. هدف از این مطالعه، بررسی اثر استفاده از بالش بادی در پیشگیری از زخم فشاری پس‌سری در کودکان تحت جراحی قلب باز بود. روش‌ها: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی بود که بر روی ۱۳۵ کودک ۰ تا ۱۲ ساله تحت عمل قلب باز در دو مرکز قلب تبریز و تهران انجام شد. کودکان به صورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. گروه مداخله از بالش بادی استفاده کردند که دارای سیستم پمپاژ متناوب بود و با ایجاد موج‌های ۳ تا ۴ سانتی‌متری فشار را کاهش می‌داد. این بالش‌ها با ابعاد ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر، ضدآب و ضدحساسیت بودند و روی آن‌ها پوشش نخی قرار داشت. گروه کنترل از روش‌های معمول برای قرار دادن سر استفاده کردند. ارزیابی زخم فشاری با استفاده از مقیاس‌های NPUAP و Braden Q انجام شد و داده‌ها با آزمون‌های آماری شامل کی‌دو، فیشر، تی مستقل، من-ویتنی و تحلیل کوواریانس بررسی شدند. نتایج: در گروه کنترل، میزان بروز زخم فشاری پس‌سری پس از جراحی ۳۸.۷٪ بود، که روز اول به ۷۱٪ و روز دوم به ۶۷.۷٪ رسید. در مقابل، در گروه مداخله هیچ زخم فشاری مشاهده نشد. پیش از جراحی، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود نداشت، اما پس از جراحی و در روز دوم، نمرات زخم فشاری در گروه مداخله به‌طور معنی‌داری بهتر از گروه کنترل بود. ($P=0.002$) نتیجه‌گیری: استفاده از بالش بادی متناسب با سن و وزن کودکان می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر و ایمن برای پیشگیری از زخم فشاری پس‌سری در کودکان تحت جراحی قلب باز به کار گرفته شود و می‌تواند از عوارض ناشی از این زخم‌ها، از جمله درد، عفونت و طولانی شدن مدت بستری جلوگیری کند.

Using serious game approach for teaching appropriate behavior regarding security in virtual space to children

© P 3 فاطمه ولی زاده³، سیده فاطمه قاسمی²، رسول صادقی¹، محمد مهدی منصوری

¹ کارشناسی ارشد پرستاری کودکان، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

² گروه مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

³ دانشیار آموزش پرستاری، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران

Abstract:

مقدمه: امروزه اینترنت بخش زیادی از وقت کودکان را به خود اختصاص داده و آنان را در معرض خطرات امنیت در فضای مجازی قرارداده است. مطالعه حاضر با هدف طراحی و ارزیابی برنامه کاربردی مبتنی بر بازی جدی برای آموزش کودکان در مورد امنیت در فضای مجازی انجام شد. مواد و روش‌ها: این مطالعه‌ی کاربردی در ۴ مرحله انجام شد. ۱- محتوای اپلیکیشن به روش مرور متون گردآوری و با تأیید ۱۰ متخصص آموزش پرستاری کودکان، فناوری اطلاعات و کامپیوتر و محاسبه روایی محتوا اعتباریابی شد. ۲- محتوا به صورت فایل متنی، تصاویر، نقاشی‌ها و صداها ضبط شده همراه با نمای کلی برنامه روی صفحه‌ی بازی مارپله برای تیم طراح با تخصص‌های گرافیک، کامپیوتر و برنامه‌نویسی ارسال شد. اپلیکیشن با نرم‌افزارهای تری‌دی-مکس، فتوشاپ، افترافکت و یونیتی-تری‌دی در محیط اندروید طراحی شد. ۳- نرم‌افزار برای ۴۰ دانش‌آموز ۱۵-۶ ساله نصب و سه روز بازی را انجام دادند. ۴- شرکت‌کنندگان پرسشنامه کاربردی‌پذیری سیستم تعدیل‌شده برای کودکان را تکمیل کردند. از فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و آزمون کای-دو برای تجزیه تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج: محتوای برنامه کاربردی شامل ۵۲ پیام در پنج موضوع قلدری؛ کلاهبرداری و سرقت؛ فریبکاری؛ آزار و اذیت و محتوای نامناسب جنسی؛ در فضای سایبری بود. نتایج $CVI=99/0=CVR\ 0/99$ بود. پس از نصب و اجرای اپلیکیشن، ۵ جزیره وجود دارد. با کلیک بر هر جزیره بازی مارپله اجرا می‌گردد. هنگام انجام بازی کاربر در بعضی خانه‌ها با سوالاتی در مورد رفتارهای درست/نادرست امنیت در فضای مجازی مواجه می‌شود و باید تلاش کند با پاسخ درست از نیش مارها دوری و از پله‌ها بالا رفته و به بالاترین خانه صفحه، یعنی خانه ۱۰۰ برسد و ۵ مرحله را سپری کند. اکثر مشارکت‌کنندگان (۵۰٪) کاربردی‌پذیری نرم‌افزار را زیاد ارزیابی کردند. تفاوت کاربردی‌پذیری نرم‌افزار بین دو گروه سنی کمتر و بیشتر از ۹ سال از لحاظ آماری معنادار بود ($p=0.001$) نتیجه‌گیری: این نرم‌افزار اندرویدی با قابلیت نصب در موبایل و تبلت؛ امنیت در فضای مجازی را در قالب بازی با در نظر گرفتن فرهنگ اسلامی برای کودکان ایرانی ارائه کرد. در حین بازی کودکان یاد می‌گیرند با انتخاب رفتار مناسب در فضای مجازی پاداش می‌گیرند و اگر انتخاب اشتباهی داشته باشند با مجازات و سختی روبرو خواهند شد. استفاده از این برنامه به ویژه برای کودکان ۹ ساله و بالاتر جهت آموزش امنیت فضای مجازی به کودکان پیشنهاد می‌شود. کلمات کلیدی: امنیت در فضای مجازی، آموزش، بازی جدی، کودکان کد اخلاق:

IR.LUMS.REC.1401.161 از دانشگاه علوم پزشکی لرستان

Using the Internet of Things (IoT) in improving the management of chronic diseases

³ محمد مهدی فداییان، ² امیر محمد فراتی، ¹ الهام میراحمدی

¹ گروه پرستاری و مامایی، واحد علوم پزشکی سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

² دانشجوی کارشناسی پرستاری، واحد علوم پزشکی سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

³ دانشجوی کارشناسی پرستاری، واحد علوم پزشکی سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

Abstract:

چکیده اینترنت اشیا (IoT) با بهره‌گیری از حسگرهای هوشمند و شبکه‌های ارتباطی، تحولی بنیادین در مدیریت بیماری‌های مزمن همچون دیابت، نارسایی قلبی و بیماری انسدادی مزمن ریه (COPD) ایجاد کرده است. این فناوری از طریق پایش لحظه‌ای علائم حیاتی (مانند فشار خون، قند خون و ضربان قلب) و انتقال داده‌ها به پلتفرم‌های ابری، امکان نظارت مستمر و مراقبت از راه دور را فراهم می‌سازد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که IoT با کاهش نیاز به مراجعات حضوری، به‌ویژه در بیماران ساکن مناطق محروم، نه تنها هزینه‌های درمان را کاهش می‌دهد، بلکه کیفیت زندگی بیماران را نیز بهبود می‌بخشد. روش: این مطالعه به صورت مرور روایتی انجام شد. جستجوی مقالات در پایگاه‌های معتبر از جمله PubMed و ScienceDirect در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۰ تا ژوئیه ۲۰۲۵ صورت گرفت. کلیدواژه‌های مورد استفاده شامل «Internet of Things»، «Chronic Disease»، «Remote Monitoring» و معادل‌های فارسی آن‌ها بود. معیار ورود، مقالات اصیل و مروری مرتبط با کاربرد اینترنت اشیا در مدیریت بیماری‌های مزمن نظیر دیابت، نارسایی قلبی و COPD بود که متن کامل آن‌ها در دسترس قرار داشت. پس از غربالگری، مطالعات واجد شرایط انتخاب و داده‌ها به روش تحلیل موضوعی مرور شدند. یافته‌ها: مرور مطالعات منتشر شده نشان می‌دهد که اینترنت اشیا در محورهای زیر اثربخش بوده است: ۱. تشخیص زودهنگام: سیستم‌های هشدار خودکار از تشدید بیماری جلوگیری می‌کنند. ۲. پیروی پایبندی به درمان: یادآوری مصرف دارو و تنظیم دوز بر اساس داده‌های لحظه‌ای بیمار. ۳. مدیریت بیماری‌های خاص: از جمله پایش مداوم سطح گلوکز در دیابت و میزان اکسیژن خون در COPD. نتیجه‌گیری: با وجود مزایای گسترده، چالش‌هایی همچون امنیت داده‌ها، استانداردسازی دستگاه‌ها و پذیرش بیماران وجود دارد. با این حال، ادغام IoT با یادگیری ماشین و کلان‌داده‌ها در حوزه‌هایی نظیر سرطان و بیماری‌های قلبی، دقت پیش‌بینی و مدیریت درمان را افزایش داده است. بنابراین IoT پتانسیل تبدیل شدن به ستون فقرات مراقبت‌های سلامت شخصی‌سازی شده را دارد، اما تحقق این ظرفیت مستلزم همکاری نزدیک متخصصان پزشکی، مهندسان فناوری و سیاست‌گذاران سلامت برای غلبه بر چالش‌های فنی و اخلاقی است. کلمات کلیدی: اینترنت اشیا، بیماری‌های مزمن، مراقبت از راه دور، پایش سلامت، فناوری پزشکی

چالش‌های پرستاران در کار با کودکان و راهکارهای مقابله با آن

©¹ راحله قاسمی،¹ زهرا عزیزخانی،¹ صغری لطفی پور

سرپرستار¹

Abstract:

برقراری ارتباط موثر/ کودکان به دلیل سن کم و عدم توانایی در بیان احساسات ممکن است نتواند نیازهای خود را بدرستی ابراز کنند و این امر بر کیفیت مراقبت تاثیر می‌گذارد. مدیریت رفتار کودکان/ کودکان در محیط بیمارستان و درمانی دچار و ترس شدید و اضطراب میشوند و رفتارهای غیر قابل پیش بینی از خود نشان میدهند که این رفتار مدیریت خاص را میطلبد. بار عاطفی و استرس پرستار/ دیدن درد و رنج کودکان اضطراب و تنش درد در پرستاران را افزایش داده و سبب فرسودگی و بی انگیزه گی میشود. حمایت پرستاران از خانواده ها/ پرستاران باید از خانواده کودکان حمایت عاطفی کنند و اطلاعات لازم را براساس پرستاران در زمینه مراقبت از کودکان با چالش های خاصی مواجه هستند که میتواند بر کیفیت مراقبت و سلامت روان آنها تاثیر بگذارد از آنجا که کودکان به دلایل سن و شرایط خاص خود نیازهای متفاوتی دارند شناخت این چالش ها و ارایه راهکارهای مناسب اهمیت ویژه ای برخوردار است. چالش ها: دستور العمل درمان ارایه دهند این کار زمان بر و نیاز به مهارت ارتباطی پرستار دارد. کمبود منابع و تجهیزات/ در برخی مراکز یا بیشتر مراکز با کمبود امکانات و منابع و تجهیزات مواجه هستند که میتواند بر کیفیت مراقبت تاثیر منفی بگذارد. تفاوت فرهنگی اجتماعی و دینی و خرده فرهنگ ها راهکارهای مقابله با این چالش ها: آموزش مهارت ارتباطی بهبود مهارت ها مدیریت درد کودکان تجویز و مدیریت مناسب دارو برای کنترل درد، ایجاد محیط امن و آرام برای کودک چون کودک در بدو ورود ناشناختگی فوبیا از امپول و سوزن و سایر پروسیجر های تهاجمی کودک را وحشت زده میکند. در مدیریت رفتار کودکان درک نیازهای کلامی و غیرکلامی کودک را درک کنیم برقراری ارتباط با والدین میتواند بینش ارزشمندی در رابطه با عادات و ترجیحات و نگرانی های کودک میدهد پس با حفظ حریم خصوصی کودک در انتخاب نوع لباس و نوع تغذیه جدای از رژیم خاص و ایجاد محیط امن و آرام به تشویق به تنفس عمیق فعالیت تفریحی به اتاق بازی، کتاب داستان خواندن که حواسم کودک را پرت کنیم. در رابطه با حمایت از خانواده ها، همدلی لبخند نوازش کردن کلمات مثبت و تاثیر گذار دلگرم کننده، تا حدی زیادی با این گونه چالش ها میشود دست و پنجه نرم کرد. مسیله دیگر تفاوت فرهنگی اجتماعی خانواده هاست باید این تفاوت ها بررسی و درک شوند و مورد احترام قرار گیرد. عدم درک این موضوعات اثر مراقبتی را کاهش میدهد. حمایت از پرستاران از نظر عاطفی، برانگیختگی انگیزه شغلی برنامه های آموزشی

حمایت از حقوق مراقبین سلامت

³ امین نیکومنظری، ² سمیع اله کاظمی، ¹ فاطمه حاجی بابایی

¹ دانشیار، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

² وکیل دادگستری، دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

³ قاضی دادگستری، دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

Abstract:

مقدمه و اهداف: ارائه دهندگان خدمات سلامت نقش به سزایی در حفظ سلامت جسمی و روانی بیماران دارند که نیاز به توجه ویژه‌ای به حمایت حقوقی و قانونی از این کارکنان است. هنگامیکه بیمار به مراکز ارائه دهنده خدمات سلامت مراجعه می‌نماید، تحت تاثیر فشارهای روانی است که این فشارهای روانی چه از سوی بیمار و چه از سوی همراهان وی، به کادر درمان از جمله پزشکان و پرستاران منتقل شده و موجب ورود صدمات معنوی و فیزیکی به ایشان می‌گردد. این در حالیست که در نظام‌های حقوقی کشورهای توسعه یافته، در راستای حمایت از حقوق مراقبین، مقررات حمایت‌کننده قانونی اعم از کیفری و حقوقی وضع گردیده و به نوعی این حمایت‌های قانونی موجب ارتقاء کیفیت مراقبت کادر درمان از یک سو و از سوی دیگر دلگرمی ایشان در مواجهه با اقدامات نابهنجار بیمار و یا همراهان وی می‌گردد. این پژوهش با هدف بررسی حمایت‌های قانونی از کادر درمان به واکاوی قوانین جاری و مقررات حاکم در کور پرداخته است تا علاوه بر شناسایی وضع موجود، به بهسازی نظام قانونی از باب وضع قوانین حمایتی لازم نیز نائل گردد. روش کار: در این مطالعه از روش کتابخانه‌ای، قوانین و مقررات جاری مورد تدقیق و کنکاش قرار گرفته است. یافته‌ها: بررسی انجام شده حاکی از آن بود که صرفاً مقرراتی در خصوص وضعیت معیشتی و یا سامان‌دهی کاری کادر درمان و مراقبین سلامت وجود دارد و در خصوص حمایت کیفری و مدنی ایشان، قانون‌گذار چاره‌اندیشی خاصی را مناسب با خطرات و آسیب‌های بالقوه نیندیشیده است و در این موارد صرفاً قوانین عمومی از جمله مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و بخش دیات قانون مزبور از حقوق مراقبین سلامت حمایت می‌نماید که این حمایت می‌بایست مطابق با تهدیدها و خسارات بالقوه در سطحی کلان‌تر و تخصصی‌تر تقنین و اجرا گردد. بحث و نتیجه‌گیری: باید توجه داشت که رویکرد یک جانبه صرفاً در راستای حمایت از حقوق بیماران نه تنها گره‌ای از مشکلات نمی‌گشاید بلکه شکاف‌ها را نیز عمیق‌تر می‌کند و از سوی دیگر نیز این تصور که حقوق بیمار و حقوق مراقبین در مقابل یکدیگر قرار دارند نیز صحیح نیست. از این رو تا زمانی که قانون‌گذار ضمن شناسایی تهدیدها و خسارات بالقوه، اقدامات حمایتی سختگیرانه‌ای را برای کادر درمان و مراقبین سلامت در نظر نگیرد، نمی‌توان از ایشان توقع داشت نسبت به انجام کلیه تکالیف قانونی و اخلاقی خود اهتمام ورزند. واژگان کلیدی: مراقبین سلامت، حمایت کیفری

حمایت کیفری از پرستاران و کادر درمان: تضمین امنیت شغلی و ارتقای کیفیت مراقبت از کودکان

©³ سمیع اله کاظمی²، فاطمه حاجی بابایی¹، امین نیکومنظری³

¹ قاضی دادگستری، دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

² دانشیار، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، نشانی: تهران، میدان توحید، دانشکده پرستاری و مامایی

³ وکیل دادگستری، دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Abstract:

حمایت کیفری از پرستاران و کادر درمان از اساسی‌ترین ارکان نظام سلامت محسوب می‌شود و نقش مهمی در ارتقای کیفیت مراقبت به‌ویژه در حوزه حساس سلامت کودکان دارد. پرستاران خط مقدم ارائه خدمات درمانی هستند و ارتباط مستقیم و روزانه آنها با بیماران و خانواده‌شان، آنان را بیش از هر گروه دیگری در معرض تهدیدات فیزیکی، کلامی و روانی قرار می‌دهد. خشونت علیه پرستاران می‌تواند به شکل توهین، تهدید، ضرب و جرح یا حتی حمله گروهی بروز یابد و پیامد آن نه تنها آسیب به سلامت فردی و روانی پرستاران است، بلکه کاهش تمرکز شغلی و افزایش احتمال خطاهای بالینی را در پی دارد؛ امری که در بخش کودکان می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. از این رو، ایجاد حمایت کیفری مؤثر برای این گروه شغلی ضروری است تا با جرم‌انگاری صریح رفتارهای خشونت‌آمیز در محیط‌های درمانی و پیش‌بینی مجازات‌های بازدارنده، امنیت روانی و شغلی آنان تضمین شود. در حقوق ایران، مقرراتی مانند مواد ۶۰۸ و ۶۱۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و بخشنامه‌های وزارت بهداشت وجود دارد، اما پراکندگی و ضعف ضمانت اجراها، همچنان موجب احساس ناامنی در محیط‌های درمانی است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده‌ها از طریق بررسی قوانین داخلی، آرای وحدت رویه و آیین‌نامه‌های وزارت بهداشت گردآوری و سپس با روش تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرو مانند فرانسه و ایالات متحده تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که تدوین قانون جامع حمایت کیفری از کادر درمان، تشکیل شعب ویژه رسیدگی به جرایم علیه آنان و فرهنگ‌سازی برای احترام به جایگاه پرستاران می‌تواند نقش مؤثری در کاهش خشونت و ارتقای کیفیت مراقبت از بیماران، به‌ویژه کودکان، ایفا کند. کلیدواژه‌گان: حمایت کیفری، پرستار، کادر درمان، خشونت علیه کارکنان سلامت، قانون مجازات اسلامی

مهارت‌های ارتباطی پرستار با والدین بیماران و نقش تاب‌آوری در مراقبت‌های پرستاری

© P¹ کبری رمضان نژاد آزاربني

سوپر وایزر بیمارستان کودکان حکیم¹

Abstract:

مهارت‌های ارتباطی پرستار با والدین بیماران شامل برقراری ارتباط موثر، گوش دادن فعال، ارائه اطلاعات واضح و مختصر، همدلی و احترام، و حفظ حریم خصوصی است. پرستاران با استفاده از زبان ساده و لحن آرامش‌بخش، اطلاعات دقیق و قابل فهم ارائه می‌دهند و از اصطلاحات تخصصی خودداری می‌کنند تا والدین بتوانند بهتر شرایط فرزندشان را درک کنند. گوش دادن فعال با حفظ ارتباط چشمی و استفاده از زبان بدن مناسب، باعث می‌شود والدین احساس کنند که نگرانی‌ها و سوالاتشان به طور کامل شنیده شده است. رفتار همدلانه و محترمانه، حمایت عاطفی والدین را تقویت کرده و استرس آنان را کاهش می‌دهد. همچنین، حفظ حریم خصوصی والدین و بیمار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از هرگونه رفتاری که موجب ناراحتی آنان شود، جلوگیری می‌کند. علاوه بر مهارت‌های ارتباطی، پرستاران باید صبور، قابل اعتماد، حرفه‌ای و دارای مهارت‌های حل مسئله باشند تا بتوانند به بهترین شکل از والدین حمایت کنند. تاب‌آوری به عنوان یک عامل محافظتی در برابر استرس‌ها و مشکلات مراقبتی والدین کودکان مبتلا به سرطان اهمیت ویژه‌ای دارد. والدین با تاب‌آوری بالا، فشارهای مراقبتی را بهتر تحمل می‌کنند و نیاز به حمایت‌های اجتماعی و آموزشی دارند. برنامه‌های آموزش تاب‌آوری مثبت‌گرا به والدین کمک می‌کند تا با تنظیم مؤثر هیجانات، مهارت‌هایی مانند شناسایی، برجسب‌گذاری و بیان سالم عواطف را یاد بگیرند. این آموزش‌ها همچنین بر پرورش احساسات مثبت مانند سپاسگزاری و امید تمرکز دارند تا مقاومت عاطفی والدین افزایش یابد و فشارهای روانی کاهش یابد. در نتیجه، ترکیب مهارت‌های ارتباطی پرستار با تقویت تاب‌آوری والدین می‌تواند کیفیت مراقبت و سلامت روان خانواده‌های بیماران را به طور قابل توجهی بهبود بخشد.